



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغیر

نویسنده:

محمد تقی اکبر نژاد

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

فهرست

۵	فهرست
۸	دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغیر
۸	مشخصات کتاب
۸	سخن ناشر
۸	مقدمه
۹	سه نوع استخاره از حضرت بقیة الله (ارواحنا له الفداء)
۱۰	دعاهای صادره برای دفع شر دشمنان و نیازهای بزرگ و استثنایی
۱۰	دعای چهارم
۱۰	قسمت اول
۱۳	قسمت دوم
۱۶	قسمت سوم
۲۰	قسمت چهارم
۲۱	دعای پنجم
۲۲	دعای ششم
۲۵	دعای هفتم
۲۶	دعای هشتم
۲۷	دعای نهم
۲۹	دعاهای صادر شده جهت ارتباط با امام زمان علیه السلام
۲۹	دعای اول
۳۰	دعای دوم
۳۱	دعای سوم
۳۴	دعای چهارم
۳۴	دعای پنجم

۳۵	دعای ششم
۳۵	دعای هفتم
۳۵	دعای هشتم
۳۸	دعای نهم
۳۸	دعای دهم
۳۹	دعای یازدهم
۴۰	دعای دوازدهم
۴۰	دعای سیزدهم
۴۲	متن صلوات خاصه
۴۳	دو قنوت از امام زمان علیه السلام
۴۴	دعای چهاردهم
۴۵	دعای پانزدهم
۴۶	امام زمان و زیارت شهدای کربلا
۴۶	دعای شانزدهم
۴۶	قسمت اول
۴۹	قسمت دوم
۵۳	قسمت سوم
۵۵	دعای هفدهم
۵۵	دعای هجدهم
۵۶	مناجات سایر ائمه از زبان امام زمان علیه السلام
۵۶	دعای نوزدهم
۵۸	زیارت امیرالمؤمنین در روز یکشنبه (۸۶)
۵۸	دعای بیستم
۵۸	دعای بیست و یکم

۵۹	دعاهای امام زمان علیه السلام در ماه مبارک ربیع
۶۰	دعای بیست و دوم
۶۰	دعای بیست و سوم
۶۱	دعای بیست و چهارم
۶۲	دعای بیست و پنجم
۶۲	دعای بیست و ششم
۶۵	دعای بیست و هفتم
۶۶	دعای بیست و هشتم
۶۸	متفرقه
۶۸	دعای بیست و نهم
۶۹	دعای سیام
۶۹	بی‌نوشت‌ها
۷۰	۱ تا ۵۲
۷۱	۵۳ تا ۹۰
۷۴	۹۰ تا ۱۰۳
۷۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغیر

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: دعاهای صادره از امام مهدی عجل الله تعالى و فرجه الشریف در عصر غیبت صغیر / گردآورنده محمد تقی اکبر نژاد. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص. شابک: ۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۸-۱۹۸: موضوع: دعاها موضوع: دعاها امام زمان(عج). شناسه افروده: اکبر نژاد، محمد تقی، گردآورنده رده بندی کنگره: BP۲۷۰/۱۳۸۸ ۱۳۸۸/۷۷۷/۲۹۷ شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۴۴۵۵۳ رده بندی دیوی: ۲۹۷/۷۷۷

سخن ناشر

بسمه تعالی السلام علی القائم المنتظر والعدل المشتهر در جهان امروز که با تبلیغ بی‌دینی و افکار انحرافی توسط مدعايان جهان تک قطبی و حقوق بشر دروغین، جوانان مسلمان و دیگر ادیان را به بیراهه می‌کشانند، امید به منجی موعد و مهدی منتظر، چراغ هدایت پویندگان راه حق و حقیقت خواهد بود. لذا برآن شدیم کتاب مجموعه کامل نامه‌ها و فرمایشات امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغیر، که توسط مؤلف محترم جناب آقای محمد تقی اکبر نژاد ترجمه گردیده است، را به زیور طبع بیارایم. امید است در عصر کنونی که انقلاب اسلامی ندای رسای منادیان دین و اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - را به گوش جهانیان رسانده و می‌رساند، انجام وظیفه‌ای کرده باشیم. از همه عزیزانی که ما را در رسیدن به این هدف پشتیبانی می‌نمایند؛ خصوصاً حضرت حضرت آیت الله وافی تولیت محترم و مدیران مسجد مقدس جمکران و همکاران کمال تشکر را داریم و امید است در پناه حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اهداف مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای را در عصر کنونی به منصه ظهور رسانیم. مدیریت انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

مقدمه

سلام و درود خدا بر مجاهدان راه خدا سلام و درود خدا بر سربازان سبز پوشی که حتی در عصر غیبت دست از جانبازی بر نداشتند و قدم در راه مبارزه گذاشتند. سلام و درود خدا بر آنان که مصدق بارز «أُولِئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱) هستند. زیرا در میان حزب‌های متشتّت و آلوده، خدا را صدا زدند و به رستگاری رسیدند. آنان که بعد از رستگاری و استقامت به غلبه کامله الهیه دست یافتند «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (۲) آنان که با عده کم خود بر عده زیاد دشمنان تا دندان مسلح غلبه کردند «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۳) و به دنبال طالوت زمانشان بر جالوت اسرائیل تاختند و لشکریان کفر را که با تکبر بر خود می‌بالیدند، خوار و ذلیل کرده و از هم پاشیدند «فَهَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» (۴) و همچون داود جالوت زمان خویش را به هلاکت رساندند «وَقَتَلَ دَاوُدْ جَالُوتَ» (۵) و به عزّت و ملک دست یافتند. «وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ» (۶) که اگر خدا چنین بندگانی نداشت، جالوتیان زمین را به فساد کامل می‌کشیدند و تمام روزنه‌های امید را به روی مردمان مستضعف می‌بستند. «وَلَوْ لَا دَفْعَ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِعَضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (۷) آری سلام و درود بی‌پایان خدا و ملائکه و انبیای الهی و اوصیای اخبار و تمام بندگان صالح و مستضعفان عالم بر آنان باد. سلام و درود خدا بر رزم‌مندگان غیور حزب الله لبنان و رهبر عربی آنان سید حسن نصر الله که بعد از سال‌ها مبارزه با ظلم، قدرت قاهره الهی را به رخ تمام جالوتیان کشیدند و تجلی گاه عزّت و افتخار اسلامی شدند. از آن جهت که اتمام این اثر مصادف با غلبه حزب خدا بر حزب شیطان و رسوایی اسرائیل و

تجلى عزّت اسلامی مردم لبنان بود، این اثر را به تمام رزمندگان غیور آن دیار و به خصوص رهبر آزاده و غیرتمندشان سید حسن نصرالله تقدیم می‌داریم. محمد تقی اکبر نژاد

سه نوع استخاره از حضرت بقیه الله (ارواحنا له الفداء)

دعای اول استخاره^(۸) به اسماء در نماز حاجت^(۹) این اسماء الهی بعد از نماز حاجت یا در هر حال دیگر جهت درخواست خیر از خدا خوانده می‌شود. ابوالف گفته است که این دعا آخرین توقيع صادره از حضرت بقیه الله می‌باشد. اللہم إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِيمَكَ الَّذِي عَزَّمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَاءِ أَوَاتٍ خَدَايَا ازْ تُو می خواهم به حرمت اسمی که با آن، آسمانها و زمین را اراده کردی و به آسمان والْمَأْرِضِ فَقْلَتْ لَهُمَا اتَّسِي طَوْعًاً وَكَرَهًاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعَيْنَ وَزَمِينَ امر کردی که خواه، ناخواه به وجود آیند و آنها گفتند که ما با فرمانبرداری و طیب نفس خلق و باشیمک الَّذِي عَزَّمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى فَإِذَا هِيَ تَلْقَفَ مِي شویم. و به حرمت اسمی که با آن، بر عصای موسی اراده کردی در نتیجه عصای او حیله‌های ما یافگون و اسئلک بِإِيمَكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّاحِرِ ساحران را بلعید از تو درخواست می‌کنم به حرمت آن اسمت، که با آن، دل‌های ساحران را به سوی إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا آمِنًا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رب موسی و هارون الله ربُّ الْعَالَمِينَ وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبَلِّي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ ایمان آوردیم.^(۱۰) تو خدا و پروردگار عالمیان هستی. و از تو می خواهم به حرمت قدرتی که هر چیز و تجدد بِهَا كُلَّ بَالٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتُهُ جدیدی را کهنه و هر چیز کهنه‌ای را تازه می‌کند. از تو می خواهم به خاطر تمام حقوقی که داری و تمام علیک. إنْ كَانَ هَيْدَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي حقوقی که بر عهده گرفته‌ای.^(۱۱) اگر این کاری که می خواهم انجام دهم، برای دین و دنیا و آخرت آن تصلی علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَسْلِيمٍ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَتَهْبِيَهٌ من مفید است، در این صورت بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخاندان او سلام و درودت را بفرست و آن را وَتُسَهِّلُهُ عَلَيَّ وَتَلْطُفُ لَيْ فِيهِ بِرَحْمَةِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. بر من سهل و آسان گردن و مرا درباره آن مورد لطف خود قرار بده، ای مهربانترین مهربانان. وإنْ كَانَ شَرَّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ تُصَلِّي عَلَى امَا اَكْرَبَ شَرَّ دِينِ وَدُنْيَا وَآخِرَتِي من در آن باشد، در این صورت بر مُحَمَّدٍ وَخاندانش مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَسْلِيمٍ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَآنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا سلام و صلوات بفرست و مرا از آن به گونه‌ای که خود می خواهی بازدار و مرا به قضای خودت شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وَتُؤْزِيَنِي بِقَضَائِكَ وَتَبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى راضی کن و در تقدیرات برای من وسعت عنایت کن تا جایی که اگر چزی را جلو انداختی، لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ أَخَرَّتُهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَّلَتُهُ. فإِنَّهُ تأخیرش را دوست نداشته باشم و اگر عقب انداختی، تعجیلش را دوست نداشته باشم. قطعاً لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ يَا عَلَيْهِ يَا عَظِيمِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. هیچ مانع و نیرویی غیر از خدا نیست. ای بالاتر و عظیم تر از هر چیزی ای صاحب جلالت و اکرام. دعای دوم استخاره با تسیح از حضرت قائم علیه السلام^(۱۲) علامه حلی رحمه الله با چند واسطه از حضرت قائم علیه السلام استخاره‌ای را نقل می‌کند که از این قرار است: ابتدا: ده بار سوره حمد، حداقل سه بار و لااقل یکبار قرائت شود. بعد: ده بار سوره قدر قرائت شود. سپس این دعا سه بار خوانده شود: اللہم إِنِّي أَسْأَلُكَ تَبَرُّكَ لِعِلْمِكَ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِحُسْنِ خَدَايَا بِي تَرْدِيدِ از تو خیرخواهی می‌کنم، به خاطر اینکه تو از نتیجه کارها خبر داری و با تو مشورت ظنی بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَمْنُورِ. اللہم إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفَلَانِي می‌کنم؛ زیرا در خوب و بد امور حُسن ظن و اطمینان کاملی به تو دارم. خداها اگر فلان قَدْ نِيَطَث بِالْبَرَكَةِ أَعْجَازُهُ وَبِوَادِيَهُ وَحُفَّتُ بالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ کار اول و آخرش با برکت به هم برسد و شب و روز آن را با کرامت و برکت، احاطه کند، ولیالیه فخر لی فیه خیره تَرُدَ شَمُوْسَهُ ذَلُولًا وَتَقْعُصُ أَيَّامَهُ در این صورت آن را برای من اختیار کن تا خورشیدش مطیع من باشد و روزهایش با شادی سُروراً. اللہم إِمَّا أَمْرٌ فَأَتِمْهُ وَإِمَّا نَهْيٌ فَأَنْتَهِی سپری گردد. خداها اگر امر آن کار می کنی، عمل می کنم. اگر نهی کنی، اقدام نمی کنم. اللہم إِنِّي أَسْتَخِرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَهُ فِي عَافِيَهٖ. خداها خیر خواهی می کنم با رحمت تو، انتخابی که در عافیت باشد. بعد از آن نیت کرده و

مقداری از تسپیح را می‌گیرد. آن را دو تا کم می‌کند. اگر در پایان دو تا ماند، خوب است و اگر فقط یکی ماند، بد است. دعای سوم استخاره با تکه‌های کاغذ حمیری ضمن سؤالی از حضرت بقیه الله سؤال می‌کند: سؤال: برای کسی مشکلی پیش می‌آید که نمی‌داند چه کار بکند. دو انگشت بر می‌دارد و در یکی می‌نویسد: بله انجام بده و در دیگری می‌نویسد: نه انجام نده. آنگاه مدام از خدا می‌خواهد که او را به راه پر خیر و برکت راهنمایی کند و سپس یکی از آنها را انتخاب می‌کند. هر کدام که آمد، طبق آن عمل می‌کند. آیا این نوع استخاره کردن جایز است؟ جواب: آنچه که سنت معصوم علیه السلام است، نماز و استخاره با تکه‌هاست. (۱۳)

دعاهای صادره برای دفع شر دشمنان و نیازهای بزرگ و استثنایی

دعای چهارم

قسمت اول

دعای فرج و گشايش مخصوص انبیاء از زبان امام زمان علیه السلام (۱۴) محمد بن علی علوی مصری نقل می‌کند که میان من و یکی از بزرگان شهرمان کدورتی پیش آمد که باعث شد من دچار گرفتاری بزرگی شوم و در مخصوصه عجیبی گرفتار شوم. به گونه‌ای که هیچ راه فراری برای خودم ندیدم. از این رو به حرم اجداد شریفم یعنی حرم امام حسین علیه السلام پناه بردم. پانزده روز در آنجا ماندم. شب و روز تصرّع کردم و دعاخواندم تا اینکه حضرت قائم علیه السلام را در خواب مشاهده کردم. خدا بر او و پدرانش بهترین تحییات و سلام‌ها را بفرستد. در حالتی میان خواب و بیداری بودم، که ایشان به من فرمودند: عزیزم از فلانی ترسیدی؟ عرض کردم: بله اگر مرا پیدا کند، قصد دارد فلان جنایات را در حق من انجام بدهد. لذا برای شکایت، به سوران خودم پناه آورده‌ام. تا مرا از دست او خلاص کنند. فرمود: تا به حال دعایی را که انبیا صلی الله علیه و آله برای گشايش گرفتاری‌ها می‌خوانندند، خوانده‌ای؟ عرض کردم: چگونه دعا می‌کردنند تا من هم دعا کنم. فرمود: وقتی که شب جمعه شد، بلند شو و غسل کن و نمازت را بخوان. زمانی که از سجده شکر فارغ شدی. در حالی که دو زانو نشسته‌ای این دعا را با تمام خشیت و تصرّع بخوان. ایشان پنج شب پشت سر هم آمد و حرف‌های قبلی و دعا را برايم تکرار کرد. تا اینکه دعا را حفظ کردم و دیگر ایشان به خوابم نیامندند. از خواب بلند شدم، غسل کردم، لباس‌هایم را عوض نمودم، خودم را معطر ساخته و نماز شب را خواندم. و بر روی زانو نشستم و دعا را آن طور که فرموده بود، خواندم. ایشان شب شنبه به خواب من آمد و فرمود: ای محمد دعايت مستجاب شد و دشمنت کشته شد. خداوند او را در همان لحظه که دعا را تمام کردی، هلاک کرد. زمانی که صبح شد، بلاfacله به حرم امام حسین علیه السلام رفته و با ایشان وداع کردم و به سوی منزلم راه افتادم. مقداری از راه را رفته بودم پیکی را که فرزندانم به دنبال من فرستاده بودند، دیدم. آنها نوشته بودند مردی که از دست او فراری بودی. عده‌ای را جمع کرده بود. آنها شب را به عیش و نوش پرداختند. وقتی که همه رفتند. او به همراه نوکرانش خوابید. وقتی که صبح شد و همه از خواب بیدار شدند. متوجه شدند که او کوچکترین حرکتی هم ندارد. لحاف را از روی او کشیده و دیده اند که او از پشت گردن بریده شده و خونش جاریست. این اتفاق در شب جمعه افتاده است. آنها هم نمی‌دانند که چه کسی این کار را انجام داده است. زمانی که به منزل رسیدم و از زمان دقیق هلاکتش پرسیدم. متوجه شدم که دقیقاً همزمان با پایان دعای من بوده است. اما دعا: ربِ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ بِرُورِدَگَارِ! کیست که تو را صدا بزند اما جوابش را نداده باشی. کیست که از تو و نداده باشی. وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَحَيَّنَهُ أَوْ تَغَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ رَبِّ هَيْذَا درخواستی کند کیست که تو را بخواند و مایوسش کنی. کیست که خود را به تو نزدیک کند فِرَعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوهِ وَادْعَائِهِ الرُّبُوبيَّةِ وَ تو دورش کنی. پروردگار! فرعون مقتدر را با وجود تمام

لجاجت و کفر و سرکشی لِنَفْسِهِ وَعِلْمِكَ يَا نَاهُ لَا يَتُوبُ وَلَا يَرْجِعُ وَلَا يُؤْبُ وَلَا يُؤْمِنُ وَادْعَاءِ خدایی اش و با وجود اینکه تو می‌دانستی او توبه نمی‌کند و بر نمی‌گردد و ایمان وَلَا يَحْسُنَ استجابت له دُعَاءَهُ وَأَعْطَيْتَهُ سُوْلَهَ كَرَمًا مِنْكَ وَجُودًا نَمِيَ آورده و بندۀ خاشعی نمی‌شود. با وجود همه اینها دعايش را مستجاب کردي و خواسته اش وَقَلَهُ مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عَظِيمِهِ عِنْدَهُ أَخْذًا بِحَجَّتِكَ را دادی؛ زیرا تو بزرگواری و آنچه که او می‌خواست برای تو کوچک بود، اگر چه برای او علیه وَتَأْكِيدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ وَأَسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَحِبَّرَ بَزَرْگَ بوده باشد. این کار را کردي تا اتمام حجت کرده باشی و آن را تأکيد کنی. آن هم در وَبِكُفْرِهِ عَلَيْهِمْ افتخر وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَيَحْلِمُكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ هنگامی که او گناه می‌کرد و کفر می‌ورزید و بر قوم خود بزرگی می‌کرد. او تکبیر می‌ورزید و با فَكْتَبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَهُ مِنْهُ أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُعْرَقَ کفرش بر قوم خود افتخار می‌کرد و با ظلم به خود کبر می‌وزید و با حلم تو ادعاهای بزرگ فِي الْبَحْرِ فَجَرَيْهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ داشت. به همین خاطر تو بر خود واجب کردي که او را به خاطر جسارت‌ش عذاب کنی و عذاب ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمْتَكَ مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعَبُودِيَّةِ مُقْرِّبًا نَاهَكَ أَنَّ اللَّهَ مثل او، آن بود که او را در میان دریای نیل غرق کردي. خدایا من بندۀ تو و فرزند بندۀ و کنیز حَمَالِقِي لَهَا إِلَهٌ لِي غَيْرُكَ وَلَهَا رَبٌّ لِي سِوَاكَ مُقْرِّبًا نَاهَكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ تو هستم. به عبودیت تو اعتراف می‌کنم. اقرار می‌کنم که تو خدا و خالق منی و خدایی جز تو إِيَّاهی عَالِمٌ بِنَاهَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ نیست. پروردگاری غیر از تو ندارم. اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی و به سوی تو خواهم آمد. ما تُرِيدُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ وَلَا رَادَ لِقَضَائِكَ وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ می‌دانم که تو بر هر کاری توانایی و هر کاری که اراده کنی و هر حکمی که بخواهی می‌کنم. وَالظَّاهِرُ وَالبَاطِنُ لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ وَلَمْ تَبِعْ عَنْ شَيْءٍ كُنْتَ قَبْلَ كُسْيَ حکمت را عقب نمی‌اندازد و قضایت را بر نمی‌گرداند و تو اول و آخر و ظاهر و باطن همه کُلِّ شَيْءٍ وَأَنَّتِ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْمُكَوَّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ خَلَقَتْ چیز هستی. از هیچ چیز نیستی و از چیزی ساخته نشده‌ای. قبل از همه بودی و بعد از همه نیز کُلِّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ وَأَنَّ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ خواهی بود و هستی بخش همه چیز نیز هستی. هر چیز را به اندازه آفریدی و شناو و بینایی. وَتَكُونُ وَأَنَّتَ حَقِّيْ قَيْوُمٌ لَهَا تَأْخُذُكَ سِتَّهُ وَلَهَا تَوْمٌ وَلَا تُوصَفُ شهادت می‌دهم که تو همان طور بودی و خواهی بود. تو زنده و قوام بخشی و زمان و خواب بِالْأَوْهَامِ وَلَا تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِ وَلَا تُقْاسُ بِالْمِقْيَاسِ وَلَا تُشْبِهُ وَافْكَارَ وَحَوَاسَ وَمَقَايِيسَ، هیچکدام گنجایش تو را ندارند. شبیه انسان‌ها نیستی و تمام بِالنَّاسِ وَإِنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَيْدُكَ وَإِمَاؤُكَ وَأَنَّتِ الرَّبُّ وَنَحْنُ مخلوقات، بندگان و کنیزان تو هستند. تو پروردگار و ما مورد تحت تربیت هستیم. تو خالق الْمَرْبُوْبُونَ وَأَنَّتِ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمُخْلُوْقُونَ وَأَنَّتِ الرَّازِقُ وَما مخلوق، تو روزی دهنده و ما روزی خوار تو هستیم. با این حساب، همه ستایش‌ها وَنَحْنُ الْمَرْزُوْقُونَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا متعلق به توست. ای خدای من، زمانی که مرا به صورت انسانی متعادل آفریدی و بی‌نیاز وَجَعَلْتَنِي غَيْرِيَاً مَكْفِيَاً بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا صَيْيَا تُقَوِّتُنِي مِنَ الثَّدِيِّ از دیگران ساختی در حالی که من در آغاز طلفی ضعیف بودم که از پستان، شیر گوارا لَهَا مَرِيَّنَا وَغَدَّيَّنِي عَذَاءً طَيِّبًا هَيْنِيَا وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثَالًا سَوِيًّا می‌خوردم، تو غذای پاک و گوارایی دادی و مرا مردی متعادل و سالم آفریدی. پس حمد فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ وَإِنْ وُضَعَ لَمْ يَتَسْعَ لَهُ شَيْءٌ وَثُمَّا مَخْصُوصَ توست. ثانیی که اگر شمارش شود، به شمارش نیاید و اگر قرار داده شود، حمدًا يَفْوُقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَيَعْلُو عَلَى حَمْدٍ كُلِّ جایی وسعت آن را نداشته باشد. ثانیی مافوق ثنای همه ثناگویان که از حمد هر چیز شَيْءٍ وَيُفْخَمُ وَيُعَظِّمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَكُلَّمَا حَمَدَ اللَّهُ شَيْءٌ بِالاتِّ باشد و بر همه آنها و تمام کسانی که خدا را حمد و ثنا گفته‌اند، غلبه یابد. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ وَزِنَهُ خدا را ثنا می‌گوییم. آن طور که دوست دارد ثنا شود. او را به تعداد مخلوقاتش و وزن ما خَلَقَ وَزِنَهُ أَجَلٌ ما خَلَقَ وَبِوَزْنِهِ [بِوَزْنِ أَخْفَ مَا خَلَقَ وَبِعِيدَدِ آنها و وزن بزرگ‌ترین آنها و کوچک‌ترینشان و به تعداد کوچکترین مخلوقاتش حمد أَصْبَحَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ الرَّضَا وَأَسَأَلَهُ وَسْتَایش می‌کنم. او را ثنا می‌گوییم تا جایی که راضی شود و از او می‌خواهم آن یُصَلِّی عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَغْفِرَ لَهِ رَبِّي وَأَنْ يَحْمِدَ تا بر مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِش درود بفرستد و مرا بپخشند و کار مرا نیکو گرداند لی اُمْرِی وَيَتُوبَ عَلَى إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ

الرَّحِيمُ. إِلَهِي فَإِنِّي أَنَا وَتوبهِام را بِذِيرِد؛ زیرا او توبه پذیر و مهربان است. خداها و این منم که آذُعُوكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَى إِلَيْكَ بِهِ صَيْفَوْتُكَ أَبُونَا آدُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ تو را می‌خوانم و از تو درخواست می‌کنم. با همان نامی که برگزیده تو پدرمان آدم علیه السلام وَهُوَ مُسَيٌّ ظَالِمٌ حِينَ أَصَيَّابُ الْخَطِيئَةَ فَغَفَرَتْ لَهُ حَطِيئَتَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبًا آنْ تُصَلِّي وَدُعَايَشَ را مستجاب کرد و مرتکب خطایش شد. پس خطایش را پوشاندی و توبه‌اش را پذیرفتی علیه وَاسْتَجَبْتَ دُعَوَتَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبًا آنْ تُصَلِّي وَدُعَايَشَ را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی. ای نزدیک، از تو می‌خواهم تا علی مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد وَآنْ تَعْفَرَ لِي حَطِيئَتِي وَتَرَضَى عَنِّی بِرَحْمَةِ مُحَمَّد وَخَانِدَانِش درود و سلام فرستی و خطایم را ببخشی و از من راضی باشی. اگر از فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاغْفِفْ عَنِّي فَإِنِّي مُسَيٌّ ظَالِمٌ حَاطِئٌ عَاصِ من راضی نشدی اقلًا. مرا ببخش؛ زیرا من گنهکاری هستم که به خودم ظلم کردم. که آقا، وَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَلَيْسَ بِرَاضِ عَنْهُ وَأَنْ تُرْضِهِ عَنِّی حتی اگر از بنده‌اش راضی نباشد، از او بگذرد. خلقت را از من راضی کن خطکاری معصیت کارم خَلْفَكَ وَتُمِيطَ عَنِّی حَقَّكَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ وَأَنْ طَبِيعِی است و از حقی که به گردن داری، بگذر. الهی همین طور درخواست می‌کنم با اسمائی اِدْرِیسْ علیه السلام فَجَعَلَهُ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَرَفَعَتْهُ مَكَانًا عَلَيْهَا وَاسْتَجَبَتَ که ادریس با آنها تو را خواند تو نیز او را صدیق و نبی قرار دادی و به او جایگاه بلندی دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبًا آنْ تُصَلِّي عَلَيْ مُحَمَّدِ عنایت کردی و دعايش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی، بر مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد وَآنْ تَجَعَّلَ مَابِي إِلَى جَهَنَّمَكَ وَمَحَلِّي فِي رَحْمَةِكَ درود بفرست و بازگشتم را به بهشت و جایگاهم را در رحمت قرار بده و مرا با عفو وَتُسْعِيَتْ کنی فیها بعفوکَ وَتُزَوْجِنِی مِنْ حُورَهَا بِقُدْرَتِكَ یا قَدِيرُ. خودت در آن ساکن کن و از حور بهشت، همسری برایم عنایت کن، با قدرت بی‌پایان، ای توانا. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحُ علیه السلام إِذْ نَادَى رَبَّهُ الهی، همین طور درخواست می‌کنم با اسمائی که نوح با آنها تو را خواند. زمانی که صدا وَهُوَ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصَرَ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ کرد. «پروردگارا من مغلوب شده‌ام، مرا یاری کن. درهای آسمان را با آبی ریزان، به رویش وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِّرَ وَحَمْلَنَا كَشْوَدِيم وَچشم‌های زمین را شکافتیم. آب برای کاری که مقدّر شده بود، فرو ریخت. وَنَجَّيْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَلْوَاحِ وَدُسُرِ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا او را بر روی چوب‌ها و میخ‌ها نجات دادیم.» (۱۵) دعايش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی. يَا قَرِيبًا آنْ تُصَلِّي عَلَيْ مُحَمَّدِ وَآلِ مُحَمَّدِ وَآنْ تُنْجِنِی مِنْ ظُلْمِ ای نزدیک. پس بر مُحَمَّد وَخَانِدَانِش درود بفرست و مرا از ظلم کسی که قصد ظلم کردن مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِی وَتَكْفَ عَنِّی شَرَّ كُلُّ سُلْطَانِ جَاهِرٍ وَعَيْدُوْ قَاهِرٍ به من را دارد، نجات بده و شَرَّ هر سلطان ظالم و دشمن بی‌رحم و تحریر کننده توana وَمُسْتَخِفٌ قَادِرٍ وَجَبَارٍ عَنِیدٍ وَكُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَإِنْسَنٍ شَدِيدٍ وَمُتَكَبِّرٍ لجوج و هر شیطان انسی، که مرا قصد کرده است و مکر هر حیله گر را وَكَيْدٍ كُلُّ مَكِيدٍ یا حَلِيمٍ يَا وَدُودٍ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي از من دور کن. ای بردبار و ای دلسوز الهی و درخواست می‌کنم با اسمها، دَعَاكَ بِه عَبْدُكَ وَنَيْكَ صَالِحٌ علیه السلام فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَشْفِ وَأَغْلَيْتَهُ که با آن آنها بنده و فرستادهات صالح علیه السلام تو را خواند تو نیز او را از خَفَّ وَذَلَّتْ عَلَى عَيْدُوْهِ وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبًا آنْ تُصَلِّي نجات دادی و او را بر دشمنانش مسلط کردی و دعايش را مستجاب نمودی و نزدیک او بودی. عَلَى مُحَمَّدِ وَآلِ مُحَمَّدِ وَآنْ تَحَلَّصَنِی مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُ بِي أَعْدَائِی بر مُحَمَّد وَخَانِدَانِش درود و سلام فرست و مرا از شَرَّ نیات بد دشمنانم بِه وَيَبْغِی لِي حُسَادِی وَتَكْفِيْنِیم بِكَفَايَتِكَ وَتَوَلَّانِی بِوَلَايَتِكَ وَحسادت کنندگانم، نجات بده و جلوی شرشان را بگیر و مرا ولايت پذیر ولايت خويش کن. وَتَهْبِدِی قَلْبِي بِهُدَاكَ وَتَؤَيِّدِنِی بِتَقْوَاكَ وَتَبَصَّرِنِی بِمَا فِيهِ رِضَمَاكَ دلم را به نورت هدایت کن و مرا با تقوا کمک کن و به اموری که رضای تو در آن است، وَتَعْيِنِی بِغَنَاكَ یا حَلِيمٍ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آگاهِم نما و با غنای خودت، مرا بی‌نیاز کن ای بردبار. الهی و درخواست می‌کنم عَبْدُكَ وَنَيْكَ وَخَلِيلُكَ إِبْرَاهِيم علیه السلام حِينَ أَرَادَ نُمْرُودَ إِلْقَاءَهُ فِي النَّارِ فَجَعَلَتِ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا و تو آن را خنک و خوشایند کردی و دعايش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی. يَا قَرِيبًا آنْ تُصَلِّي عَلَيْ مُحَمَّدِ وَآلِ مُحَمَّدِ وَآنْ تَبَرَّدَ عَنِّی حَرَّ بر مُحَمَّد وَخَانِدَانِش درود فرست و حرارت آتشت را بر من خنک گردان و زبانه‌ها یش نارِکَ وَتُطْفِئَ عَنِّی لَهِبَيْهَا وَتَكْفِيْنِی

حرّهَا وَتَجْعَلَ نَائِرَةً أَعْدَائِي فِي رَا خاموش کن. آتشی را که دشمنانم برافروخته‌اند، در موها و لباس‌های خودشان قرار بده. شیعاه‌یم وَدِثَارِهِمْ وَتَرَدَّ كَيْدُهُمْ فِي نَحْرِهِمْ وَتُبَارِكَ لَيْ فِيمَا أَعْطَيْنَاهُ حِيلَه‌هایشان را به خودشان برگردان و در آنچه که به من عنایت کرده‌ای، وسعت بخش. کَمَا يَأْرَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. همان طور که بر محمد و خاندانش برکت دادی. بی‌شک تو بخشنده و ستد و اهل بخشش هستی. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمَ الَّذِي دَعَيْاكَ بِهِ إِسْمًا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ الْهَيِّ و درخواست می‌کنم با نامی که اسماعیل با آن تو را خواند و او را نیتاً وَرَسُولًا وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَى وَاسْتَجَبْتَ نبی و رسول کردی و حرمت را عبادتگاه و منزل او قرار دادی. دعایش را لَهُ دُعَاءُهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّي عَلَى از سر رحمت پذیرفتی و به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد مُحَمَّدٍ وَآلٍ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْسِيْح لَيْ فِي قَبْرِي وَتَحْمِطَ عَنِي وَزْرِي و خاندانش درود فرست و قبرم را وسعت بخش و گناهانم را بسوزان وَتَشْدِدَ لَيْ أَزْرِي وَتَغْفِرَ لَيْ ذَنْبِي وَتَزْقِنِي التَّوْبَةَ بِحَطُّ السَّيِّئَاتِ و پایه‌هایم را محکم کن و گناهانم را ببخش و توبه و افایش نعمات وَتَضَاعُفِ الْحَسَنَاتِ وَكَشْفِ الْبَلَىاتِ وَرَبْحِ التَّجَارَاتِ وَدَفْعِ مَعَرَّةِ و از میان رفتن بلایا و سود آور شدن تجارات و دفع شر خبرچین‌ها را روزیم کن. السَّعَایاتِ إِنَّكَ مُجِیْبُ الدَّعَوَاتِ وَمُنْزِلُ الْبَرَکَاتِ وَقَاضِی الْحَاجَاتِ چرا که تو دعاها را مستجاب و برکات را نازل و حوائج را برطرف کننده و خیرات و معطی‌الْحَیَّاتِ وَجَبَارُ السَّمَاءَوَاتِ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ رَا عنایت کننده و آسمان‌ها را اداره کننده هستی. الهی و درخواست می‌کنم با نام‌هایی این خلیلکَ الَّذِي نَجَّيْتَهُ مِنَ الدَّنْبِ وَفَدَيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ وَقَبَيْتَ لَهُ که فرزند ابراهیم، که او را از قربانی شدن نجات

قسمت دوم

دادی و او را با ذبحی عظیم نجات دادی. المُسْتَعْصَصَ حَتَّى نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذِبْحِهِ رَاضِيًّا بِأَمْرِ وَالِّدِهِ وَاسْتَجَبَتْ او را در قربانگاه غلطاندی تا اینکه با یقین به ذبح شدن تو را خواند. در حالی که لَهُ دُعَاءُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا یا قَرِيبٌ أَنْ تُصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ راضی به دستور پدرش بود و تو دعايش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی ای نزدیک. وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تُبْجِينِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلَيْهِ وَتَصْرِفَ عَنِّي بِرَبِّ وَآلِ او درود فرست و مرا از گرفتار و بلا-نجات بد و هر نوع ظلمت کُلَّ ظُلْمٍ وَخَيْرٍ وَتَكْفِينِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايِ وَآخِرَتِی ترسناک را از من بازگردن و تمام مسائل مهم دنیوی و اخرویم را برآورده ساز وَمَا أَحِيَّ ذَرَهُ وَأَخْشَاهُ وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجَمَعِينَ بِحَقِّ آلِ يَسِّ. وَاز تمام آنچه که می ترسم از شر مخلوقات حفظ کن. به حق آل یاسین. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطُ فَتَجَيَّثُهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْخَسْفِ الْهَمِيْ وَدرخواست می کنم با نامی که لوط با آن تو را خواند و به همراه نزدیکانش وَالْهَدْمِ وَالْمُشْلِ وَالشَّدَّهُ وَالْجَهَدُ وَأَخْرَجْتُهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ از ذَلَّتْ وَبِدِبْخَتِي نجات یافتد. تو نیز آنها را از گرفتاری بزرگ خارج کردی وَاسْتَجَبَتْ دُعَاءُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا یا قَرِيبٌ أَنْ تُصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ و دعايش را مستجاب ساختی و همراه او بودی ای نزدیک. بر محمد و آلس درود وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تَأْذِنَ بِجَمِيعِ مَا شُتِّتَ مِنْ شَمْلِي وَتُقْرَأَ عَيْنِي بِوَلَمِدِی فرست و اراده کن تاشخ و برگ پراکندهام جمع شوند. فرزندان و نزدیکان و مال وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُصْلِيَ لَهُ أُمُورِی وَتُئْرِكَ لَهُ جَمِيعُ أَخْوَالِی وَهُرَّ چیزی که باعث رویه راهی زندگی ام شود، و در تمام احوال به زندگی ام وسعت بخش. وَتَبْلُغُنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُجِيرُنِي مِنَ النَّارِ وَتَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ به آروزهایم برسان و از آتش نجات بد و از شر اشرار حفظم کن. به برکت بِالْمُضْطَفِينَ الْأَخْيَارِ الْأَمَائِمَ الْأَبْرَارِ وَنُورِ الْأَنُوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِرَغْزِيدِگَان بندگانت، ائمه خوبان و نورهای درخشان، محمد و خاندان الطیبین الطاھرین الْأَخْيَارِ الْأَمَائِمَ الْمُهْمَدِینَ وَالصَّفْوَةُ الْمُتَبَجِّبَنِ پاکش که برگزیدگان و امامان و پاکان و انتخاب شدگان و نجیبان هستند. صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجَمَعِينَ وَتَرْزُقُنِي مُجَالِسَتِهِمْ وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ وَتُؤْتَقُ لِي صِحْبَتِهِمْ مَعَ أَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ را بر من عنایت کن و مرا به همراهیشان موفق بدار، در کنار انبیای مرسل و ملائکه المُقَرَّبِينَ وَعَبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجَمَعِينَ وَحَمَلَهُ عَوْشِكَ مقرب و بندگان صالح و اهل اطاعت و حمل کنندگان عرش و بزرگان ملانکه الهی. وَالْكَرُوبِيَّنِ إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَام

الهی و درخواست می‌کنم با آن نامی که یعقوب با آن تو را خواند و دعاویش را بعد و قد کف بَصِيرَةٌ وَسُتْتَ جَمْعَهُ وَفَقَدْ قُرَّةَ عَيْنِهِ ابْتَهَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ از کور شدن چشمان و پراکنده شدن قوا و گم شدن عزیزش یوسف، مستجاب کردی دُعاءه وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ وَأَقْرَرْتَ عَيْنِهِ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا وَقَوَايِشَ را جَمْعَ كَرْدَی وَچَشْمَشَ رَا بَيْنَا وَگَرْفَتَارِیشَ رَا بَرْطَرَفَ سَاخْتَی. آری تو یا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّی عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تَاذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا بَهْ او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد و آل او درود بفرست و اراده کن تا از تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِی وَتُقَرَّ عَيْنِی بِوَلَدِی وَأَهْلِی وَمَالِی وَتَصْلِحَ لَیْ شَأْنِی دَسْتَ رَفْتَهُ هَایِ جَمْعَ شَوْنَدَ، فَرْزَنْدَانَ وَخَانَوَادَه وَثَرَوَتَمَ مَا يَهْ سَعَادَتَمَ بُودَه وَتَمَامَ كَلَّهُ وَتَبَارِکَ لَیْ فِی جَمِيعِ أَخْوَالِی وَتَبَلَّغَنِی فِی نَفْسِی آمَالِی وَتَصْلِحَ امُورَاتَمَ رَا سَرَ وَسَامَانَ دَهَی وَهَمَهَ احْوَالَمَ رَا بَابَرَکَ کَنَیْ وَمَرَاهِیمَ بَرْسَانَی وَاعْمَالَمَ لَیْ أَفْعَالَی وَتَمَنَ عَلَیْ یَا كَرِيمَ یَا ذَا الْمَعِالَی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ رَا اصْلَاحَ کَنَیْ وَبرَ منْ عَنَایَتَ کَنَیْ ای بَزَرَگَوارَ ای بَلَندَ مَرْتَبَه بَا رَحْمَتَ وَسِعَتَ ای الرَّاجِمَینَ. إِلَهِی وَأَسَالَلَکَ بِاَشِیْمَکَ الَّذِی دَعَیَاکَ بِهِ عَبِیدُکَ وَنَبِیُّکَ مَهْرَبَانَتَرَینَ مَهْرَبَانَانَ. الهی و درخواست می‌کنم با نامی که بندَه و پیامبرت یوسف یُوسُف علیه السلام فَتَجَيَّتَهُ مِنْ عَيَّابَتِ الْجُبَّ وَكَشَفَتَ ضُرَّهُ وَكَفِيَّتَهُ كَيْدِ إِخْوَتِه وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعَبُودِيَّةِ مَلِكًا وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ وَحِيلَه بَرَادَرَانَشَ رَا بَیِ اثَرَ سَاخْتَی وَاوَ رَازَ غَلامَی بَهْ پَادَشَاهِی رَسَانَدِی وَپَیَوْسَتَهِ قَرِيبًا یَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّی عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تَدْفعَ هَمَرَاه او بُودَی، ای نزدیک. بر محمد وَآل او درود بفرست و مکر تمام حیله گران عَنَّی کَيْدَ کُلَّ کَائِدَ وَشَرَ کُلَّ حَاسِدَ إِنَّکَ عَلَیْ کُلَّ شَئِیْ قَدِیرُ. وَشَرَ تَمَامَ حَسُودَانَ رَا از من دور کَنَیْ. چرا کَه تو بَرَ هَرَ چَیْزِی توَانَاهَ هَسْتَی. إِلَهِی وَأَسَالَلَکَ بِاَشِیْمَکَ الَّذِی دَعَیَاکَ بِهِ عَبِیدُکَ وَنَبِیُّکَ مُوسَیَ بْنُ الْهَی و درخواست می‌کنم با نامی که بندَه و پیامبرت موسی بن عمران با آن تو را خواند. عِمَرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَکَ وَتَعَالَیَتَ وَنَادَيْنَاهَ مِنْ جَانِبِ الطُّلُوِّ الْمَأْيَمِنِ آنِجَا کَه فَرَمَدَهَا: او را از جانب طور صدا زدیم و او را برای مناجات خود مقرب وَقَرَبَنَاهَ تَجِيَّاً وَضَرَبَتْ لَهُ طَرِيقًا فِی الْبَحْرِ يَسِّسَا وَنَجَيَّتَهُ وَمَنْ تَعِهُ مِنْ سَاختِیم. (۱۶) برای او راهی خشک و هموار در میان دریا درست کردی و او را به همراه لشکریانشان غرق کردی و دعاویش وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا یَا قَرِيبُ أَسَالَلَکَ اَنْ تُصَيِّلَیْ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ رَا مستجاب نمودی. آری تو بَه او نزدیک بودَی، ای نزدیک. بر محمد و خاندانش درود وَآنْ تَعِدَنَیْ مِنْ شَرِّ خَلْقِکَ وَتُرَبَّیَنِیْ مِنْ عَفْوِکَ وَتَشْرُعَ عَلَیْ مِنْ فَرَسَتَ وَمَرَاه در پناه خود از شَرِّ خَلْقَتَ حَفْظَ کَنَیْ وَبه عَفْوَ خَودَ نزدیک کَنَیْ وَنَعْمَتَهَايَتَ فَضْلِلَکَ مَا تُغَيِّنَیْ بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِکَ وَيَكُونُ لَیْ بَلَاغًا أَنَّا بِهِ رَاهِ اَنْدازَهَای عنایت کَنَیْ کَه از همه خلقت بَیِ نیاز شوم و با آن به مغفرت و رضایت مَغْفِرَتَکَ وَرِضْوَانَکَ یَا وَلَیِّ وَولَیِّ الْمُؤْمِنِینَ. إِلَهِی وَأَسَالَلَکَ بِالْإِسْمِ دَسْتَ یَابَمَ: ای ولَیِّ منَ وَهَرَ بَنَدَهَ مُؤْمِنِی. الهی و درخواست می‌کنم با اسمی که بندَه الَّذِی دَعَیَاکَ بِهِ عَبِیدُکَ وَنَبِیُّکَ دَاؤُدُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَسَيَخْرُتَ لَهُ وَپیامبرت داود با آن تو را خواند و دعاویش را مستجاب کردی و کوهها و پرندَهَها الْجَيَالُ يَسِّبِحُ مَعَهُ بِالْعُشَيَّ وَالْإِنْكَارِ وَالظَّيْرِ مَحْشُورَهُ کُلُّ لَهُ أَوَّابُ رَا مطیع او ساختی تا صبح و شام، با او تسبیح گویند و همگی به سوی او برگردند. وَشَدَّدَتْ مُلْکُهُ وَآتَيَتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَلَ الْخِطَابِ وَأَلَّتْ لَهُ الْحَدِيدَ حَكْوَمَتَش رَا مستحکم کردی و حکمت و قضاوت دادی و آهن را در دستش نرم ساختی وَعَلَمَتَهُ صَيْنَعَهُ لَبَوْسِ لَهُمْ وَغَزَرَتْ ذَبَّهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا یَا قَرِيبُ اَنْ وَروش ساختن زره را به او آموختی و از خطایش گذشتی و همیشه با او بُودَی، ای نزدیک. تُصَيِّلَیْ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تَسِّخَرَ لَیْ جَمِيعَ اُمُورِی وَتُسِّهَلَ بر محمد و خاندانش درود بفرست و تمام اموراتم را مطیع اراده ام کَنَ و تقدیراتم لَیْ تَقْدِیرِی وَتَرْزُقَنِی مَغْفِرَتَکَ وَعِبَادَتَکَ وَتَدْفعَ عَنَّی ظُلْمَ الظَّالِمِینَ رَا آسان گردان و مغفرت و عبادت را روزیم کَنَ و ظلم ظالمان و حیله دشمنان وَكَيْدَ الْمُعَانِدِینَ وَمَكْرَ الْمَاكِرِینَ وَسَيَطَوَاتِ الْفُرَاعَنِيَّ الْجَبَارِيَّ وَحَسِيدَ وَمَكَارَانَ وَقَهْرَ وَغَلَبَهَ فَرَعَوْنَهَا وَحَسَدَ حَسُودَانَ رَا از من برطرف کَنَ. الْحَاسِدِيَّنَ یَا اَمَانَ الْخَائِفِيَّنَ وَجَارَ الْمُسْتَجَبِرِيَّنَ وَنَقَهَ الْوَاثِقِيَّنَ وَذَرِيعَهَ ای امان ترسید گَانَ و پناه پناهند گَانَ و تکیه گَاه تکیه کنند گَانَ و وسیله المُؤْمِنِینَ وَرَحِيَّاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَمُعْتَمِدَ الصَّالِحِينَ یَا اَرْحَمَ الرَّاجِمَینَ. مؤمنان و امید توکل کنند گَانَ و تکیه گَاه صالحان ای مهربانَتَرَینَ مَهْرَبَانَانَ. إِلَهِی وَأَسَالَلَکَ اللَّهُمَّ بِالْإِسْمِ الَّذِی سَأَلَکَ بِهِ عَبِیدُکَ وَنَبِیُّکَ سُلَیْمَانُ الهی و درخواست می‌کنم. خدایا با اسمی که بندَه و پیامبر تو

سلیمان با آن تو را خواند. بُنْ دَاوُدَعَلِيهِمَا السَّلَامِ إِذْ قَالَ رَبُّ هَبْ لِي مُكْلَأً لَا يَتَبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ زَمَانِي كَه گفت: «پروردگارا مُلکی را به من بده که غیر از من به کسی نخواهی داد. أَنْتَ الْوَهَابُ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءُهُ وَأَطْعَثْتَ لَهُ الْحَلْقَ وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ بِي شَكْ تو بخشندۀ ای»^(۱۷) تو نیز دعايش را مستجاب کردی و مخلوقات را مطیعش کردی و مرکبش وَعَلْمَتِهِ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَسَخَرَتْ لَهُ الشَّيْءَ اطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَّاصٍ را باد قرار دادی و زبان پرندگان را به او آموختی و شیاطین و اجنه را فرمابادرش کردی، تا کار وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ هَذَا عَطَاؤُكَ عَطَاءُغَيْرِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ بَنَائِي وَغَوَّاصِي را انجام دهنده برخی نیز در زنجیرها زندانی شدند. این همه، عطایای تو بود. قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهْيِدَ لِي قَلْبِي نه عطایای غیر تو. آری تو همیشه با او بودی ای نزدیک. بر مَحْمَدِ وَخَانِدَانِش درود بفرست و قلبم را وَتَجَمَّعَ لِي لَعْبِي وَتَكْفِينِي هَمَّی وَتَوْمِنَ خَوْفِی وَتَفْكَكَ أَسِرِی وَتَسْدَهُدِیاتِ کن و پراکندگی های عقلم را جمع کن و غم و اندوهم را بطرف کن و ترسم را به امیتیت، بدل آزری وَتُمْهَلَنِی وَتُنَفِّسِنِی وَتَسْتَجِبَ دُعَائِی وَتَسْمِعَ نِدَائِی وَلَا تَجْعَلَ کن و اسارتمن را پایان بخش و کمرم را محکم نما و به من مهلت بده و دعايم را مستجاب کن و به فِي النَّارِ مِأْوَايَ وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمَّی وَأَنْ تُوَسَّعَ عَلَى رِزْقِي حرف‌هایم گوش بده و بازگشتم را در آتش قرار نده. همتم را صرف دنیا نکن و بر روزیم و سعیت بخش وَتَحْسَنَ خَلْقِی وَتَعْتَقَ رَقَبَتِی فَإِنَّكَ سَيِّدِی وَمَوْلَائِی وَمُؤْمَلِی. و خلقم را نیکو گردان و گردنم را از آتش رها کن؛ زیرا تو سید و سرور و آرزوی من هستی. إِلَهِي وَأَسَأَلُكَ اللَّهَمَّ يَا سِيمَكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آيُوبُ لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ الهی و درخواست می کنم خدایا با اسمی که ایوب تو را خواند. زمانی که بلا بعد از بَعْدِ الصَّحَّةِ وَنَزَلَ السُّقُمُ مِنْهُ مَنْزَلَ الْعَافِيَةِ وَالضَّيْقِ بَعْدَ السَّعَةِ صحت و بیماری بعد از عافیت و فقر بعد از ثروت به او روی آورد. تو نیز فَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حین نَادَاكَ دَاعِيًّا گرفتاریش را بطرف کردی و تو دو برابر آنچه را که از او گرفته بودی - فرزندان - به او لَكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِفَضْلِكَ شَاكِيًّا إِلَيْكَ رَبِّ إِنِّي مَسَنِيَ الْضُّرُّ بِرَغْدَانِدِی. آنگاه که تو را با شوق و امید به احسانت صدا زد و گلایه کرد و گفت: «پروردگارا، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءُهُ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكُنْتَ گرفتاری مرا مبتلا. کرده است در حالی که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی».^(۱۸) دعايش را مستجاب مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ کردي و گرفتاریش را بطرف ساختی و همیشه به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر مَحْمَدِ وَخَانِدَانِش ضُرَّی وَتَعْافِینِی فِي نَفْسِي وَهَلْيِ وَمَالِی وَوُلْمِدِی وَإِخْوَانِی فِيَکَ درود بفرست و گرفتاری را بطرف کن و در جان و اهل و مال و فرزندان و برادران عَافِيَةً بَاقِيَه شَافِيَه کافیه وَأَفْرَهَ هَادِيَه نَامِيَه مُسْتَغْيِيَه عَنِ الْمَأْطِيَه ایمانی ام عافیت بده. عافیتی همیشگی فراگیر و کافی و فراینده و بی نیاز کننده از پزشکان وَالْأَدْوِيَه وَتَجْعَلُهَا شِعَارِي وَدِثارِي وَتَمْتَعِنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَدوها، عافیت را لباس و لحاف من بکن. مرا از گوش و چشم بهره‌مند ساز و آن وَتَجْعَلُهُمَا الْوَارِثِيَنِ مِنْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَئِيْ قَدِيرُ. إِلَهِي وَأَسَأَلُكَ دو را جانشین من قرار ده. تو بر هر چیزی توانایی. الهی و درخواست می کنم يَا سِيمَكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى عَلِيهِ السَّلَامِ فِي بَطْنِ الْحُوتِ حین نَادَاكَ با اسمی که یونس بن متی در شکم نهنگ تو را در ظلمت‌های سه گانه خواند و گفت: فِي ظُلْمِيَاتِ ثَلَاثَتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ خدایی جز تو نیست و تو متنزهی من مقصرم و تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.^(۱۹) وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءُهُ وَأَنْتَ عَلَيْهِ شَجَرَه مِنْ دعايش را مستجاب کردی و درختی از کدو برایش رویاندی و به سوی صد هزار نفر یقطین وَأَرْسَلْتُهُ إِلَيْ مِائَهَ أَلْفِ اوْيَزِيدُونَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ و بلکه بیشتر فرستادی و پیوسته به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر مَحْمَدِ وَخَانِدَانِش آنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَجِبَ دُعَائِي وَتُدَارِكَنِی درود بفرست و دعايم را مستجاب کن و مرا با عفو خودت نجات بده؛ زیرا من در دریای ظلم بِعَفْوِكَ فَقَدْ غَرَقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي وَرَكَبْتُ مَظَالِمَ كَثِيرَه لِخَلْقِكَ به خودم، غرق شده‌ام و ظلم‌های فراوانی به گردن دارم. بر مَحْمَدِ وَخَانِدَانِش درود بفرست عَلَى وَصَيْلٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرُونِي مِنْهُمْ وَأَعْنَقْتُنِي مِنَ النَّارِ وَآبَرُوي مرا نزد ایشان نبر و مرا از آتش نجات بده و مرا در همین شرایطی که هستم، و اجعلنی مِنْ عُنَقَائِكَ وَطَلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ فِي مَقَامِي هَذَا بِمَنْكَ يَا مَنَانُ. از آزاد شدگان و رهایی یافتگان از دوزخ قرار بده. با فضل عنایت، ای منان. إِلَهِي وَأَسَأَلُكَ يَا سِيمَكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

عبدکَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى ابْنُ الْهَى وَدَرخواست می‌کنم با اسمی که بند و پیامبرت عیسی بن مریم تو را با آن خواند. مَرِیمَ علیه السلام إِذْ أَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَأَنطَفَتْهُ فِي الْمُهْدِ فَأَخْيَا بِهِ الْمُوْتَى زمانی که او را با روح القدس یاری کردی و در گهواره به سخن آوردی. او مردها وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ يَأْذِنُكَ وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ كَهْيَةَ الطَّفِيرِ فَصَارَ را زنده کرد و کورهای مادرزاد و پیسی‌ها را شفا داد و از گل مجسمه پرنده‌ای طائراً يَأْذِنُكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصْلِي عَلَى مُحَمَّدٍ را ساخت و با اذن تو تبدیل به پرنده شد. تو به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا خَلَقَتْ لَهُ وَلَا تَشْغَلَنِي بِمَا تَكْفُلَتُهُ لِي وَخَاندَانِش درود بفرست و مرا به کاری که برای آن آفریدی، مشغول کن و به آنچه که خود وَتَجَعَّلَنِي مِنْ عُبَادِكَ وَزُهَادِكَ فِي الدُّنْيَا وَمِمَّنْ خَلَقْتُهُ لِعَافِيَةٍ به عهده گرفته‌ای مشغول نکن و مرا در دنیا از بندگان عابد و زاهد و کسانی که برای وَهَنَّاتُهُ بِهَا مَعَ كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا عَلِيٌّ يَا عَظِيمُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ عَافِيَةَ خَلْقِكَ قَرَارِ بَدَه. ای بزرگوار ای والا-مرتبه و با عظمت. الهی و درخواست می‌کنم يَاشِمِكَ الَّذِي دَعَى إِلَكَ بِهِ آصَفُ بْنُ بَرِّخِيَا عَلَى عَرْشِ مَلِكَهِ سَيِّدِا فَكَانَ بِنَامِي که عاصف بن برخیا، با آن تو را خواند و تخت پادشاهی ملکه سبا را در کمتر از أَقْلَ مِنْ لَحْظَهِ الطَّرْفِ حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمَّا رَأَهُ يَكْ چشم به هم زدن حاضر کرد. ملکه سبا آن را در مقابل خود دید. به او گفته شد. قَيْلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَانَهُ هُوَ فَاسِيَّتَجَبَتْ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً «آیا تخت تو این طور بود؟ گفت: گویا همان است.» (۲۰) دعايش را مستجاب کردی یا قَرِيبُ أَنْ تُصِلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تُكَفِّرُ عَنِي سَيِّنَاتِي وَهُمِيشه نزدیک او بودی ای نزدیک. بر مُحَمَّدٍ وَآلِ او درود بفرست و گناهانم را بیامرز وَتَقَبَّلَ مِنِي حَسَنَاتِي وَتَقَبَّلَ تَوْبَتِي وَتَوْبَ عَلَى وَتُعْنَى فَقْرِي وَتَجْبَرِي وَ حسناتم را پذیر و توبه‌ام را قبول کن و فقرم را با بی‌نیازی و شکستگیم را با التیام برطرف کن کَشِيرِي وَتُحْسِي فُؤَادِي بِذِكْرِكَ وَتُحْسِنِي فِي عَافِيَةٍ وَتُمِيَّنِي فِي عَافِيَةٍ. وَ قلبم را با ذکرت زنده نما و زندگی ام را در عافیت قرار بده و با عافیت بمیران. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاللَّمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكَرِيَّا علیه السلام حِينَ الهی و درخواست می‌کنم با نامی که بند و پیامبرت زکریا با آن تو را خواند. آنگاه که سَأَلَكَ دَاعِيَا رَاجِيَا لِفَضْلِكَ فَقَامَ فِي الْمُحْرَابِ يَنْادِي نِدَاءً حَفِيَا فَقَالَ بِا مِيدَ به احسانت دعا کرد و در محراب ایستاد و به آرامی نجوا کرد: «پروردگارا، فرزندی رب هب لی مِنْ لَبْدُنَكَ وَلِيَهَا يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ بِرَايِمِ عنایت کن تا از من و آل یعقوب ارث ببرد و او را فرزندی شایسته قرار بده» (۲۱) رَبِّ رَضِيَا فَوَهْبَتْ لَهُ يَحْيَى وَاسْتَجَبَتْ لَهُ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً تو نیز یحیی را به او دادی و دعايش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی ای نزدیک. یا قَرِيبُ أَنْ تُصِلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تُبْقِيَ لِي أَوْلَادِي بر مُحَمَّدٍ وَخَاندَانِش درود بفرست و فرزندانم را برايم نگه دار و مرا از آنها بهره‌مند ساز. وَأَنْ تُمَتَّعَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ مُؤْمِنِيَ لَمَكَ رَاغِبِيَنِ فِي ثَوَابِكَ مِنْ وَآنَهَا را از مؤمنی که با علاقه به دنبال ثواب تو هستند و از دوزخت ترسانند. اميد خَائِفِيَنِ مِنْ عِقاِبِكَ رَاجِيَنِ لِمَا عِنْدَكَ آيِسَيَنِ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى به احسانت دوخته‌اند و از آنچه که در دست غیر توست، چشم طمع بسته‌اند، قرار بده و ما را تُحْسِنَ حَيَاةَ طَبِيهَ وَتُمِيَّنَ مِيَّتَهَ طَبِيهَ إِنَّكَ فَعَالُ لِمَا تُرِيدُ. به زندگی پاک و مرگ پاکیزه برسان. بی‌شک تو هر کاری را که اراده کنی، انجام می‌دهی. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاللَّمِ الَّذِي سَأَلَنَكَ بِهِ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ سِإِذْ قَالَتْ رَبُّ الْهَى وَدَرخواست می‌کنم با نامی که زن فرعون با آن تو را خواند. آنگاه که گفت: «پروردگارا ابْنِ لَيِ عَنْدَكَ

قسمت سوم

بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجْنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلَهُ وَنَجَنِي مِنْ مَرَأَتِهِ وَدَرخواست فرعون و عاملان او و قوم ظالم، نجات بده و خانه‌ای در جوار رحمت خود و در الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَاسِيَّتَجَبَتْ لَهَا دُعَاءَهَا وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ بَهْشَتْ بِرَايِمِ درست کن» (۲۲) تو نیز دعايش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی ای نزدیک. تُصِلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تُقَرِّ عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَيْ جَتَّنَكَ بر مُحَمَّدٍ وَآلِ او درود بفرست و چشمانم را به دیدار بهشت و دوستانت روشن کن. وَأَوْلَائِنَكَ وَتُفَرِّخَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُؤْنِسَنِي بِهِ وَبِآلِهِ وَبِمُصَاحِيَّتِهِمْ مرا با مُحَمَّدٍ وَخَاندَانِش شاد و با آنها و به همراهی و رفاقت با ایشان مأنوس گردان. وَمُرَافَقَتِهِمْ وَتُمَكَّنَ لَيِ فِيهَا وَتُتَجَيِّنِي مِنَ النَّارِ وَمَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنْ

مرا در بهشت جا بده و به واسطه مغفرت مرأ، از آتش و هر آنچه که برای اهل آن آماده السَّلَاسِلِ وَالْأَعْلَالِ وَالشَّدَائِدِ وَالأنْكَالِ وَأَنْواعِ الْعِذَابِ بعفو کَ. کرده‌ای از قبیل زنجیرها و گرفتاری‌ها و لجام‌های آهنی و انواع عذاب نجات بخش. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعْتُكَ عَبْدَتُكَ وَصِدِّيقَتُكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ الْهَبِي وَدَرْخَوَسْتَ مِنْ كَنْمَ بَنَامِي كَه کنیز و صدیقه‌ات مریم، برگزیده و مادر مسیح وَأُمُّ الْمُسِيْحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِ السَّلَامِ إِذْ قُلْتَ وَمَرْيَمَ ابْتَعَدْتَ عَمْرَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ إِذْ أَخْصَيْتَ رَسُولَ عَلَيْهِ السَّلَامَ تُورَّا بَأَنْ خَوَانِدَ. آن‌جا که گفته‌ای: «مریم دختر عمران، خداوند فرجش فرجها فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَصَدِّيقَتُكَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ رَا مصون کرده، ما از روح متعلق به خودمان در آن دمیدیم و او کلمات و کتب الهی را مِنَ الْفَانِتِينَ فَأَشْتَجَبَتْ دُعَاءَهَا وَكُنَّتْ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَيِّلَ بِحُضْنِكَ الْحَصَّةِ يَنِ وَتَحْبِبِنِي نَزْدِيکَ بودی ای نزدیک. بر مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِش درود بفرست و مرا در قلعه‌های محکمت بِحَجَابِكَ الْمُنِيعِ وَتُحْرِزَنِي بِحِرْزِكَ الْوَثِيقِ وَتَكْفِينِي بِكِفَائِيَّتِكَ مصویت بده و با پوشش خاصَّت، بپوشان و با موافع محکمت نگه دار و با کفایت الْكَافِيَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَظُلْمٍ كُلِّ بَاغٍ وَمَكْرٍ كُلِّ مَا كِرٍ وَغَدْرٍ كُلِّ خودت مرا با منع خود از شر تمام طغیانگران و ظلم ظالمان و مکر مکاران و حیله غادِر و سُخْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَجُوْرٍ كُلِّ سُلْطَانٍ فَاجِرٍ بِمَنْعِكَ يَا مَنْيَعِ. حیله گران و سحر ساحران و ظلم سلاطین ظالم، کفایت کن. ای منع کننده و نگهدارنده. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَبَنِيَّكَ وَصَفِيَّكَ وَخَيْرُكَ الهی و درخواست می کنم با نامی که بنده و نبی و برگزیده و بهترین خلقت و امین بر وحی مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِيَّتِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَبَعِيشَكَ إِلَى بَرِيَّتِكَ وَرَسُولُكَ إِلَى و رسالت بندگان، محمد صلی الله علیه و آله که خاصَّ به تو و خالص برای توست، با آن تو را خواند خَلْقُكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتُكَ وَخَالِصَيْتُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبَتْ و تو نیز دعايش را مستجاب کردی و با سربازانی که دیده نمی شدند او را باری کردی و دین دُعَاءَهُ وَأَيَّدْتَهُ بِجُنُودِ لَمْ يَرُوهَا وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْغُلْيَا وَكَلِمَةَ الَّذِينَ خود را بالا بردي و اعتقادات کافران را خوار نمودی و پیوسته به او نزدیک بودی ای نزدیک. كَفَرُوا السُّفْلَى وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَيِّلَيَ عَلَى مُحَمَّدٍ بر مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِش درود بفرست. درودی که افزایش یابد و پاک باشد و رشد کند و باقی وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى مَلَاهُ زَاهِيَهَ طَيِّبَهَ نَامِيَهَ باقِيَهَ مُبَارَكَهَ کَمَا صَلَّيَتَ عَلَى بُمَانَدَ وَوَسِعَ بَاشَد. همان طور که بر پدرانشان ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكُ عَلَيْهِمْ کَمَا بَيَارَكَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ و بر آنها برکت و وسعت بده همان طور که بر ایشان فرستادی. بلکه سلام و درود و برکت ایشان را از عَلَيْهِمْ وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَهَ مِنْ عِنْدِكَ سلام فرست همان طور که بر ایشان فرستادی. خدا یا مرا نیز در این خاندان وارد کن و وَأَخْلُطْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ وَاحْسُرْنِي مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ حَتَّى جانِبِ خودت بیشتر نیز بکن. خدا یا مرا نیز در این خاندان وارد کن و با آنها محشور گردنان تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ وَتُدْخِلَنِي فِي جُمْلَتِهِمْ وَتَجْمَعَنِي وَإِيَاهُمْ وَتَقَرَّ و در کنارشان قرار بده تا از حوض کوثر بنوشانی و در میانشان داخل کنی و چشمان را عینی بِهِمْ وَتَعْطِيَنِي سُولِی وَتَبْلُغَنِي آمَالِی فِي دِينِي وَدُنْيَايِ به وجود ایشان روشن کنی و خواسته‌ام را بدھی و به آروزه‌ای دنیوی و اخروی و زنده و آخرتی و محبیای و ممایتی و تبلیغه‌هم سلامی و تَرَدَّ عَلَى مِنْهُمُ السَّلَامَ و مرده‌ام برسانی و سلام مرا به ایشان برسانی و سلام آنها را نیز به من باز گردانی و سلام و عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُنَادِي خدا و رحمت و برکاتش بر آنها باد. الهی، تو همان کسی هست که در نصفه‌های هر شب فِي أَنصَافِ كُلُّ لَيَلٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ صَدَا مِنْ زَنْيَ آیا درخواست کننده‌ای هست تا بدھم؟ آیا دعا کننده‌ای هست تا اجابت کنم؟ فَأَجِيَهُ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْئَلَتَعْفِرِ فَأَعْفَرِ لَهُ أَمْ هَلْ مِنْ رَاجِ فَأَنْلَعَهُ رَجَاءَهُ آیا استغفار کننده‌ای هست تا ببخشم؟ آیا امیدواری هست تا امیدش را محقق سازم؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُؤْمِلٍ فَأَبْلَغَهُ أَمَلَهُ هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ وَمَسِكِيْنِكَ بِبَابِكَ آیا آرزو کننده‌ای هست تا به آرزویش برسانم. خدا یا من همان گدا و درمانده و ضعیف و فقیر وَضَعِيفُكَ بِبَابِكَ وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ وَمُؤْمِلُكَ بِفِنَائِكَ أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ وَآرزومندی هستم که در کنار درت نشسته است. عطا یا ایت را می خواهم و امیدوار وَأَرْجُو رَحْمَتِيَكَ وَأَوْمَلَ عَفْوَكَ وَأَتَمِسْ عَفْرَانِكَ فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ رحمت هستم و آرزوی عفوت را دارم و بخشایش را التماس می کنم. پس بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي سُولِی وَبَلَغَنِي أَمَلِی وَاجْبُرْ فَقْرِی

وَأَرْحَمْ وَخَانِدَانِشْ درود بفرست و خواسته‌ام را بده و به آرزویم برسان و فقرم را جبران کن عصیانی واعف عن ذنوبي و فک رقیتی مِنْ مَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبْتُی و بر معصیتم رحم کن و از گناهانم در گذر و گردنم را از مظلالم بند گانت آزاد و ضعفم را وَقَوْضَهْ عَفْتی وَأَعِزَّ مَسْيَكَتَی وَبَثْ وَطَأَتِی وَأَغْفَرْ جُرمِی وَأَنْعَمْ تقویت و مسکنت و خواریم را به عزت تبدیل کن و پاهایم را ثابت کن و جرمم را ببخش يَالِی وَأَكْثُرِ مِنَ الْحَلَالِ مِالِی وَخَرْ لِی فِي جَمِيعِ أُمُورِی وَأَفْعَالِی وَخَاطِرِم را آسوده و روزی حلالم را بیشتر و در همه امور و اعمالم اراده خیر کن و مرا وَرَضِینی بِهَا وَأَرْحَمْنِی وَوَالِدِی وَمَا وَلَدَأَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ با آن راضی نما و به من و والدین و آنچه که از مؤمنین و مومنات و مسلمین و مسلمات وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْمَأْمَوَاتِ إنَّكَ سَيَمْجِعُ از زنده‌ها و مرده‌ها که زاده‌اند، ببخش و بیامرز. تو دعا‌هایمان را می‌شنوی. خدا‌ایا مرا به الدَّعَوَاتِ وَالْهَمْنَى مِنْ بِرِّهِمَا مَا أَسْتَحْقُ بِهِ ثَوابَكَ وَالْجَنَّةَ وَتَقْبَلْ نیکی آنها راهنمایی کن تا به ثواب و بهشت برسم و حسناتم را قبول کن و سیئاتم را حَسَنَاتِهِمَا وَأَغْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَاهَا بِي ثَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ ببخش و آنها را بر اساس بهترین کارهایی که برای من انجام داده‌اند، به بهشت ببر. إِلَهِی وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا آنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَأُهُ وَلَا تَمْيِلُ إِلَيْهِ الْهَمِیْدَم که تو به ظلم امر نمی‌کنی و آن را نمی‌پسندی و تمایل و علاقه وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُتَحِّجهُ وَلَا تَغْشَاهُ وَتَعْلَمُ مَا فِيهِ هُؤُلَاءِ الْقَوْمُ مِنْ و محبتی به انجام آن نداری. از سوی دیگر خوب می‌دانی که این مردم چگونه دست به ظُلْمِ عِبَادِكَ وَبَغْيِهِمْ عَلَيْهِمَا وَتَعْدِيَهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَمَا مَعْرُوفٌ بِإِلْيَمْ ظلم ما دراز کرده‌اند و تجاوز گرانه بر ما ظلم می‌کنند. پروردگارا اگر برای آنها مدتی ظُلْمًا وَعِدْوَانًا وَزُورًا وَبُهْتَانًا فَإِنْ كُنْتَ جَعْلَتْ لَهُمْ مُيَدَّهَا لَبُيَّدَ مِنْ تعیین کرده‌ای که حتماً باید تا آن مدت زنده بمانند، در قرآن فرموده‌ای و گفتار تو بُلُوغِهَا اوْ كَتَبَتْ لَهُمْ آجَالًا يَنَالُونَهَا فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ حَقٌّ است: «خداوند هر چه را که بخواهد محو و یا تثبیت می‌کند و ام الكتاب نزد اوست» (۲۴) وَوَعْدُكَ الصَّدْقُ يَمْحُوا اللَّهُ ما يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدُهُ أُمُّ الْكِتَابِ خدا‌ایا من از تو درخواست می‌کنم با همه نام‌هایی که انبیا و پیامبران و بندگان صالح فَإِنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَنْبِيَاُوكَ وَرُسُلَكَ وَأَسَأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ وَمَلائِكَه مقریب با آن تو را خوانده‌اند، که تقدیر خود را مبنی بر نگه داشتن ظالمان از بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَمَلَائِكَتُكَ الْمُقْرَبُونَ أَنْ تَمْحُو مِنْ أُمُّ الْكِتَابِ ام الكتاب محو کنی و برایشان هلاکت و برچیده شدن را بنویسی تا اجلاشان نزدیک شود ذَلِكَ وَتَكْبِيْتَ لَهُمُ الْأَضْمِحَالَ وَالْمَحْقَ حَتَّى تُرَبَّ آجَالَهُمْ وَتَقْضِيَ و مدتشان تمام گردد و عمرشان قطع شود. ستمکاران را هلاک کن و برخی را بر برخی مُدَّهُمْ وَتُدْهِبَ أَيَامَهُمْ وَتُبَتِّرَ أَعْمَارَهُمْ وَتَهْلِكَ فُجَارَهُمْ وَتُسْلِطَ طیگر مسلط کن تا در این جنگ هیچ یک از آنها زنده نماند و اجتماعشان را به هم بعض هُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى لَا تُبْقَى مِنْهُمْ أَحَدًا وَلَا تُتْجِي مِنْهُمْ أَحَدًا بزن و سلاح‌هایشان کند کن، شاخ و برگشان را بشکن، عمرهایشان را تمام و پایه‌های و تفرق جموعه‌هم و تکل سِلَاحَهِمْ وَتَيَّدَ شَمَلَهِمْ وَتَقْطَعَ آجَالَهُمْ حکومتشان را به لرزش بینداز و شهرهایت را از وجودشان پاک گردان؛ زیرا آنها سنت و تقصیر اعماره‌هم و ترزل اقدامه‌هم و تظاهر بِلَادَكَ مِنْهُمْ وَتُظْهِرَ عِبَادَكَ تو را بر گردنده و عهدت را نقض کردنده و حرمت را شکستند. آنها اوامرت را زیر پا علیه‌هم فَقَدْ عَيْرُوا سُتَّتَكَ وَنَفَضُوا عَهْدَكَ وَهَنَكُوا حَرِيمَكَ وَأَتَوْا مَا گذاشتند و به شدت عصیانگری کردنده و به گمراهی عجیبی مبتلا شدند. بنابراین بر نهیت‌هُمْ عَهْ وَعَنْوَا عَتْوَا كِبِيرًا وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِشْ درود فrst و دست ظالمان را از تکبر کردن بگیر و زمین را از مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآذِنْ لِجَمْعِهِمْ بِالشَّتَّاتِ وَلِحَيَّهِمْ بِالْمَمَاتِ لوس وجودشان پاک گردن و اراده کن تا کاشته‌هایشان درو و ریشه‌شان قطع و شاخ و لاز واجهم بالنهبات نبایهم و اسستصال شافعه‌هم و شبات شحمله‌هم و برگشان بربیده و بنيادشان منهدم شود. ای صاحب جلالت و بزرگواری و هیدم بُتْیانِهِمْ یا ذا الْجَلَالِ وَالْكَرَامِ وَأَسَأَلُكَ یا إِلَهِی وَإِلَهَ كُلِّ درخواست می‌کنم ای خدای من و خدای هر چیزی و پروردگار من و هر چیز شَيْءٍ وَرَبِّ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدَهَا ک دیگری، تو را با آن نامی می‌خوانم که دو بنده و پیامبر و نبی و برگزیده‌هایت و رسول‌ماکَ وَنِيَاكَ وَصَيْفِيَاكَ مُوسَى وَهَارُونُ علیهم السلام حِينَ قَالَ دَاعِيَيْنِ موسی و هارون علیهم السلام تو را با آن خواندند. آن هنگام که با امید به احسان گفتند: لَكَ رَاجِيَيْنِ لِفَضْلِكَ رَبَّنَا إنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِيَّهً وَأَمْوَالًا «خدا‌ایا اموالشان را از بین ببر و دل‌هایشان را قبض کن؛ زیرا آنها تا عذاب دردناکت فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا

لِيَضْلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ را نیینند، ایمان نمی آورند.» (۲۵) تو نیز به آنها لطف کردی و از نعمت اجابت بهره مندانش و آشدّ علی قُلُوبِهِمْ فَلَمَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرُوُا الْعِذَابَ الْأَلِيمَ فَمَنَّتْ ساختی تا اینکه به آنها امر کردی که «دعایتان مستجاب شد. پس استقامت نشان دهید وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ إِلَيْهِمَا إِلَى أَنْ قَرْعَيْتَ سَمَعَهُمَا بِأَمْرِكَ وَازْرَاهُ وَرَوْشَ جَاهَلَانْ پیروی نکنید» (۲۶) خدا یا بر محمد و خاندانش درود فرست اللَّهُمَّ رَبِّ قَدْ أَحِيتَ دَعْوَتُكُمَا فَأَسْتَقِيمَا وَلَا - تَبَعَّ إِنْ سَبِيلَ الدِّينِ وَاموال این ظالمان را از بین بیر و دلهایشان را قبض کن و نیکیت را از آنها لایعلمون آن تُصِّلی عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَى دریغ دار و در دریای خود آنها را غرق کن؛ زیرا همه آسمانها و زمین و آنچه که در آموالِ هُوَلَاءِ الظَّلَمَةِ وَأَنْ تُشَدَّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ میان آنهاست، متعلق به توست. قدرت و انتقام خودت را به خلقت نشان بده. بَرَّکَ وَأَنْ تُعْرَقُهُمْ فِي بَحْرِكَ فَإِنَّ السَّمَاءَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا خَدَايَا این کار را با آنها بکن و عجله کن. ای بهترین درخواست شده و بهترین لَكَ وَأَرْ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَبَطْشَكَ عَلَيْهِمْ فَافْعُلْ ذَلِكَ بِهِمْ خوانده شده و بهترین کسی که در برابرش، چهره‌ها به ذلت افتاده و دست‌ها وَعَجْلُ ذَلِكَ لَهُمْ بِيَا حَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَحَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَحَيْرَ مَنْ تَدَلَّلَتْ لَهُ در برابرش بالا- رفته است و با زبان‌ها خوانده شده و با چشم‌های منتظر الْوُجُوهِ وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَلْيَدِيَ وَدُعِيَ بِالْأَلْلُسِنِ وَشَخَصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ نگاه شده و قلب‌ها او را قصد کرده و قدم‌ها به سویش برداشته شده و در اعمال وَأَمْتَ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ وَنَقْلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ وَتُحُوكَمْ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ. به حکمیت طلبیده شده است. الهی من بنده توام که از تو درخواست می کنم. إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَشِيمَائِكَ بِأَنْهَاها وَكُلُّ أَشِيمَائِكَ بِهِيُّ بَلْ با پریهاترین نام‌هایت. اگر چه همه آنها پرها هستند. بلکه درخواست می کنم با أَسْأَلُكَ بِأَشِيمَائِكَ كُلُّهَا أَنْ تُصِّلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرْكِسِهِمْ همه نام‌هایت. تا بر محمد و آل او درود فرستی و ظالمان را در دام‌های خودشان عَلَى أُمْ رُءُوسِهِمْ فِي زُبُتِهِمْ وَتُرْدِهِمْ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ وَأَرْمَهُمْ سرنگون ساز و در گودال‌هایی که برای بندگان کنده اند، بیندازی و آنها را نشانه بَحَرِرِهِمْ وَذَكْهُمْ بِمَشَاقِصَهِمْ وَأَكْبِهِمْ عَلَى مَنَآخِرِهِمْ وَأَخْفِهِمْ بِوَتَرِهِمْ تیرهای خودشان قرار دهی و با خنجرهایی که برای دیگران تیز کرده‌اند، خودشان را وَأَرْدَدْ كَيْدَهُمْ فِي نُحْيُورِهِمْ وَأَوْبِقَهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ حَتَّى يُسْتَخْذِلُوا سر ببری. آنها را با بینی بر زمین بزن و گلویشان را فشار بده و حیله‌هایشان را در وَيَتَضَاءُ لَوْا بَعْدَ نَخْوَتِهِمْ وَيَنْعِمُوا وَيَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ أَذْلَالَهُمْ لَكُلُّهُمْ لَكُلُّهُمْ فِي بزرگی، ذلیل و خوار مَأْسُورِينَ فِي رِبْقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِي كَانُوا يُؤْمِلُونَ أَنْ يَرْوَنَا فِيهَا وَتُرْبِيَنا شوند و بعد از حکمرانی شکسته و درمانده گردند و ذلیلانه در دام‌هایی که دوست داشتند قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَسُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ وَتَأْخُذُهُمْ أَخْذَ الْقَرْى وَهَيَ ظَالِمَهُ ما را در آنها بینند، اسیر شوند. خدا یا قدرت و تسلاط را در مورد آنها به ما نشان بده إِنْ أَخْذَكَ الْأَلِيمُ الشَّدِيدُ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقتَدِرٍ فَإِنَّكَ عَزِيزٍ مُقتَدِرٍ و همان طور که امّت‌های گذشته را عذاب کردی، آنها را نیز عذاب کن. خدا یا گرفت شَدِيدُ الْعِقَابِ شَدِيدُ الْمَحَالِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ در دنایک و شدید تو، گرفتن قدرتی شکست ناپذیر و مقتدر است. بی‌شک تو شکست ناپذیر وَعَجَلْ إِيرَادُهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي أَعْدَدْتَهُ لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ وَالظَّاغِنِينَ وَمَقْتَدِرٍ وَشَدِيدِ العَذَابِ هستی. خدا یا بر محمد و خاندانش درود بفرست و در عقوبَتِ مِنْ نُظَرَائِهِمْ وَارْفَعْ حَلْمِكَ عَنْهُمْ وَاحْلِمْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَمَّا يَقُومُ كردن ظالمان با عذابی که برای آنها مهیا کرده ای، تعجیل کن و برباری ات را از آنها لَهُ شَئِيْهُ وَأَمْرُ فِي تَعْجِيلِ ذَلِكَ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَأَيْرُدُ وَلَا يُؤْخِرُ فَإِنَّكَ بردار و آن غضبی را که هیچ چیز توان تحمل آن را ندارد، بر آنها مسلط کن و در تعجیل شاهد کُلَّ نجوى وَعَالِمُ کُلَّ فحوی وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ آن به ملائکه موکل عذاب، امر کن. امری که نه بر می گردد و نه به تأخیر می‌افتد. خَافِيَهُ وَلَا يَدْهُبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ حَاثِنَهُ وَأَنْتَ عَلَامُ الْعُيُوبِ عَالِمُ تو شاهد هر نجوا هستی و عالم به تمام مطالب هستی و هیچ عمل آنها از تو مخفی نمی‌ماند. مَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ وَأَنَادِيْكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ تو بر تمام غیب ها آگاهی و از آنچه که در دلها می گذرد، خبرداری. خدا یا درخواست سَيِّدِي وَسَأَلَكَ بِهِ نُوحٌ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ وَلَقَدْ نَادَانَا مِنْ کنم و صدایت می‌زنم با آن اسمی که سرورم صدا زد و نوح با آن درخواست کرد. آنجا که نُوحَ فَلَنَعْمَ الْمُجِيبُ وَنَعْمَ فَرَمُودَهَا: «نوح ما را صدا زد و تو بهترین

اجابت کنندگانی»(۲۷) خدایا، پروردگارا، تو المدْعُوُ وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ وَنِعْمَ الْمُعْطِي أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ اجابت کننده و خوانده شده و درخواست شده و عطا کننده، خوبی هستی. تو همانی که وَلَا تُمِلِّ دُعَاءً مِنْ أَمْلَكَ وَلَا تَتَرَبَّمْ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ إِلَيْكَ وَلَا يَقْضَى نَهَا درخواست کنندگان را دست خالی بر نمی‌گردانی و آرزومندان را خسته نمی‌کنی و از لَهُمْ فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعٍ خَلْقِكَ إِلَيْكَ فِي أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمِيعٍ زِيادَتِي نیازهایی که نزد تو آورده‌اند، به ستوه نمی‌آیی. از برآورده کردن نیازهایشان الطَّرفِ وَأَخْفَفَ عَلَيْكَ وَأَهْوَنُ مِنْ جَنَاحِ بَعْوضٍ وَحَاجَتِي یا سَيِّدِي خسته نمی‌شوی؛ زیرا برای تو، برآورده کردن حوایج تمام بندگان در کمتر از یک چشم بر وَمَوْلَائِ وَمُعْتَمِدِی وَرَجَائِی آنْ تُصَلِّی عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ هم زدن ممکن و

قسمت چهارم

سبک‌تر از بال مگس است. از سوی دیگر سرور و مولا- و تکیه‌گاه و امید من وَأَنْ تَعْفِرْ لِي ذَبِيْ قَفْدُ جِشْكَ ثَقِيلَ الظَّهَرِ بِعَظِيمِ مَا بَارِزُتُكَ بِهِ مِنْ این است که بر محمد و خاندانش درود فرنستی و گناهانم را بیامزی؛ زیرا با پشتی سنگین سیّاتی و رُکنی مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَالًا يَكْفِينِي وَلَا يُحَلِّصُنِي مِنْهُ از گناهان آمده‌ام و مظلالم بندگان چنان مرا احاطه کرده‌اند که تنها تو می‌توانی مرا از غَيْرِكَ وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَمْلِكُهُ سَوَاكَ فَامْحُ يَا سَيِّدِي كَثْرَةِ سَيِّاتِي آنها برهانی. ای سرور من؛ گناهان زیادم را با قطرات بی‌رمق اشکم؛ بلکه با قساوت قلب بِيَسَارِ عَبَرَاتِي بِلْ بِقَسَاوَةِ قَلْبِي وَجُمُودِ عَيْنِي لَا بِلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَچشمان خشکیده‌ام، نه بلکه با رحمت واسعه‌ای که شامل هر چیز می‌شود، محظ کن. وَسِعْتُ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلَنْسَعْنِي رَحْمَتُكَ یا رَحْمَانُ یا رَحِيمُ خدایا من هم یکی از همان چیزها هستم. بنابراین با رحمت خود مرا دریاب، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَمَا تَشَحَّنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَحَنِ ای رحمان و رحیم، ای مهربان‌ترین مهربانان مرا با گرفتاری های دنیا امتحان نکن وَلَا تُسْلِطْ عَلَيَّ مِنْ لَا يَرِحْمُنِي وَلَا تُهْلِكْنِي بِذُنُوبِی وَعَجْلُ خَلَاصَتِی و کسی را که بر من رحم نمی‌کند، بر من مسلط نما. با گناهانم مرا هلاک نکن و در مِنْ كُلَّ مَكْرُوهٍ وَادْفَعْ عَنِي كُلَّ ظُلْمٍ وَلَا تَهْتَكْ سِرِّي وَلَمَا تَفَضَّلْخَنِی رهایی من از تمام گرفتاری‌ها و امور ناخوشایند، عجله نما. خدایا پرده خود را کنار یوْمِ جَمِيعِكَ الْخَلَائقِ لِلْحِسَابِ یا بِجَزِيلِ الْعَطَاءِ وَالْتَّوَابِ. أَسْأَلُكَ أَنْ نَزَنْ وَدر روز رستاخیر بی‌آبرویم نساز. ای کسی که ثواب و عطایت بسیار است. درخواست تُصلِّی عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحْسِنِي حَيَاةَ السَّعِيدَاءِ وَتُمْيِنِي مِنْ کنم که بر محمد و آل او درود بفرنستی و از زندگی سعادتمندان و مرگ شهیدان میتَهَ الشُّهَدَاءِ وَتَقْبِلَنِي قَبُولَ الْأُوَدَاءِ وَتَحْفَظَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَةِ بهره‌مندم کنی و مرا مانند دوستانت بپذیری و در این دنیای پست از شر سلاطین مِنْ شَرِّ سَلَاطِينَهَا وَفُجَارِهَا وَسِرَارِهَا وَمُجَيِّبِهَا وَالْعَالَمِينَ لَهَا فِيهَا و ستمکاران و افراد شرور و علاقه‌مندان به دنیا و دنیاپرستان، حفظم کنی و مرا وَقْنِی شَرَّ طُغَانِهَا وَحُسَادِهَا وَبَاغِي الشَّرِّ كَفِيْهَا حَتَّى تَكْفِينِي مَكْرُ از شر سرکشان و حسودان نگه داری. تا آنجا که مرا از مکاران امنیت دهی. الْمَكَرُهُ وَتَفْقَأَ عَنِي أَعْيُنَ الْكَفَرَهُ وَتُفْحِمَ عَنِي الْلُّسْنَ الْفَعَجَرَهُ وَتَقْبِضَ چشمها و زبانهایشان را بازداری و مرا بالا-تر از دست ظالمان نگه داری مرا از لَی عَلَیْ أَيْدِی الظَّلَمَهُ وَتُؤْمِنَ لِي كَيْدَهُمْ وَتُمْتَهِنَ بِعَيْظِهِمْ وَتَشْغَلُهُمْ حیله‌هایشان امان دهی و آنها را با عصبانیت‌شان بکشی و آنها را به چشم و گوش بِأَشِيَّعَهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْنَاهِهِمْ وَتَجْعَلُنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْيَـكَ و دلشان مشغول کنی و مرا از همه آنها در حصن و قلعه خود، حفظ کنی. همانا وَأَمَانِـكَ وَحِزْـکَ وَسُـلـطـانـکَ وَحِجـابـکَ وَكـنـفـکَ وَعـیـاذـکَ وَحـیـارـکَ إـنـ وـلـیـ من خدایی است که کتاب را نازل کرد و او خود متولی امور صالحین است. وَلَيْسَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ خدایا به تو پناه می‌برم و تو را می‌پرستم و به تو امید بسته‌ام و از تو کمک می‌خواهم و بِـیـکَ الـلـوـذـ وـلـیـکَ أـعـبـدـ وـإـیـاـکَ أـرـجـوـ وـبـیـکَ أـسـتـعـنـ وـبـیـکَ أـسـتـکـفـی و از تو یاری می‌جویم و تو را صدا می‌زنم و از تو قدرت می‌خواهم و از تو درخواست و بِـیـکَ أـسـتـغـیـثـ وـبـیـکَ أـسـتـغـیـثـ وـمـنـکَ أـسـأـلـ آنـ تـصـلـیـ عـلـیـ مـعـمـدـ مـیـ کـنـمـ کـهـ برـ محمدـ وـخـانـدانـ درـودـ فـرـنـسـتـیـ وـمـرـاـ بـرـنـگـرـدـانـیـ مـگـرـ باـ گـنـاهـانـیـ بـخـشـیدـهـ شـدـهـ وـآلـ مـحـمـدـ وـلـاـ تـرـدـنـیـ إـلـاـ بـذـنـ بـمـعـفـوـرـ وـسـعـیـ مـشـکـورـ وـتـبـجـارـهـ وـتـلاـشـیـ مـأـجـورـ وـتـجـارـتـیـ مـانـدـگـارـ وـبـدـونـ زـیـانـ وـبـاـ منـ رـفـتـارـیـ کـنـمـ کـهـ شـایـسـتـهـ توـسـتـ لـنـ تـبـورـ وـأـنـ تـفـعـلـ بـیـ مـاـ أـنـتـ آـهـلـهـ

ولَا تَعْنَى بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ وَرْفَارِي نَكْنَى كَمَنْ شَايِسْتَكَى آن رَا دَارَم؛ زِيرَا تو شَايِسْتَه حَفْظَ وَنَگَهَدارِي بَنْدَگَانْ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ. إِلَهِي وَقَدْ أَطْلَتُ وَآمْرَزَشَ آنَهَا وَفَضْلَ وَعِنَيْتَ هَسْتِي. خَدَايَا دَعَائِيمَ رَا طَولَ دَادَمْ وَخَبْلِي حَرْفَ زَدَمْ. دُعَيْمَى وَأَكْتَرَتُ خِطَابِي وَضِيقَ صِيلَدِي حَيْدَانِي عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَحَمَلَنِي فَشارَ گَرْفَارِي هَا مَرَا وَادَارَ كَرَدْ تَا چَنِينْ سَخْنَ بَكْجَوِيمْ. بَاينِكَه مَى دَانِمَ اَگَرْ دَعَائِي مِنْ عَلَيْهِ عِلْمًا مِنْيَ بَاهَنَه يُبَجزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحَمْ فِي الْتَّجِينْ بَلْ يُكَفِيكَ بِهِ اَندَازَه نِمَكَ درِ خَمِيرَه. حَتَّى اَگَرْ بِهِ اَندَازَه قَصْدَ وَنِيتَ باشَد، بِرَاهِي تو كَافِي اَسْتَ. عَزْمُ إِرَادَه وَآنْ يَقُولُ الْعَبِيدُ بِنِيَهَ صَادِقَهَ وَلِسَانِ صَادِقِ يَا رَبْ فَتَكُونُ آرَى اَگَرْ بَنَدَه بَا نِيتَ صَادِقَانَه وَزِيَانِي رَاسِتَكَوْ صَدا بَزَنَدَ وَبَكْجَويَدْ: پَرَورَدَ گَارَا، تو عِنْدَه ظَنْ عَبِيدِكَ بِكَ وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَه قَلْبِي فَأَسَأَلَكَ آنْ تُصِيلِي نَزَدَ او حَاضِرَ خَواهِي شَدَه. پَس اَزْ تو دَرِخَوَسْتَ مَى كَنْمَ كَه بِرَ مُحَمَّدَ وَخَانِدَانِشَ دَرَودَ فَرَسْتِي عَلَى مُحَمَّدَ وَآلَ مُحَمَّدَ وَآنْ تُقْرِنَ دُعَيْمَى بِالْإِجَائِهَ مِنْكَ وَتَبَلَّغَنِي مِيَا وَدَعَائِيمَ رَا مَقْرُونَ بِهِ اَجَابَتَ كَنِيَ وَتَمَامَ چِيزَهَايِي كَه آنَهَا رَا اَزْ تو خَواستَمَ، اَزْ لَطْفَ أَمَلَتُهُ فِيكَ مِنْهُ مِنْكَ وَطَوْلَا وَقُوَّهَ وَحَوْلَا وَلَا تُقْيِيمَنِي مِنْ مَقَامِي هَيْدَاهَا وَعِنَيْتَ وَاحْسَانَتَ بِرَآورَدَه سَازِي مَرَا اَزْ جَایِمَ بَلَندَ نَكَنَ، مَگَرْ اينِكَه تَمَامَ خَواستَه هَايِمَ إِلَّا بِقَصَائِكَ جَمِيعَ مَا سَأَلَتُكَ فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرَ وَخَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلُ رَا مَسْتَجَابَ كَرَدَه باشِي؛ زِيرَا آنَهَا بِرَاهِي تو آسَانَ هَسْتَنَدَ اَما بِرَاهِي مِنْ بَسِيَارَ بَزَرَگَنَدَ وَتَوْ كَثِيرَ وَأَنَتَ عَلَيْهِ قَدِيرِيَّهَا سَمِيعَ يَاهَا بَصَرَه يُبَرِّيَكَ بِرَاهِي خَواستَه هَايِمَ توانِيَيِي دَارِي. اَيْ شَنُونَه وَبِيَنَنَه. خَدَايَا، اينِجا مَحَلَ اِسْتَادَنَ بَنَدَهَايِي مِنَ النَّارِ وَالْهَارِبِ مِنْكَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِ تَهَجَّمَهُ وَعَيْوَبِ فَصَدَحَتْهُ اَسْتَ كَه اَزْ آتَشَ دَوْزَخَ بِهِ تو پَناهَ آورَدَه وَازْ گَناهَانِي كَه بِهِ او هَجُومَ آورَدَه وَعِيبَهَايِي كَه فَضَلَّ عَلَى مُحَمَّدَ وَآلَ مُحَمَّدَ وَانْظُرْهُ إِلَيَّ نَظْرَهُ رَحْمَهُ أَفْوُزْ بِهَا إِلَى آبِرَوِيشَ رَا بِرَدَهَانَدَ، بِهِ تو پَناهَ آورَدَه اَسْتَ. بَا نَظَرَ رَحْمَتَ بِهِ مَنْ نَگَاهَ كَنْ تَا با آنَ وَاردَ بِهَشَتَ جَهَشَكَ وَاعْطَفْ عَلَى عَطْفَهُ أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقاَبِيكَ فَإِنَّ الْجَنَّهَ وَالنَّارَ شَوَّهَ وَعَطْوَفَتِي نَشَانَ بَدَهَ تَا با آنَ اَزْ آتَشَ دَوْزَخَتَ نَجَاتَ يَا بَمَ؛ زِيرَا بِهَشَتَ وَدَوْزَخَ بِهِ دَسْتَ لَكَ وَيَبِدِيكَ وَمَفَاتِيَّهُمَا وَمَغَالِيقَهُمَا إِلَيْكَ وَأَنَتَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرُ تو اَسْتَ وَكَلِيدَهَايِي بازَ كَرَدنَ وَقَفلَهَايِي بَسْتَنَ آنَهَا هَمَهَ اَزْ تو اَسْتَ وَتو بِرَهَمَهَ آنَهَا توانِيَيِي وَهُوَ عَلَيْكَ هَيْنَ يَسِيرَ وَأَفْعَلَ بِي مَا سَأَلَتُكَ يَا قَدِيرِيَّهَا وَلَا حَوْلَ دَارِي وَبرَ تو بَسِيَارَ آسَانَ وَكَوْچَكَ هَسْتَنَدَ. بِنَابَرَايِنَ آنِچَه رَا كَه خَواستَمَ عنَيْتَ فَرَمَا. مَانَعَ وَنِيرَوِيَيَّهَا وَلَا قُوَّهَ إِلَى بَالَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَحَسْبَنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. غَيْرَ اَزْ خَدَايِي وَالا مَرْتَبَهِ وَبَا عَظَمَتَ وَجُودَ نَدَارَدَ وَخَدَا ما رَا كَفَايَتَ مَى كَنَدَ وَوَكِيلَ خَوبِي اَسْتَ.

دعا پنجم

نماز حاجت صادر شده از امام زمان علیه السلام و دعای آن (۲۸) در نامه‌ای که از حضرت صادر شده، فرموده‌اند: کسی که حاجتمند باشد، شب جمعه بعد از نصف شب، غسل کند و در محل نماز قرار بگیرد. در رکعت نماز بخواند به این ترتیب که: در رکعت اول سوره حمد را می‌خواند و وقتی که به آیه: «ایاک نعبد و ایاک نستعين» رسید، آن را صد بار تکرار می‌کند و حمد را تمام و سوره توحید را تنها یکبار می‌خواند. بعد از آن رکوع و سجده می‌کند و در هر کدام تسبیحات آن را هفت بار انجام می‌دهد. در رکعت دوم را مانند اولی بجا می‌آورد. بعد از نماز این دعا را می‌خواند و خداوند به قطع، حاجت او را هر چه که باشد، برآورده می‌کند. مگر اینکه مربوط به قطع رحم باشد: اللهم إِنْ أَطْعَتْكَ فَالْمُحْمَدٌ لَّكَ وَإِنْ عَصَيْتَكَ فَالْحَجَةُ لَكَ مِنْكَ خدایا اگر تو را اطاعت کردیم، حمد و شنا برای توست. (۲۹) و اگر معصیت کردیم، تو علیه ما الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفُرْجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرْ سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ، دلیل داری. راحتی و گشایش از توست. پاک و منزه است کسی که نعمت می‌دهد و تشکر می‌کند. (۳۰) اللهم إِنْ كُنْتُ قدْ عَصَيْتَكَ فَإِنِّي قدْ أَطْعَتْكَ فِي أَحَبِ الْأَشْيَاءِ پاک و منزه است کسی که مقدار می‌کند و می‌بخشد. (۳۱) خدایا اگر چه عصیان کردہ‌ام، امیا إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَتَحْمَدْ لَكَ وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا در محبوب‌ترین امور نزد تو، که ایمان باشد، تو را اطاعت کردہ‌ام. من برای تو فرزند مَنَّا مِنْکَ بِهِ عَلَى لَا مَنَّا مِنْیَ بِهِ عَلَيْكَ وَقَدْ عَصَيْتَكَ يَا إِلَهِي عَلَى و شریکی نمی‌دانم. البته این ایمان، توفیقی از توست، نه مُتّی از من بر تو. خدایا از سر غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابِرَةِ وَلَمَا الْخُرُوجُ عَنْ عُبُودَيْتِكَ وَلَمَا الْجُحُودُ بِرُبُوبَيْتِكَ لجذابی و با قصد

خروج از عبودیت و انکار به ربیت، گناه نکرده‌ام. بلکه فریب هوای ولکنْ أَطْعُتْ هَوَىٰ وَأَرْلَنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَىٰ وَالْبَيْانُ فَإِنْ نَفْسَمْ رَا خُورَدَمْ وَشَيْطَانَ مَرَا بِهِ لَغْرَشَ اندَاخَتْ. با این حال تو می‌توانی مرا محاکوم کنی. اگر تَعْذِيْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَعْفُرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ مَرَا عَذَابَ كَنِّي، به خاطر گناهانم خواهد بود. اما اگر بیخشی به خاطر آقایی و کرم وجود توست. کَرِيمٌ يَا کَرِيمٌ (یا کریم را آن قدر تکرار می‌کند تا نفسش تمام شود). و ادامه می‌دهد: يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذْرٌ أَسْأَلُكَ بِأَشْنِكَ ای خدایی که از هیچ چیزی هراس ندارد و همه چیز در هراس از اوست. درخواست مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَحَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، اَنْ صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ می‌کنم به خاطر اینکه تو از همه در امانی و همه از تو هراسان هستند، بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تُعَظِّيْنِي اَمَانًا لِتَفْسِيْرٍ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَسَائِرِ وَخَاندَانِش درود فرست و برای من و خانواده و فرزندانم امان و پناه بده. تا از کسی مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَىٰ حَتَّىٰ لَا أَخَافَ أَخِيدَأَ وَلَا أَخِيدَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا نَرْسَمْ وَهَرَاسِی به خود راه ندهم. همانا تو بر هر چیزی توانایی داری و خدا اِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسِبَنَا اللَّهُ وَنَعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِي ما را کفايت می‌کند و او بهترین وکیل است. ای کفايت کننده ابراهیم از شرّ اِبْرَاهِيمَ علیه السلام نُمْرُودَ وَيَا كَافِي مُوسَى علیه السلام فِرْعَوْنَ وَيَا كَافِي مُحَمَّدٍ نمرود و ای کفايت کننده موسی از شر فرعون و ای کفايت کننده محمد صلی الله علیه وآل‌هه از شر صَلَّى الله عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَأْخَرَابَ. اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيْ قبایل عرب. از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا از عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تَكْفِينِي شَرَ فُلَانِ بَنْ فُلَانِ شر فلانی حفظ کنم. تو از شر کسی که از شرش می‌ترسم، کفايت خواهی کرد. (در این بخش نام شخصی را که از شر او در هراس است، ذکر می‌کند). فَيَسْتَكْفِي شَرَ مَنْ يَخَافُ شَرَهُ. ان شاء الله حاجتش برآورده می‌شود. سپس به سجده رفته و با تصرع حوانجش را درخواست می‌کند. فَإِنَّهُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةَ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا فُتُحْتَ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِلْأَجَابَةِ وَيُجَابُ فِي وَقْتِهِ وَلَيْلَتِهِ كَائِنًا مَا كَانَ وَذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ؛ هیچ زن و مرد مؤمن و مؤمنه‌ای نیست که این نماز را با این دعا بخواند مگر اینکه خداوند درهای رحمتش را برای اجابت باز می‌کند و دعایش را در همان لحظه و همان شب مستجاب می‌کند.^(۳۲) هر چه که باشد. این اجابت از فضل خدا به ما و مردم است.

دعای ششم

دعای عبرات یا اشک‌های روان^(۳۳) علامه حلی رحمه الله در آخر کتاب منهاج الصلاح در دعای عبرات معروف، گفته است که این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. اما از جهت سید بزرگوار رضی‌الدین محمد بن محمد آوى رحمه الله حکایت معروفی است که برخی از فضلا آن را در حاشیه همان دعا ذکر کرده‌اند. جناب فخر الدین محمد بن شیخ جمال الدین از پدرش و او از جدش، فقیه بزرگوار یوسف، از سید رضی که حکایت آن می‌آید نقل کرده است که: او در زندان یکی از امرای سلطان جرماغون^(۳۴) مدت زیادی در حبس بوده و گرفتاری‌ها و فشارهای زیادی را متحمل شده است. تا این که روزی حضرت قائم علیه السلام را در خواب دید و با دیدن ایشان گریه کرد و گفت: مولای من مرا از این ظلمت نجات بده. امام علیه السلام فرمود: دعای عبرات را بخوان. گفت: دعای عبرات چیست؟ فرمود: در مصباح عرض کردم: سرورم این دعا در مصباح من نیست. فرمود: نگاه کن پیدا می‌کنی! از خواب بیدار شدم، بعد از خواندن نماز صبح، کتاب مصباح را باز کردم و با صفحه‌ای مواجه شدم که دعای عبرات در آن آمده بود. من آن را چهل بار خواندم. این سلطان دو زن داشت. یکی از آنها زنی عاقل و خوش فکر بود. از این رو مورد اعتماد امیر بود. وقتی که امیر در نوبت این زن، پیشش آمد، به او گفت: آیا تو کسی از فرزندان حضرت امیر علیه السلام را گرفته‌ای؟ گفت: برای چه این سؤال را می‌پرسی؟ گفت: برای این که مردی را دیدم که نور خورشید از صورتش می‌تابید. نزدیک آمد و حلقم را گرفت و گفت: شوهرت جرأت کرده و یکی از فرزندان مرا گرفته و او را در خورد و خوراک، تحت فشار قرار داده است! عرض کردم، سرورم، شما کیستید؟ فرمود: من علی بن ایطالب هستم. به او بگو: اگر او را آزاد نکند، خانه‌اش را به سرشن

خراب می‌کنم. این خبر به سلطان رسید او گفت: من در این باره چیزی نمی‌دانم. از معاونانش پرسید که آیا شما چنین کسی را گرفته اید؟ گفتند: بله شیخی علوی است که خود شما دستور زندانی کردنش را صادر کردید. گفت: او را آزاد کنید و اسب و مشکی به او بدھید تا راه بیفتد. در نهایت سید به خانه خود رفت. همین طور سید جلیل القدر علی بن طاووس رحمه الله در آخر کتاب مهج الدعوات نقل می‌کند که از جمله دعاها، دعایی است که دوست و برادر من محمد بن محمد قاضی آوی، درباره این دعا سخن و اثر عجیبی ذکر کرده است. به این صورت که برای ایشان حادثه‌ای رخ داده و این دعا را در میان اوراقی که آنها را در میان کتابهایش قرار نداده بود، پیدا می‌کند. از روی آنها نسخه برداری می‌کند. وقتی که نسخه برداری تمام می‌شود، دعای اصلی مفقود می‌گردد. شیخ آن را نقل می‌کند. حتی بعد از آن، نسخه دیگری را نقل می‌کند که مقداری از تعبیرات آن تفاوت می‌کند. ما در اینجا نسخه اولی را به جهت تیرک به خط سید بن طاووس رحمه الله می‌آوریم. حتی میان نقل ایشان و علامه حلی رحمه الله تفاوت زیادی وجود دارد. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ وَيَا كَاَشِفَ الْكُربَاتِ خَدَايَا بِهِ جِدًّا از تو درخواست می‌کنم، ای رحم کننده بر اشک‌ها و ای برطرف آنَّ الذِّي تَفَسَّعَ سَيْحَاتُ الْمَحْنِ وَقَدْ أَمْسَتْ ثِقَالًا وَتَجْلُو سازنده گرفتاری‌ها. تویی که ابرهای سنگین را پراکنده می‌کنی. تویی که مهای ضَبَابَ الْإِخْنِ وَقَدْ سَيْحَبْتُ أَذْيَالًا وَتَجَعَّلُ زَرْعَهَا هَشِيَّمًا غلیظ را از بین می‌بری و روشن می‌کنی. تویی که زراعت را خشک و استخوانها و عظامهای رمیمًا و ترد المغلوب غالباً والملوک طالباً را خاک و شکست خورده را پیروز و فراری را فراری دهنده می‌کنی. إِلَهِي فَكُمْ مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْتَ خَدَايَا چه بسیارند بندگانی که تو را صدا زند که من مغلوب شده‌ام، لَهُ مِنْ نَصِيرٍ كَأَبْوَابِ السَّمَاءِ بِمَاءِ مُنْهَمِرٍ وَفَجَرَتْ ياری‌ام کن و تو نیز از سر نصرت به او، درهای آسمان را بر آب گشودی لَهُ مِنْ عَوْنَكَ عُيُونَا فَالْتَقَى مَاءُ فَرَجِهِ عَلَى أَمْرِ قَدْ وَچشم‌هایی را از زمین جوشاندی. آبی که موجب گشایش کارش قدر و حمله مِنْ كِفَائِيَّتِكَ عَلَى ذَاتِ الْلَّوَاحِ وَدُسْرِ بود، به اندازه معینی رسید و او را بر روی تخته‌ها سوار کردی. یا رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ زیارتیک عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پروردگارا، من مغلوب شده‌ام، یاری‌ام کن. یا رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ زیارتیک عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پروردگارا، من مغلوب شده‌ام، یاری‌ام کن. بر محمد و خاندانش درود فrst و افتح لی مِنْ نَصِيرٍ كَأَبْوَابِ السَّمَاءِ بِمَاءِ مُنْهَمِرٍ وَفَجَرَ لِی و درهای آسمان را برای نصرت من باز کن و آب فراوان بزیز و چشم‌های آن را از مِنْ عَوْنَكَ عُيُونَا لَيْلَتَقَى مَاءُ فَرَجِي عَلَى أَمْرِ قَدْ قَدِيرَ زمین بجوشان تا جایی که آب گشایش من، به اندازه معینی برسد و مرا با کفایت و احملنی. یا رَبِّ مِنْ كِفَائِيَّتِكَ عَلَى ذَاتِ الْلَّوَاحِ وَدُسْرِ یا مِنْ خودت، بر کشتی سوار کن. ای کسی که وقتی بنده‌اش در تاریکی شب درود فrst و از فضل خود، یا رَبِّ مِنْ مَعْوِيَّتِكَ صَرِيْخَا مُعِيْناً وَوَلِيًّا يَطْلَبُهُ حَيْثِنَا يَنْجِيَهُ فریادرس و یاورم باش و مانند سرپرستی که دنبال عبد خود است تا او را از مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ وَيُظْهِرُ لَهُ الْمُهِمَّ مِنْ أَعْلَامَ فَرَجِهِ گرفتاری نجات بدهد و در مشکلاتش گشایش ایجاد کند، تو نیز با من چنین کن. اللَّهُمَّ فَيَا مِنْ قُدْرَتِهِ قَاهِرَهُ وَآيَاتُهُ بَاهِرَهُ وَنَقْمَائِهُ قَاصِمَهُ لِكُلِّ خَدَايَا، ای کسی که قدرتش غالب و نشانه‌هایش روشن و غذا بش شکننده هر پادشاه جبار دامغه لِكُلِّ كَفُورِ خَتَارِ صَلَّ یا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و در هم کوبنده هر کافر حیله گر است، بر محمد و خاندانش درود فrst و از وانظر إِلَيَّ یا رَبِّ نَظَرَهُ مِنْ نَطَرَاتِكَ رَحِيمَهُ تَجْلُو بِهَا عَنْتَ آن نگاه‌های دلسوزانه‌ات به من نگاه کن تا ظلمت پایدار ما، روشن شود. ظلمتی ظلمه واقفه مُقیمه مِنْ عَاهِهِ جَفَّتْ مِنْهَا الصُّرُوعُ وَقَلَّتْ مِنْهَا از جنس آفتی که پستان‌های حیواناتمان را خشک و زراعت‌هایمان را از بین برده الزُّرُوعُ وَاشْتَمَلَ بِهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْأَيْاسُ وَجَرَتْ بِسَبِيلِهَا الْأَنْفَاسُ. است و بر قلب‌هایمان سایه یأس انداخته و نفس‌هایمان را کند کرده است. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحِفْظَا لِغَرَائِسَ غَرَائِسَهَا خدا، بر محمد و خاندانش درود فrst و درختانی را که با دست رحمانیت کاشته و با آب یَدُ الرَّحْمَنِ وَشَرَبَهَا مِنْ مِاءِ الْحَيَّانِ أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُجَزُّ حیات سیراب کرده‌ای، حفظ کن تا شیطان با دستش در نیاورد و با تیشه‌اش، قطع نکند.

وَبِفَاسِهِ تُقْطَعُ وَتُحْرَزُ . إِلَهِي مَنْ أَوْلَى مِنْكَ أَنْ يَكُونَ عَنْ خَدَايَا، همَهُ اينها متعلق به توست، كيست كـ...براي حفظ ملکت از خود تو شايسته تر حماک حارساً وَمَانِعاً إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنَهُ وَخَسْنَ باشد. خدايا، گرفتاري سنگين شده است، آن را آسان کن. خشن شده است، نرم کن. قلب‌ها فَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعِثٌ فَطَنَهَا وَالْفُؤُسُ ارْتَاعَتْ فَسَكَنَهَا. ترسيده‌اند، آنها را به حرکت در آور. جان‌ها به اضطراب افتاده‌اند، آنها را آرام کن. إِلَهِي تَدَارِكْ أَقْدَامًا قَدْ زَلَّ وَأَفْهَامًا فِي مَهَامِهِ الْحَيْرَةِ ضَلَّتْ خدايا، قدم‌هایی را که لغزیده و عقل‌هایی را که در گرداب حیرت به اشتباه افتاده بودند، أَجْحَفَ الصُّرُّ بِالْمُضْرُورِ فِي دَاعِيَةِ الْوَيْلِ وَالشُّورِ فَهُلْ يَحْسُنُ جبران کن. ضرر، صدای مردم را به واویلا درآورده است. آیا شایسته فضل توست که آنها را مِنْ فَضْلِكَ أَنْ تَجْعَلَهُ فَرِيسَةً لِلْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجِ أَمْ هَيْلُ يُحْمِلُ در معرض بلا-قرار دهی، با اينکه اميدشان به توست؟ آیا در عدل تو می گنجد که او در مِنْ عِدْلِكَ أَنْ يَخُوضَ لَجَةَ الْعَمَاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجِ مَوْلَائِ لَئِنْ بَدِبَخْتِي وَغَمْ فَرُو رُودِ، در حالی که تو را صدا می‌زنند؟ سرورم، اگر در تقوای تو، خودم را کُنْتُ لَمَأْشُقُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّقْى وَلَا أَبْلُغُ فِي حَمْلِ أَعْبَاءِ بِهِ مَشْقَتْ نَمِيَ اندازم، اگر تا درجه رضای تو، عهده دار اطاعت نیستم. اگر در زمرة بندگانی الطاعیه مبلغ الرضا وَلَا أَنْتَنِمُ فِي سَلْمَكَ قَوْمَ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهُمْ در نمی‌آیم که از دنيا روی برگردانده‌اند. شکم‌هایشان نازک و چشم‌شان از شدت گریه خُمُصُ الْبَطْوَنِ عُمْشُ الْعَيْوَنِ مِنَ الْبَكَاءِ بَلْ أَتَيْتُكَ يَا رَبِّ بِضَعْفٍ بَادَ كَرْدَه است. خدايا، من با عملی ضعیف و پشتی سنگین از گناهان و لغش‌ها با روحی مِنَ الْعَمَلِ وَظَهَرِ ثَقِيلٍ بِالْخَطَاءِ وَالرَّلَلِ وَنَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادٍ که به راحتی عادت کرده و به امروز و فردا کردن نفس مطیع شده است. [به سویت آمدہام [وَلَدَوَاعِي التَّشْوِيفِ مُنْقَادِه أَمَا يَكْفِيَكَ يَا رَبِّ وَسَيِّلَهُ إِلَيْكَ وَذَرِيعَهُ آیا برای تو کفايت نمی‌کند که اولیايت را دوست دارم و در محبت به تو حد و حصری لَمَدِيَكَ أَنَّی لِأَوْلَائِكَ مُوَالٍ وَفِي مَكْبِيَتِكَ مُغَالٍ أَمَا يَكْفِيَنِی أَنْ نَمِيَ شَنَاسِم؟ آیا کفايت نمی‌کند که به خاطر آنها با مظلومیت، شب می‌کنم و با فرو بردن أَرْوَحَ فِيهِمْ مَظْلُومًا وَأَغْدُوَمَكْظُومًا وَأَفْضِهَ بَعْدُ هُمُومًا غَيْظَ، صبح می‌نمایم. گرفتاری‌های فراوان را متحمل می‌شوم و در تیررس آنها قرار وَبَعْدَ رُجُومٍ رُجُومًا أَمَا عِنْدَكَ يَا رَبِّ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَاتُضَعِّعَ وَذَمَّهُ مِنْ كِيرم؟ (۳۵) آیا اينها نزد تو حرمتی ندارد و کمترین تعهدی را برای تو ایجاد نمی‌کند؟ اگر بِأَذْنَاهَا يُقْتَنِعَ فَلَمْ لَا يَمْنَعْنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ وَتَدَعْنِي اينها ارزش و حرمت دارند، چرا جلوی غرق شدن مرا نمی‌گیری و اجازه می‌دهی که در آتش بِنَارِ عُدُوكَ حَرِيقٌ أَتَجْعَلُ أَوْلَيَاءَكَ لِأَعْدَائِكَ مَصَائِدَ وَتَقْلِدُهُمْ دشمنانت بسوزم؟! آیا دوستان را صید دشمنانت قرار می‌دهی و به زنجیر ذاتشان می‌کشی؟ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ وَأَنْتَ مَالِكُ نُفُوسِهِمْ لَوْ قَبْضَتَهَا جَمَدُوا وَفِي آن هم در حالی که تو مالک جان‌هایشان هستی! اگر تو جان‌هایشان را بگیری، خشک می‌شوند. قبضتِکَ مَوَادُ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعَتْهَا خَمِدُوا وَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْفَ آری ارواحشان در قبضه توست که اگر بگیری، بی‌جان می‌افتد. خدايا چه چیزی باعث بِأَسْهُمْ وَتَرْتَعُ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِبَاسِهِمْ وَتَعْرِيَهُمْ مِنْ سَلَامَهُ بِهَا شده است که آزار و اذیشان را از ما برنگردانی و لباس مصنونیت را از تنشان درآوری و آنها را فی أَرْضِكَ يَسِّرْ حُونَ وَفِي مَيَادِنِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرُحُونَ. از سلامت عریان کنی. سلامتی که با آن می‌چرند و در میدان ظلم بر بندگان تکبر می‌ورزند. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَدْرِكْنِي وَلَمَّا يُدْرِكْنِي خدايا، بر محمد و خاندانش درود فرست و قبل از اينکه غرق شوم الغرق وَتَدَارِكْنِي وَلَمَّا غَيْبَ شَمْسِي لِلشَّفَقِ إِلَهِي كُمْ مِنْ خَائِفٍ و خورشید هدایتم در شفق ناپدید شود، مرا دریاب. خدايا، چه بسیارند الْتَّجَأَ إِلَى سُلْطَانِ فَآبَ عَنْهُ مَعْهُوفًا بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ أَفَاقَصِدُ يَا رَبِّ کسانی که به سلاطین پناه برده‌اند و در پناه او در امان مانده‌اند. آیا به سلطنتی يَأْعُظَمْ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانَا أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَانَا غیر از سلطنت تو پناه ببرم؟ یا به سفرهای وسیع تر از احسان ام اکثر مِنْ أَفْتَدَارِكَ أَفْتَدَارًا ام اکرم مِنْ انتصارک انتصاراً. تو یا مقتدرتر از اقتدار تو یا فراتر از ياری تو یاوری بجویم؟ أَللَّهُمَّ أَيْنَ كَفَائِيَكَ الَّتِي هِيَ نُصِيرَةُ الْمُسْتَغْشِيَنَ مِنَ الْأَنَامِ وَأَيْنَ خَدَايَا، کجاست کفایتی که ياری گر بندگان مستضعفت می‌باشد. کجاست توجهی که سپر تیر کسانی عِنَائِيَكَ الَّتِي هِيَ جُنَاحُ الْمُسْتَهَدِفِينَ لِجُوْرِ الْأَيَامِ إِلَى إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ باشد که مرا آماج هدف ظلم خود قرار داده اند؟ خدايا آن کفایت و عنایت را بر من سرازیر کن نَجْنَى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ اَنِّي مَسَنِي الْفُرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. و مرا از شر ظالمان نجات بخش. که ضررها مرا فرا گرفته‌اند در حالی که تو مهربان ترین مهربانانی

مَوْلَائِيَ تَرَى تَحْيَيْرِي فِي أَمْرِي وَتَقْلِيلِي فِي ضُرِّي وَأَنْطِلَوَائِي عَلَى حُرْقَفَةِ خَدَايَا، آيَا تَحْيِيرِم را از یکسو و سرگردانی در بدبوختی هایم را از سوی دیگر و به خود قلبی و حکاره صیدری فَصَلِّ يَا رَبَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجِيدٌ لِي پیچیدن هایم را که از سوز دل و سینه ام است، می بینی؟ بر محمد و خاندانش درود فرست يَا رَبَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَيَسِّرْ لِي يَا رَبَّ نَحْوَ الْيُسْرَى و به خاطر هر آنچه که شایسته آنی، برای من گشايشی فراهم کن و راهی آسان به مهجاً واجعل لی يَا رَبَّ مَنْ نَصَبَ جَبَالًا لِي لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيعَ سوی مشکلاتم باز کن. خدايا، اگر کسی طنابی گذاشته تا مرا به زمین بزند، با همان او ما مکره و مَنْ حَفَرَ لِي الْبَرْ لَيُوقَعَنِي فِيهَا وَاقِعًا فِيمَا حَفَرَهُ وَاصِرِيفِ را به زمین بزن. اگر چاهی کنده تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن سرنگون ساز. اللَّهُمَّ عَنِّي شَرًّا وَمَكْرُهًا وَفَسَادًا وَضَرَّهُ مَا تَصِيرُهُ عَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِتَدِينِ خَدَايَا، شَرًّا وَنِيرَنَگَ وَفَسَادًا وَضَرَّهُ او را از من برگردان. همان طور که از کسی که خود را مطیع دین الدَّيَانِ وَمُنَيَّادِ يُنَيَّادِ لِلْإِيمَانِ إِلَهِي عَبِيدُكَ عَبِيدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ وَضَعِيفُكَ وَمنادِي ایمان قرار داده است، برمی گردانی. خدايا، بنده، بنده توست. دعای بندهات را اجابت کن. ضَعِيفُكَ فَرَجُ غُمَّتَهُ فَقَدِ انْقَطَعَ كُلُّ حَبْلُكَ وَتَقْلَصَ كُلُّ ظِلٌّ إِلَّا ظِلُّكَ و ضعیف، ضعیف توست، گرفتاریش را آسان گردان. تمام دستاویزها غیر از دستاویز تو بریده است مَوْلَائِي دَعَوْتَيِ هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْإِجَابَةِ وَيَجْعَلُنِي وَتمام سایهها جمع شده غیر از سایه تو. مولای من، اگر تو دعای مرای برگردانی، چگونه مستجاب مَخِيلَتِي إِنْ كَذَبْتَهَا أَيْنَ تُلَمَّاقِي مَوْضِعَ الْإِجَابَةِ فَلَمَّا تَرَدَ عَنْ بَاسِكَ مَنْ خواهد شد. اگر آرزوهای مرا قبول نکنی، کجا قبول خواهد شد. کسی را که غیر از در لایعرف عَيْرَه بَابَا وَلَا يَقْتَنِي دُونَ جِنَابِكَ مَنْ لَا يَعْرُفُ سِوَاهُ جِنَابَا تو، دری نمی‌شandasد، نران و کسی را که غیر از جوار رحمت تو، پناهی ندارد، محروم نکن. سجده کرده و می‌گوید: إِلَهِي إِنَّ وَجْهًا إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ فَالْأَغِبُّ خَلِيقٌ بِأَنْ تُجْيِهُ خَدَايَا، اگر بندهای صورتش را با اميد به سوی تو متوجه کند، شایسته اجابت خواهد بود وَإِنَّ جِينَانِ لَكَ بِإِيمَاهَهِ سَبَدَ حَقِيقٌ أَنْ يَلْعُغُ مَا قَصَدَ وَإِنَّ خَدَا وَپیشانی که با تصرع بر خاک بشیند، شایسته است که به آروزیش برسانی و گونه‌ای إِلَيْكَ بِمَسَأَلَتِهِ يَعْفُرُ حَدِيدِرِي بِأَنْ يَفْوَزَ بِمُرَادِهِ وَيَظْفَرَ وَهَا آنَا که بر خاک گذاشته شده است، لیاقت آن را دارد که به خواسته‌اش برسد. خدايا، این منم، ذا يَا إِلَهِي قَدْ تَرَى تَعْفِيرَ حَدَّيِ وَاجْتِهَالِي وَاجْتِهَادِي فِي بَنْدَهِ تو که در برابر دید گانت، گونه‌هایم را بر خاک مذلت می‌مالم و ناله می‌کنم و با اصرار، مَسَأَلَتِكَ وَجِدَّي فَتَلَقَّ يَا رَبَّ رَغْبَاتِي بِرَأْفَتِكَ قَبَلًا وَسَهَّلْ إِلَيَّ گَدَایِي می‌کنم. پروردگارا، آمال و آرزوهایم را مستجاب کن و به سوی خواسته‌هایم، طَلَبَاتِي بِرَأْفَتِكَ وَصُولًا وَذَلِّلْ لِي قُطُوفَ ثَمَراتِ إِجَابَتِكَ تَذْلِيلًا. راه وصلی باز کن و شاخه‌های میوه‌های اجابت خود، را برایم پایین بیاور. إِلَهِي لَا رُكْنَ أَشَدُ مِنْكَ فَأَوِي إِلَى رُكْنِ شَدِيدٍ وَقَدْ أَوَيْتُ إِلَيْكَ خَدَايَا، پایه‌ای محکمتر از تو نیست تا به آن پناه ببرم. من به تو پناه آورده‌ام و در برآورده وَعَوْلَتُ فِي قَصَاءِ حَوَائِحِي عَلَيْكَ وَلَا قَوْلَ أَسِيدُ مِنْ دُعَائِكَ فَأَسِيدَ تَظْهَرَ شَدَن نیازهایم به تو تکیه نموده‌ام. سخنی محکمتر از حرف تو نیست، آن را با قبولی بقولِ سَدِيدٍ وَقَدْ دَعَوْتُكَ کَمَا أَمْرَتَ فَاسِيَتَجَبَ لَي بِفَضْلِكَ کَمَّا وَعَدْتَ محکم برایم نشان بده. همان طور که خودت امر به دعا کردی، خود نیز با فضل خود فَهَلْ بَقَى يَا رَبَّ إِلَّا أَنْ تُحِبَّ وَتَرْحَمَ مِنِ الْبَكَاءَ وَالْتَّحِيبَ يَا اجابت کن. آیا برای اجابت دعا بهانه‌ای غیر از گریه و فریاد بود، تا نکرده باشم؟ مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ وَيَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَ إِذَا دَعَاهُ رَبُّ اَنْصُرْنِي ای آنکه خدایی جز او نیست. ای کسی که دعای مضطربین را به هنگامی که دعا می‌کنند، عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَاقْتَنَعَ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ وَالْأَطْفَلُ بِي مستجاب می‌کنم. پروردگارا، مرا در برابر ظالمان یاری کن و پیروز نما که تو بهترین پیروز يَا رَبَّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ کنند گانی و بر من و تمام مردان مؤمن و زنان مؤمنه لطف کن. با رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای هفتم

دعای امام زمان علیه السلام برای رفع گرفتاری و دفع شر دشمنان (۳۶) مرحوم شیخ صالح متقی و زاهد، نقل می‌کند که گرفتار مشکلات و دشمنی‌های فراوانی شدم. تا جایی که کشته شدن را در یک قدمی خودم دیدم. در این اوضاع بود که دعایی را در

جیب خودم پیدا کردم. آنچه باعث تعجب من شد، این بود که کسی آن را به من نداده بود. از این رو متوجه شده بودم. تا اینکه در خواب شنیدم که شخصی در قیافه صالحان و زاهدان به من گفت: آن دعا را ما به تو عنایت کردیم. بخوان تا از این گرفتاری نجات پیدا کنی! گوینده را نشناختم و تعجبم بیشتر شد. یک بار دیگر هم حضرت حجت علیه السلام را در خواب دیدم. ایشان فرمودند: با دعایی که داده‌ایم، دعا کن. شیخ صالح نقل می‌کند که من بارها آن دعا را امتحان کردم و خیلی زود از گرفتاری‌ها رهایی یافتم. تا اینکه بعد از مدتی دعا را گم کردم. از این مسئله خیلی متأسف شدم و از گناهانی که ممکن بود، باعث سلب توفیق شده باشند، استغفار کردم. شخصی به خوابم آمد و گفت: این دعایی که به دنبال آن هستی، در فلان جا افتاده است. آنچه که به خاطر دارم، آن است که به همان آدرس رفتم و دعا را برداشتیم و سجده شکر به جای آوردم. اما متن دعا: رَبِّ أَسْأَلُكَ مَيْدَدًا رُوحَاتِيَّ تُقَوِّيَّ بِهِ فُوَى الْكُلَّيَّةِ وَالْجُزْئِيَّةِ حَتَّىٰ خَدَايَا، از تو امدادهای روحانی را درخواست می‌کنم. تا تمام قوای کلی و جزئی را تقویت نماید. اُفَهِ عَبْدِيِّ نَفْسِيٍّ كُلُّ نَفْسٍ قَاهِرَةً فَتَنَقِّصَ لِي إِشَارَةً رَقَائِقِهَا تا جایی که روح من بر تمام ارواح قوی، غالب شود و یک اشاره کوچک من او را به شدت اُنقباضاً تَشِّقَّطْ بِهِ قُواهَا حَتَّىٰ يَبْقَى فِي الْكَوْنِ دُوْ رُوحٌ إِلَّا وَنَارٌ فَشار دهد، به گونه‌ای که تمام قوایش از بین برود. تا آنجا که آتش غصب من، تمام موجودات قهقهی قَدْ أَخْرَقْتُ ظُهُورَهُ يَأْ شَدِيدُ يَأْ شَدِيدُ يَأْ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ صاحب روح عالم را بسوژاند. ای شدید، ای شدید، ای حمله کننده بسیار نیرومند و تندر، یا قهقهه اسأَلُكَ بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ فَانْفَعْلَهْ ای غلبه کننده، از تو می‌خواهم به حرمت آن نامی که به عزراeil آموختی تا تمام لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ أَنْ تُؤْدِعَنِي هَيْذَا السَّرِّ فِي هَيْذِهِ السَّاعَةِ حَتَّىٰ نفوس عالم در برابر او تسلیم شوند، آن سر را در همین لحظه به من بسپاری تا هر سختی اُلئَنَّ بِهِ كُلَّ صَيْغَهٍ وَأَذْلَلَ بِهِ كُلَّ مَيْعَنِ بِقُوَّتِكَ يَأْ ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَ در برابر، نرم و هر غیر ممکنی برایم آسان گردد. با نیرویت، ای صاحب قدرت مستحکم. این دعا را در صورت امکان سه بار به هنگام سحر، سه بار در صبح و سه بار در شب بخوان. در صورتی که مشکل خواننده دعا خیلی شدت بیابد، بعد از اینکه آن را خواند، سی بار این دعا را بخواند: یا رَحْمَانُ یا رَحِيمُ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اسأَلُكَ اللَّطْفَ ای رحمان و ای رحیم، ای مهربان‌ترین مهربانان. از تو می‌خواهم که به هر چیزی که اندازه گیری‌ها بِمَا جَرَّتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ. در آن جاری می‌شود، اشراف پیدا کنی.

دعای هشتم

دعای حضرت برای بیماری‌های سخت (۳۷) محمد بن علی بن بابویه صدقه رحمه الله از اساتید قمی خودش نقل می‌کند که یکی از ایشان تعریف می‌کرد که به بیماری خاصی مبتلا شدم که راههای چاره را بر رویم بست. برایم خیلی سخت بود که خانواده و دوستان و برادرانم را در جریان آن بگذارم. شب هنگام در حالی که از بیماریم غمگین بودم، خوابیدم. در خواب مردی خوش سیما با پوششی جالب و بوی خوش دیدم. خیال کردم که او یکی از استادان قمی من هست که خدمت ایشان روایت می‌خواندم. با خودم گفت: تا کی باید این بیماری و غم و اندوه را از همه پنهان کنم. این آقا هم از اساتید بزرگوار ما است. بنابراین بهتر است که مشکلم را به او بگویم. شاید گشايشی حاصل شود. قبل از اینکه من زبان به سخن باز کنم، او گفت: همان عملی را که همیشه انجام می‌دادی، انجام بده و به امام زمانت متولّ شو؛ زیرا او پناهگاه تو و بهترین کمک برای دوستان مؤمن خویش است. بعد دستم را گرفت و آن را با کف دست راستش مسح کرد و گفت: او را زیارت کن و بخواه که برای حاجت تو نزد خدا شفاعت کند. عرض کردم: هر زیارت و عملی که مورد نظرتان است، یاد بدھید؛ زیرا این بیماری همه چیز را از یادم برده است. نفس بلندی کشید و گفت: لا- حَوْلَ وَلِمَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ وَسِينَهُ مَرَا بَا دَسْتِشَ مَسْحَ كَرَدَ وَ گَفَتْ: خَدَا تُرَا كَفَایَتْ مِنْ كَنْدَ، نَگْرَانَ نَبَاشَ، وَضَوَ بَگِيرَ وَ دَوَ رَكَعَتْ نَمازَ بخوان، به این ترتیب که: در رکعت اول بعد از حمد، سوره إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتَحًا مُبِينًا «فتح» در رکعت دوم بعد از حمد، سوره اذَا جَاءَ نَصِيرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ «نصر» بلند شو و در زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو: سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُ وَصَلَامَ لَوَاتُهُ

الدَّائِمَةُ وَبِرَكَاتُهُ سلام كامل فراگیر عمومی و صلوت دائمی و بربات پایدار خدا، بر حجت القائمه علی حججه اللہ و ولیه فی أرضه و بلاده و خلیفه علی حلقه خدا و ولی او بر روی زمین و در شهرها و جانشین او در میان خلق و عباده سلاله الشہوہ و بقیه العترة والصفوہ صیاحب الزمان و بندگانش. او که از نسل نبوت و باقی مانده عترت و صاحب زمان و مظہر الیمان و معلن احکام القرآن مطہر الأرض و ناسی ایمان و آشکار کننده احکام قرآن و پاک کننده زمین و گسترش دهنده عدالت العدل فی الطول والعرض الحججه القائم المهدی و الامام در طول و عرض زمین است. او که حجت قیام کننده و امام مورد انتظار المُتَنَظَّر المرضتی الطاهر ابن الائمه الطاهرين الوصی اولاد و مورد رضایت و پاک، فرزند ائمه طاهرين، جانشین اولاد جانشینان خدا الاؤصیاء المرضیین الهادی المغضوم ابن الهدایة المغضومین. که مورد رضای خدا، هدایتگر معصوم و فرزند هدایتگران معصوم است. السلام علیک یا امام المصلیین والمؤمنین السلام علیک سلام بر تو ای امام مسلمانان و مؤمنان سلام بر تو ای وارث علم پیامبران و امانتدار یا وارث علم النبیین و مسی تودع حکمه الوصیین السلام علیک حکمت جانشینان انبیاء. سلام بر تو ای مصویت دین خدا. سلام بر تو ای یا عصیمه الدین السلام علیک یا معز المؤمنین المنشد عفین عزت بخش مؤمنین مستضعف. سلام بر تو ای ذلیل کننده کافرین متکبر و ظالم. السلام علیک یا مذل الكافرین المتكبرین الظالمین السلام علیک سلام بر تو ای مولای من، ای صاحب زمان، ای فرزند امیرمؤمنان و فاطمه! یا مولای یا صاحب الزمان یا ابن امیر المؤمنین وابن فاطمه الرهراء سرور زنان عالم. سلام بر تو ای فرزند امامانی که حجت‌های خدا در میان بندگان سیده نساء العالمین السلام علیکم یا ابن الائمه الحجج علی بودند. سلام بر تو ای مولای من، سلام کسی که در ولایت شما خالص شده است. الخلق اجمعین السلام علیک یا مولای سلام مخلص لک فی الولاء. شهادت زبانی و عملی می‌دهم که تو امام هدایت شده‌ای و تو همان کسی هستی که اشهد انکه الیام المهدی قول و فعل و انکه الذی تملاً الأرض قسطاً زمین را بر از عدل و داد می‌کنی. خداوند در فرجت تعجیل کند و قیامت را آسان و عدلاً فَعَجلَ اللہ فرجک و سهل محرجک و قرب زمانک و اکثر انصارک گرداند و زمان ظهور را نزدیک و یارانت را فراوان و وعده خدایت را محقق گرداند؛ و آغاز انکه و آنجز لک موعیدک و هو اضیادق القائلین و نزید ان نمن زیرا او راستگو ترین صادقان است و فرموده است: (اراده کرده‌ایم بر کسانی که بر روی علی الدین اشتض عفوا فی الأرض و نجعلهم أئمماً و نجعلهم الوارثین. زمین تضعیف شده‌اند، عنایت کنیم و آنها را امامان روی زمین و وارثان آن قرار دهیم). یامولای حاجتی کذا و کذا - حاجت‌هایش رامی گوید فاسفع لی فی نجاحها. ای مولای من حاجت من فلان و فلان است، - حاجت‌هایش را می‌گوید -. (۳۸) در نجات از آنها مرا شفاعت کن. در ادامه هر چه که بخواهی، بخواه. نقل می‌کند که از خواب بیدار شدم. یقین به راحتی و گشايش وجودم را فرا گرفته بود. هنوز وقت زیادی تا صبح باقی بود. با سرعت بلند شدم و هر آنچه را که یاد گرفته بودم، نوشتم تا نکند که از یادم برود. وضو گرفتم و زیر آسمان رفتم. دو رکعت نماز را، همان طور که دستور داده بود، با حضور قلب و حوصله کامل خواندم. وقتی که نماز را خواندم بلند شدم و رو به قبله ایستادم و امام علیه السلام را زیارت کردم و در آخر حاجت را عرضه کردم و از ایشان یاری طلبیدم. بعد سجده شکر کردم و آن را با دعا طول دادم. آن قدر طول دادم که کم مانده بود نماز شب را قضا بکنم. بعد از آن بلند شدم و نماز شب و بعد نماز صبح را خواندم و در محراب نماز نشستم و دعا خواندم. به خدا قسم که هنوز خورشید در نیامده بود که بیماریم درست شد و هیچ وقت عود نکرد و هیچ کس تا امروز نفهمید که من به چه بیماری دردناکی مبتلا شده بودم. نعمت از خدادست و ثانی فراوان شایسته خدادست.

دعای نهم

دعای امام زمان جهت گشايش و برطرف شدن خطرها (۳۹) از ابوالحسین بن ابیالبغل کاتب نقل شده است که مدتی در خدمت ابی منصور بن صالحان بودم و برای او کار می‌کردم. تا اینکه اتفاقی افتاد و باعث ایجاد کدورت میان ما شد. من از ترس جانم، خود را از او پنهان کردم. او افرادی را نزد من فرستاد و مرا ترسانید. با وجودی پر از ترس به حرم ائمه کاظمین پناهندۀ شدم. شب جمعه

بود. تصمیم گرفتم که شب را در آنجا بمانم و مناجات کنم. شب بارانی و طوفانی بود. از ابو جعفر که خادم حرم بود، در خواست کردم تا درها را بیندد و مرا در خلوت رها کند. تا با خیال آسوده مناجات کنم و ترس کسی را نداشته باشم. درها را بست. شب از نصف گذشت و باد و باران مردم را از آمدن به حرم منصرف کرد. در آنجا ماندم و به دعا و نماز و زیارت مشغول شدم. ناگهان صدای پایی را شنیدم. مردی در حال زیارت امام موسی کاظم علیه السلام بود. به آدم و انبیای اولوالعزم سلام کرد. بعد از آن به تک تک ائمه علیهم السلام سلام کرد. تا اینکه به صاحب الزمان رسید و آن را ذکر نکرد. با خودم گفتمن شاید از یادش رفته و یا اعتقادی به ایشان ندارد. وقتی که زیارت را تمام کرد، دور رکعت نماز خواند و به طرف من آمد و امام محمد تقی علیه السلام را مانند امام کاظم علیه السلام، زیارت کرد. من از او می‌ترسیدم؛ زیرا او را نمی‌شناختم. او جوانی خوش اندام بود. لباس سفید و عمامه‌ای با تحت الحنك و عبا به تن داشت. بعد از اینکه زیارت را تمام کرد، به من گفت: ای ابوالحسین چرا دعای گشايش را نمی‌خوانی؟ عرض کردم: آن دعا کدام است؟! فرمود: دور رکعت نماز بخوان و بگو: یا مَنْ أَظْهَرَ الْجُمِيلَ وَسَرَّ الْقَيْحَ یا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيَةِ وَلَمْ يَهْتِكْ ای کسی که زیبایی را آشکار و بدی را می‌پوشانی. ای کسی که به خاطر گناهان نمی‌گیری السُّتر یا عظیم المُنْ یا کَرِيمَ الصَّفِحَ یا حَسَنَ التَّجَاوِزِ یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَآبُو يَمَانَ را نمی‌بری. ای صاحب نعمت عظیم و گذشت بزرگوارانه، ای صاحب یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ یا مُنْتَهَیَ كُلَّ نَجْوَى وَيَا غَایَةَ كُلَّ شَكْوَى مغفرت وسیع و ای دستان باز رحمت، ای منتهای هر مناجات و ای نهایت هر شکایت یا عوْنَ كُلُّ مُسْتَعِينٍ یا مُبْتَدَأًا بِالنِّعَمِ قبلَ اسْتِحْقَاقِهَا و ای یاور هر یاری خواه و ای آغازگر نعمت‌ها قبل از استحقاق آنها. ده بار: یا رَبَّاهُ ده بار: یا سَيِّدَاهُ ده بار: یا مَوْلَیَاهُ ده بار: یا غَایَتَاهُ ده بار: یا مُنْتَهَیَ غَایَةَ رَغْبَتَاهُ أَسَلَّكَ بِحَقِّ هِينَهُ الْأَسِيمَاءِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ علیهم السلام إِلَّا از تو می‌خواهم به حق این نامهای مقدس و به حق محمد و خاندان پاکش علیهم السلام تا گرفتاریم مَا كَشَفْتَ كَرِيمِي وَنَفَسْتَ هَمَّي وَفَرَجْتَ عَمَّي وَأَصْلَحْتَ حَالَيِ را برطرف کنی و اندوه و غم را از میان برداری و حال و روزم را اصلاح کنی. وَلَدُعُو بَعْدَ ذَلِكَ مَا شَتَّتَ وَتَسَأَّلَ حَاجَتَكَ بعد نیازهای خودت را به زبان می‌آوری. بعد از آن، گونه راست را روی زمین می‌گذاری و صد بار می‌گویی: «یا مُحَمَّدٌ یا عَلِیٌّ یا عَلِیٌّ یا مُحَمَّدٌ اکْفِیانِی فَإِنَّكُمَا كَافِیَانِی وَأَنْصُرَانِی فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِی» سپس گونه چیت را روی زمین می‌گذاری و صد بار می‌گویی: «أَدْرِكْنِی» حتی سعی کن آن را بیشتر از صدبار بگویی. یک نفس تمام هم «الْغَوْثَ الْغَوْثَ» می‌گویی و سرت را بر می‌داری. خداوند با لطف خود مشکلت را برطرف می‌کند. وقتی که به نماز و دعا مشغول شدم، رفته بود. بعد از نماز و دعا یکی که یادم داده بود، پیش ابو جعفر خادم حرم رفتم تا درباره او سؤال کنم که او چگونه وارد شده است. اما دیدم که همه درها قفل هستند. تعجب کردم. با خودم گفتمن شاید او هم مثل من قبل از قفل شدن درها آمده و در اینجا مانده است. وقتی که به ابو جعفر رسیدم، او از اتاق بیرون آمد. درباره آن مرد و چگونگی وارد شدنش سؤال کردم. گفت: همان طور که می‌بینی همه درها بسته است و من در را برای کسی باز نکرده‌ام! همه ماجرا را برایش نقل کردم. گفت: این آقا، امام زمان‌مان است. من بارها ایشان را دیده‌ام که در همچو شب‌های خلوتی برای زیارت تشریف آورده است. من از اینکه ایشان را به موقع نشناخته بودم، خیلی متأسف شدم. نزدیک فجر بود به طرف کرخ به راه افتادم. به همان جایی که خود را پنهان می‌کردم، رفتم. هنوز خورشید کامل در نیامده بود که اصحاب ابن صالحان دنبال من می‌گشتند و مرا از دوستانم می‌پرسیدند. آنها امان نامهای از وزیر به همراه داشتند. که در آن کلی مطالب دلنشیں نوشته شده بود. با چند نفر از دوستان مورد اعتماد پیش او رفتم. مرا احترام کرد و طوری تحويل گرفت که تا به آن روز بی‌سابقه بود. بعد از آن گفت: کارت به جایی رسیده است که از دست من خدمت امام زمان علیه السلام شکایت می‌کنی. گفتمن: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، امشب آن حضرت را در خواب دیدم. یعنی شب جمعه، او به من دستور داد که در مورد تو هر کار خوبی که بتوانم انجام دهم و مرا در این مورد تهدید کرد. گفتمن: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شهادت می‌دهم که آنها بحق هستند و نهایت آن می‌باشند. من هم امشب در بیداری مولا یمان را دیدم. فلان چیزها را به من گفت. همه تعجب کردند. وزیر از آن به بعد کارهای خوبی انجام داد و به واسطه او، خیراتی به من رسید که هیچگاه به فکر

نمی‌رسید. همه از برکت امام زمان علیه السلام بود.

دعاهای صادر شده جهت ارتباط با امام زمان علیه السلام

دعای اول

نامه امام زمان علیه السلام درباره چگونگی زیارت آل یاسین (۴۰) حمیری رحمه الله نقل می‌کند که بعد از مسائل فقهی که از حضرت سؤال می‌کردم، نامه‌ای صادر شد: بسم الله الرحمن الرحيم نه درباره اراده خدا اندیشه می‌کنید و نه مطیع اولیای او هستید! «حکمتی که ابلاغ شده است. اما اندارها و ترساندنها - برای کسانی که اهل ایمان آوردن نیستند - سودی ندارد.» (۴۱) سلام خدا بر ما و تمام بندگان صالح خدا هر وقت که خواستید با توسل به ما به خدا و ما توجه کنید، همان طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید: سَلَامُ عَلَى آلِ يَاسِينَ سلام بر خاندان یاسین (۴۲) أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا ذَاعِيَ اللَّهِ وَرَبِّيَّ آیاتِهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ سلام بر تو ای جانشین و فرستاده خدا و مفسر آیات او. سلام بر تو ای دروازه علم الهی و دیان دینه أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقَّهُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ و اقامه کننده دینش. سلام بر تو ای جانشین خدا و یاریگر حقش. سلام بر تو یا حججه الله و دلیل إِرَادَتِهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ یا تالیکَ كِتَابَ اللَّهِ وَتَرْجِمَانَهُ ای حججه خدا و راهنمای مقاصد او. سلام بر تو ای امتداد کتاب خدا و مفسر آن. أَسْلَامٌ عَلَيْكَ فی آناءِ لَتَلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ یا بَقِيَّةَ اللَّهِ سلام بر تو در ساعات شب و روز. سلام بر تو ای باقی مانده اولیای خدا بر روی زمین. فی أَرْضِهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ یا مِيَثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَدَهُ أَسْلَامٌ سلام بر تو ای عهد و پیمان الهی که گرفته و محکم کرده است. سلام بر تو ای وعده علیکَ یا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيْهَا الْعَلْمُ الْمُنْصُوبُ تضمینی خدا. سلام بر تو ای علم و پرچم نصب شده. سلام بر تو ای علم سرشار وَالْعِلْمُ الْمُضَيِّبُ بُوبُ وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعِيدُ غَيْرِ مَكْذُوب. و یاری کننده و رحمت واسعه الهی و وعده‌ای که دروغ نخواهد بود. أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعِدُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ سلام بر تو، زمانی که بلند می‌شوی و می‌نشینی. سلام بر تو، زمانی که می‌خوانی تقرأً وَتَبَيَّنَ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تُصَيِّلَى وَتَقْتُلُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ و یا سخن می‌گویی. سلام بر تو، زمانی که نماز می‌خوانی و قنوت می‌گیری. سلام بر تو، تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تَسْتَغْفِرُ وَتَحْمَدُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ زمانی که رکوع می‌کنی و به سجده می‌روی. سلام بر تو زمانی که استغفار می‌کنی. تُكَبِّرُ وَتُهَلِّلُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ حِينَ تُصَبِّحُ وَتُتَمِّسِّي أَسْلَامٌ عَلَيْكَ فی سلام بر تو زمانی که الله اکبر و لا إله الا الله می‌گویی. سلام بر تو، زمانی که صبح و یا شب اللَّيلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيْهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ می‌کنی. سلام بر تو، در شب تاریک. سلام بر تو، در روز روشن. سلام بر تو ای امام أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيْهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ بِعِجَامِ السَّلَامِ حفاظت شده. سلام بر تو ای امام پیشرو و آرزو شده. سلام بر تو با کاملترین سلام‌ها. أَشْهُدُكَ یا مَوْلَائِی أَنِّی أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مولای من، تو را شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم خدایی جز الله نیست. او که یگانه وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَمَّا حَيَّ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهُدُكَ أَنَّ و بدون شریک است و محمید بنده و رسول او است و دوستی غیر از او و خاندانش وجود ندارد. عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنُ حُجَّتُهُ وَعَلَيَّ تو را شاهد می‌گیرم که علی امیر مؤمنان و حججه خدادست. و حسن حججه خدادست. حسین نیز حججه بْنَ الْحُسَينِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدٌ بْنَ عَلَيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرٌ بْنَ مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ اوست. علی بن حسین نیز حججه اوست. محمید بن علی نیز حججه اوست. جعفر بن محمد نیز و موسی‌ی بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَعَلَيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدٌ بْنَ عَلَيٍّ حُجَّتُهُ اوست. موسی بن جعفر نیز حججه اوست. علی بن موسی نیز حججه اوست. محمد بن علی حججه و علی بْنَ مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلَيٍّ حُجَّتُهُ وَأَشْهُدُ أَنَّکَ نیز حججه اوست. علی بن محمد نیز حججه اوست. حسن بن علی نیز حججه اوست. شهادت حججه الله أَتَتْهُ الْمَأْوَلُ وَالْآخْرُ وَأَنَّ رَجْعَتُكُمْ حَقِّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمٌ می‌دهم که تو نیز حججه خدا هستی. شما آغاز و پایان عبودیت و امامت هستید و رجعت لا ینفع نفساً إِيمانُهَا لَمْ تَكُنْ

آمنت منْ قَبْلُ أَوْ كَسَيْبَثْ فِي إِيمَانِهَا شَمَا بِي شَكْ حَقِيقَتْ دَارَدْ وَ آنْ، رُوزِيْ اسْتَ كَه اَكْرَ كَسِيْ قَبْلًا اِيمَانْ نِيَارَدْ باشَدْ، اِيمَانْ خَيْرًا وَ آنَّ الْمَوْتَ حَقْ وَ آنَّ نَاكِرًا وَ تَكِيرًا حَقْ وَ أَشَهَدُ آنَ النَّشْرَ وَ الْبَعْثَ آورَدْ در آنْ، فَايَهَهَا نَدارَدْ.(۴۳) مَرْگَ حَقْ اسْتَ. نَاكِر وَ نَكِير حَقْ اسْتَ. شَهادَتْ مَى دَهْمَ كَه حَقْ وَ آنَ الصَّرَاطَ حَقْ وَ الْمِيزَانَ وَ الْحِسَابَ حَقْ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقْ رَسْتَاخِيزْ حَقْ اسْتَ. صَرَاطَ حَقْ اسْتَ. تَرازوِي اعْمَالَ وَ مَحَاسِبَه آنَها حَقْ اسْتَ. بَهْشَتْ وَ دُوزَخَ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقْ يَا مَوْلَائِي شَقِيقَيْ مَنْ خَالَفَكُمْ وَ سَعَدَ حَقْ اسْتَ. وَعَدَه وَ وَعِيدَهَايِ خَدا حَقْ اسْتَ. مَولَايِ منْ بَدْبَختْ كَسِيْ اسْتَ كَه از شَمَا سَرِيبِچِي نَمُودَ مَنْ أَطَاعَكُمْ. فَاشَهَدْ عَلَيْ مَا أَشَهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَ آنَا وَلَيْ لَكَ بَرِيَّ وَ سَعَادَتْمَنَدْ كَسِيْ اسْتَ كَه از شَمَا اطَاعَتْ كَرَدْ. بَرَ آنِجَه كَه شَهادَتْ دَادَمْ، شَاهَدْ باشَدْ. مَنْ دَوْسَتْ شَمَا هَسْتَمْ مِنْ عَيْدُوكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيَتْمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَيْخَطَتْمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ وَ از دَشْمَنَاتَنَ بَيْزَارَمْ. حَقْ هَمَانْ چِيزِي اسْتَ كَه از آن رَضَايَتْ دَارِيدْ. بَاطِلَ آن چِيزِي اسْتَ كَه از آن مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَسِيَتِي مُؤْمِنَه بِاللهِ وَ خَدَهُ غَصْبَنَا كَيدْ. خَوبِي هَمَانْ اسْتَ كَه شَمَا امَرَ كَرَدَهَايدَ وَ مَنْكَرَ هَمَانْ اسْتَ كَه از آن نَهَى كَرَدَهَايدَ. رُوحَ وَ جَانَمَ لَمَ شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَائِي أَوَلَكُمْ بَهْ وَحدَاتِي خَدَاهِي يَگَانَه بَدَونَ شَرِيكَ وَ فَرَسَتَاهِ او وَ امِيرَالْمُؤْمِنِينَ وَ بَهْ هَمَه شَمَا از اوَلَ تَا آخَرَتَانَ، وَ آخَرَكُمْ وَ نُصْرَتِي مُعَلَّدَه لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالَصَه لَكُمْ آمِينَ آمِينَ اِيمَانَ دَارَدْ. يَارِي منْ بَرَاي شَمَا آمَادَه شَدَه اسْتَ وَ دَوْسَتِي در شَمَا خَالَصَ گَرَدِيدَه اسْتَ. آمِينَ آمِينَ

دعای دوم

دعای بعد از زیارت آل یاسین(۴۴) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَةَكَ وَ كَلِمَتَهُ خَدَاهِيَا، با پافشاری درخواست می کنم که بر محمد پیامبر رحمت و مجموعه نورت درود نور ک و آنْ تَمَلَّا قلِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فَكْرِي نُورَ فَرَسَتْ و قلبِم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیت های خیر و اراده ام الْتَّيَاتِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصَّدْقِ را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانِم را از نور راستی و دینِم را از نور شناخت هایی و دینی نُورَ الْبَصَرِ امِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصِيرَتِي نُورَ الْضَّيَاءِ وَ سَيْمَعِي نُورَ که از توست و چشمانِم را از نور بینایی و گوشهايم را از نور حکمت و دوستی و علایقِم را از الْحِكْمَهِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ حَتَّى أَلْقَاكَ نُورَ مَحْبَبِ مُحَمَّدٍ وَ خَانِدَانِش عَلَيْهِمُ السَّلَامِ لَبِرِيزْ وَ مَالَامَال گردانی. مرا به گونه ای کن که وقتی تو را ملاقات وَقَدْ وَفَيْتْ بِعَهْدِكَ وَ مِيَاثِقَكَ فَسَيْ عَنِي رَحْمَتِكَ يَا وَلَيْ يَا حَمِيدُ. می کنم، به عهد خود وفا کرده باشم و در رحمت گسترهات وارد شوم. ای سریرست و ای ستوده. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ حَلِيقَتِكَ فِي بِلَادِكَ خَدَاهِيَا، بر محمد(۴۵) که حَجَّتْ تو بِرِ روی زمین و جانشین تو در مناطق توست؛ او که مردم را وَالدَّاعِيِ إِلَى سَيِّلَكَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْيَطِكَ وَ الْثَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَ لَيِّ الْمُؤْمِنِينَ به راه تو دعوت کرده و عدل تو را بِرِ پا می کند و به اوامرِت عمل می نماید، دوستِ مؤمنین وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مَجْلِي الظُّلْمَهُ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَهُ وَ درهم کوبنده کافرین و روشنی بخش ظلمت ها و حقایق، و بیانگر صادقانه حکمت وَالصَّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَهُ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبُ الْخَائِفُ وَالْوَلِيُّ وَ مخلوق کامل و برتر در زمین تو، مراقب ترسان و ولی دلسوز و کشته نجات النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاهِ وَعَلَمِ الْهُدَى وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ وَ پَرِچَمِ هدایت و نور چشمان دیگران و بهترین کسی که لباس و پیراهن پوشید مَنْ تَقْمَصَ وَارْتَدَ وَمَجْلِي الْغَمَاءِ الَّذِي يَمْلأُ الْأَرْضَ عَيْدَلًا وَ روشنی بخش تاریکی ها که زمین را پر از عدل و داد کند. همان طور که قبل از آن وَقَشِطَأَ کَمَا مُلَكَّتْ ظُلْمًا وَ جُوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَئْءٍ قَدِيرٌ. از ظلم و جور پر شده است. سلام بفرست زیرا تو بِرِ هر چیزِ توانایی داری. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلَيِّكَ وَابِنِ أُولَيَاءِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ خَدَاهِيَا، بر جانشین و فرزندان جانشینیت، کسانی که اطاعت شان را واجب کردي و حقشان را لازم حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا: اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انتَصِرْهُ دانستی و پلیدی را از آنها دور کردي و آنها را پاک گرداندی، درود فرست. خدَاهِيَا، او را ياری کن بِهِ لَدِينِكَ وَأَنْصِرْ بِهِ أُولَيَاءَكَ وَأَوْلَيَاءَهُ وَشَيْعَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. وَ بَهْ وَاسْطَه او از دین خود حمایت کن و به ياری اولیا و شیعیانش، بفرست و ما را از آنها قرار بده. اللَّهُمَّ أَعِنْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغِ وَ طَاغِ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ خَدَاهِيَا او را از شر

ظالمان و سرکشان و تمام مخلوقات، پناه بده و از تمام جوانب او را بینِ یَدِيهِ و مِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْتَعْهُ مِنْ آنْ حفظ کن. مراقبت کن تا هیچ نوع بدی به او نرسد و در وجود او فرستاده خود و خاندانش یوصل إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدْلَ را حفظ کن و عدل را با او آشکار کن و با امدادهای خود یاریش کن و یارانش را پیروز وَأَيْدِهِ بالنَّصِيرِ وَأَنْصِرِ نَاصِرِ رِيَهِ وَاخْذُلْ حَادِلِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبِرَةَ گردن و دشمنانش را خوار ساز. خداها به دست او طغیانگران کفر را در هم بکوب و کفار الْكُفَّارِ وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحَدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ وَمِنَافِقِينَ وَتمام منکرین را هلاک کن. چه در بخش‌های شرقی زمین باشدند و چه در بخش‌های مشارق الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا بَرَّهَا وَبَحْرَهَا وَأَمَّا بِالْأَرْضِ عَدْلًا وَأَظْهِرْ غربی آن، چه در خشکی و چه در دریا باشند و زمین را از برکت او و از عدل و داد پر کن بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَى اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَدِينِ پیامبرت را غالب گردن. خداها مرا از یاران و شیعیان و پیروی کنندگان او قرار وَأَتَبَاعِهِ وَشِیَعَتِهِ وَأَرَبَّنِی فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عِلْدُوْهُمْ بده و خاندان محمد را به تمام آرزوها یشان برسان و دشمنانشان را به آنچه از آن می‌ترسند، مبتلا مَا يَعْلَمُونَ إِلَهُ الْحَقُّ. آمینَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. کن، ای معبد حق دعايم را پیذیر، ای صاحب جلالت و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان.

دعاى سوم

زیارت آل یاسین با نقلی دیگر (۴۶) بسم الله الرحمن الرحيم نه در اراده خدا اندیشه می‌کنید و نه از اولیا و جانشینانش اطاعت می‌نمایید. «آیات الهی حکمت‌هایی است که ابلاغ شده است. اما آیات و ترساندن‌ها برای کسانی که اهل ایمان نیستند، سودی ندارد.» و سلام خدا بر ما و بندگان صالحش. زمانی که خواستید با توصل به من به خدا و ما اهل‌بیت، توجه پیدا کنید، همان‌طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید: (۴۷) سَلَامٌ عَلَى الْيَاسِينَ سلام بر خاندان یاسین ذلک هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللهُ دُوَّلُ الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَن يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ نَبُوَّتُ وَإِمَامَتُهُ همان عنایت روشن است و خدا صاحب احسان عظیم است برای کسی که او را به راه المُسْتَقِيمَ التَّوْجِهَ.. راست هدایت کند. اما توجه: قد آتاكُمُ اللهُ يا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتُهُ وَعَلَمَ مَجَارِيَ أَمْرِهِ فِيمَا قَضَاهُ اى آل یاسین خداوند خلافش را به شما داد و کیفیت جریان اراده خودش را در مورد وَدَبَرَهُ وَرَتَبَهُ وَأَرَادَهُ فی مَلْكُوتِهِ فَكَشَفَ لَكُمُ الْغِطَاءَ وَأَنْتُمْ قَضَا وَقَدْرَ وَاراده‌ای که در ملکوت آسمان‌ها دارد، به شما نشان داده است. پرده از شما خزانه و شهاداوه و علماؤه و امناؤه ساسه العباد و آرکان الْبَلَادِ برداشته شده و شما خزانه داران و شاهدان و عالمنان و امینان و رهبران و پایه‌های مناطق و قضاة الْأَخْكَامِ وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ وَمِنْ تقدیره مَنَائِحُ الْعَطَاءِ بِكُمْ و قاضیان احکام و درهای ایمان هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که إِنْفَادُهُ مَحْتُومًا مَقْرُونًا فَمَا شَئْنَاهُ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبُّ وَإِلَيْهِ بِهِ صورت حتمی و قطعی حکم کرد در نتیجه هیچ چیزی از خدا نیست، مگر اینکه شما واسطه السَّيْلُ خِيَارُهُ لَوْلَيْكُمْ نِعْمَةٌ وَأَنْتَقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَيْخَطَهُ فَلَا نَجَاهَهُ وَرَاهُ وصول به آن هستید. خداوند برای دوستانتان نعمت و برای دشمنانتان غصب را برگزیده است. وَلَا مَفْرَعَ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مِذْهَبٌ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ الْأَنَاظِرَهُ وَحَمَلَهُ بنا برای نجات و پناهی غیر از شما وجود ندارد و جای فراری از آن نیست. ای چشمان ناظر خدا مغرفتی و مسأکن تَوْحِيدِهِ فی أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَأَنَّتِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَيْتِهِ و حامل معرفت و محل استقرا توحید در زمین و آسمان و توای حجت و باقی مانده اولیای الهی، کمال نعمتی و وارث آنیایه و خلفانیه می‌بلغنیاه مِنْ دَهْرِنَا وَصِيَاحُ كَمَالِ نِعْمَتٍ او و وارث انبیا و جانشینان او تا به امروز، ای آن که طبق وعده خدا، صاحب رجعتی، الرَّجْعِيَّهُ لَوْعِيدَ رَبِّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَهُ الْحَقِّ وَفَرَحْنَا وَنَصِيرُ اللَّهِ لَنَا وَعَزْنَا. که دولت حق و شادی و نصرت خدا و عزت او در آن روز، بر ما تجلی خواهد یافت، سلام بر تو. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعِلْمُ الْمُمْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمُصْبَبُ وَالْغَوْثُ سلام بر تو ای پرچم برافراشته و یاریگر و رحمت واسعه. ای وعده راستین خدا. سلام بر تو وَالرَّحْمَهُ الْوَاسِعَهُ وَعِيدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ صَاحِبَ الْمَرْأَى ای بینا و شنوایی که پیمانهایت در برابر دیدگان خدا و عهدهایت در دستان خدادست وَالْمَسْمَعُ الَّذِي بَعْنَنَ اللَّهَ مَوَاثِيقُهُ وَبَيْدَ اللَّهِ عُهُودُهُ وَبَقْدَرَهُ

الله و سلطنت با قدرت خدا محقق می‌شود. تو آن بردباری هستی که تعصیات او را به عجله سُلطانه أَنَّ الْحَلِيمُ الَّذِي لَمَا تُعَجَّلْهُ
الْعَصِيَّةُ بِئْهُ وَالْكَرِيمُ الَّذِي لَمَا تُبَخِّلْهُ نَمِيَ اندازد و تو بزرگواری هستی که ثبت و ضبط مسائل او را به بخل و نمی‌دارد تو آن الحفیظه
وَالْعَالِمُ الَّذِي لَمَا تُجَهَّلْهُ الْحَمِيمُ مُجَاهِدٌ تُكَفِّرُ فِي اللَّهِ ذَاتُ مُسْتَهْنَةِ اللَّهِ عَالَمِي هستی که تعصیات کور او را به کارهای نادرست مبتلا
نمی‌کند. تلاش تو در راه و مُقَارَّ عَتَكَ فِي اللَّهِ ذَاتِ اِنْتِقامِ اللَّهِ وَصَبَرُكَ فِي اللَّهِ دُوْ آنَاءِ اللَّهِ وَشُكْرُكَ لَلَّهِ خدا همان خواسته خداست.
کشتن تو در راه خدا، عین انتقام خداست و صبر تو در راه دُوْ مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ یا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ خدا
عین فرصت دادن خداست. شکر تو همان زیاد کردن خداست. سلام بر تو ای آنکه وَيَمِينِهِ وَشَمَالِهِ وَفُوقِهِ وَتَحْتِهِ یا مَحْرُوزًا فِي قُدْرَةِ
اللَّهِ نُورُ سَيِّمَعِهِ نور مقابل، پشت و راست و چپ و پایین و بالایش با اراده خدا، محفوظ است. ای کسی وَبَصَرِهِ وَيَا وَعِيدَ اللَّهِ الَّذِي
ضَمِنَهُ وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخْمَدَهُ وَوَكَدَهُ که نور گوش و چشمش در قلعه قدرت خدا، مصون است. ای وعدهای که خدا ضمانت
السَّلَامُ عَلَيْكَ یا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِيَ آیاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ یا بَابَ اللَّهِ کرده است. ای پیمانی که خدا آن را محکم کرده است. سلام بر تو
ای فرستاده خدا و مفسر وَدِيَانَ دِيَنِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ یا حَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ آیات الهی. سلام بر تو ای در رحمت خدا و
نگهبان دین او. سلام بر تو ای جانشین خدا یا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ یا تَالِيَ كِتَابَ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ وَيَارِيگر حَقَّ
او. سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای مقاصد او. سلام بر تو ای امتداد بخش قرآن عَلَيْكَ فِي آتَاءِ لَيْلَكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ
عَلَيْكَ یا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. و مفسر آن. سلام بر تو در ساعات شب و روز. سلام بر تو ای باقی مانده اولیای الهی بر روی زمین.
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْوُمُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ سلام بر تو هنگامی که بلند می‌شوی. سلام بر تو آنگاه که می‌نشینی.
سلام بر تو آنگاه که حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ می‌خوانی و توضیح می‌دهی. سلام بر تو، زمانی
که نماز و قنوت می‌خوانی. سلام بر تو، حِينَ تَرْكَعَ وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعَوَّذَ وَتُسْبِّحُ السَّلَامُ زمانی که رکوع می‌کنی و به
سجده می‌افتنی. سلام بر تو هنگامی که به خدا پناه می‌بری و خدا را عَلَيْكَ حِينَ تُهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ
تسبیح می‌گویی. سلام بر تو، زمانی که اقرار به یگانگی می‌کنی و تکبیر می‌گویی. سلام بر تو، زمانی عَلَيْكَ حِينَ تُمَجَّدُ وَتَمْدَحُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمْسِيَ وَتُصَبِّحُ السَّلَامُ که حمد و استغفار می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که خدا را تمجد و حمد می‌کنی. سلام بر
تو، زمانی عَلَيْكَ فِي الْلَّيلِ إِذَا يَعْشَى وَالْهَارِ إِذَا تَجَلَّ وَالْآخِرَةُ وَالْأُولَى السَّلَامُ که شب و یا صبح می‌کنی. سلام بر تو در تاریکی شب
و روشنایی روز. سلام بر تو در دنیا و آخرت. عَلَيْكُمْ یا حُجَّجَ اللَّهِ وَرُعَاتَنَا وَهُدَاتَنَا وَدُعَاتَنَا وَأَئِمَّتَنَا وَسَادَاتَنَا سلام بر همه شما ای
حجت‌های خدا. ای مراقبان و هادیان و دعوت کنندگان و رهبران و امامان و مَوَالِيْنَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا وَأَنْتُمْ جَاهَنَّا أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا
و سروران و مولاهمای ما. سلام بر شما که نور ما در ظلمتید. شما که عظمت ما در هنگام نماز هستید. وَعِصْمَتُنَا بِكُمْ لِدُلْعَائِنَا وَصَلَاتِنَا
وَصَةِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا. شما که باعث مصونیت ما در هنگام دعا، نماز، روزه و استغفار و سایر اعمالمان هستید. السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا سلام بر تو ای امام امداده شده، سلام بر تو ای امام الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. پیشو و آرزو شده، سلام بر تو با کامل ترین سلامها. أَشْهَدُكَ یا مَوْلَائِي أَنَّى أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ
وَحْدَهُ مولايم تو را شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم، خدایی جز الله نیست. او یگانه، لا شریک له وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَهَا
حَبِيبٌ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَنَّ يَكْتا وَتَنْهَا سَتُ وَشَرِيكَى نَدَارَدُ وَمُحَمَّدٌ بَنْدَهُ وَفَرْسَتَادَهُ اوَسَتُ وَحَبِيبَى جَزُ اوَّمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَجَّهُ وَأَنَّ
الْحَسَنَ حَجَّهُ وَأَنَّ الْحَسَنَ حَجَّهُ وَأَنَّ وَخَانِدَانِش نَیِّسَتُ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنَ، حَسِينَ، عَلَيَّ بْنَ الْحُسَنِ بْنِ حَجَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلَيَّ
حَجَّهُ وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ عَلَيَّ بْنَ حَسِينَ، مُحَمَّدَ بْنَ مُوسَى، جَعْفَرَ بْنَ مُوسَى، مُحَمَّدَ بْنَ عَلَيَّ حَجَّهُ وَأَنَّ مُوسَى بْنَ عَلَيَّ
حَجَّهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ عَلَيَّ بْنَ مُوسَى، مُحَمَّدَ بْنَ عَلَيَّ حَجَّهُ وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حَجَّهُ وَأَنَّ حَسَنَ عَلَيَّ بْنَ
مُحَمَّدَ، حَسَنَ بْنَ عَلَيَّ هَمَهُ وَهَمَهُ حجت‌های خدا هستند بْنَ عَلَيَّ حَجَّهُ وَأَنَّ حَجَّهُ وَأَنَّ عَلَيَّ بْنَ مُحَمَّدَ حَجَّهُ وَأَنَّ حَسَنَ عَلَيَّ بْنَ
حجت خدا هستی و انبیاء به هدایت شما، دعوت و راهنمایی می‌کردند. الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَخَاتَمَتُهُ وَأَنَّ رَجَعَتُكُمْ حَقُّ لَا شَكَ فِيهَا يَوْمَ لَا

يَنْفَعُ شَمَا اوَّلَ وَآخِرَ وَخَاتَمَهُ بِخَشْ هَدَيَتْ هَسْتِيدْ. هَمِينْ طُورْ شَهَادَتْ مِي دَهْمَ كَه رَجَعَتْ شَمَا حَقَّ اسْتَ نَفْسَاً إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ اُوْ كَسَيْبَثْ فِي إِيمَانُهَا خَيْرَاً وَأَنَّ وَشَكِي در آن نِيَسْت. رُوزِي كَه اِيمَانْ آوَرْدَن در آن، سُودِي نَدَارَد. اَكْرَ قَبْلَا اِيمَانْ نِياورَدْ باشَدْ الْمَوْتَ حَقُّ وَأَشَهَدُ اَنَّ نَاكِرَا وَنَكِيرَا حَقُّ وَأَنَّ النَّشَرَ وَالْبَعْثَ حَقُّ وَعَملْ صَالِحِي مَطَابِقْ اِيمَانْشِ انْجَامْ نَدَهَدْ. شَهَادَتْ مِي دَهْمَ كَه مِرْگَ وَنَاكِرَ وَنَكِيرَ وَرَسْتَاخِيْزْ حَقُّ هَسْتَنَدْ. وَأَنَّ الصَّرَاطَ حَقُّ وَالْمِرْصَادَ حَقُّ وَأَنَّ الْمِيرَانَ وَالْحِسَابَ حَقُّ وَأَنَّ صَرَاطَ وَمَرْصَادَ(٤٨) حَقُّ اسْت. تَرازوِي اَعْمَالَ وَمَحَاسِبَه آنَهَا حَقُّ هَسْتَنَدْ. بَهْشَتْ وَدُوزِخْ وَجَزَائِي به آن دُو الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقُّ وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعِيدِ وَالْوَعِيدِ حَقُّ وَأَنْكُمْ لِلشَّفَاعَيِّهِ بِرَاسِسْ وَعَدَهَا حَقُّ اسْت. شَهَادَتْ مِي دَهْمَ كَه شَمَا حَقُّ شَفَاعَتْ دَارِيدَ وَشَفَاعَتَانَ رَدْ نَمِي شَوَدْ. حَقُّ لَآ تُرْدُونَ وَلَا تَسْبِقُونَ مَيْشَيَّهَ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَلَلَّهِ الرَّحْمَهُ الْبَتَه شَمَا نِيزْ از خَوَاستَه خَدَا سَبَقَتْ نَمِي گِيرِيدَ وَبَرْ طَبَقَ آن عَمَلَ مِي كَنِيدْ. شَهَادَتْ مِي دَهْمَ كَه رَحْمَتَ وَالْكَلِمَهُ الْعُلِيَا وَبِيَدِهِ الْحُسْنَى وَحَجَجَهُ اللَّهِ الْعَظَمَى خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ وَبِالاَتَرِينَ تَوْصِيفَاتَ بِرَاهِي خَدَاستَ وَخَوبِي هَا وَحَجَّتَهَايِ عَظِيمِ الْهَهِي، در دَسْت اوَسْت. او كَه جَنَّ وَانْسَ رَالِعِبَادَتِهِ اَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِّي وَسَعِيدَ قَدْ شَقِّي مِنْ خَالَفَكُمْ بِرَاهِي عَبَادَتِش آفَرِيدَ وَاز بَندَگَانِش چِيزِي غِيرَ از عَبَادَتِ خَوَاستَه اسْت. پَسْ عَدَهَايِ بَدِبَختَ وَبَرْخِي سَعَادَتِمَنَدَ شَدَنَدْ. وَسَعِدَ مِنْ اَطَاعَكُمْ وَأَنْتَ يَا مَوْلَايِ فَاشَهَدْ بِمَا اَشَهَدْتُكَ عَلَيْهِ تَخْزُنَهُ مَخَالِفَتَانَ، بَدِبَختَ وَمَطِيعَتَانَ، سَعَادَتِمَنَدَ اسْت. مَولَايِ منْ، به آنچَه كَه تو رَا بر آن شَاهَدَ گَرفَتمْ. وَتَحْفَظُهُ لَيِ عِنْدَكَ اَمُوتَ عَلَيْهِ وَأَنْشَرُ عَلَيْهِ وَأَقِفُّ بِهِ وَلَيَا لَكَ بَرِيَّا شَهَادَتَ بَدَهَ وَآن رَا نَزَدَ خَودَ نَگَهَدارَ تَا بَر آن عَقَایدَ بِمِيرَمْ وَبَا آنها بِاَخِيزِمْ وَبَا آن بَايِسْتَمْ. مِنْ شَمَا رَا دَوَسْتَ دَارَمَ مِنْ عَدُوَّكَ مَاقِنَا لِمَنْ اَغْضَكُمْ وَادَّا لِمَنْ اَحَبَّكُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِيَّمُوهُ وَاز دَشْمَنَاتَانَ بِيزَارَمْ. دَشْمَنَ كَسِي كَه شَمَا رَا دَشْمَنَ دَارَدَ وَدَوَسْتَ كَسِي كَه شَمَا رَا دَوَسْتَ دَاشَتَه باشَدَ، هَسْتَمْ. حَقُّ وَالْبَاطِلُ مَا سَيِّخَطْمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا اَمْزَتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ آن اسْتَ كَه از آن رَاضِي باشِيدَ وَبَاطِلَ آن اسْتَ كَه بَر آن غَضَبَ كَنِيدْ. خَوبَ آن اسْتَ كَه بَه آن اَمْرَ كَنِيدْ. وَالْقُصَاءُ الْمُبْتَهُ مَا اَسْتَأْثَرَتْ بِهِ مَشَيْكُمْ وَالْمَمْحُوُّ مَا اَسْتَأْثَرَتْ بِهِ بَدَ آن اسْتَ كَه از آن نَهَى كَنِيدْ. قَضَايِ حَتَّمِي آن اسْتَ كَه طَبَقَ خَوَاستَه شَمَا باشَدَ وَقَضَايِ تَغْيِيرَ يَافَهَتْ سُتَّكُمْ فَلَأِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ لَشَريِّكَ لَهُ مُحَمَّدُ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آن اسْتَ كَه خَوَاستَه شَمَا نَبَاشَدَ. پَسْ خَدَايِي غِيرَ از اللَّهِ نِيَسْتَ او يِكَانَهُ وَيِكتَاستَ وَشَريِّكَي نَدَارَدَ. عَلَيَّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَجَّتَهُ الْحَسَنُ حَجَّتَهُ الْحُسَيْنُ حَلْيُنْ حَجَّتَهُ عَلَيَّ حَجَّتَهُ مُحَمَّدُ بَنَدهُ وَفَرَسْتَادَه او، عَلَيَّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنَ، حَسِينَ، عَلَيَّ، مُحَمَّدُ حَجَّتَهُ جَعْفَرُ حَجَّتَهُ مُوسَيَ حَجَّتَهُ عَلَيَّ حَجَّتَهُ مُحَمَّدُ حَجَّتَهُ عَلَيَّ مُحَمَّدَ، جَعْفَرَ، مُوسَيَ، عَلَيَّ، مُحَمَّدَ، عَلَيَّ، حَسَنَ وَتَوْهَمَكَى حَجَّتَهُ الْحَسَنُ حَجَّتَهُ اَنَّ حَجَّتَهُ اَنَّمَّلَ حَجَّجُهُ وَبَرَاهِينَهُ اَنَا يَا مَوْلَايِ حَجَّتَهَايِ خَدا هَسْتَيَدْ. مَولَايِ! مِنْ از مَعَاملَهَايِ كَه خَدا بَا مجَاهَدانَ مُسْتَبِشَرَ بِالْيَيْعَهُ اَتَى اَخَذَ اللَّهُ عَلَيَ شُرَطَهِ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ اَشْتَرَى بِهِ رَاهَ خَودَ اِنجَامَ دَادَه وَدر آن جَانَهَايِ مؤْمِنِينَ رَا خَرِيدَارِي كَرَدَه اسْتَ. اَنْفَسَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفِسِي مُؤْمِنَهُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَآ شَريِّكَ لَهُ وَرَسُولُهُ خَوْشَالَم؛ زَيْرَا جَانَ مِنْ بَه خَدَايِ وَاحِدَهِي كَه شَريِّكَي نَدَارَدَ، بَه فَرَسْتَادَه او وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايِ اَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ وَنَصِيرَتِي لَكُمْ مُعَيَّدَهُ وَامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبَه هَمَه شَمَا اِيمَانْ دَارَدَ. مَولَايِ! مِنْ بَه هَمَه شَمَا، اَولَ تَا آخِرتَانَ وَمَوَدَّتِي خَالِصَيَهُ لَكُمْ وَبَرَاءَتِي مِنْ اَعْيَدَائِكُمْ اَهْلُ الْحَرَدَهُ وَالْجَدَالِ اِيمَانْ دَارَمَ وَيَارِي اَمَ رَا بِرَاهِيَتَانَ مَهِيَا وَدَوَسْتِيمَ رَا خَالِصَ وَبِيزَارِي از دَشْمَنَاتَانَ رَا بَراهِي قِيَامَتَانَ، آمَادَه كَرَدَهَامَ ثَابِتَهُ لِثَارِكُمْ اَنَا وَلَيَّ وَحِيدُ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَكْجَلُنِي كَمَذِلَكَ آمِينَ وَدَوَسْتَ يِكَانَهُ شَمَا هَسْتَمَ وَاللَّهُ مَبْعُودَ حَقُّ اسْتَ. خَداونَدَ مَرا هَمَانَ طُورَ كَه گَفَتمَ قَرَارَ دَهَدَه. آمِينَ آمِينَ. آمِينَ مِنْ لَيِ إِلَّا اَنَّ فِيمَا دَنَثَ وَاعْتَصَمَهُ بِيكَ فِيهِ تَحْرُسِنِي فِيمَا مَولَايِ! مِنْ دَرَاتِفَاقِي كَه نَزَديِكَ شَدَه اسْتَ، كَسِي غِيرَ از تو رَا نَدَارَمَ وَاز تو مِي خَواهَمَ كَه مَرا در آن، مَصُونَيَتَ بِخَشِي. تَقَرَّبَتْ بِهِ إِلَيَكَ يَا وِقَائِهِ اللَّهِ وَسِئَرَهُ وَبَرَكَتَهُ اَغِيشَنِي اَدْنِي اَغِيشَنِي مَرَادِرِ كَارِهِاهِي كَه بَه تو نَزَديِكَ مِي كَنَدَ، نَگَهَدارِي، اَيِ مَحَافِظَ خَدا وَپَوشَشَ وَبِرَكَتَ او، بَه فَرِيَادَمَ بِرسَ وَبَه مِنْ نَزَديِكَ اَدْرَكَنِي صِلَنِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي. اللَّهُمَّ إِلَيَكَ بِهِمْ تَوْسِلِي وَتَقْرُبِي شَوَوْ وَمَرا درِيَابَ. مَرا با خَودَ مَتَصلَ كَنَ وَجَدا نَكَنَ. خَدَايَا، بَه وَاسْطَه آنَهَا به تو مَتوسِلَ مِي شَوَمَ وَتَقْرَبَ مِي جَوِيمَ. اللَّهُمَّ صَلِ عَلَيْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصِلَنِي بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي بِحَجَجِكَ خَدَايَا، بَه مُحَمَّدَ وَخَانِدَانِشَ درَودَ فَرَسْتَ وَبَه خَاطِرَ آنَهَا با منْ مَرَتبَه باشَ وَاز منْ جَدا نَشوَ، وَاعْصَمِنِي وَسَلَامُكَ عَلَيَ آلِيَسْ مَوْلَايِ اَنَّ الْجَاهَ عِنْدَ اللَّهِ بَه حَرَمَتَ حَجَتَ مَرا مَصُونَيَتَ بِخَشِي وَسَلامَ وَدَرَودَتَ بَرَخَانِدَانَ يَاسِينَ.

مولایم تو سربلندی من نزد رَبِّکَ وَرَبِّی إِنَّهُ حَمِيدٌ مَحِيدٌ خُدَائِی هستی که پروردگار من و تو است، تو ستوده و شریف هستی.

دعای چهارم

دعای بعد از زیارت آل یاسین (۴۹) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ فَأَسْتَقِرْ فِيكَ فَلَا يَخْرُجُ خَدَايَا از تو می خواهم با آن نامی که آن را از همه وجود خودت آفریدی و از این رو در وجود خودت مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا يَا كَيْفُونُ أَيَا مَكْنُونٌ أَيَا مُتَعَالٌ أَيَا مُتَقَدِّسٌ أَيَا مُسْتَقِرٌ شده است و از وجودت به چیز دیگری خارج نمی شود. ای وجود مغض و تمام، ای پنهان، مُتَرَاحِمٌ أَيَا مُتَرَئِفٌ أَيَا مُتَحَنِّنٌ أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ عَصْصاً أَنْ تُصْلِي عَلَى ای متعالی، ای مقدس و پاک، ای رحم کننده، ای دلسوز، ای مهربان، از تو می خواهم همان طور که مُحَمَّدٌ نَبِيٌّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةُ نُورِكَ وَوَالِدِهِ هُدَاءُ رَحْمَتِكَ وَامْلَأْ قَلْبِي نُورَ نامت را در یک چشم بهم زدن آفریدی، بر مَحَمِّدِ پیامبر رحمت و وجود نورانی و پدر هادیان رحمت الْیقِینِ وَصَدْرِی نُورُ الْایمَانِ وَفَکْرِی نُورُ الْبَیَاتِ وَعَزْمِی نُورُ التَّوْفِیقِ درود فرستی و قلبم را از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان و فکرم را از نور ثبات قدم و اراده‌ام وَذَكَائِی نُورُ الْعِلْمِ وَقُوَّتِی نُورُ الْعَمَلِ وَلِسَانِی نُورُ الصَّدْقِ وَدِینِی را از نور توفیق و هوشم را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور صفات و دینم را نُورُ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِکَ وَبَصَارِی نُورُ الصَّيَاءِ وَسَمْعِی نُورُ وَاعِی الْحِكْمَةِ از نور بصیرت و معرفت و چشم را از نور بینایی و گوشم را از نور حکمت و محبتیم را از نور وَمَوَدَّتِی نُورُ الْمُؤَلَّهِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَيْمَنِی قُوَّةَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَاءِ دُوَسْتِی مُحَمَّدٌ وَخَاندانش، سرشار کنی. یقینم را از نیروی بیزاری از دشمنان مُحَمَّدٌ و خاندانش پر نما، مُحَمَّدٌ وَأَعْدَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى الْفَاقَكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِکَ وَمِيَثَاقِکَ تا تو را در حالی ملاقات کنم که به عهد تو و پیمانم عمل و به فیض رحمت رسیده‌ام. ای ولی و ستوده، فَیَسِّعِی رَحْمَتُکَ یا ولی‌یا حَمِيدٌ بِمَرْآکَ وَمَسِّیحَعَکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ ای حجت‌های الهی، دعای من در برابر دیدگانتان است و شما آن را می‌شنوید. بنابراین مرا به عوامل دُعَائِی فَوْفَنِی مُنَجَّزَاتِ إِجَابَتِی أَعْتَصِمُ بِکَ مَعَکَ مَعَکَ سَمْعِی وَرِضَائِی. اجابت آنها موفق کنید. به شما پناه می‌آورم. گوش اطاعت و رضایتم با شماست، باشماست، باشماست.

دعای پنجم

حجاب حضرت بقیه الله (۵۰) اللَّهُمَّ احْجِبْنِی عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِی وَاجْمَعْ بَیْنِ وَبَیْنِ أَوْلَیائِی خَدَايَا مرا از چشم دشمنانم مخفی کن و مرا با دوستانم جمع کن و وعده‌ای را که به من وَأَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی وَاحْفَظْنِی فی غَیْبَتِی إِلَی أَنْ تَأْذَنَ لِی فی داده‌ای، عملی نما و مرا در دوره غیبت تا زمانی که اجازه ظهور بدھی، حفظ کن. ظُهُورِی وَأَحْبِی بِی مَا دَرَسَ مِنْ فُرْوَضِکَ وَسُنْنِکَ وَعَجَلْ فرجی فرائض و سنت‌های (۵۱) پایمال شده‌ات را به دست من زنده کن. ظهورم را سریع و خروجم را وَسِیْهَلْ مَخْرِجِی وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانَا نَصَّةَ يَرَا وَافْتَیْحَ لِی فَتَحَا آسَانَ نَمَا وَبَا سَلْطَنَتْ وَنَصْرَتْ خَوْدَ مَرَا يَارِی کن و مرا به پیروزی قطعی برسان و به راه مُبِیناً وَاهْدِنِی صِرَاطاً مُسْتَقِيمَاً وَقِنِی جَمِيعَ مَا أُحْكِمَدْرُهُ مِنَ الظَّالِمِینَ راستت هدایت فرما و از تمام خطرات ظالمان حفظم کن و از چشمان دشمنانی که پایه‌های وَاحْجِبْنِی عَنْ أَعْيُنِ الْبَاغِضِينَ النَّاصِيَنَ الْعَدَاوَةِ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّکَ عداوت با خاندان رسولت را محکم کرده‌اند، مخفی نما تا از هیچ یک از آنها، بدی به من وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَى أَحَدٍ بِسُوءِ فَإِذَا أَذْنَتِ فِی ظُهُورِی فَأَيْدِنِی نرسد. زمانی که اجازه ظهور دادی، مرا با سربازان خود یاری کن و کسانی را که مرا در بِجُنُودِکَ وَاجْعَلْ مِنْ يَتَبَعْنِی لِنُصْبِرَةِ دِینِکَ مُؤَيَّدِینَ وَفِی سَبِيلِکَ یاری دینت کمک خواهند کرد، تقویت نما و از مجاهدین در راه خودت قرار بده. مجاهدین وَعَلَی مِنْ أَرَادَنِی وَأَرَادَهُمْ بِسُوءِ مَنْصُورِینَ وَوَفْقِنِی همه ما را بر کسانی که قصد جنگ با ما را دارند، پیروز کن و مرا در برپاداشتن احکام لِإِقَامَهِ حُدُودِکَ وَأَنْصُرِنِی عَلَی مِنْ تَعَدَّی مَحْدُودَکَ وَأَنصُرِ الرَّحْقَ وَحَدَودَتْ، موفق نما و مرا در غلبه بر کسی که به حدود و احکام تعددی کند، یاری کن. وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ کانَ زَهْوَقًا وَأَوْرَدَ عَلَی مِنْ شَيْعَتِی خَدَايَا حَقَّ را یاری و باطل را از بین ببر؛ چرا که باطل از بین رفتی است. شیعیان و یاران وَأَنْصارِی

وَمَنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ وَيُشَدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ وَاجْعَلْهُمْ فِي وَكَسَانِی را که دیدارشان مرا شاد و مستحکم می‌کند، به من برسان و آنها را در قلعه حمایت حِرْزِکَ وَأَمْنِکَ بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. خود وارد کن. با رحمت و کرمت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای ششم

دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان(۵۲) إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَيَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَيَاكَ فِي الْجَبَرِ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَى الْهَمِی به احترام کسانی که در خشکی و دریا، با تو فَقَرَاءُ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغَنَیِّ وَالثَّروَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِینَ مناجات کردند و دعا خواندن، با ثروت بر فقرای مؤمنین، با شفا وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشَّفَاءِ وَالصَّحَّةِ وَعَلَى أَخْيَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بر بیماران، با لطف و بزرگواری بر زنده‌ها و مرده‌های ایشان، بِاللَّطْفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ با مغفرت و رحمت بر مرده‌هایشان، با برگشتن همراه با وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أُوتَانِهِمْ سَالِمِينَ سلامتی و موفقیت بر غریب‌هایشان، تفضل کن به حق بِعَجَّقٍ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ محمد و آل ایشان اجمعین.

دعای هفتم

حرز(۵۴) امام زمان علیه السلام(۵۴) يَا مَالِكَ الرِّقَابِ وَيَا هَازِمَ الْأَخْرَابِ یا ای خدای مسلط بر انسان‌ها و ای در هم کوبنده حزب‌ها، ای گشاپنده درها، مُسَيِّبَ الْأَسْبَابِ سَيِّبْ لَنَا سَيِّبَا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ ای سبب ساز عالم، سببی را برایمان درست کن که ما قادر بر آن نبودیم. به حق إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ که سلام و درودت بر او و خاندانش باد.

دعای هشتم

دعا در زمان غیبت امام علیه السلام(۵۵) ابوعلی بن همام این دعا را نقل کرد و گفت که شیخ‌رحمه الله آن را برایم خواند و من آن را نوشت و دستور داد تا در زمان غیبت قائم‌الله علیه السلام بخوانم: اللَّهُمَّ عَرَفْنِی نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِی نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ خدایا، خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را نشناسانی، فرستادهات را نخواهم شناخت. اللَّهُمَّ عَرَفْنِی رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِی رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. خدایا، فرستادهات را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، حجت بعد از او را نخواهم شناخت. اللَّهُمَّ عَرَفْنِی حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِی حُجَّتَكَ ضَلَّتْ عَنْ دِيَنِی. خدایا، حجت را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، در دین خود گمراه خواهم شد. اللَّهُمَّ لَا تُمْسِنِی مِيَّةً جَاهِلِيَّةً وَلَا تُنْغِ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِی اللَّهُمَّ خدایا، مرا به مرگ جاهلیت مبتلا نکن.(۵۶) دلم را بعد از توفیق هدایت، گمراه نکن. فَكَمَا هَدَيْتَنِی بِوَلَائِهِ مِنْ فَرَضَتْ طَاعَتَهُ عَلَى مِنْ وُلَاءِ أَمْرِكَ بَعْدَ خدایا، همان طور که مرا به ولایت کسانی که اطاعت‌شان بر من واجب بود، رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّیٍّ وَآلِيَّتُ وُلَاءِ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِینَ هدایت کردمی، آنان که بعد از رسول خداصلی الله علیه وآل‌هه والیان تو بودند تا اینکه ولایت والحسن والحسین وعلیاً ومحمداً وعمر وموسى وعلیاً ومحمد امیرالمؤمنین وحسین وحسین وعلی و محمد وعمر وموسى وعلی ومحمداً والحسن والحسین والحسین القائم المهدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِینَ. وعلی وحسین وحجت قائم مهدی که درود وسلامت بر همه آنان باد، پذیرفتم. اللَّهُمَّ فَتَبَشِّرِی عَلَى دِيَتِکَ وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَلَئِنْ قُلْبِی لَوَلِی أَمْرِکَ خدایا، همان طور مرا در دینت ثابت قدم کن و مرا به اطاعت خود مشغول کن و دلم را وعافی می‌نمایم. وعلی وحسین وحجت قائم مهدی که درود وسلامت بر همه آنان باد، پذیرفتم. اللَّهُمَّ فَتَبَشِّرِی عَلَى دِيَتِکَ وَاسْتَعْمِلْنِی امتحانت بِهِ خَلْقِکَ وَشَبَّشِی عَلَى طَاعَةِ وَلِیٍّ أَمْرِکَ الَّذِی بَرَای ولایت والیان امرت، نرم کن و مرا از امتحانات خلقت، عافیت بخش و در اطاعت سَتَرَتَهُ عَنْ خَلْقِکَ فَیَإِذْنِکَ وَأَمْرِکَ بَرِیَتَکَ وَأَمْرِکَ يَتَنْظِرُ وَأَنْتَ الْعَالَمُ ولی امری که او را پوشانده‌ای، ثابت قدم کن. او که با اراده تو از مخلوقات، غایب شده غیر معلم بالوقت الذی فیه صلماح امر ولیکَ فی الإذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ وَمُنْتَظَرِ امر توست و تو بهتر

از همه می‌دانی که مناسب‌ترین وقت برای ظهور ولی‌ات چه زمانی است. اُمْرِه وَكَشْفِ سِرَّه وَصَبَرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَرَتْ تا امامتش را آشکار و سرش را روشن کنی. در این انتظار به من صبر بده تا مقدم شدن آنچه به تأخیر و لَا تأخیر مَا عَجَلَتْ وَلَمَا أَكْشَفَ عَمَّا سَرَّتْهُ وَلَمَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ انداختی و تأخیر آنچه را که مقدم داشتی، نخواهم. آنچه را که پوشاندی باز نکنم و درباره آنچه که و لَا أُنَازِعَكَ فی تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولُ لَمْ وَكَيْفَ وَمَا بَالٌ وَلَیٰ أَمْرُ اللَّهِ كتمان کردی، جستجو نکنم و در تدبیر مخالفت نکنم و از چرا و چگونگی آنها و اینکه چرا ولی‌ات لَا يَظْهَرُ وَقَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجُوْرِ وَأَفْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ. ظهور نمی‌کند با اینکه زمین پر از ظلم شده است، سؤال نکنم و تدبیر تمام امور را به تو بسپارم. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشَالُكَ أَنْ تُرِينِي وَلَیٰ أَمْرَكَ ظاهراً نَافِذًا لِأَمْرِكَ مَعَ خَدَايَا، درخواست می‌کنم که ولی خود را در زمان ظهور و اجرا شدن احکامش، عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحَجَّةَ وَالْمَشِيَّةَ نشانم بدھی. البته با اعتقاد به اینکه سلطنت و قدرت و دلیل و حجت و اراده و ممانعت وَالْإِرَادَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ فَاقْعِلْ ذَلِكَ بِي وَجِمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى وَقْوَتَ، همه و همه از توست. این لطف را در حق من و همه مؤمنین بکن، تا ولی‌ات را نُنْظَرِ إِلَى وَلَيْكَ ظَاهِرُ الْمُقَالَةِ وَاضْعَحُ الدَّلَالَةَ هَادِيَا مِنَ الْضَّلَالِهِ شَافِيَا در حالی که سخنرانی آشکار، راهنمایی واضح، هدایتگر از تاریکی و شفا دهنده از جهالت مِنَ الْجَهَّالَهُ أَبْرُزْ يَا رَبْ مَسَاهِدَهُ وَبَيْتُ قَوَاعِدَهُ وَاجْعَلْنَا مِمْنْ تَقْرَأَ است بینیم. دیدنی‌هایش را آشکار و پایه‌هایش را محکم کن و ما را از کسانی که توفیق عَيْنُنَا بِرُؤْيَتِهِ وَأَوْفَنَا بِخَدْمَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلْتِهِ وَاحْسَرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، دیدار و خدمت او را می‌یابند، قرار بده و ما را بر مکتب او بمیران و در محضر و همراه او محشور کن. اللَّهُمَّ أَعْتَدْنَا مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا حَلَقَتْ وَبَرَأَتْ وَذَرَّتْ وَأَنْشَأَتْ وَصَوَرَتْ خَدَايَا، او را از شر تمام مخلوقات پناه بده و او را از تمام جوانب، وَاحْفَظْهُ مِنْ يَبْيَنِ يَدِيهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِتَّمَالِهِ وَمِنْ فُوقِهِ وَمِنْ جلو و عقب، راست و چپ، پایین و بالا. حفظ کن. با آن حفظی که در آن چیزی تَعْتِهِ بِحَفْظِكَ الَّذِي لَآيِضَّ يُعْنِي مِنْ حَفْظِهِ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَ رَسُولِكَ. از بین نمی‌رود. با حفظ او در واقع رسول و جانشینی رسول را حفظ کن. اللَّهُمَّ وَمُدَّ فِي عُمُرِهِ وَزَدْ فِي أَجَلِهِ وَأَعْنَهُ عَلَى مَا أُولَئِنَّهُ خَدَايَا، عمرش را طولانی کن و او را در جنگ کسانی که بر آنها برتری و سروری دادی، وَاسْرَعْنَاهُهُ وَزَدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمُهَدِّي الْقَائِمُ الْمُهَبِّدِي کمک کن و لطف و کرمی که بر او داری، زیادتر کن؛ زیرا او هدایتگر هدایت شده، قیام کننده الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّكِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهَدُ الشَّكُورُ. هدایت شده، پاک با تقوای خالص و زلال، پسندیده راضی شده و صابر تلاشگر شاکر است. اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمْدِ فِي غَيْبِهِ وَأَنْقَطَاعِ خَبْرِهِ خَدَايَا! یقین ما را به خاطر طولانی شدن مدت غیبت و بریده شدن عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرُهُ وَأَنْتِظَارُهُ وَالْإِيمَانُ بِهِ وَقُوَّةُ الْيَقِينِ فی اخبار او از ما، سلب نکن. یاد و انتظار و ایمان و شدت یقین ظُهُورِهِ وَالْدُّعَاءُ لَهُ وَالصَّلَاةُ عَلَيْهِ حَتَّى لَمَا يُقْنَطَنَا طُولُ غَيْبِهِ مِنْ در ظهور و دعا و صلوات بر او را از یاد ما نبر. تا طولانی شدن ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْقِينَنَا فِي قِيَامِ غَيْبِتِش ما را از ظهورش مأیوس نکند و یقین ما در قیام او مانند رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيٍ وَتَنْزِيلِكَ فَوْ یقین ما در قیام رسول خدا و نزول قرآن باشد. دلهایمان را در ایمان قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلِمُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجُ الْهَدَى به او قوی کن تا ما را به دست او در راه رoshن هدایت و راه وسط وَالْمَحَجَّةُ الْعَظِيمُ وَالطَّرِيقَةُ الْوُسِّيَّةُ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَتَبَّنَّا عَلَى وَاعْتِدَالِ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ، به حرکت بیاوری و ما را در اطاعتیش تقویت مُشاَیِعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّافِضِينَ بِغَفَلَةٍ و در همراهی اش ثابت قدم کن و ما را از گروه و یاران و راضیان به و لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَسْوَفَنَا وَنَحْنُ كارهایش قرار بده. این توفیق را در زمان حیات و هنگام وفات از ما نگیر. عَلَى ذَلِكَ عَيْرُ شَاكِيْنَ وَلَا نَاكِثِيْنَ وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكَذِّبِيْنَ. تا در نتیجه ما در هنگامه مرگ، در آن تردید و تکذیب نکنیم و عهد نشکنیم. اللَّهُمَّ عَجِلْ فَرَجَهُ وَأَيْدِهِ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نَاصِرِيْهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيْهِ وَدَمْدِمْ خَدَايَا، در فرجش تعجیل کن. او را با یاریت تقویت و یارانش را یاری و دشمنانش عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَبَ بِهِ وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَأَمْتَ بِهِ الْجُوْرَ وَاسْتَقْدَمْ را خوار گردان. بر کسانی که دشمنی و تکذیب او را بکنند، غصب کن. حق را با او به عِيَادَهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْذُّلُّ وَانْعَشْ بِهِ الْمَلَادَ وَاقْتَلْ بِهِ الْجَبَرَهَ آشکار و ستم را بمیران و بندگان صالح را از ذلت و آوارگی در شهرها، نجات بده الْكَفَرَهَ وَاقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ

الضَّالِّةُ وَذَلِّلَ بِهِ الْجَبَارِيْنَ وَالْكَافِرِيْنَ وَسَتِمَكَارَانَ كَافِرَ رَا بِهِ دَسْتَ او قَتْلَ عَامَ وَبَزْرَگَانَ سِيَاهِيَ رَا قَلْعَ وَقَمْعَ وَمَتَكْبَرَانَ وَأَبِرِ بِهِ الْمُنَادِيْفِيْنَ وَالنَّاكِثِيْنَ وَجَمِيْعَ الْمُخَالِفِيْنَ وَالْمُلْحِدِيْنَ فِي مَشَارِقَ وَكَافِرَانَ رَا ذَلِيلَ كَنَ وَبِهِ وَاسْطَهَ او در مناطق شرقی و غربی، آبی و خشکی الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلَهَا وَجِيلَهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ وَصَحْرَائِيَ وَكَوْهَسْتَانِيَ، مَنَافِقِيَنَ وَپَیَمانَ شَكَنَانَ وَمَخَالِفِيَنَ وَمَلْحِدِيَنَ رَا نَابُودَ کَنَ تَا ذَيَارَا وَلَا تُبْتَقِي لَهُمْ آثارَا وَتُطَهَّرَ مِنْهُمْ بِلَادِكَ وَآشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ جَايِيَ کَه هِيَچَ مَكَانَ وَاثْرِي از آنها باقی نَماَند. شَهْرَهَايِتَ رَا از لَوسَ وَجَوْدَشَانَ پَاکَ عِبَادِکَ وَجَدَدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَصْلَعَ بِهِ مَا بُدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَدَلَهَايِ بَنَدَگَانَ رَا شَفَاءَ بَدَهَه. بِهِ وَسِيلَه او بَخْشَهَايِ از دِينَ کَه مَحْوَ شَدَهَايِنَ، تَجَدِيدَ وَغَيْرِ مِنْ سُيَّتَكَ حَتَّى يَعُودَ دِينِكَ بِهِ وَعَلَى يَدِهِ عَصَّا جَدِيدَاً صَحِيْحاً وَاحْكَامَ وَسَنَنِي رَا کَه تَغْيِيرَ کَرَدَهَايِنَ، اَصْلَاحَ کَن. تَا اِينَکَه دِينَ بِهِ او بَرَگَرَدَ وَدَرِ يَكَ لَا عِوَاجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَهَ مَعَهُ حَتَّى تُطَفِيَ بِعِيْدَلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِيْنَ فَإِنَّهُ چَشَمَ بِهِ هَمَ زَدَنَ، در دَسْتَ او قَرَارَ گَيْرَدَ وَتَازَهَ وَسَالَمَ وَبَدَوْنَ انْحرَافَ باشَد. در نَسْتِيجَه عَيْدُوكَ الَّذِي اَسْتَخْلَصَتَهُ لِنَفْسِكَ وَارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرَةِ دِينِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ آتشَ کَفَارَ رَا باعْدَلَ او خَامُوشَ کَنَی؛ زَيْرَا او هَمَانَ بَنَدَهَايِ استَ کَه او رَا بَرَای خَوْدَتَ بِعِلْمِكَ وَعَصَمَتَهُ مِنَ الدُّنْوَبِ وَبِرَأْتَهُ مِنَ الْعَيْوَبِ وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى خَالِصَ کَرَدَهَايِ وَبرَای يَارِی دِينَ وَعَلَمَتَ اَنْتِخَابَ کَرَدَهَايِ وَاز تمامَ گَناهَانَ وَعِيَبَهَا مَعَصَومَ الْعَيْوَبِ وَأَنْعَمَتَ عَلَيْهِ وَطَهَرَتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَنَقَيَّتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. وَبرَ غَيْبَ آگَاهَ نَمُودَی وَبرَ او نَعَمَت دَادِی وَاز پَلِيدِی هَا وَآلَودِگِی هَا پَاکَ وَپِيرَاستَهَ کَرَدَی. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرِيْنَ وَعَلَى شَيَعَتِهِمُ الْمُسْتَجَبِيْنَ خَدَايَا، برَ او وَپَدَرَانَشَ اَئِمَّهَ مَعَصَومِيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ وَشَعِيَانَ بَزَرَ گَوارَشَانَ سَلامَ وَدَرَودَ وَبَلَغَهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَ الْحَالِصَّا مِنْ كُلَّ شَكَ فَرَسْتَ وَآنَهَا رَا بِهِ بَهْرَيِنَ آرَوْزَهَايِشَانَ بَرَسَانَ وَاِينَ اَرَادَتَ رَا از هَرَ نوعَ شَكَ وَشُبَهَهُ وَرِيَاءَ وَسُمْعَهُ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَکَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَکَ. وَشَبَهَهُ وَرِيَا خَالِصَ کَنَ تَا جَايِي کَه تَنَهَا مَقْصُودَمَانَ از آنَ جَلْبَ رَضَايَتَ تو باشَد. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَمَ نَيَّنَا وَعَيْنَهُ وَلَيْلَا وَشِدَّهُ الرَّزْمَانِ خَدَايَا، ما در پِيشَگَاهَ تو از نَبُودَنَ پِيَامِبرَمانَ از يَكَ سَوَ وَغَيْبَ وَلَيَ خَوْدَمانَ از سَوَ دِيَگَرَ وَسَخَتَ گَيْرَی عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفَتَنِ بَنَا وَتَنَطَّلَهُ الْأَعْدَاءَ وَكَثْرَةُ عَدْلُوْنَا زَمانَهَ بَا مَا وَبَرَوزَ وَظَهُورَ فَتَنَهَايِ گُونَا گُونَ وَتَسْلَطَ وَفَرَاوَانَی دَشْمَنَانَ وَکَمَی تَعْدَادَ خَوْدَ، وَقَلَّهُ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَاقْرُجْ ذَلِكَ بَفْتَحِ مِنْکَ تُعَجَّلُهُ وَبَصَبِيرِ شَكَایَتِ مَی کَنِیْمَ. خَدَايَا، هَمَهُ اِینَ گَرفَتَارِی هَا رَا با پِيرَوزِی سَرِيعِی از جَانِبِ خَوْدَتَ وَصَبَرَی از تو کَه مِنْکَ تُسِّرُهُ وَإِمَامَ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهُ الْحَقِّ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ. آنَ رَا بِرَایِمَانَ آسَانَ کَنَی وَامَامَ عَادِلِی کَه آشَکَارَ کَنَی، بِرَطْفَ کَن. مَعْبُودَ حَقَ، پَرَورَدَگَارِ جَهَانِیَانَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوَلِيَّکَ فِي إِظْهَارِ عِدْلِکَ فِي عِبَادِکَ وَقَتْلِ خَدَايَا، از تو مَی خَواهِیمَ تَا اجَازَهَ دَهِی جَانِشِینَتَ، عَدْلَ خَوْدَ رَا بَرَای بَنَدَگَانَ وَقَتْلَ عَمُومِی اَشَ رَا بَرَای أَعِیدَاتِکَ فِی بِلَادِکَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ دِعَامَهَ إِلَّا قَصَّهَ مِتَهَا وَلَا يَبِيَّهَ دَشْمَنَانَتَ آشَکَارَ کَنَدَ، تَا بَرَای سَتمَ پَايَگَاهِی نَماَندَ، مَگَرَ آنَکَه در هَمَ بِکَوْبِی وَسَاخْتَمَانِی نَماَندَ، مَگَرَ اِینَکَه إِلَّا أَفَيْتَهَا وَلَا قُوَّهَ إِلَّا أَوْهَتَهَا وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَيَّدَهُ وَلَا حِيدَّا إِلَّا خَرَابَ کَنَی وَنِيرَوِیَ نَماَندَ، إِلَّا اِینَکَه سَسَتَ کَرَدَهَ باشَی وَسَتوْنَی نَماَندَ إِلَّا اِینَکَه قَطَعَ کَرَدَهَ باشَی فَلَلَتُهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا کَلَّتُهُ وَلَا رَأِيَّهُ إِلَّا نَكَسَتَهَا وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلَتُهُ وَبُرْشَی نَماَندَ إِلَّا اِینَکَه کُنَدَ کَرَدَهَ باشَی وَسَلاَحِی نَماَندَ، مَگَرَ اِینَکَه از کَارَ اَنْدَاخَتَهَ باشَی وَپَرَچَمِی وَلَا حَيَا إِلَّا خَذَلَتُهُ اِرْمَهُمْ یَا رَبَّ بِحَجَرِکَ الدَّامِعِ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِکَ نَماَندَ إِلَّا اِینَکَه اَنْدَاخَتَهَ باشَی وَشَجَاعِی باقِی نَماَندَ، مَگَرَ اِینَکَه کَشَتَهَ باشَی وَزَنَدَهَايِ نَماَندَ، إِلَّا اِینَکَه خَوارَ القَاطِعِ وَبَيَاسِكَ الَّذِي لَمَ يَرُدُّ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ وَعَيْدَبُ اَعِيدَاءَ دِينِکَ وَذَلِيلَ کَرَدَهَ باشَی. پَرَورَدَگَارَ با سَنَگَ شَكَنَدَهَ وَشَمَشِيرَ بَرَندَهَ وَسَخْتَگَرِيَتَ کَه مَجَرَمِينَ رَا جَانِمِي اَنْدَازَدَ، وَأَعْدَاءَ دِينِکَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِکَ بِيَدِ وَلِيَّکَ وَأَيْدِیَ عِبَادِکَ الْمُؤْمِنِيْنَ. آنَهَا رَا بَزَنَ وَدَشْمَنَانَ خَوْدَ وَدِينَتَ وَدَشْمَنَانَ رَسُولَتَ رَا بِهِ دَسْتَ وَلَیَّاتَ وَبِهِ دَسْتَ مَؤْمِنِيْنَ عَذَابَ کَن. اللَّهُمَّ اَكْفِ وَلِيَّکَ وَحْجَتِکَ فِي اَرْضِکَ هَوَلَ عَيْدُوهُ وَكَيْدُ مَنْ کَادَهُ خَدَايَا، ولَی خَوْدَتَ رَا از خَطَرَاتَ دَشْمَنَشَ حَفْظَ کَنَ وَبِا مَکَرَ کَنَدَهَاشَ، مَکَرَ کَنَ وَامْکُرَ بِمَنْ مَکَرَ بِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَهَ السَّوَءَ عَلَى مَنْ اَرَادَ بِهِ سُوءًا وَکَسِی کَه قَصَدَ تَوْطِنَهَ دَارَدَ، مَبْتَلَا بِهِ بَدَی نَما. آنَهَا رَا رِيشَهَ کَنَ کُنَ وَدَلَهَايِشَانَ وَاقْطَعَ عَنْهُ مَادَهُمْ وَأَرْعَبَ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَزَلَرْلُ لَهُ اَقْدَامَهُمْ رَا مَالَامَالَ از تَرسَ کَنَ وَبَا اِینَ تَرسَ قَدَمَهَايِشَانَ رَا بِهِ لَرَزَشَ بِيَانَدَازَ. آنَهَا رَا وَخُدَهُمْ بَجهَهَهَ وَبَعْتَهَهَ شَدَدَ عَلَيْهِمْ عِقاَبِکَ وَأَخْزِهِمْ فِي عِيَادِکَ آشَکَارَ وَنَگَهَانِی بَگِیر. در عَذَابِ خَوْدَ بِرَ آنَهَا سَخَتَ بَگِیرَ وَدر مَیَانَ بَنَدَگَانَ ذَلِيلَ

وَالْعَنْهُمْ فِي بِلَادِكَ وَأَسْيِكُنْهُمْ أَسْيَفَلَ نَارِكَ وَأَحِيطُ بِهِمْ أَشَدَّ وَازْ شَهْرَهَا دُورَ كَنْ وَدرَ پَایین ترین در کات دوزخ ساکن وَ با بدترین عذاب آنها را عَذَابِكَ وَأَصْبِهِ لَهُمْ نَارًا وَاحْسُنْ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا وَأَصْبِهِمْ حَرَّ احاطه کن وَدر دوزخ بینداز وَ قبرهای مرده‌هایشان را پر از آتش کرده وَ حرارتیش را نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَذْلُوا عِيَادَكَ، به آنها بچشان؛ زیرا آنها نماز را ضایع وَشهوات را تبعیت وَ بندگان را ذلیل کردند. اللَّهُمَّ وَأَخْيِ بِولَيْكَ الْقُرْآنَ وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ وَأَخْيِ خَدایا، قرآن را به دست ولیات زنده کن وَ نور آن را همیشگی نما، که در آن تاریکی نباشد، به القُلُوبَ الْمَيَّاهَ وَاسْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَغْرَةَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ به ما نشان بده وَ دلهای مرده را با آن زنده وَ سینه‌های داغ دیده را شفا بخش. الْمُخْلَفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِيمْ بِهِ الْحُدُودُ الْمُعَطَّلَةُ وَالْأَحْكَامُ الْمُهْمَلَةُ حَتَّى به دست او افکار پراکنده را بر راه حق جمع کن وَ حدود وَ احکام معطل مانده را اجرا کن. لَا يَنْقَى حَقٌ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَيْدُلٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا يَا رَبَّ مِنْ أَعْوَانِهِ تا اینکه هیچ حق مخفی نماند وَ تمام عدل‌ها شکفته گردد. پروردگار، ما را از یاران وَمِمَّنْ یُقَوِّی سُلْطَانَهُ وَالْمُؤْتَمِرِینَ لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِيَّینَ بِإِفْعَلِهِ وَالْمُسْلِمِينَ وَ تقویت کنندگان سلطنتش وَ اطاعت کنندگان اوامرش وَ راضیان به اعمال وَ قبول کنندگان احکامش لِأَحْكَامِهِ وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقْيِيَهِ مِنْ حَقْنِكَ أَنْتَ يَا رَبَّ الْدِي وَ از کسانی که مجبور به تقیه نسیتند، قرار بده. پروردگار تو کسی هستی که بدی‌ها را بر می‌داری تکشیف السُّوءَ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَتَنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَ افراد مضطرب را جواب می‌دهی وَ از گرفتاری‌های بزرگ نجات می‌دهی. بنابراین همان طور که فاکشیف الضُّرَّ عنْ وَلَیْكَ وَاجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ، ضمانت کرده بودی، گرفتاری را از ولی خودت بردار وَ او را جانشین خودت در روی زمین قرار بده. اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ خُصَّيْ مَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ أَعْدَاءِ خَدایا، ما را از دشمنان خاندان محمد قرار نده. آل مُحَمَّدٍ وَلَمَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مرا از کسانی که از خاندان محمد خشمگین فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِتَّنِي وَأَسْتَبْجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي. هستند نکن وَ مرا از این بدختی پناه بده. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِرًا عِنْدَكَ خدایا، بر محمد وَ خاندانش درود وَ سلام فرست وَ مرا در دنیا وَ آخرت به برکت فی الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقْرَبِینَ. آنها از نجات یافتنگان وَ مقربان قرار بده.

دعای نهم

دعای امام زمان علیه السلام برای فرج خودشان (۵۷) حمیری نقل می‌کند که از محمد بن عثمان عمری پرسیدم که آیا آن حضرت را دیده‌ای؟ گفت: بله آخرین بار ایشان را در کنار خانه خدا دیدم که می‌گفت: اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِی خَدایا! وعده‌ای را که داده ای، عملی کن. محمد بن عثمان در جای دیگری نقل می‌کند که ایشان را دیدم که در بخش مستجار پرده کعبه را گرفه و می‌گوید: اللَّهُمَّ انتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَاءِكَ خَدایا! به دست من از دشمنان انتقام بگیر.

دعای دهم

نماز توجّه به حضرت حبّت در زمان غیبت (۵۸) احمد بن ابراهیم نقل می‌کند که: خدمت محمد بن عثمان رحمه الله گلایه کردم و گفتم از شوق دیدار حضرت لبریز شده‌ام. با شوق خاصی گفت: خیلی دوست داری او را بینی؟ گفتم: بله گفت: خداوند به خاطر این همه شوق، جزای خیر بددهد و توفیق دیدار ایشان را در آسودگی و عافیت عنایت کند. اما تو نباید در این شرایط خفقان به دنبال دیدار ایشان باشی؛ زیرا در ایام غیبت اگر چه شوق دیدار لبریز است، اما نباید تلاش کنی که با ایشان باشی؛ زیرا این از گناهان کبیره است. (۵۹) به همین جهت تسليم امر خدا بودن بهتر است. با این حال هر وقت که خواستی با ایشان درد و دلی کنی، با این زیارت انجام بده. این زیارت بعد از دوازده رکعت نماز یا شش نماز دو رکعتی می‌باشد. که در هر رکعت یک حمد و یک توحید خوانده می‌شود. بعد از اتمام نمازها، صلوات می‌فرستی و می‌گویی: سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسَتَيْنَ سلام بر خاندان یاسین ذلک هُوَ الْفَضْلُ

الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ دُو الفَضْلُ الْعَظِيمُ إِمَامُهُ نَبُوتُ وَامَامتُ همان عنایت روشن است و خدا صاحب احسان عظیم است برای کسی که مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ قَدْ آتَكُمُ اللَّهُ خِلَافَتَهُ یا آلَّ یا سَینَ او را به راه راست هدایت کند. اما توّجه: ای آل یاسین، خداوند خلافتش را به شما داده ذلک هُو الفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللَّهُ دُو الفَضْلُ الْعَظِيمُ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ وَکیفیت جریان اراده خودش را در مورد قضا و قدر و اراده‌ای که در ملکوت آسمان‌ها الْمُبِینَ تَقْییمَ التَّوْجِهِ قَدْ آتَکُمُ اللَّهُ یا آلَّ یا سَینَ خِلَافَتَهُ وَعَلَمَ مَجَارِی دارد، به شما نشان داده است. پرده از شما برداشته شده و شما خزانه داران و شاهدان اُمرِه فِیمَا قَضَاهُ وَدَبَرَهُ وَرَبَّهُ وَأَرَادَهُ فِی مَلْکُوتِهِ فَکَشَفَ لَکُمْ و عالمان و امینان و رهبران و پایه‌های مناطق و قاضیان احکام و درهای ایمان، الْغِطَاءَ وَأَنْتُمْ خَرَجْتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ وَعَلَمَاءُهُ وَأَئْمَانُهُ سَائِهُ الْعِبَادِ هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که به صورت حتمی وَأَرَكَانُ الْبِلَادِ وَقُضَاءُ الْأَحْکَامِ وَأَبْوَابُ الإِيمَانِ وَمَنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحُ وَقطعی حکم کرد در نتیجه هیچ چیزی از خدا نیست. مگر اینکه شما واسطه الْعَطَاءِ بِکُمْ إِنْفَادُهُ مَحْتُومًا مَقْرُونًا فَمَا شَيْءَ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ وَرَاهُ وَصُولُ بَهُ آن هستید. خداوند برای دوستانتان نعمت و برای دشمنانتان غصب را السبب وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ خَيْرًا لَّهُ لَوْلَیْکُمْ نِعْمَهُ وَأَنْتَقَامَهُ مِنْ عَيْدُوكُمْ برگریده است. بنابراین نجات و پناهی غیر از شما وجود ندارد و جای فراری سِخْنَه فَلَا نَجَاهَةَ وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَدْهَبَ عَنْکُمْ یا أَعْنَى اللَّهُ از آن نیست. ای چشمان ناظر خدا و حامل معرفت و محل استقرار توحید در زمین الناظرة وَحَمَلَهُ مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَيِّحَائِهِ وَأَنْتَ وَآسمَانَ وَتَوَايِ حَجَّتْ وَبَاقِي مَانِدَهُ اولیای الهی، کمال نعمت او و وارت انبیا یا حُجَّةَ اللَّهِ وَبِقَيْتَهُ كَمَيْ اَلْ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ اَنْيَيِ اَئِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ وَجَانِشِينَ او تا به امروز هستی. ای آن که طبق وعده خدا، صاحب رجعتی مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبُ الرَّجْعَةِ لَوْعَدَ رَبِّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَحَنَا. که دولت حق و شادی و نصرت خدا و عزت او در آن روز، بر ما تجلی خواهد یافت. این دعا همان زیارت آل یاسین با نقل دیگر آن است که بعد از آن نیز دعای پشت سر آن خوانده می‌شود.

دعای یازدهم

دعای امام علیه السلام برای ترس از دشمنان، مشهور به دعای فرج (۶۰) شیخ جلیل القدر امین الاسلام فضل بن حسن طبری (۶۱) صاحب تفسیر، در کتاب کنوز النجاح آورده است که ابوالحسن محمد بن ابیالیث رحمه الله در شهر بغداد، از ترس دشمنان به مقابر قریش (۶۲) پناه برده بود. آن حضرت در آنجا دعایی را به او یاد داد تا از دشمنان نجات یابد. او نیز خواند و نجات یافت. اما متن دعا عبارت است از: اللَّهُمَّ عَظُمُ الْبَلَاءُ وَبَرَحُ الْخَفَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَانْكَشَفَ خُدَايَا، بلا شدّتْ یافته و مخفیگاهها از دست رفته و امیدها به یأس مبدل و پوشش از الْغِطَاءِ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمَنَعَتِ السَّمَاءُ وَإِلَيْكَ یا میان برداشته و زمین با همه وسعتش برایم تنگ و آسمان از باریدن منع گردیده است. رَبُّ الْمُشْتَكِي وَعَلَيْكَ الْمَعَوَّلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّحَاءِ پروردگارا، به تو شکایت می‌کنم و در گرفتاری‌ها و راحتی‌ها به تو تکیه می‌نمایم. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأُمُرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ خُدَايَا بر محمد و خاندانش، آنان که ولی امر ما هستند و اطاعت‌شان را بر ما واجب کرده طَاعَتَهُمْ فَغَرَّفْتَنَا بِمَدِلَكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً و با این کار جایگاهشان را برایمان بیان نمودی. به حق ایشان، برایمان گشايشی ایجاد کن، عاجلاً کلمیح البصیر او هُوَ أَقْرَبُ یا مُحَمَّدُ یا عَلَیْ اکفیانی گشايش سریعی مانند چشم بر هم زدن یا حتی سریعتر از آن. ای محمد ای علی شما مرا اینکما کافیای وانصیرانی فَإِنَّکُمَا ناصِهِ رَأَیَ یا مُولَایَ کفایت کنید؛ زیرا شما کافی هستید و مرا یاری کنید؛ زیرا شما یاران من هستید. ای مولایم، یا صاحب الزمان الغُوَثُ الغُوَثُ أَدْرِکَنِی أَدْرِکَنِی ای صاحب عصر به دادم برس، به دادم برس، به دادم برس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب. راوی نقل می‌کند وقتی که ایشان این دعا را به من یاد می‌داد، زمانی که به کلمه یا صاحب الزمان رسید، به سینه خودش اشاره کرد.

دعای دوازدهم

خبردادن حضرت علی علیه السلام از دعای حضرت حبّت در هنگام عبور از وادی السلام (۶۳) حضرت علی علیه السلام فرمود: گویا قائم آل محمد صلی الله علیه وآلہ را می بینم که از وادی السلام به سوی سهله حرکت می کند و بر اسبی پیشانی سفید سوار است و این دعا را می خواند: لَ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ حَقًا لَ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ إِيمَانًا وَصَدْقًا نِيَسْتَ خَدَايِي غَيْرُ اِلَّهِ، من ایمان می آورم و تصدیق می کنم. لَ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ تَعَبِّدًا وَرَقًا. نیست خدایی غیر از الله، من بندگی و اطاعت او را می کنم. اللَّهُمَّ مُعَزِّ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَحِيدٍ وَمُبِذِلٍ كُلُّ جَبَارٍ عَنِيدٍ أَنْتَ اِي خَدَايِي كَه عَزَّتْ بِخُشْ هَرَمُونْ تَنْهَا مَانَدْ هَسْتَ وَ ذَلِيلَ كَنْتَه هَرَمُوكْ سَرْسَخْتَ هَسْتَ. زَمَانِي كَنَفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَى الْأَرْضِ بِمَا رَحْبَتْ كَه تَمَامَ رَاهَه بَرَ رویم بَسْتَه مَيْ شَوْدَ وَ زَمِينَ بَا تَمَامَ وَسَعْتَشَ بَرَ مَنْ تَنَگَ مَيْ گَرَددَ، تو هَمَرَاه مَنْ هَسْتَ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَيْتَأَ عنْ خَلْقِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاَيَ لَكُنْتُ خَدَايَا، مَرَا آفَرِيدَی در حالی که از آن بَنَیازَ بُودَی. اَگَرْ يَارِی تو بَنَبُودَ، شَكَسْتَ مَنْ خَورَدَمَ. مِنَ الْكَعْلُوِيَّنَ يَا مُبَشِّرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَمُخْرَجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ اِي مَنْتَشَرَ كَنْتَه رَحْمَتَ اِز مَوَاضِعَ آنَ وَ خَارِجَ كَنْتَه بِرَكَاتَ اِز مَعَادِنَ آنَ وَ اِيَ كَسَى كَه مَعَادِنَهَا وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوخِ الرَّفْعَةِ وَأَوْلَائُهُ بِعَزَّهِ يَتَعَزَّرُونَ اَوْجَ رَفَعَتَ رَاهَ بِهِ خَوْدَ اِختَصَاصَ دَادَه وَ دَوْسَتَانَشَ با عَزَّتْ او اَحْسَاسَ عَزَّتْ مَنْ کَنْتَه. يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيَرَ الْمِيَذَلَهُ عَلَى اَعْنَاقِهَا فَهَيْمَ مِنْ سَيِّطَرَهِ اِيَ کَسَى کَه تَمَامَ سَلاطِينَ در بَرَابِرَ او غَبَارَ مَذَلَّتَ بِهِ گَرَدنَ دَارَنَدَ وَ اِز سَيِّطَرَهِ قَدْرَتَ او خَوْفَنَا کَنَدَ. خَمَافُونَ اَسَالُكَ بِاَسِمَكَ الَّذِي فَطَرَتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَهُ مُيَذِّعُونَ در خَوَاستَ مَنْ کَنْتَه بِهِ حَرَمَتَ اِسَمَیَ کَه مَوْجُودَاتَ رَا آفَرِیدَی وَ هَمَه بِهِ آنَ اَقْرَارَ مَنْ کَنْتَه. اَسَالُكَ اَنْ تُصَيِّلَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآنْ تُتَجِّزَ لَى در خَوَاستَ مَنْ کَنْتَه کَه بِهِ مَحْمِيدَ وَ خَانَدانَ او درَودَ وَ سَلامَ فَرَسَتَی وَ کَارَ مَرَا مَحْقَقَ کَتَی وَ درَ اَمْرَی وَتُعَجَّلَ لَى فِي الْفَرَجِ وَتَكْفِينِی وَتَعَافِینِی وَتَقْضِی فَرَجَمَ تَعْجِلَ نَمَایِ وَ مَرَا کَفَایَتَ کَنَی وَ اِز شَرَ دَشْمَنَانَ عَافِيَتَ بِخَشَی وَ نَیَازَهَايِمَ رَا بَرَآورَدَه سَازَی. حَوَائِجِي السَّاعَةِ الْلَّيْلَهُ الْلَّيْلَهُ اِنَّكَ عَلَى كُلَّ شَيْءٍ قَدِيرُ. هَمِينَ الْآنَ، هَمِينَ الْآنَ، هَمِينَ اَمْشَبَ زَيْرَا تو بَرَ هَرَ کَارِی رَا تَوْنَایِ.

دعای سیزدهم

صلوات مخصوصه‌ای که از امام زمان علیه السلام صادر شده است (۶۴) یعقوب بن یوسف ضراب غسانی در بازگشت از اصفهان نقل می‌کرد که در سال دویست و هشتاد و یک با عده‌ای از اهل سنت از مردمان شهرمان، به زیارت خانه خدا خارج شدیم. وقتی که به مکه رسیدیم. عده‌ای از آنها رفتند و خانه‌ای را که بر سر راه و در میان بازار مشهور به سوق اللیل بود، کرايه کردند. آنجا مشهور به خانه حضرت خدیجه بود. به آن دارالرضا هم می‌گفتند. پیرزنی گندمگون در آنجا زندگی می‌کرد. درباره خانه سؤال کردم که چرا به آنجا خانه امام رضا می‌گویند و چه مدتی است که در آنجا ساکن است؟ جواب داد: «من از دوستداران ایشان هستم و این خانه متعلق به امام رضا علیه السلام بود. امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه جای داد؛ زیرا من از خدمتکاران آن حضرت بودم.» وقتی که اینها را شنیدم، با او مأنوس شدم و سر آن را از دوستان سئی خود، پنهان کردم. شب‌ها که از طواف بر می‌گشتم، با آنها در ایوان خانه می‌خوابیدیم. ما شب‌ها در را می‌بستیم و سنگ بزرگی را پشت آن می‌گذاشتیم. تا اینکه شبی از شب‌ها متوجه روشنایی چراغی شدم که درون رواق ما روشن شده است. روشنایی شبیه مشعل بود. متوجه شدم که در، باز است. اما کسی از اهل خانه را ندیدم که در را باز کند. مردی گندمگون و لاگر را دیدم که بر پیشانی خود آثار سجده داشت. دو پیراهن به تن داشت که از روی آنها هم عبای نازکی را بر سرش انداخته بود. در پایش کفشی داشت. از پله‌ها بالا رفت و وارد اتاقی که پیرزن در آنجا بود، شد. او قبلًا به ما گفته بود که دخترش در آنجا زندگی می‌کند و اجازه نمی‌دهد که کسی به آنجا برود. روشنایی در هنگام بالا رفتن او، در پله‌ها بود. اما وقتی که وارد اتاق شد، روشنایی را در اتاق دیدم. اما خبری از مشعل و امثال آن بود. دوستان سئی من،

شاهد ماجرا بودند. آنها گمان می‌کردند که این مرد دختر آن زن را صیغه کرده است؛ زیرا شیعیان متعه را جایز می‌دانند. در حالی که اهل سنت آن را حرام می‌دانند. ما شاهد آمدن و رفتن او بودیم. وقتی که بیرون می‌رفت، ما دنبالش کردیم. دیدیم که در بسته است و سنگ در پشت آن قرار دارد! همان طور که ما گذاشته بودیم و بسته بودیم؛ زیرا از دارایی‌های خودمان می‌ترسیدیم. احدی را ندیدیم که در را برای او باز کند و یا بیندد. مادامی که ما در آنجا بودیم، آن مرد جوان رفت و آمد می‌کرد و سنگ هم سر جای خودش بود. وقتی که همه اینها را دیدم، کنجه‌کاوی عجیبی در جانم ریشه دواند. از این رو سعی کردم که ارتباط را با پیر زن صمیمی‌تر کنم؛ زیرا خیلی دوست داشتم که از سر آن مرد باخبر شوم. باشند. هر وقت که مرا تنها دیدی، پایین بیا تا سؤالاتم را بپرسم. با عجله گفت: اتفاقاً من هم می‌خواستم مطالبی را به تو بگویم. اما وقت مناسبی را پیدا نمی‌کردم؛ زیرا همیشه آنها با تو هستند. گفتم: چه می‌خواستی بگویی؟ گفت: می‌گویید – البته او اسم کسی را نیاورد – با نزدیکانت جنگ و جدل نکن؛ زیرا آنها دشمنان تو هستند، باید با آنها مدارا کنی. گفتم: چه کسی این حرف‌ها را گفته است؟ گفت: من می‌گویم! خیلی دوست داشتم که دوباره سؤال را تکرار کنم. اما هیبت آن زن اجازه نداد. عرض کردم: کدام اصحاب و نزدیکان مورد نظرت هست؟ گفت: همان‌ها که در شهرت هستند و الآن در خانه با تو می‌باشند. گفتم: بله میان من و آنها در شهرمان بر سر دین و عقاید مذهبی درگیری پیش آمد. آنها پشت سر من توطئه کردند. تا جایی که من مدت‌ها مجبور به اختفا شدم. در ادامه از او سؤال کردم چه نسبتی با امام رضاعلیه السلام داری؟ گفت: من خادمه امام عسکری علیه السلام بودم. وقتی که از او مطمئن شدم، تصمیم گرفتم که درباره امام زمان علیه السلام سؤال کنم. قسم دادم که آیا او را با چشم خودت دیده‌ای؟ گفت: ای برادر من او را ندیده‌ام. وقتی که من از خانه امام علیه السلام خارج شدم، خواهرم (۶۵) به او حامله بود. البته امام عسکری علیه السلام به من بشارت داد که در آخر عمرم او را خواهم دید و نسبت تو به او مانند من خواهد بود. تا اینکه من در فلان تاریخ در مصر بودم. امام زمان علیه السلام نامه‌ای را به همراه مخارج سفر توسط مردی خراسانی که عربی را خوب نمی‌دانست، برایم فرستاد. مبلغی که فرستاده بود، سی دینار بود. از من خواسته بود تا به حج مشرف شوم. دینارها را گرفتم و با امید دیدار ایشان عازم سفر حج شدم. بعد از شنیدن این ماجرا، به دلم افتاد همان مردی که هر شب می‌آید و می‌رود، امام زمان علیه السلام است. نذر کرده بودم که ده درهم در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم. ده دینار که شش تای آنها سکه امام رضاعلیه السلام بود، به آن زن دادم و گفت که اینها را به اولاد فاطمه علیها السلام بده. با خودم گفت: اگر آنها را به فرزندان فاطمه بدhem، ثوابش بیشتر است. از طرفی امیدوار بودم که آنها را به حضرت بقیه الله خواهد داد. پیزون درهم‌ها را از من گرفت و به اتاق خودش رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می‌گویید ما در این پول‌ها سهمی نداریم. آنها را به همان جایی که نذر کردی بینداز. اما سکه‌های رضوی را به ما بده و به جای آنها پول معمولی بگیر. من نیز همان طور کردم. پیش من یکی از نامه‌های امام زمان علیه السلام بود که حضرت به قاسم بن علا از وکلای خود در آذربایجان نوشته بود. آن را به پیر زن نشان دادم و گفت: این را به کسی نشان بده که توقعات را دیده باشد. گفت: آن را بده به من. من توقعات ایشان را می‌شناسم. گمان کردم که او می‌تواند توقع را بخواند. اما گفت: اینجا ممکن نیست که آن را بخوانم. باید بالا ببرم. بالا رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می‌گویید این توقع صحّت دارد و در آن نوشته است که شما را به چیزی بشارت می‌دهم که کسی را به آن بشارت نداده‌ام... بعد گفت: می‌گویید تو چگونه صلوٰات می‌فرستی؟ گفت: خدا یا بر محمد و خاندان محمد صلوٰات بفرست و بر محمد و خاندانش برکت را نازل کن. مانند بهترین صلوٰات و برکات و ترحماتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم نازل فرمودی. تو ستوده و جواد هستی. گفت: نه وقتی که صلوٰات فرستادی نام تک تک ائمه را ببر و بر همه آنها صلوٰات بفرست. گفت: چشم. فردای آن روز وقتی که از اتاقش پایین می‌آمد، دفتری کوچک به همراه داشت. به من گفت: هر وقت که خواستی به پیامبر و جانشینانش صلوٰات بفرستی مانند آنچه که در این دفتر نوشته شده است، بفرست. دفتر را گرفتم و از آن به بعد طبق آن صلوٰات فرستادم. چند شب پی در پی آن مرد از اتاق پایین می‌آمد و نور چراغ به همراه او بود. من در را باز می‌کردم و دنبال چراغ می‌رفتم.

اما کسی را نمی‌دیدم. تا اینکه آن شخص با چراغ وارد مسجد الحرام می‌شد. همین طور مردان زیادی را می‌دیدم که از شهرهای مختلفی می‌آمدند و نامه‌هایی را به پیر زن می‌دادند و او نیز نامه‌هایی را به آنها می‌داد و با هم‌دیگر سخن می‌گفتند. البته من متوجه حرفهایشان نمی‌شدم. عده‌ای از آنها را در بازگشت از حج و در مسیر بغداد، دیدم.

متن صلوت خاصه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَحْجَةً رَبِّ الْخَدَايَا، بِرَحْمَةِ سُرُورِ رَسُولِنَا وَبِإِيمَانِ عَالَمِيَانِ درود الْعَالَمِيَنَ الْمُسْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ وَسَامِ فَرَسْتَ. او که در میثاق فطرت، نجابت یافته و در میان ظلمت‌ها او را برگزید.^(۶۶) کُلُّ آفَةٍ الْبَرِّيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبِ الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَادَةِ الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَيْهِ او که از هر آفته پاک و از هر عیب دور است. امید نجات و شفاعت، کسی که دین المفوض إِلَيْهِ دِيْنُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ شَرَفْ بُتْيَانَهُ وَعَظَمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْلَحْ حُجَّتَهُ به او سپرده شده است. خدایا، اركانش را شرافت و برهانش را عظمت و حجتش را وارفع درجتة و اوضاع نوره ویض و جهه واعظه الفضل والفضل يله راست و درجهاش را ترفع و نورش را روشنی بخش و صورتش را روسفید کرده والوسلة والدرجۃ الرفیعة وابعنه مقاماً مُحَمَّداً يغبطه به الْأَوَّلُونَ و از فضل وفضیلت و درجه و وسیله بلند به او عطا کن و او را به مقام ستوده شده‌ای والآخرُونَ. وَصَلَّى اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ الْغُرْبَ که اولين و آخرین به آن غبطه بخوردن، برسان. خدایا، بر امیر مؤمنان و وارث مرسلان المحققین وسید الوضیین وحجه رب العالمین. وَصَلَّى اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ وَرَهْبَرِ رُوسَفِيدَانِ عَالَمِ وَسَرُورِ جَانْشِيَانَ وَحَجَّتْ پروردگار عالمیان درود فرست. بَنِ عَلَى إِمَامِ الْمُهُومِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. خدایا، بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلَّى عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ خدایا، بر حسین بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر امیر مؤمنان و وارث جانشینان و حجت پروردگار عالمیان درود فرست. علی بن حسین امام مؤمنان و وارث مرسلان وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. خدایا، بر محمد بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر جعفر بن محمد جعفر بن موسی امام المؤمنین وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى إِمَامِ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر موسی بن جعفر امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى إِمَامِ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث مرسلان الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى إِمَامِ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن موسی بن جعفر امام المؤمنین وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى إِمَامِ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن محمد بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى إِمَامِ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن محمد بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر علی بن محمد بن محمد امام المؤمنین وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى إِمَامِ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر جانشین صالح، هدایتگر هدایت پروردگار وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود شده، الْمَهْدِيُّ امام المؤمنین وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحْجَةِ رَبِّ الْعَالَمِيَنَ خدایا، بر علی بن موسی امامان هدایتگر هدایت شده، عالمان فرست. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ الْأَنَبَّةِ الْهَادِيِّينَ الْمَهْدِيِّينَ خدایا، بر محمد و خاندانش، امامان هدایتگر هدایت شده، عالمان راستگوی الْعَلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دَعَائِمِ دِينِكَ وَأَرْكَانِ خوش کردار با تقوایی که پایه‌های دین و توحید و مفسران وحی و حجت‌های توحید ک و تراجمه وحیک و حججک علی خلیک و خلفائک فی ارضک در میان خلق و جانشینان بر روی زمین هستند. کسانی که آنها را برای خودت الذین اخترتهم لنفسیک واصیه طفیلهم علی عیادک وارتضیههم انتخاب کردی و بر سایر بندگان

برگزیدی و از دینت خوشنود و به معرفت مخصوص لدینک و خصوصت‌هم بمعروفتک و جلالت‌هم بکرامتک و غشیه‌هم بر حمتك نمودی و با کرامت خود به آنها جلالت دادی و با رحمت پوشاندی و با نعمت خود و رجیفه‌هم بنعمتک و غذیه‌هم بحکمتک و آلسنتهم من نورک تریت کردی و با حکمت خود تغذیه نمودی و با نور خود پوشاندی و در ملکوت و رفعتهم فی ملکوتک و حفته‌هم بملائکتک و شرفه‌هم بنیتک. رفت دادی و با ملائکه احاطه نمودی و با پیامرت آنها را شرافت بخشیدی. اللهم صل علی محمد و علیهم صلاة کثیرة دائمه طيبة لا يحيط خدا، بر محمد و آنان صلوات فراوان و دائمی و گوارایی نثار کن. به اندازه‌ای که تنها بهای آنست ولایتی عهایا ای علمک ولایتی عهایا ای احمد غیرک. خود بر آن احاطه داشته باشی و غیر از تو کسی قدرت شمارش و احاطه نداشته باشد. اللهم صل علی ولیک المحبی سنتک القائم بامرک الداعی لایک الدلیل خدا، بر ولی که سنت را با امرت، زنده می‌کند و راهنمای دلیل به سوی تو، حبیت علیک و محبتک علی خلقک و خلیفتک فی ارضک و شاهدک علی عبادک. بر خلق و جانشین در زمین و شاهد بر اعمال بندگانت می‌باشد، سلام و درود فرست. اللهم اعز نصره و مدد فی عمره وزین الأرض بطول بقائه. خدا، با قدرت خود، او را یاری کرده و بر طول عمرش بیفزا و زمین را با طول بقای او مزین کن. اللهم اکفه بعی الحاسدین و اعنه من شر الکايدین و از جز عنہ اراده خدا، او را از تجاوز حسودان حفظ و از شر حیله گران پناه بده و اراده ظالمان را ظالمین و خلصه می‌آیندی الجبارین. اللهم اعطي فی نفسیه وذریته از او دفع و از دست متکبران رها کن. خدا، در خود و نسل و شیعیان و خاصان و شیعیته و رعیته و خاصیته و عامته و عدوه و جمیع اهل الدینیا ماقرئیه و عامان و دشمنان و همه اهل دنیا برای او چشم روشنی و خیری قرار بده تا شاد شود عینه و تسریع به نفسه وبلغه افضل املیه فی الدینیا والآخره إنک علی و او را به اوج آرزوهاش در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر کاری توانا هستی. کل شئی قدری. اللهم جدد به ما می‌خواهی من دینک و احیی به ما بدل من خدا، به وسیله او بخش‌های از بین رفته دین را تجدید و آنچه از قرآن تفسیر به رأی شده، کتابک و اظهار به ما غیر من حکمک حتی یعود دینک به وعلی یادیه زنده و بخش‌های تغییر یافته احکامت را آشکار کن تا دینت به سبب او و به دست او غصان جدیدا خالصا مخلصا لاشک فیه ولایتیه معه ولایا باطل عنده به صفا و پاکی و طراوت اولیه خود باز گردد و شک و شبهه‌ای در آن و همراه آن نباشد. ولایتیه لدینه. اللهم نور بنوره کل ظلمه و هید بروکیه کل بدنعه واهدم خدا، تمام ظلمت‌ها را با نور او روشن و تمام بدعت‌ها و گمراهی‌ها را از برکت او متلاشی بعزمتی کل ضلاله واقسم به کل جبار و احمد بسیفیه کل نار و اهلک کن و تمام متکبران را در هم بکوب و آتش فتنه‌ها را با شمشیر او خاموش و با عدلش همه بعذله کل جائز و اجر حکمه علی کل حکم و اذل سلطانه کل سلطان. ظالمان را هلاک و حکم او را بر تمام احکام جاری و سلطنتش را بر همه سلاطین مسلط گردن. اللهم اذل کل من نزاوه و اهلک کل من عاده و انکر بمن کاده خدا، هر کسی که نسبت به او قصد بد کند، خوار و دشمنانش را هلاک و استهان بامریه و ساعی فی اطفاء نوره و مکارانش را مکروه و منکرین و تحیر کنندگان و تلاشگران برای خاموش کردن و آزاد احمداد ذکریه. اللهم صل علی محمد المضی طفی و علی المرضی نور و یادش را خاموش و آواره کن. خدا، بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه الزهراء والحسین الرضا والحسینین المضی طفی و جمیع فاطمه تابان و حسن راضی و حسین برگزیده و همه جانشینان و چراغ‌های الاؤصیاء و مصائب الدجی و اعلام الهدی و مشار التلقی والعروة تابان هدایت و پرچم‌های هدایت و مناره‌های هدایت و دستاویزهای مستحکم الوثقی والحبیل المتبین والصراط المُستقیم. وصل علی ولیک و ولایه و ریسمان‌های هدایت و راه مستقیمت درود و سلام فرست. خدا، بر ولیات و والیان عهده والاثمه من ولده و مدد فی اعماره‌هم و زد فی آجاله‌هم و بلغه‌هم عهد و امامان از فرزندانش درود فرست و بر عمرهایشان بیفزا و به بزرگترین اقصیی آمالهم دینا و دینا و آخره إنک علی کل شئی قدری. آرزوهاشان در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.

دعای چهاردهم

قنوت مولانا صاحب الزمان علیه السلام (۶۷) قزوینی و بغدادی نقل می کنند که روزی در خدمت استادمان بودیم. که سخن از امام حسن بن علی علیه السلام پیش آمد. یکی از شاگردها گفت: مردم از او ناراحت و عصبانی هستند؛ زیرا حکومت را به آل ابوسفیان واگذار کرد! استادمان فرمود: من مولا یمان حسن بن علی را بالاتر از آن می دانم که کاری از او سربزند که برای اندیشمندان و خردگان و شکاکان جای اشکال کردن باقی بماند. (۶۸) ایشان ادامه دادند زمانی که شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان رحمه الله وفات کرد، شیخ ابوالقاسم حسین بن روح در جای او نشست و بقیه آن روز را در خانه محمد بن عثمان به امورات رسیدگی کرد. ذکاء خادم، سه چیز را که عبارتند از: کاغذی نوشته شده، عصا و ظرف چوبی تراشیده و روغن مالی شده، خارج کرد. ایشان آنها را گرفتند و عصا را در میان رانهای خود گذاشتند و کاغذ را در دست راست و ظرف چوبی را در دست چیشان گرفتند و به ورثه محمد بن عثمان رحمه الله گفتند: در این نامه امانت‌هایی آمده است. بعد آن را باز کرد. دیدند که در آن دعاها و قنوت‌هایی از حضرات معصومین آمده است. از آن دست برداشتند و گفتند: حتماً در این ظرف چوبی اشیائی گرانبها وجود دارد. حسین بن روح گفت: آیا آن را می‌فروشید؟ گفتند: به چه قمیتی؟ حسین بن روح رحمه الله گفت: ای ابوالحسن کوثری ده دینار به آنها بده. اما آنها نپذیرفتند. تا اینکه قیمت به صد دینار رسید. خطاب به آنها گفت: اگر این صد دینار را قبول نکنید، پشمیان می‌شوید. آنها هم قبول کردند و صد دینار را گرفتند. حسین بن روح نامه و عصا را از اول استثناء کرده بود که در قبال این معامله، این دو نیز مال او باشند. وقتی که معامله تمام شد، گفت: این عصای مولا یمان امام عسکری علیه السلام است. ایشان در روزی که سرورم محمد بن عثمان را به وکالت‌شان نصب می‌کردند، این عصا را به دست داشتند. این ظرف چوبی هم که می‌بینید، حاوی انگشت‌های ائمه است. در کاغذ نیز قنوت‌های ائمه نوشته شده بود... و اما قنوت: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرَمْ أُولَيَاءَكَ يَإِنْجَازَ وَعْدَكَ خَدِيَا، بر محمد و خاندانش درود فرست و اولیایت را با محقق کردن و عده خودت، گرامی دار و به نصرت وَبَلْغُهُمْ دَرْكَ مَا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِكَ وَأَكْفُفْ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ وَغَلَبَهُ ای که آرزو می‌کنند، برسان و گرفتاری کسانی را که بنای تخلف از تو را گذاشتند و از نواهی تو تمرد الْخِلَافَ عَلَيْكَ وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَاسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ کردند و به مخالفت پرداختند، از ایشان بردار. کسانی که از نعمت‌های تو برای شکستن حدودت کمک گرفتند علی فَلْ حَدُّكَ وَقَصَدَ لِكَيْدَكَ يَأْيَدِكَ وَوَسِعَهُ حِلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى و با دست تو قصد مکر کردن با تو را کردند. تو نیز با وسعت حلمت با آنها برخورد کردی تا اینکه یا آشکارا جهره اوْ تَسْتَأْصِلَهُ عَلَى عِزَّةِ فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقُولُكَ الْحُقُّ حَتَّىٰ اورا بگیری و عذاب کنی، یا اینکه به او مهلت دهی و به تدریج او را نابود کنی. خدایا، تو خود إذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأَزَّيْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ گفتی و سخن تو نیز حق است: (تا جایی که زمین زیبا شد و خود را زینت کرد و اهل دنیا گمان کردند علیها آتاهای امرنا لیلاً او نهاراً فجعلناها حصہ یداً کان لم تعن که آنها قادر بر نگه داشتن آن هستند. عذاب ما شب یا روز آمد و همه آنها را درو کرد. گویا همان‌ها نبودند بِالْأَمْسِ کَذِيلَكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَقُلْتَ فَلَمَّا آسَفُونَا که تا دیشب مدعی بی‌نیازی از خدا بودند. ما نشانه‌های خود را به این صورت برای اهل فکر و اندیشه انتقامنا مِنْهُمْ وَإِنَّ الْعَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَإِنَّا لِغَضَبِكَ غَاضِبُونَ بیان می‌کنیم» (۶۹) همین طور گفتی: «زمانی که ما را به غضب آوردند، از آنها انتقام گرفتیم.» (۷۰) پایان کار نزد وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحُقُّ مُتَعَاصِبُونَ وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأْفُونَ ماست و ما با غضب تو، به غضب می‌آییم. ما بر یاری حق پافشاری می‌کنیم و به ورود امر تو در جنگ با آنان، وَلِإِنْجَازِ وَعِيدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحَوْلِ وَعِيدِكَ يَأْعِدَّ إِنَّكَ مُتَوَقِّعونَ. مشتاقیم و منتظر تحقق و عده تو هستیم و توقع آن را داریم تا دشمنان را در احاطه و عیدت قرار دهی. (۷۱) اللَّهُمَّ فَأَذْنْ بِذِيلِكَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسِهَّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِئْ مَسَيَّ الْكَهْ خدایا، آن را اراده کن و راه‌هایش را بگشا و خروجش را آسان کن و راه‌هایش را بگشا و هموار و اشرع شرائعه وَأَيَّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ گردن و او و یارانش را با سربازانت یاری کن و غضبیت را به

سرعت بر ظالمان نازل کن و شمشیر وابسته سیف نقمت کَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَاذِدِينَ وَخُذْ بِالثَّارِ إِنَّكَ جَوَادٌ مَّكَارٌ انتقام را بر دشمنان لجوجت بکش و انتقام خون‌های مظلومان را بگیر. تو اهل جود و مکر هستی.

دعای پانزدهم

دعای دیگری از امام علیه السلام در قنوت نماز (۷۲) اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمُلْكُ تُؤْتَى الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزَعُ الْمُلْكُ مِمَّنْ تَشَاءُ خدایا، تو مالک عالم هستی و ملک خود را به هر که بخواهی واگذار می‌کنی و از هر که بخواهی می‌گیری. وَتُعْزَّ مَنْ تَشَاءُ وَتُنْذَلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْحَيْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هر که را بخواهی عزّت می‌بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می‌کنی. تمام خیرها به دست توست. تو بر هر یا ماجد یا جواد یا ذا الجلال والإکرام یا بطاش یا ذا البطش الشدید چیزی توانا هستی. ای باشکوه، ای بخشندۀ، ای صاحب جلالت و بزرگواری، ای حمله کننده، ای قادر یا فعالاً لَمَّا يُرِيدُ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَّيِّنِ یا رَءُوفٌ یا رَحِيمٌ یا لطیف یا حُنْی بر حمله‌های شدید، ای انجام دهنده هر کاری که بخواهد، ای صاحب نیروی خللانپذیر، ای دلسوز حین لاحی. اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَحْرُونِ الْمُكْتُونِ الْحَيِّ الْقَيُومَ وَمَهْرَبَانَ، ای بخشندۀ، ای زنده، زمانی که زنده‌ای نبود. خدایا، از تو می‌خواهم با نام‌های پنهان و زنده الَّذِي اسْتَأْتَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَلَمْ يَطْلُعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ. وَ قَوْمَ بَخْشَتْ، که تنها تو در علم غیبت بر آنها آگاهی یافته و کسی غیر از خودت بر آنها واقف نیست. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَيِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْضِ حَمَامَ كَيْفَ تَشَاءُ وَبِهِ وَ از تو می‌خواهم با نامی که مخلوقات را در ارحام مادران، آن طور که بخواهی، صورت می‌بندی تَسْوُقُ إِلَيْهِمْ أَزْرَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ. وَ با آن نام روزی‌هایشان را در طبقات تاریکی‌ها و از میان رگ‌ها و استخوان‌ها می‌رسانی. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَفْتَ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أُولَيَّاً إِنَّكَ وَأَلْفَتَ بَيْنَ النَّلْبَجِ وَ از تو می‌خواهم با اسمی که با آن، دلهای دوستانت را به هم پیوند زدی و برف وَالنَّارِ لَا هَيْدَا يُنْذِبُ هَيْدَا وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَآتش را مأنوس گرداندی. که هیچ کدام مانع از دیگری نمی‌شوند. و از تو می‌خواهم کَوَنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي با نامی که با آن، طعم آب‌ها را به وجود آوردی. و از تو می‌خواهم با نامی که با آن، عُرُوقِ الْبَبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الشَّرَى وَسُيْفَتَ الْمَاءِ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ آب را در رگ‌های ریشه درختان در زیر زمین به حرکت در آوردی و آب را به ریشه‌های درختانی الصخره‌الصماء. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَنْتَ بِهِ طَعْمَ الشَّمَارِ وَالْوَانَهَا. که میان صخره‌های سخت هستند، سوق دادی. و از تو می‌خواهم با نامی که با آن، طعم و رنگ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبَدِّيُ وَتُعِيْدُ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ میوه‌ها را پدید آوردی. و از تو می‌خواهم با نامی که با آن، خلق می‌کنی و بعد از مرگ، باز می‌گردانی. الْمُتَفَرِّدُ بِالْوَحْدَائِيَّةِ الْمُتَوَحِّدُ بِالصَّمَدَائِيَّةِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ و از تو می‌خواهم با نامی که فرد و واحد و متفرد به یگانگی است. و از تو می‌خواهم با نامی که با الَّذِي فَجَرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ وَسُقْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ. آن، آب را از میان صخره‌های سخت منفجر کردی و آن را از هر جا که خواستی تأمین کردی. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقَتْ بِهِ خَلْقَكَ وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ و از تو می‌خواهم با آن نامی که با آن، موجودات را آفریدی و هر طور که خواستی و خواستند، روزیشان را داد، شَاءُوا يَا مَنْ لَمَّا تَعَيَّرَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي أَذْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحَ حِينَ ای کسی که روزگار در او تغیری ایجاد نمی‌کند. تو را با آن نامی می‌خوانم که نوح خواند. آنگاه که ندا کرد نادا کَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَكَ قَوْمَهُ وَأَذْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ و تو نیز او را به همراه دوستانش نجات دادی و قومش را هلاک کردی. تو را با نامی می‌خوانم که ابراهیم خلیل خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسِلَاماً وَأَذْعُوكَ تو را با آن خواند و تو نیز او را نجات دادی و آتش را سرد و خنک کردی. تو را با نامی می‌خوانم که موسای بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَرَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَيْنَ کلیم تو را با آن خواند. تو نیز دریا را از هم باز کردی و او را به همراه بنی اسرائیل نجات دادی و فرعون و قومش إِسْرَائِيلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْأَيْمَ وَأَذْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَيْسَى را غرق نمودی. تو را با نامی می‌خوانم که عیسی روحت تو را با آن خواند و تو او را از دست

دشمنانش رُوْحُكَ حِينَ نَادَكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْيَادِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتُهُ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ نجات دادی و به سوی خود بالا بردی. تو را با آن نامی می‌خوانم که دوست و برگزیده و پیامبرت به حبیبیک و صیفیک و نبیک مُحَمَّدٌ فَاسِتَجْبَتْ لَهُ وَمِنَ الْأَخْرَابِ نَجَّيْتَهُ مُحَمَّد صلی اللہ علیه وآلہ، تو را با آن خواند. تو نیز دعاویش را مستجاب کردی و از چنگ قبایل مختلف نجات دادی و بر وعلی اَعْدَائِكَ نَصَرْتَهُ. وَأَسَالَكَ يَا شِيمَكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَتِ يَهُ أَجْبَتَ دَشْمَنَتْ غَلَبَهُ دَادِي. وَإِذْ تَوَمَّى خَواهَمَ بِآنَّ نَامِيَ كَمَّ إِنْ كَفَرَ بِآنَّ نَامَ خَوَانَدَهُ شَوَیِّ، اجابت می‌کنی. ای کسی یا مَنْ لَهُ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ یا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَخْصَى كُلَّ که خلق و اراده امور به دست اوست. ای کسی که علمش بر هر چیزی احاطه پیدا کرده است و تعداد شَيْءٍ عِيَادَةً یا مَنْ لَمَ تُغَيِّرْهُ الْمَأْيَامُ وَاللَّيَالِی وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْهِ هُمْ چیز را شمارش کرده است. ای کسی که تغییر شب و روز تغییری در او ایجاد نمی‌کند و صداها بر او الاصوات وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ الْلُّغَاتُ وَلَا يُبَرِّمُهُ الْحَاجُ الْمُلْحَيْنَ. مشتبه نمی‌شود و زبان‌های مختلف برایش مجھول نمی‌ماند و اصرار اصرار کنندگان او را خسته نمی‌کند. أَسَالَكَ أَنْ تُصِلَّی عَلَیِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتَكَ مِنْ خَلْقَكَ فَصَلَّی مَنْ خَوَاهَمَ کَه بر مُحَمَّد وَآل او درود فrstی؛ آنان که بهترین خلق تو هستند. بنابراین عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَصَلَّی عَلَیِ جَمِيعِ النَّبِيِّنَ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بهترین صلوات‌هایت را برایشان فrst و بر تمام پیامبران و مرسلین که به هدایت رسیدند بَلَغُوا عَنْكَ الْهُدَیٰ وَعَقَدُوا لَكَ الْمَوَاثِيقَ بِالطَّاغِیَهِ وَصَلَّی عَلَیِ عِيَادَکَ وَعَهْدَ و پیمان‌هایی برای اطاعت بستند و بر بندگان صالحت درود فrst. ای کسی که الصالحین یا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيَاعَادَ أَنْجَزْ لَیِ ما وَعَدْتَی وَاجْمَعَ لَیِ در وعده‌هایت تخلیف نمی‌کنی وعده‌ای را که به من داده‌ای محقق کن، اصحاب را أَصْبِحَابِی وَصَدِّرْهُمْ وَانْصُرْنَی عَلَیِ أَعْدَائِکَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِکَ وَلَا تُخَيِّبْ جَمْعَ کَنْ وَصَبْرَشَانَ را بَيْشَرَ نَمَا وَمَرَا بَرَ دَشْمَنَامَ وَدَشْمَنَانَ پیامبرت یاری کن و دعایم دَعَوَتِی فَإِنَّ عَبْدَکَ ابْنُ عَبْدِکَ ابْنُ أَمَتِکَ أَسَتِرِ بَیْنَ يَدِیْکَ سَیِّدِیْکَ أَنَّ رَا بَرْنَگَرَدَان؛ زیرا من بنده و فرزند بنده و کنیز تو، در برابر ارادهات اسیر هستم. الَّذِی مَنَثَ عَلَیِ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَمَضَّلَتْ بِهِ عَلَیِ دُونَ کَثِيرٍ مِنْ خَلْقَکَ. سرورم تو بودی که مرا به این مقام مخصوص کرده و بر اکثر مخلوقات فضیلت دادی. أَسَالَكَ أَنْ تُصَلِّی عَلَیِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسْجِرَ لَیِ ما وَعَدْتَی از تو می‌خواهم که بر مُحَمَّد و خاندانش درود فrstی و وعده‌ام را محقق گردانی؛ إِنَّکَ أَنَّ الصَّادِقَ وَلَمَا تُخَلِّفُ الْمِيَاعَادَ وَأَنَّ عَلَیِ كُلِّ شَيْءٍ قَدِیرٌ. زیرا تو در گفتارت صادق و در وعده‌ات استواری و تو بر هر چیزی توانایی داری.

امام زمان و زیارت شهدای کربلا

دعای شانزدهم

قسمت اول

زیارت ناحیه مقدسه یا زیارت امام زمان علیه السلام از امام حسین علیه السلام (۷۳) هرگاه خواستی که در روز عاشورا آن حضرت را زیارت کنی، کنار قبر شریفسان بایست و بگو: أَسَلَّمَ عَلَیَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیَ شَیْثٍ وَلَیِ اللَّهِ سلام بر آدم، برگزیده خدا از میان مخلوقاتش. سلام بر شیث، ولی و منتخب خدا. خَيْرَتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیِ إِدْرِیسَ الْقَدَّامِ لَهُ بِحُجَّتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیَ نُوح سلام بر ادریس که برای خدا اقامه دلیل کرده است. سلام بر نوحی که مستجاب الدعوت المجبوب فی دُعَوَتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیَ هُودِ الْمُمُدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعْوَنَتِهِ است. سلام بر هودی که از سوی خدا یاری شد. سلام بر صالح که از لطف خدا، الْسَّلَامُ عَلَیَ صَالِحٍ الَّذِی تَوَجَّهَ لَهُ بِكَرَامَتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیَ إِبْرَاهِیمَ الَّذِی متوجَّه او شد. سلام بر ابراهیمی که خداوند لباس دوستی خود را به تنش کرد. حَيَّاهُ اللَّهُ بِحَلَّتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیَ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی فَدَاهُ اللَّهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ سلام بر اسماعیل که خداوند او را با قربانی بهشتی، از قربانی شدن، نجات داد. جَنَّتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیَ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی جَعَلَ اللَّهُ التَّبَوَّةَ فِی ذُرَرِیَّهِ السَّلَامُ سلام بر اسحاق که خداوند نبوت را در نسل او قرار داد. سلام بر یعقوبی که خداوند عَلَیَ يَعْقُوبَ الَّذِی رَدَ اللَّهُ عَلَیْهِ بَصِيرَهُ بِرَحْمَتِهِ الْسَّلَامُ عَلَیَ يُوسُفَ از سر رحمت، بینایی چشمانش را به او

برگرداند. سلام بر یوسفی که خداوند الٰی نجاه الله من الجب بعظمته السلام علی موسی الٰی فلق الله با عظمت خود او را از چاه بیرون آورد. سلام بر موسی که خدا با قدرتش دریا را البحر له بقدرتیه السلام علی هارون الٰی خصه الله بثیوتیه السلام برایش شکافت. سلام بر هارون که او را به نبوتش مخصوص کرد. سلام بر شعیب علی شعیب الٰی نصیره الله علی امته السلام علی داؤد الٰی که خدا او را در برابر قومش یاری کرد. سلام بر داؤد که خداوند خطایش را تاب الله علیه من خطیتیه السلام علی سلیمان الٰی ذلت له بخشید. سلام بر سلیمان که با عزت خدا، اجنه در برابرش خوار شدند. سلام بر الجن بعزتیه السلام علی آیوب الٰی شفاء الله من علیه السلام علی عزیز را در مورد او عملی کرد. سلام بر یونس که خدا وعده تضمینی خود علی یونس الدی آنجز الله له مضمون عتمتیه السلام علی عزیز را در مواد او عملی کرد. سلام بر عزیز که خدا او را بعد از مرگش زنده کرد. الٰی آخیاه الله بعید میتیه السلام علی زکریا الصابر فی محتته سلام بر زکریایی که در سختیها صبور بود. سلام بر یحیی که خدا او را بالسلام علی یحییی الٰی آزلله بشهادتیه السلام علی عیسی شهادتش زینت داد. سلام بر عیسی روح خدا و مخلوق او سلام بر محمد، روح الله و کلمتیه السلام علی محمد حبیب الله وصی فتویه السلام علی دوست خدا و منتخب او سلام بر امیر المؤمنین، علی بن ابیطالب که برای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب المخصوص بأخوه السلام علی برادری پیامبر انتخاب شد. سلام بر فاطمه زهرا دخترش سلام بر ابی محمد حسن فاطمه الزهراء ابته السلام علی ابی محمد الحسن وصی ابیه وصی و جانشین پدرش سلام بر حسین که سخاوتمندانه خونش را وخلیقیه السلام علی الحسین الدی سمح نفسه بمهمجه السلام تقدیم کرد. سلام بر کسی که در پنهان و پیدا، از خدا اطاعت کرد. علی من اطاع الله فی سرره وعلایتیه السلام علی من جعل الله الشفاء سلام بر کسی که شفا در تربیش قرار داده شد. سلام بر کسی که اجبات فی توبیه السلام علی من الإجایه تحت قبیه السلام علی من الآئمه دعا در زیر قبه او قرار داده شد. سلام بر امامانی که از نسل او هستند. من ذریته السلام علی ابن خاتم الأنبياء السلام علی ابن سید سلام بر فرزند خاتم الانبیاء، سلام بر فرزند سرور او صیام الهی (۷۶) الْأَوْصِياءَ السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَى ابْنِ حَدِيجَةَ سلام بر فرزند فاطمه زهراء، سلام بر فرزند خدیجه کبری. الْكُبَرَى السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَدْرَةِ الْمُتَهَى السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى سلام بر فرزند سدره المتهی. (۷۵) سلام بر فرزند جنت المأوى، السلام علی ابین زمزم والصفا السلام علی المرمی بالدماء السلام سلام بر فرزند زمزم و صفا، سلام بر آغشته به خون، سلام بر کسی علی المهوتوک البخار السلام علی خامس اصحاب اهل کسائے که خیمه هایش هتك حرمت شدند. سلام بر پنجمین از اهل کسائے. (۷۶) السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغَرَبَاءِ السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشَّهَادَاءِ السَّلَامُ عَلَى سلام بر غریب ترین شهید، سلام بر کشته شده توسط قتیل الأذعیاء السلام علی ساکن کربلاء السلام علی من بکته دعوت کندکان، سلام بر ساکن کربلا، سلام بر کسی که ملانکه آسمان برایش ملائکه السماء السلام علی من ذریته الأزکیاء السلام علی یعسوب گریستند، سلام بر کسی که نسل او انسان‌های طاهر هستند، سلام بر بناء دین، الدین السلام علی منازل البراهین السلام علی الآئمه السادات سلام بر محل نزول برهان و دلیل، سلام بر ائمه بزرگوار، السلام علی الجیوب المضمرات السلام علی الشفاء الذایلات سلام بر گریبان‌های چاک خورده و غرق در خون، سلام بر لب‌های خشک، السلام علی التفوس المصی طلمات السلام علی الأرواح المحتلسا سلام بر اشخاص تکه شده، سلام بر ارواح ریوده شده، السلام علی الأجياد العاريات السلام علی الجسوم الشاجبات سلام بر اجسام متغير و رنگ پریده، السلام علی الدماء السائلات السلام علی الأعضاء المقطعات سلام بر خون‌های جاری، سلام بر اعضای قطعه شده، السلام علی الرءوس المسائلات السلام علی النسوة البارزات سلام بر سرهای بریده شده، سلام بر زن‌های بدون حرم و پوشش، السلام علی حججه رب العالمین السلام علیک وعلی آبائك سلام بر حجت پروردگار عالمیان، سلام بر تو و بر پدران پاکت، الطاهرین السلام علیک وعلی آبائیک المیت شهدین السلام علیک سلام بر تو و بر پسران شهیدت، سلام بر تو بر نسل یاریگرت، وعلی ذریتک الناصۃ رین السلام علیک وعلی الملائکه المضاجعین سلام بر تو و ملائکه‌ای که در حرم تو مستقر شده‌اند. السلام علی القنیل المظلوم السلام علی آخیه المیت موم السلام سلام بر تو ای کشته مظلوم، سلام بر کسی که برادرش مسموم شد، علی علی الکبیر السلام علی

مصيبت تو بسوزم و بمیرم. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقْمَتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الرَّكَأَةَ وَأَمْرَتَ بِالْمَعْرُوفِ وَهَنِئْتَ شَهادَتَ مَى دَهْمَ كَه: تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف عن المُنْكَرِ وَالْعُدُوَانِ وَأَطْعَتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ وَتَمَسَّكَتْ بِهِ وَبَخِيلِهِ وَنَهَى از منکر نمودی و مطیع خدا بودی و معصیتش را نکردی و به او و دستاویزش فَأَرْضَيْتَهُ وَخَيْثَيْتَهُ وَرَاقَبَتَهُ وَاسْتَجَبَتَهُ وَسَيَّنتَ السُّنَّةَ وَأَطْفَأَتَ الْفِتْنَ چسیدی. در نتیجه او را از خود راضی کردی و ترسیدی و مراقب اطاعتیش بودی وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَأَوْضَحْتَ سُبْلَ السَّدَادِ وَجَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ وَأَوْمَرْتَ رَايَتَ کردی و سنت هایش را سنت کردی و فتنه ها را خاموش نمودی الْجِهَادِ وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعاً وَلِحَيْدَكَ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعاً وَبِهِ سُوَى رَشْدٍ وَبِالنَّدْگَى هَدَيْتَ كَرْدَهِ وَرَاهَهَايِ پَايَدارِي رَا روشنِ وَدر مسیر او وَلِقَوْلِ أَيْكَ سَامِعاً وَإِلَى وَصِيتَهِ أَخِيكَ مُسْتَارِعاً وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعَا جَهَادَ نَمُودَيِّ. مطیع خدا و پیرو جدت و تابع پدرت و عمل کننده به وصیت برادرت وَلِلْطُّغْيَانِ قَامِعاً وَلِلْطَّغَاءِ مُقارِعاً وَلِلْلَّامَةِ نَاصِحةً وَفِي غَمَرَاتِ الْمُؤْتَ وَبِلَندَ کننده ستون های دین و قلع و قمع کننده طغیان کنندگان و درهم کوبنده سَابِحاً وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحاً وَبِحُجَّجِ اللَّهِ قَائِمًا وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ سرکشان و خیرخواه امت و شناور در تنگنای مرگ و مجازات کننده فاسقان رَاحِمًا وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا وَلِلَّدِينِ كَالِثًا وَعَنْ حَوْزَتِهِ وَقِيَامَ کننده با ادله الهی و دلسوز برای اسلام و مسلمانان و یاریگر حق و صبور در بلا مُرَامِيَّ تَحُوتُ الْهُدَى وَتَنْصِيرُهُ وَتَبَسُّطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ وَتَنْصُرُ الدِّينَ و یاور دین و محافظت کننده از محدوده آن و یاریگر هدایت و گسترش دهنده وَتَظْهِرُهُ وَتَكْفُرُ الْعَابِثَ وَتَرْجِرُهُ وَتَأْخُذُ لِلَّدِينِ مِنَ الشَّرِيفِ وَتُسَاوِي عدالت و پشتیبان دین و نهی کننده از بیهودگی ها و جلوگیر از پستی ها در فی الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوْيِ وَالضَّعِيفِ کنَتْ رَبِيعُ الْأَيَّامِ وَعَصْمَةُ الْأَنَامِ تعرَضَ به شریفها و عادل در حکم میان قوی و ضعیف. تو پناه یتیم ها و نگهدار وَعِزَّ الإِسْلَامِ وَمَعْدَنَ الْأَحْكَامِ وَحَلِيفَ الْأُنْعَامِ سالِكًا طَرَائِقَ حَيْدَكَ انسان ها و عزت اسلام و معدن احکام و مهمان نواز، ادامه دهنده راه جد و پدرت، وَأَيْكَ مُشَبَّهَا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ وَفِي الدَّمَمِ رَضَّتِ الشَّيْمَ ظَاهِرِ عمل کننده به وصیت برادر، خوش رفتار، بزرگوار، شب زنده دار، الْكَرِمِ مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلْمِ قَوِيمَ الطَّرَائِقِ كَرِيمَ الْخَلَاقِ عَظِيمَ السَّوَاقِ سالِكَ راه های مطمئن، بخشندۀ بندگان خدا، سابقه دار بزرگ، با نسب شریف، شَرِيفَ النَّسِبِ مُنِيفَ الْحَسِبِ رَفِيقَ الرُّتَبِ كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ مَحْمُودٌ بَلَندَ مَرْتَبَهِ، صاحب فضائل فراوان، نیک سرشت، بسیار بخشندۀ، بربار، جوانمرد، الصَّرَائِبِ جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ بَجَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ إِمامٌ نیک رفتار، بخشندۀ دانای مستحکم، امام شهید متضرع، انا به کننده و دوست شهید آواه مُنِيب حَبِيبٌ مَهِيبٌ كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَدًا با هیبت. تو برای رسول خدا، فرزند و برای قرآن، تابع و برای امت، بازو بودی. وَلِلْقُرْآنِ مُنْقِدًا وَلِلَّامَةِ

قسمت دوم

عَصْدَا وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِداً حَافِظاً لِلْعَهْدِ در اطاعت خدا تلاشگری مراقب و در وعده و پیمان عمل کننده. تو اهل رکوع وَالْمِيَافِقِ نَاكِباً عن سُبْلِ الْفُسَاقِ وَبَادِلاً لِلْمُجْهُودِ طَوِيلَ الرُّكُوعِ و سجده های طولانی بودی، در دنیا مانند کسی که به زودی عبور می کند، وَالسُّجُودِ زَاهِدًا فِي الدِّينِ زُهْدِ الرَّاجِلِ عَنْهَا نَاطِراً إِلَيْهَا بَعْئِنِ زَهْدٌ مَرْزِيدِي، از آن وحشت داشتی، برای آن آرزویی نداشتی و برای تزئین الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا آمَالُكَ عَنْهَا مَكْفُوفَهُ وَهِمَتُكَ عَنْ زِيَّتها مَصْرُوفَهُ آن تلاش نمی کردی و چشمان از خوشی های آن بسته شده و علاقه ات برای وَالْحَاظَكَ عن بھجهتیها مَطْرُوفَهُ وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَهُ حَتَّى إِذَا آخِرَتْ مَعْرُوفَهُ است. حتی زمانی که ظلم دستش را گشود و نیزه اش را بر همه کرد الْجُوْرُ مَدَ بَاعِهُ وَأَسْفَرَ الظُّلْمَ قِنَاعَهُ وَدَعَا الْغُيَّ أَتَبَاعَهُ وَأَنْتَ فِي حَرَمٍ و یارانش را جمع کرد، تو در حرم جدت نشسته بودی و از آنها فاصله گرفته حَيْدَكَ قَاطِنٌ وَلِلظَّالِمِينَ مُبَابِنْ جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمُحْرَابِ مُعْتَرِلٌ عن بودی. در محراب از لذت ها و شهوت دنیا کناره گرفته بودی. منکر را با قلب اللَّادَاتِ وَالشَّهَوَاتِ تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ و زبانت، در حد توانست، نهی می کردی. بعد از آن علم، باعث انکار شد و اواجب شد وِإِمْكَانِكَ ثُمَّ اقتضاکَ الْعِلْمَ لِلْإِنْكَارِ وَلَرَمَكَ آنْ تُجَاهِدُ الْفُجَارَ فَيَسِّرْتَ که با ظالمان جهاد کنی. در نزد خانواده و شیعیان و دوستانت رفتی و ظالمان را فی أَوْلَادِكَ وَأَهْلِيَكَ

وَشِئْتَعِتَكَ وَمَوَالِيَكَ وَصَيْدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيْنَةِ بِا حِكْمَتٍ وَمُوعِظَةٍ الْحَسِينَةِ وَأَمْرَتَ بِإِقَامَةِ الْحِمْدُودِ احْكَامَتْ رَا عَمَلِيَ كَنَدَ وَازْ مَعْبُودَشَانَ تَبَعِيتَ نَمَائِنَدَ وَازْ بَدِيَهَا وَالْطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ وَنَهَيَتَ عَنِ الْخَيَاثِ وَالْطُّغْيَانِ وَوَاجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَطَغْيَانَگَرِي نَهَى كَرْدَي. آنَهَا درْ مَقَابِلَ بِا ظَلْمٍ وَدَشْمَنِي بِا تو رو بِرُو شَدَندَ.

وَالْعَدْوَانِ فَجَاهَدَهُمْ بَعْدَ إِلَيْعَازِ لَهُمْ وَتَأْكِيدَ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ درْ نَهَايَتَ نَيزَ بَعْدَ ازْ مَوْعِظَهِ وَاتَّهَامَ حَجَّتَ بِا آنَهَا جَنْگِيَدِي. فَنَكْثُوا ذَمَامَكَ وَبَيْعَتَكَ وَأَسْيَحَطُوا رَبَّكَ وَحِيدَكَ وَيَدَءُوكَ بِالْحَرْبِ آنَانِ پِيمَانَ وَبَيْعَتَ خَودَ رَا شَكَسْتَهِ وَخَدا وَجَدَّتَ رَا به غَضَبَ آورَدَهَ فَبَثَّ لِلْطَّعْنِ وَالْفَرَّبِ وَطَحَنَتْ جُنُودَ الْفُجَارِ وَاقْتَحَمَتْ قَسْطَلَ الْغَبَارِ وَجَنَّكَ رَا شَرُوعَ كَرْدَنَدَ. تو نَيزَ ضَرِبَاتَ خَودَ رَا آغاَزَ كَرْدَي وَسَرْبَازَانَ دَشَمنَ رَا مُجَالِدًا بِذِي الْفَقَارِ كَانَكَ عَلَى الْمُخْتَارِ فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابَتَ الْجَاهِشِ غَيْرَ درْ هَمَ كَوبِيَدِي وَبِا ذَوَالْفَقَارِ درْ گَرْدَ وَغَبَارَ فَرو رَفْتَى گَوِيَا تو عَلَى بِرْ گَزِيدِه هَسْتَى! خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ نَصِيَّبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ زَمَانِي كَه ثَبَاتَ قَدَمَ وَبِي باَكِي تو رَا دَيَدَنَدَ، ازْ دَرْ مَكْرَ وَخَدْعَهِ وَارَدَ شَدَندَ وَأَمَرَ اللَّعِينَ جُنُودَهَ فَمَنْعِيَوَكَ الْمِاءَ وَوَرُودَهَ وَنَاجِزُوكَ الْفَتَّالُ وَعَاجِلُوكَ وَبِا مَكْرَ جَنْگِيَدَنَدَ. آنَ مَلَوْنَ دَسْتُورَ دَادَ تَا رَاهَ فَرَاتَ رَا بِيَنَدَنَدَ وَبِرَايِ زَمِينَ گَيْرَ كَرْدَنَ النَّزَالُ وَرَسْقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالْتَّبَالِ وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ الْأَصْطِ طَلَامَ تو ازْ هِيجَ اَقدَامِي كَوْتَاهِي نَكَرْدَنَدَ وَتِيرَهَا رَا به سَوِيتَ رَوَانَهِ سَاخَتَهِ وَدَسَتَ تَعَرَّضَ وَلَمَ يَرِعَوَا لَكَ ذَمَاماً وَلَا رَاقِبُوا فِيكَ أَثَاماً فِي قَتْلَهُمْ أُولَيَاءَكَ وَنَهَبِهِمْ بِهِ حَرِيمَتَ گَشُونَدَنَدَ وَهِيجَ حَرَمَتَ وَحَرِيمَيِ رَا مَحْتَرَمَ نَدَانَسْتَنَدَ چَه درْ كَشْتَنَ نَزَديَكَانَ رِحَالَكَ وَأَنَتَ مُقَدَّمَ فِي الْهَبَوَاتِ وَمُحْتَمِلُ لِلَّأَذِيَاتِ قَدْ عَجَبْتَ مِنْ وَبِهِ غَارتَ بَرْدَنَ دَارَ وَنَدارَتَ. آرَى تو درْ گَرْدَ وَغَبَارَ فَرو رَفْتَى وَادِيَتَهَا رَا صَبِيرَكَ مَلَائِكَهُ السَّمَاءِ اوَاتِ فَأَخِيدَقُوا بِسِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَأَثْخَنُوكَ تَحْمِيلَ نَمُودَيِ تَا جَايِي كَه مَلَائِكَهُ آسَمانَهَا ازْ صَبَرَ تو به شَكَفَتَ آمَدَنَدَ. تَا اينَ كَه بِالْجَرَاحِ وَحِيَلَوَا بَيَنَكَ وَبَيَنَ الرَّوَاحِ وَلَمَ يَقِنَ لَكَ نَاصَّهَرَ وَأَنَتَ مُحْتَسِبَ آنَهَا ازْ هَرَ سَوِ متَوْجَهَ تو شَدَندَ وَجَرَاحَتَهَا زَيَادَيِ وَارَدَ كَرْدَنَدَ وَتَمَامَ رَاهَهَا رَهَايِي رَا صَابِرَ تَذَذَّبَ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ فَهَوَيَتَ برَ تو بَسْتَنَدَ وَيَاورِي بِرَايَتَ نَگَذاشتَنَدَ. تو بِرَهَمَهِ اينَهَا صَبَرَ كَرْدَي. تو آنَهَا رَا ازْ خَانَوَادَهِ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً تَطَلُوكَ الْخَيُولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَعْلُوكَ الْطَّغَاهُ خَودَهَ مِي رَانَدِي تَا اينَ كَه تو رَا باَنَ زَخْمِي ازْ اسْبَتَ به زَمِينَ اندَاخْتَنَدَ وَاسْبَهَا باَ سَمَاهَا يَشَانَ بِيَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَؤْتَ بَجِيْنُوكَ وَاخْتَلَفَتْ بِالْأَنْتِيَاضِ وَالْأَنْسِيَاطِ تو رَا زَيرَ پَايِ خَودَ كَوبِيَدَنَدَ وَفَاسِقَانَ بِيْ مَقْدَارَ بِرَ بالَّاَسِ سَرَتَ اِيْسَتَادَنَدَ. پِيشَانِيَتَ بِرَاهِيَ شِمالَكَ وَيَمِينَكَ تُدِيرُ طَرَفاً خَفِيَاً إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتَكَ وَقَدْ شُغِلَتَ مَرَگَ عَرَقَ كَرَدَهَ بَودَ وَرَاستَ وَچَپَ تَنَتَ ازْ شَدَّتَ دَرَدَ منَقْبَضَ وَمَنْبَطَ مِي شَدَدَ. به آرامِي چَشَمَانَتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهَالِيَكَ وَأَشِرَاعَ فَرَسُوكَ شَارِداً إِلَى خَيَامَكَ قَاصِداً رَا به سَمَتَ خِيمَهَ گَاهَ وَخَانَدَانَتَ چَرَخَانَدِي؛ زِيرَا نَگَراَشَانَ بُودَي. اسْبَتَ باَ سَرَعَتَ به مُهَمْمَحَماً بَا كِيَا فَلَمَّا رَأَيْنَ النَّسَاءَ جَوَادِكَ مَعْزِيَاً وَنَظَرَنَ سَرِّجَكَ عَلَيْهِ سَوِ خِيمَهَ گَاهَ بِرَگَشتَ. شِيهَهَ مِي كَشِيدَ وَگَريَهَ مِي كَرَدَا! زَمَانِي كَه زَنَانَ حَرَمَ اسْبَتَ مَلُويَا بَرَزَنَ مِنَ الْخَدُودِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخَدُودِ لَاطِمَاتِ رَا پِريَشَانَ وَزِينَ آنَ رَا خَالِي ازْ تو دَيَدَنَدَ، ازْ خِيمَهَهَا بِيَرونَ رِيختَنَدَ. موَهَايَشَانَ رَا لِلْوُجُوهِ سَافِراتِ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ وَبَعْدَ الْعِزَّ مِيَذَلَّلَاتِ وَإِلَى مَصِيرَعِكَ پِريَشَانَ كَرَدَهَ وَبرَ صُورَتَشَانَ زَدَنَدَ. نقَابَ ازْ چَهْرَهَا يَشَانَ اندَاخْتَهِ وَفَريَادَ وَاوِيلَا مِبَادَرَاتِ وَالشَّمَرِ حَيَالِسُ عَلَى صَيْدِرِكَ وَمُوْلَعُ سَيْفَهَ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضُ سَرَ دَادَنَدَ. آرَى بعدَ ازْ عَرَّتَ به ذَلتَ افتَادَنَدَ وَبه سَمَتَ گَودَالَ قَتلَگَاهَ مِي دَوَيَدَنَدَ. عَلَى شَيْيَتَكَ بِيَدِهِ ذَابِعَ لَكَ بِمُهَنَّدَهِ قَدْ سَكَنَتْ حَوَاسُكَ وَخَفِيفَتْ أَنْفَاسُكَ شَمَرَ بِرَ روَيِ سَيْنهَاتَ نَشَستَهَ بُودَ وَشَمَشِيرَشَ رَا به گَلُويِ مَبارَكَتَ مِي كَشِيدَ وَباَ دَسَتَيِ وَرُفَعَ عَلَى الْقُنَاءِ رَأْسُكَ وَسُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَيْدِ وَصِفَدُوا فِي الْحَدِيدِ مَحَاسِنَتَ رَا گَرفَهَ بُودَ وَسَرَتَ رَا مِي بِرِيدَ. تمامَ حَوَاسَتَ ازْ كَارَ افَتَادَ وَنَفَسَهَايَتَ آرَامَ شَدَ فَوَقَ أَقْتَابَ الْمَطَيَّاتِ تَلَفَحَ وَجُوهَهُمْ حَرُ الْهَاجَرَاتِ يُسَاقُونَ فِي وَسَرَتَ بِرَ بالَّاَيِ نَيزَهَا رَفَتهِ وَخَانَدَانَتَ مَانَنَدَ بَرَدَگَانَ به اسِيرَيِ بَرَدَهِ شَدَنَدَ. گَرمَى سَوزَانَ صُورَتَشَانَ رَا مِي سَوزَانَدَ وَدرَ بِيَابَانَهَا الْأَسْوَاقِ فَالْوَلَيْلُ لِلْعَصَاءِ يُطَافُ بِهِمْ فِي جَهَازَ شَترَانَ به زَنجِيرَهَايِ آهَنَينَ بَسَتَنَدَ. گَرمَى سَوزَانَ صُورَتَشَانَ رَا مِي سَوزَانَدَ وَدرَ بِيَابَانَهَا الْأَسْوَاقِ فَالْوَلَيْلُ لِلْعَصَاءِ الْفَسَاقِ. لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلَتَكَ الْإِسْلَامَ وَعَطَلُوا حَرَكَتَ دَادَهَ مِي شَدَنَدَ. دَسَتَشَانَ رَا به گَرَدنَ بَسَتَهَ بُودَنَدَ وَدرَ كَوَچَهَ وَبَازَارَ حَرَكَتَ مِي دَادَنَدَ. الصَّلَاهَ وَالصَّيَامَ وَنَقْضُوا السُّنَّنَ وَالْأَحْكَامَ وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ وَايِ برَ عَصِيَانَ گَرانَ فَاسَقَ. آنَهَا باَ قَتَلَ تو اسلامَ رَا كَشَتَنَدَ وَ

نماز و روزه را تعطیل کرده و حَرَفُوا آیَاتِ الْقُرْآنَ وَهَمْلُجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعِدْوَانِ لَقَدْ أَصْبَحَ وَسْتَهَا وَاحْكَامُ الْهَمِّي را پایمال و پایه‌های ایمان را منهم و محتوای آیات قرآن را رسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِہِ مَوْتُورًا وَعَادَ کِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تحریف و درستم و دشمنی شما تاختند. تا این که کار به جایی رسید که رسول خدا تنها مهْجُوراً وَغُوْدَرَ الْحَقِّ إِذْ فَهِرْتَ مَفْهُورًا وَفُقدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالْتَّهْلِيلُ ماند و کتاب خدا فراموش شد و حق و حقیقت با مکر و فریب متزوی گردید. با فقدان تو، وَالْتَّحْرِيمُ وَالْتَّخْلِيلُ وَالْتَّنْبِيلُ وَالْتَّأْوِيلُ وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّعْيِيرُ وَالْتَّبَدِيلُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْلَلُ وَحْرَامُ وَتَفْسِيرُ وَتَأْوِيلُ قرآن، از یادها رفت و بعد از تو تغییر وَالْإِلْحَادُ وَالْتَّعْطِيلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ وَالْفَيْنُ وَالْأَبَاطِيلُ فَقَامَ نَاعِيَكَ وَتَبَدَّلَ وَشَرَكَ وَتَعْطِيلِي احْكَامٍ وَهُوَا هَا وَكَمْرَا هَا وَفَتَهَا هَا و باطل‌ها آشکار شدند. عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِہِ فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ پیک مرگ در کنار قبر رسول خداصلی الله علیه وآل‌هه استاد و با اشکریزان گفت: ای رسول خدا قائل‌ای رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سَبِطُكَ وَفَتَاكَ وَاسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحَمَاكَ وَسُبِيَّتْ بَعْدَكَ ذَرَارِيَّكَ وَوَقَعَ الْمُحِينُورُ بِعْتَرِتِكَ وَذَوِيَّكَ فَانْزَعَيَّجَ الرَّسُولُ وَبَكَیَ بِهِ اسیری گرفته شدند و اتفاقات ناگوار بر خاندان واقع شد. رسول خداصلی الله علیه وآل‌هه قلبِه المُهُولُ وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَهُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَفَجَعَتْ بِكَ أُمُّكَ الرَّهْبَاءُ با شنیدن این خبر پریشان شده و دل شکسته‌اش، گریه کرد و ملائکه و انبیاء به او وَاخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِكَهُ الْمُقَرَّبِينَ تَعَزَّزَ أَبَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَقِيمَتْ لَكَ تسلیت گفتند و مادرت زهرا به سوگ نشست. دسته‌های ملائکه مقرب خدا به تعزیت پدرت الْمَأْتِمُ فِي أَعْلَى عِلَّيْنَ وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ وَبَكَتِ السَّمَاءُ امیرالمؤمنین رفتند و ماتم و عزا در أعلى علیین برایت گرفته شد. حورالعین بر صورتشان وسیکانها و الجنان وَخُزَانُهَا وَالْهِضَابُ وَأَقْطَارُهَا وَالْبِحَارُ وَحِيتَانُهَا زدند و آسمان و بهشت و مأموران آن و کوهها و کوهپایه‌ها و دریاها و ماهی آنها و بهشت و الجنان و ولدانها والبیت والمقام والمشعر الحرام والحلل والإحرام. و جوانان آن و کعبه و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و حل و حرم همه و همه برایت گریه کردند. اللَّهُمَّ بِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلَ مُحَمَّدٍ خدایا، به حرمت این مکان رفیع بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در واحشترنی فی زُمْرِتِهِمْ وَأَذْخَلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي زمرة ایشان محسور کرده و با شفاعت‌شان وارد بهشت کن. خدایا، ای سریع ترین آتَوْسَلِ إِلَيْكَ يَا أَشِيرَعَ الْحَمَاسِيَّنَ وَيَا أَكْرَمَ الْمَأْكُرَمِينَ وَيَا أَحْكَمَ حسابرس و ای بزرگوارترین بزرگواران و ای حکم کننده‌ترین حکم کنندگان، الْحَمَاسِيَّنَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمَ النَّبِيِّنَ رَسُولُكَ إِلَى الْعَالَمِينَ اجمعین به واسطه محمد که پایان بخش انبیاء و فرستاده تو به سوی تمام عالمیان و بایخیه وابن عمه الأثرَعُ الْبَطِينُ الْعَالَمُ الْمَكِينُ علی امیرالمؤمنین است و برادر و پسرعمویش، آن پیشانی بلند خوش اندام، آن عالم مقتدر و بِقَاطِمَه سیده نسیاء العالمین وبالحسن الرکی عیمه المُتَقَدِّین وَبِأَبِی علی امیر مؤمنان و فاطمه سرور زنان عالم و حسن پاک و پناهگاه متین عبید الله الحسینین اکرم المستشهدین و بیاولاده المقتولین و بعترته و اباعبدالله الحسین، گرامی ترین شهدا و فرزندان شهید و به خاندان مظلومش المظلومین و بعلی بن الحسین زین العابدین و بیمحمد بن علی قبیله و علی بن الحسین زیور عابدان و محمد بن علی، محل توجه توبه کنندگان الاؤاین و جعفر بن محمد اصدق الصادقین و موسی بن جعفر مظہر و جعفر بن محمد راستگو ترین راستگویان و موسی بن جعفر، آشکار کننده البراهین و علی بن موسی ناصر الدین و محمد بن علی قدوة ادله و علی بن موسی، یاری گر دین و محمد بن علی، مقتدای هدایت یافتنگان المهدتین و علی بن محمد ازهید الزاهدین والحسین بن علی و علی بن محمد، زاهدترین زاهدان و حسن بن علی، وارت جانشینان قبلی و اirth المُسْتَحْلِفِينَ وَالْحَجَّةَ عَلَى الْحَلْقَى أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّي عَلَى وَمُحَمَّدَ بْنَ حَسَنَ، حَجَّتْ خَدَا بِرْ تَمَامَ مَخْلُوقَاتِ، بِهِ تَوْسِلَ مَى شُومَ تَا بَرْ مُحَمَّدَ وَآلَ مُحَمَّدَ الصَّادِقِينَ الْأَبَرَّينَ آلَ طَهَ وَيَسَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مُحَمَّدَ وَخَانَانَ رَاسِتَكَوْ وَنِيکَش، آل طاها و یاسین درود فرستی و مرا فی الْقِيَامَهِ مِنَ الْمَأْمِنَ الْمُطْمَئِنَ الْفَاثِرَينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبِتَّهُرِينَ در قیامت از امان یافتنگان آسوده خاطر و نجات یافتنگان شادمان قرار دهی. اللَّهُمَّ اكْثِنِي فِي الْمُسْلِمِينَ وَالْحَقِّيَّنِ بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ خادایا، مرا از مسلمانان بنویس و به صالحین ملحق کرده و برایم زبانی صدقی فی الْأَخْرِينَ وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِيَنَ وَأَكْفِنِي كید الحاسدین راستگو در امت آخرین قرار بد و مرا در مقابل ظالمان یاری و از مکر واصدیرف عنی مکر الماکرین واقبض عنی ایدی الظالمین واجمع حسودان امان بد و دستان ظلم را از من بازدار و مرا

با سروران بزرگوارم یعنی وَيَسِّرْ السَّادَةُ الْمُمِينُ فِي أَعْلَى عِلَيْهِمْ مَعَ الدِّينِ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ در آعلی علیین همراه با کسانی که نعمت بخشیدی اعم از انبیاء و صدیقین مِنَ التَّبِيِّنَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشَّهِيدِاءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و شهدا و صالحین، قرار بدنه به واسطه رحمت ای مهریان ترین مهریان. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسُمُ عَلَيْكَ بِنَيْكَ الْمَعْصُومَ وَبِحُكْمِكَ الْمُحْتُومَ وَنَهِيكَ خدایا، تو را به پیامبر معصوم از گناه و حکم حتمی و نهی پنهانت و به الْمَكْتُومَ وَبِهِذَا الْقُبْرِ الْمَلْمُومَ الْمُوَسَّدِ فِي كَفْهِ الْأَمَامِ الْمَعْصُومِ این قبر پر از دردی که امام معصوم و شهید مظلوم در آن خفته است، قسم الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ آن تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُمُومَ وَتَصْرِفَ عَنِي شَرَّ مِنْ دَهْمٍ که تمام گرفتاری هایم را برطرف کرده و شر تقدیرات حتمی را از الْقَدْرِ الْمُحْتُومَ وَتُحِيرَنِي مِنَ النَّارِ دَارَتِ السَّمِومَ الَّهُمَّ جَلَّ لَنِي بِنَعْمَتِكَ من بازداری و از آتش سوزان امان دهی. خدایا، مرا با نعمت‌هایت تجلیل وَرَضِينِي بِقَسْمِكَ وَتَعْمَدْنِي بِجُودِكَ وَكَرِيمَكَ وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنَقْمَتِكَ. و به قسمت راضی و در احسانت غوطه ور و از مکر و انتقامت دور کن. اللَّهُمَّ اغْصِنِي مِنَ الزَّلَلِ وَسِدْدِنِي فِي الْقُوْلِ وَالْعَمَلِ وَافْسِحْ لِي فِي خدایا، از لغش نگه دار و در سخن و رفتار محکم و زمان مرگم را به تأخیر مُدَدَّه الْأَجَلِ وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعَلَلِ وَبَلَغْنِي بِمَوَالِي وَبِفَضْلِكَ بِيَنْدَاز و از بیماری‌ها عافیت داده و به واسطه فضل و کرمت مرا به سروران اَفْضَلَ الْأَمَلِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبِلْ تَوْبَتِي وَارْحُمْ بِرْسَان. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فrst و توبه‌ام را پذیر و بر عَبْرَتِي وَأَقْلَنِي عَيْرَتِي وَنَفْسِنِ كُرْبَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَصْلِحْ لِي اشک دیدگانم ترحم کرده و از لغش حفظم کن و از سر خطاهایم بگذر فِي ذَرَرِتِي. اللَّهُمَّ لَا تَذَعْ لِي فِي هَذَا الْمَشْهِدِ الْمُعَظَّمِ وَالْمَحَلِ الْمَكْرَمِ وَنَسْلِمْ رَا اصلاح کن. خدایا، مبادا در این قتلگاه با عظمت و محل محترم گناهی را ذَبَابًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا عَيْنًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشْفَتَهُ وَلَا رُزْقًا إِلَّا نَبَخْشِيدَهُ وَعَيْنِي را نپوشیده و غمی را از بین نرفته و رزقی را گسترش نیافته بَسِطْهُ وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا فَسَادًا إِلَّا أَصْبِلَهُتَهُ وَلَا أَمْلًا إِلَّا بَلَغْتَهُ وَجاهی را آباد نشهده و فسادی را اصلاح نشهده و آرزوی را نرسیده و دعایی را وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجْبَتَهُ وَلَا مُضَيَّقًا إِلَّا فَرَجَتَهُ وَلَا شَمَلًا إِلَّا جَمَعَتَهُ وَلَا أَمْرًا اجابت نشهده و تنگنایی را باز نکرده و پراکندگی را جمع نکرده و کاری را تمام نشهده إِلَّا أَتَمْتَهُ وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَرَتَهُ وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَنَتَهُ وَلَا إِنْفَاقًا إِلَّا أَخْلَقَتُهُ وَمَالِي را افزایش نیافته و خلقی را نیکو نشهده و انفاقی را جایگزین نشهده وَلَا حَالًا إِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا حَسُودًا إِلَّا قَمَعَتَهُ وَلَا عَيْدُوًا إِلَّا أَرْدَيَتُهُ وَحالی را نیکو نکرده و حسود و دشمنی را هلاک نکرده و شری را مانع نشهده وَلَا شَرًا إِلَّا كَفَيَتَهُ وَلَا مَرْضًا إِلَّا شَفَيَتَهُ وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَذَنَتَهُ وَلَمَا شَعَثًا إِلَّا وَمَرْضی را شفا نیافته و دوری را نزدیک نکرده و خواسته‌ای را عطا نکرده، لَمَمْتَهُ وَلَا سُؤالًا إِلَّا أَعْطَیتَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حَيْرَ الْعَاجِلَةِ وَشَوَابَ الْأَجِلَةِ رَهَا كَنِی. خدایا، بهترین خیرات دنیا و ثواب آخرت را درخواست می‌کنم. اللَّهُمَّ أَعْتَنِی بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًّا وَعَمَلًا زَاكِيًّا وَصَبِرًا جَمِيلًا وَأَجْرًا جَزِيلًا. و اجر فراوان درخواست می‌کنم. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي سُكْرَ بِنَعْمَتِكَ عَلَى وَزْدِ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرِيمَكَ خدایا، شکر نعمت‌هایت را روزیم گردان و بر احسان و کرمت اضافه کن إِلَيَّ وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا و سخنم را در میان مردم اطاعت شده و عملم را نزد خودت مقبول وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتَبُوعًا وَعَدُوِّي مَقْمُوعًا. اللَّهُمَّ صَلِّ و روشم را در خیرات مورد تبعیت و دشمنم را هلاک کن. خدایا، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَحْيَارِ فِي آتَاءِ الْلَّهِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ بر محمد و خاندان برگزیده‌اش در تمام لحظات شب و روز درود وَأَكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ وَطَهَرْنِي مِنَ الدُّنُوبِ وَالْأُورَارِ وَأَجْزِنِي فrst و از شر اشرار حفظ کرده و از گناهان پاک و از آتش مِنَ النَّارِ وَأَحْلَلِي دَارَ الْقَرَارِ وَأَغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْرَانِي فِيَكَ امانم بده و در وادی آرامش واردم کن و مرا و تمام برادران و خواهران وَأَخْوَاتِي الْمُؤْمِنِيَّنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مؤمن و مؤمنه‌ام را با رحمت واسعه خود ببخش. ای مهریان ترین. سپس به سوی قبله بایست و دور رکعت نماز بخوان. به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد سوره انبیاء و در رکعت دوم بعد از حمد سوره حشر را بخوان و در رکعت دوم قنوت گرفته و این دعا را بخوان: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هِيج خدایی جز معبد بردهار و بزرگوار نیست. هیچ معبدی جز معبد والا و با عظمت نیست. رب

قسمت سوم

السَّبِيعُ وَالْأَرْضِ يَنِي السَّبِيعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا يَنِي هُنَّ خَلَافًا هِيَچ معبودی جز پروردگار آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه که در آنها و میان لاعیدائیه و تکذیبیاً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ وَإِقْرَارًا لِرُبُوبِيَّتِهِ وَخُضُوعًا لِعَزَّتِهِ الْأَوَّلُ آنهاست، نیست. این اعتقادم برخلاف دشمنان و تکذیب کسانی است که از او عدول کردند و به بغير أول و الآخر إلى غير آخر الظاهر على كُل شئٍ بُقدْرَتِهِ الْبَاطِنُ خاطر اقرار به ربوبیت و خضوع در برابر عزتش می‌باشد. کسی که اولین و آخرین است. با قدرتش دون كُل شئٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ لَا تَقْفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ وَلَمَا تُدْرِكُ بِرْ هُمْ چیز ظهر و غلبه یافته و با علمش در باطن هر چیزی نفوذ کرده است. عقل‌ها از درک کنه الْأَوَّلَهُمْ حَقِيقَةً مَيَاهِيَّتِهِ وَلَمَا تَصَوَّرَ الْأَنْفُسُ مَعَانِي كَيْفَيَّتِهِ مُطْلَعًا عَظَمَتِش بازمانده و اوهام از درک حقیقت چیستی‌اش عاجزند. او که جان‌ها از درک چگونگی‌اش عَلَى الضَّسِيمِ اَبْرَغَهِ فَبِالسَّرَّائِرِ يَعْلَمُ خَائِنَهُ الْأَعْيُّنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَامانده و بر نیت‌ها آگاه است و از نگاه‌های مخفیانه و تمام آنچه در سینه‌ها است خبر دارد. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُكَ عَلَى تَصْدِيقِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِيمَانِي خدایا، تو را شاهد می‌گیرم که من رسولت را تصدقی کرده و به او ایمان دارم به وَعِلْمِي بِمَتْرِتِهِ وَإِنِّي أَشْهُدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ وَازْ جَايَگاه ایشان آگاهم و شاهد می‌گیرم که او پیامبری است که حکمت از فضل او وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ وَدَعَثُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ وَحَثَّ عَلَى تَصْدِيقِهِ سَخْنَ گفت و تمام انبیاء به او بشارت داده شدند و مردم را به آنچه که او آورده است، بِقَوْلِهِ تَعَالَى الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْهُمْ فِي التُّورَةِ وَالْإِنْجِيلِ فَرَا خَوَانِدَنَد تا او را تصدقی کنند. به دلیل فرمایش خداوند که می‌فرماید: «کسی که یامُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحَلِّ لَهُمُ الطَّيَّبَاتِ وَيُحَرِّمُ رَسَالتَّ او را در تورات و انجیل نوشته دیده‌اند او که امر به معروف کرده و نهی از منکر عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. می‌کند. طبیات را حلال و خبائث را حرام و غل و زنجیرهای طاغوت را از آنها باز می‌کند». فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى النَّقَلَيْنِ وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصَدِّقِ طَفَيْنَ وَعَلَى پس بر محبه‌ید فرستاده تو به جن و انس و سرور انبیای برگزیده و بر علی برادر اخیه وابن عمه‌الدین لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرَفَهَ عَيْنٍ أَبَدًا وَعَلَى فاطمیه و پسر عمومیش، کسانی که حتی یک چشم بر هم زدنی مشرک نشدن و بر فاطمه الزَّهْرَاءَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى سَيِّدِنِي شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ تابان، سرور زنان عالم و سروران جوانان اهل بهشت حسن و حسین، وَالْحُسَنِينِ صَلَاهَ حَالِدَةِ الدَّوَامِ عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ وَزَنَةَ الْجِيَالِ وَالْأَكَامِ درودی پایدار به تعداد قطره‌های باران و هموزن کوهها و تپه‌ها و مادامی که وَمَا أُورَقَ السَّلَامُ وَاخْتَلَفَ الصَّيَاءُ وَالظَّلَامُ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ درخت‌ها برگ می‌دهند و شب و روز در رفت و آمدند و بر خاندان پاکش ائمه الائمه المهمتین عن الدَّائِرَيْنِ عَنِ الدِّينِ عَلَىٰ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَىٰ هدایت یافته و مدافعت از دین علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و علی و مُحَمَّدٍ وَعَلِيٰ وَالْحَسَنِ وَالْحَسَنِ الْقَوَامِ بِالْقِسْطِ وَسِلَالَةِ السَّبِطِ. وَحَجَّتْ که برپا دارندگان عدالت و نسل نوہ پیامبرند سلام و درود فرست. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَيْذَا الْإِلَامَ فَرْجًا قَرِيبًا وَصَبَرًا جَمِيلًا خدایا، از تو درخواست می‌کنم به حق این امام، گشايسن زدیک و صبر نیکو و یاری وَنَصِيرًا عَزِيزًا وَغَنِيًّا عَنِ الْخَلْقِ وَبَتَاتًا فِي الْهَدَى وَالْتَّوْقِيقِ لِمَا شَكَسْتَ ناپذیر و بی نیاز از خلق و ثبات در هدایت و موفقیت به آنچه که تُحِبُّ وَتَرْضَى وَرَزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا مَرِيًّا دَارًا سَائِعًا فَاضِلاً دوست داری و راضی هستی و رزق وسیع حلال پاک و گوارا و پایدار و لذت بخش مُفْضَّة لا صَدَبَا مِنْ غَيْرِ كَدْ وَلَا نَكِدْ وَلَا مِنْهُ مِنْ أَحَدٍ وَعَافِيَّهُ مِنْ وَزِيادٍ وَمَفْضَلٍ بدون زحمت و مشقت و خالی از مُنْتَ و همراه با عافیت از هر بلا كُلَّ بَلَاءٍ وَسُقُمٍ وَمَرْضٍ وَالشُّكْرُ عَلَى الْعَافِيَّةِ وَالنَّعْمَاءِ وَإِذَا جَاءَ وَبِيماری و شکر بر عافیت و نعمت را برابر ما عطا فرمایی. زمانی که مرگ برسد، الْمَوْتُ فَاقِهٌ نَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً عَلَى مَا أَمْرَتَنَا روح ما را در بهترین حالات بندگی بگیر در حالی که به اطاعت اوامر مسؤولیم مُحَافِظِینَ حَتَّى تُؤْدِيَنَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ. و بر آنها محافظت می‌کنیم. تا این که ما را وارد بهشت کنی با رحمت ای مهربان‌ترین. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشِنِي مِنَ الدُّنْيَا وَآنِسِنِي بِالْآخِرَةِ خدایا، بر محبه‌ید و خاندانش درود فرست و مرا از دنیا دور و با آخرت مأنوس گردان.

تنها فَإِنَّهُ لَا يُوحَشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا حَوْفُكَ وَلَا يُؤْنِسُ بِالآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ. خوف تو انسان را از دنيا دور می کند و تنها اميد ثوابت انسان را با آخرت مأنوس می نماید. اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكَى لَا مِنْكَ فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَدِيَا، تمام حجت‌ها به نفع توست، نه بر عليه تو. شکایت‌ها به سوی توست، نه از خود تو. پس بر محمد و خاندانش وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةُ الْعَاصِيَةُ وَشَهْوَتِي الْعَالِيَةُ وَأَخْتِمُ بِالْعَافِيَةِ. درود فrst و مرادر مبارزه با نفس معصیت کار متباوز و غلبه کننده در شهوت، یاری کن و عاقبت به خیرم گردان. اللَّهُمَّ إِنَّ أَسْيَتْغَفَارِي إِيَّاكَ وَأَنَا مُصَرِّرٌ عَلَى مَا نَهِيْتُ فِلَهُ حَيَاءُ خَدِيَا، همانا نزد تو استغفار می کنم در حالی که از سر بی‌حیایی دست از معصیت وَتَرَكَى الْأَسْيَتْغَفَارَ مَعَ عِلْمِيِّ سَعَةَ حَلْمِكَ تَضَيِّعَ لِحَقِّ الرَّجَاءِ. نمی کشم و ترک استغفار با وجود علم به بردباری تو تضیع حق امیدواری است. اللَّهُمَّ إِنَّ دُنْوِبِي تُؤْسِنِي أَنْ أَرْجُوكَ وَإِنَّ عِلْمِيِّ سَعَةَ رَحْمَتِكَ خَدِيَا، گناهانم مرا از امیدواری مأیوس می کنند و علم به وسعت بردباری از ترسیدن یعنی آنْ أَخْشَاكَ فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَدَقْ رَجَائِي لَكَ مانع می گرداند. پس بر محمد و خاندانش درود فrst و امید را برآورده ساز وَكَذَبْ خَوْفِي مِنْكَ وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ یا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِینَ. و خوفم را محقق نکن و با من مطابق بهترین گمان‌هايم رفتار کن ای بزرگوارترین بزرگواران. اللَّهُمَّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيْدِنِي بِالْعَصِيَّةِ وَأَنْطِقْ خَدِيَا، بر محمد و خاندانش درود فrst و مرا با پاکدامنی یاری و زبانم را به حکمت گویا لسانی بالحکمه واجعلنی ممن یَنْدِمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ گردان و مرا از کسانی قرار بده که برای کارهای زشت گذشته پشیمانند و امروزشان را از دست وَلَا يَعْبُنُ حَظَهُ فِي يَوْمِهِ وَلَا يَهُمُ لِرِزْقِ عَلِيهِ. اللَّهُمَّ إِنَّ الْغُنْيَةَ مَنِ نَمِيَ دَهْنَدَ وَبَرَى رُوزِي فَرَدَ، تلاش نمی کنند. خدايا، غنى کسی است که با تو مستغنى شود اشیتگنی بِكَ وَاتَّقُرَ إِيَّاكَ وَالْفَقِيرُ مِنْ أَسْيَتْغَنِي بِخَلْقِكَ عَنْكَ فَصَلٌّ عَلَى و نیازمند تو باشد و فقیر کسی است که با مخلوقت از تو بی‌نیازی جوید. پس بر محمد و خاندانش مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنَيَ عَنْ خَلْقِكَ بِكَ وَاجْعَلْنِي مِمْنَ يَئِسِطُ كَهْمًا إِلَّا إِلَيْكَ. درود فrst و از خلقت بی‌نیازم گردان و از کسانی قرار بده که جز به درگاهت دست دراز نمی کنند. اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيقَ مِنْ قَنْطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَهُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَهُ وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ خَدِيَا، بدخت کسی است که مأیوس شود درحالی که توبه از پیش و رحمت از پس، او را احاطه کرده است. اگرچه الْعَمَلِ فَإِنَّى فِي رَحْمَتِكَ قَوْى الْأَمَمِلِ فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِ لِقُوَّهَ أَمْلِي. در عمل ضعیف هستم، اما در امیدواری به رحمت قوی هستم. پس ضعف عمل را با قوت امیدواریم جبران کن. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِي وَأَعْظَمُ خَدِيَا، اگر می‌دانی که در میان بندگان‌گانت قسی القلب‌تر و گناه‌کارتر از من نیست. مِنْيَ ذَنْبًا فَإِنَّ أَعْلَمُ أَنَّهَا مَوْلَى أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا وَأَوْسَعُ رَحْمَهُ مِنْ هُمْ مِنِي که به اندازه تو بخشند و رحیم و غفار باشد، وجود ندارد. وَعَفْوًا فَإِنَّمَنْ هُوَ أَوْحَى دُفِيَ رَحْمَتِهِ أَغْفِرُ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَى دُفِيَ خَطِيَّتِهِ. ای کسی که در رحمتش یگانه است، بر کسی که در خط‌کاری‌اش یگانه نیست، ببخش. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمْرَتَنَا فَعَصَيْنَا وَنَهَيْتَنَا وَذَكَرْتَ فَتَنَّا سِيَّنَا خَدِيَا، تو امرمان کردي، ولی ما معصیت نمودیم و نهی کردي، دست نکشیدیم و یادآوری کردي و بصرت فتعمیمانا و حذرت فتعدیمانا و مَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءُ إِحْسَانِكَ و فراموش نمودیم و نشانمان دادی و چشمانمان را بستیم و برحدز داشتی و تعدی کردیم. در حالی که این رفتار إِلَيْنَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَمَنَا وَأَخْفَيْنَا وَأَخْبَرْ بِمَا أَنْتَيْنَا وَمَا أَنْتَيْنَا مَا، جزای احسان تو نبود. تو از همه آنچه آشکار و پنهان کرده‌ایم، آگاهی و از آن چه انجام می‌دهیم، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْخِدْنَا بِمَا أَخْطَلَنَا وَنَسِيَّنَا باخبری. پس بر محمد و خاندانش درود فrst و ما را به خاطر خطاها و فراموش کاریمان مؤاخذه نکن وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لَهَدِيَا وَأَتَمْ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا و حقوقی را که نزد ما داری بی‌خش و احسانی را که کرده ای، تمام کن و رحمت را سرازیر ساز. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصَّدِيقِ الْإِمَامِ وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي خَدِيَا، ما به واسطه این امام صدیق، به تو متول می‌شویم و به حرمت حقی که برایش جعلته له و لجلد رسویک و لابویه علی وَفَاطِمَهُ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَهِ قرار دادی و به حرمت رسول خدا و پدر و مادرش علی و فاطمه و اهل‌بیت رحمت، إِذْرَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاةِنَا وَصِلَامُ أَحْوَالِ عِيَالِنَا فَأَنَّتِ الْكَرِيمُ از تو می‌خواهیم تا روزیمان را که قوام زندگیمان و صلاح احوال خانواده‌مان به آن است، الَّذِي تَعْطِلِي مِنْ سَيِّعَهُ وَتَمْبَعِي مِنْ قُدْرَهِ وَتَحْنُ سَالِسِكَ مِنْ الرِّزْقِ ادامه دهی. تو آن کریمی که از وسعت خود می‌بخشی و با

قدرت منع می‌کنی مَا يَكُونُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَمَا مِنْ رَجُلٍ أَفْضَلُ مِنْهُ إِنَّمَا يَنْهَا عَنِ الْأَخْيَارِ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِلْوَالِدَيْنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ خَدِيَا، بِرَّ مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِش درود فرست و ما و والدین و تمام مؤمنین و مؤمنات و المُسْلِمِينَ و المُسْلِمَاتِ الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَآتَنَا فِي الدُّنْيَا وَمُسْلِمِينَ وَمُسْلِمَاتٍ چه زنده باشدند و چه مرده، همه را بیبخش و بیامرز حسنَه وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَه وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ . وَحَسَنَاتِ دُنْيَا وَآخِرَت را عنایت کرده و از آتش دوزخ نگهدار. بعد از قنوت نماز را تمام کرده و سبحان الله می‌گویی. بعد از آن، هر یک از گونه راست و چپ خود را به زمین گذاشت و چهل بار می‌گویی: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بعد از آن سر از خاک برداشته و از خداوند متعال نجات و توفیق طلب می‌کنی. در پایان بالای سر امام علیه السلام ایستاده و دو رکعت دیگر مانند دو رکعت قبلی خوانده و قبر شریف را در آغوش می‌گیری و می‌گویی: زَادَ اللَّهُ فِي شَرْفِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَّكَاتُهُ و در نهایت برای خود، والدین و نزدیکان و تمام کسانی که می‌خواهی دعا می‌کنی که انشاء الله مستجاب است.

دعای هفدهم

زيارت حضرت علی اکبر علیه السلام (۷۸) بغدادی نقل می‌کند که در سال دویست و پنجاه و دو (۷۹) توسط شیخ محمد بن غالب اصفهانی توقيعی از امام علیه السلام دستم رسید. در آن زمان جوان بودم و پدرم را تازه از دست داده بودم. از ایشان خواستم تا اذن دخول برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا را برایم بیان نمایند. نامه‌ای از ایشان به دستم رسید: بسم الله الرحمن الرحيم زمانی که قصد زیارت شهدای کربلا را کردی، در طرف پای قبر امام حسین علیه السلام که محل قبر علی بن حسین صلوات الله علیهمَا است، رو به قبله بایست. آنجا محل استقرار عده شهدای کربلا است. خطاب به علی بن الحسین بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَيْلَ مِنْ نَشْلِ حَقِيرِ سَلِيلِ مِنْ سَلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ سَلَامُ بَرِ تَوَّا إِلَيْكَ أَوَّلَنَ شَهِيدٍ از نسل بهترین سلاله ابراهیم خلیل، صلوات خدا بر تو الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَئِيْكَ إِذْ قَالَ فِيْكَ قَتْلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتْلُوكَ وَپَدَرَتْ بَادَ زمانی که در مورد تو گفت: خداوند قومی را که تو را کشتند، هلاک کند. یا بَنَى مَا أَجْرَأْهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَعَلَى اَنْتَهَا كَحْرَمَةُ الرَّسُولِ عَلَى آنها چقدر نسبت به حریم خدا و رسول او جسور شده‌اند. اف بر دنیای بعد از تو. الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا كَآنَى بِكَ بَيْنَ يَدِيهِ مَاثِلًا وَلِلْكَافِرِينَ قَاتِلًا: گویا می‌بینم که در پیش پدرت ایستاده‌ای و خطاب به کفار می‌گویی: أَنَا عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَى نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَى بِالنِّبَيِّ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ هستم. ما و خانه خدا از همه به رسول خدا نزدیک تریم. أَطْعُنُكُمْ بِالرُّمْحِ حَتَّى يَشْتَأْنَ أَصْرُبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمَى عَنْ أَبِي بَنِيْزَه شما را پاره پاره می‌کنم و با شمشیر بر شما می‌کویم و از پدرم حمایت می‌کنم. ضَرْبَ غُلَامٍ هاشِمِيٍّ عَرَبِيٍّ وَاللَّهُ لَا يَحِّكُمْ فِيْنَا أَبْنَ الدَّعِيِّ مانند جوان هاشمی عربی می‌جنگم و اجازه نمی‌دهم که فرزند پسر خوانده (۸۰) در میان ما قضاوت کند. حَتَّى قَضَيْتَ نَجْبَكَ وَلَقَيْتَ رَبَّكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَى بِاللَّهِ وَبِرَسُوْلِهِ وَأَنَّكَ تَا اِنْكَه جانت را فدا کردی و به دیدار خدایت شتافتی. شهادت می‌دهم که تو نزدیک ترین افراد به خدا ابْنُ رَسُوْلِهِ وَابْنُ حُجَّةِ وَأَمِيْنِهِ حَكْمَ اللَّهِ لَكَ عَلَى قَاتِلِكَ مَرَأَةُ بْنِ مُنْقَتِلِ بْنِ و رسول او هستی و تو فرزند رسول خدا و فرزند حجت خدا و امین او هستی. خداوند خود، درباره تو بر التَّعْمَانِ الْعَبَدِيِّ لَعْنَهُ اللَّهُ وَأَخْزَاهُ وَمَنْ شَرِّكَهُ فِي قَتْلِكَ وَكَانُوا عَلَيْكَ قاتلت مرءه بن منقد بن النعمان العبدی و تمام کسانی که او را در قتل تو کمک کردند، قضاوت کند و او را از ظهیراً وَأَصْلَاهُمُ اللَّهُ جَهَنَّمَ . رحمتش دور و ذلیل کند و در دوزخ وارد کند.

دعای هجدهم

دعای امام علیه السلام برای شفا گرفتن از تربت امام حسین علیه السلام (۸۱) شیخ ابراهیم کفعی در کتاب بلد الامین از امام مهدی علیه السلام نقل می‌کند: هر کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در کاسه نو، بنویسد و آن را بشوید و بخورد،

بیماریش بهبود می‌یابد. بِسْمِ اللَّهِ دُوَاءٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَفَاءٌ هُوَ الشَّافِي شِفَاءً «بسم الله دوای درد و الحمد لله شفای آن است و لا اله الا الله کفایت کننده است». آری آن ذکر کفايت کننده و هو الکافی کفاءً اذْهَبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ شِفَاءً لَا يُغَادِرُهُ سُقْمٌ عجیبی است. گرفتاری را با پروردگار مردم، از بین می‌برم. شفایی که هیچ بیماری در آن نماند. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النُّجَابَءِ درود خدا بر محمد و خاندان برگزیده‌اش. سید زین الدین علی بن الحسین الحسینی رحمه الله با خط خود نوشته است که مردی از اهل کربلا که نزدیک حرم زندگی می‌کرد، گرفتار بیماری خاصی شده بود. در خواب حضرت قائم علیه السلام را دید و از بیماری خود خدمت حضرت گلایه کرد. ایشان این دعا را به او آموخت. او نیز به آن عمل کرد و بلا فاصله بعد از نوشیدن آب، شفا پیدا کرد.

مناجات سایر ائمه از زبان امام زمان علیه السلام

دعای نوزدهم

دعاهای امیر المؤمنین، امام سجاد و امام صادق علیهم السلام از زبان امام زمان علیه السلام (۸۲) محمد بن احمد انصاری نقل می‌کند که نزدیک مستجار در اطراف کعبه نشسته بودم. جماعتی از مردان که حدود سی نفر می‌شدند، در آنجا حاضر بودند. در میان آنها تنها محمد بن قاسم علوی آدم مخلصی بود. روز ششم ذی الحجه سال دویست و نود و سه، در آنجا نشسته بودیم که جوانی از طواف خارج شد و به طرف ما آمد. دو پیراهن احرام به تن کرده و نعلین هایش را به دست گرفته بود. زمانی که او را دیدیم، هیبتش ما را گرفت و بدون استثناء همگی به پایش بلند شدیم. به ما سلام کرد و در وسط جمعیت نشست. بعد به راست و چپش که ما قرار داشتیم، نگاه کرد و گفت: آیا می‌دانید که امام صادق علیه السلام دعای الحاج را چگونه می‌خواند؟ گفتم: چگونه می‌خوانند: گفت این طور: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاوَاتُ وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَبِهِ «خدایا، از تو درخواست می‌کنم با آن اسمی که آسمان و زمین با آن پابرجا است و با آن تفرق یعنی الحق و الباطل و به تجمع یعنی المتفرق و به تفرق یعنی حق و باطل از هم جدا می‌شوند و با آن پراکنده‌ها را جمع و جمع‌ها را پراکنده می‌کنی المجتمع و به احصیت عداد الرمال و زنة الجبال و کل البحار آن و با آن تعداد رمل‌ها و وزن کوه‌ها و اندازه دریاها را محاسبه می‌کنی، بر محمد و خاندانش تصلی علی محمد و آل محمد و آن تجعل لی مِنْ أَمْرِی فَرْجًا وَمَخْرَجًا. درود فرست و در این گرفتاری برایم گشايش و محلی برای بیرون آمدن از آن قرار بده». سپس بلند شد و مشغول طواف شد. با بلند شدنش، ما نیز به احترام ایشان بلند شدیم تا اینکه حضرت از ما برگشتند. همگی از یاد بردیم که در مورد او سؤال کنیم که مثلاً او کیست و چه کسی است؟ تا اینکه فردا رسید و در همان وقت، باز هم ایشان از طواف خارج شدن و به طرف ما آمدند. مانند دیروز بلند شدیم و ایشان در میان ما نشستند و به راست و چپ نگاه کردند و فرمودند: آیا می‌دانید که امیر المؤمنین بعد از نمازهای واجب کدام دعا را می‌خوانند؟ گفتم: کدام دعا را می‌خوانند؟ فرمود: این دعا را: إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ وَلَيْكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ وَلَكَ خُدَايَا، صدایها و دعاها، به سوی تو بلند می‌شوند و برای تو چهره‌ها خاضع می‌گردد و در برابر تو گردن‌ها حضعت الرقاب و إِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ یا خیر مِنْ سُئَلَ وَیَا خَيْرٍ مِّنْ افتد و تو در مورد اعمال قضاویت می‌کنی. ای بهترین کسی که از او سؤال می‌شود و ای بهترین منْ اعطی یا صادق یا باری یا منْ لا یخلف الميعاد یا منْ امر کسی که عطا می‌کند. ای راستگو و ای خالق، ای کسی که در وعده خود تخلف نمی‌کند. ای کسی که به بالدعا و وَعَدَ بالإِجَابَةِ یا مِنْ قَالَ ادْعُونِی أَشِّبِّحْ لَكُمْ یا مِنْ قَالَ دعا کردن امر کرده و وعده اجابت داده است، ای کسی که گفته است: «دعا کنید تا مستجاب کنم». (۸۳) وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ای کسی که گفته است: «زمانی که بند گانم درباره من سؤال کنند، بگو که من به شما خیلی نزدیک هستم فلیش تجییوا لی و لیومنوا بی لَعَلَّهُمْ يَرْسُدُونَ وَیَا مِنْ قال یا عبادی و

دعای مناجات کنندگان را اجابت می‌کنم. بنابراین شما نیز دعوت مرا اجابت کنید و به من ایمان بیاورید **اللَّهُ أَشِرْفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْطُعوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَعْفُرُ تا هدایت شوید و رشد کنید.** (۸۴) و ای کسی که گفته است: «ای بندگانی که به خودتان ظلم کردید، **الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ لَيَئِكَ وَسَيَعْدِيَكَ هَا أَنَا از رحمت من نامید نباشید؛ زیرا اگر خدا اراده کند، همه گناهان را یکجا می‌بخشد. همانا او بخشنده ذا بین یدیک **الْمُسْرِفُ وَأَنَّتِ الْقَائِلُ لَا تَقْطُعوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ مَهْرَبَانِ** است.» (۸۵) خدایا، دعوت را اجابت می‌کنم و به سویت می‌شتابم. آری این منم. بندهای که به **إِنَّ اللَّهَ يَعْفُرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا** خودش ظلم کرده است و تو گفته‌ای از رحمتم نامید نشوید؛ زیرا همه گناهان را یکجا می‌بخشی. دوباره به راست و چپ نگاهی کرد و گفت: آیا می‌دانید که حضرت امیر علیه السلام در سجده شکر کدام دعا را می‌خوانند؟ گفتم: کدام دعا را می‌خوانند؟ گفت: این دعا را: **يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَهُ الْعَطَاءِ إِلَّا سَيِّعَهُ وَعَطَاءً يَا مَنْ لَا يَنْفَضُدُ حَزَنَهُ** ای کسی که بخشش‌های فراوان تنها بخشایشش را بیشتر می‌کند و ای کسی که خزانش تمام نمی‌شود. **يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلَ** ای کسی که خزان آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست. ای کسی که خزان کوچک و بزرگ **لَا يَمْنَعُكَ إِسَاعَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَنَّتِ تَفْعُلُ بِيَ الَّذِي أَنَّتِ أَهْلُهُ** مخصوص اوست. ای کسی که بدی من مانع از احسانش نمی‌شود. و تو با من آن طور رفتار می‌کنی **فَأَنَّتِ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرْمِ وَالْعَفْوِ وَالتَّجَاوِزِ يَا رَبِّ يَا اللَّهِ لَا تَقْعُلْ** که شایسته آن هستی؛ زیرا تو اهل جود کردن و بزرگواری و عفو و گذشت هستی. پروردگارا، **بِيَ الَّذِي أَنَّا أَهْلُهُ فَإِنَّي أَهْلُ** **الْعَقُوبَةِ وَقَدِ اسْتَحْقَقْتُهَا لَا حُجَّةَ لِي خَدَيَا،** با من آن طور نباش که من شایسته آن هستم؛ زیرا من شایسته عقوبتم. آری من مستحق ولای عذر لی **عِنْدَكَ أَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي كُلُّهُ وَأَعْتَرِفُ بِهَا كَمَنْ تَغْفُوَ آن هستم وَهِيَ عَذْرِي ندارم.** با همه گناهانم به سوی تو می‌آیم و به همه آنها اعتراف می‌کنم، **عَنِّي وَأَنَّتِ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي أَبُوءُ لَكَ بِكُلِّ ذَبْ أَذْبَتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ** تا شاید عفوم کنی و تو از همه به اعمال من آگاهی. بر می‌گردم با همه گناهانی که انجام داده‌ام **أَحْتَمَلُتُهَا وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَلِمْتُهَا [عَمِلْتُهَا]** **رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوِزْ وَتَامْ** استیباهاتی که مرتکب شده و تمام معصیت‌هایی که می‌دانم. پروردگارا، مرا ببخش و رحم کن **عَمَّا تَعْلَمْ إِنَّكَ أَنَّتِ الْأَعْزَلُ الْأَكْرَمُ.** و از همه گناهانی که می‌دانی، بگذر؛ زیرا تو شکست ناپذیرترین و بزرگوارترین. بلند شد و مشغول طوف شد. ما نیز به احترامشان بلند شدیم. فردا در همان موقع دوباره آمد و ما برای آمدنش بلند شدیم. در میان ما نشست و به راست و چپ خود نگاه کرد و گفت: **عَلَى بْنِ حَسِينِ عَلِيهِ السَّلَامِ در محل سجده خود در این مکان - با دستشان به سنگ زیر ناوдан اشاره کرد - می‌گفت: عَيْنِي لَدَكَ بِفِنَائِكَ مِسْكِينِكَ بِفِنَائِكَ فَقِيرِكَ بِفِنَائِكَ سَائِلِكَ بِفِنَائِكَ خَدَيَا،** بنده خوارت در جوارت قرار گرفته. مسکین و بیچارهات در کنار توست. فقیر و نیازمند **يَسَأَلُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ.** در جوار توست. گدای در خانه‌ات از تو چیزهایی را می‌خواهد که غیر تو از انجام آنها عاجز هستند. سپس به راست و چپ نگاهی کرد و فرمود: **مُحَمَّدُ بْنُ قَاسِمَ** **نَگَاهَ كَرْدَ وَ فَرَمَدَ:** **مُحَمَّدُ بْنُ قَاسِمَ** تو در مسیر خیر قرار داری ان شاء الله. محمد بن قاسم کسی بود که معتقد به امامت ایشان بود. بعد بلند شد و داخل طوف شد. کسی در میان ما نبود که دعاهای ایشان به او الهام نشود. اما با این حال از یاد می‌بردیم درباره او حرف بزنیم. تا این که در روز آخر سر صحبت باز شد. ابوعلی محمودی گفت: دوستان می‌دانید که این آقا کی بود؟ به خدا قسم که او امام زمانمان بود! گفتم: از کجا متوجه شدی؟ ذکر کرد که هفت سال بود از خدا می‌خواستم تا امام زمان را مشاهده کنم. روزی از روزها که غروب را در عرفه بودیم. مردی را با همین شکل و شمایل مشاهده کردم که دعا می‌خواند. پیشش رفتم و گفتم که کیستی؟ گفت: از همین مردم. گفتم: از کدام مردم؟ گفت: از عرب‌ها. گفتم: از کدام عرب‌ها؟ گفت: از اشرف اعراب. گفتم: آنها کدام طایفه هستند؟ گفت: بنی هاشم. گفتم: از کدام بنی هاشم؟ گفت: از بالاترین طبقه آن. گفت: کسی که سختی‌ها را شکافت، غذا را خوراند و نماز را در حالی که هم در خواب بودند، خواند. فهمیدم که او علوی است. به همین خاطر نیز به او علاقه‌مند شدم. اما ناگهان ایشان را گم کردم. متوجه نشدم که چطور رفت. از افرادی که در اطرافش بودند، سوال کردم او را می‌شناسید؟ گفتند: به او هر سال با پایی پیاده، با ما به حج می‌آید. گفتم: سبحان الله به خدا قسم که رد پایی برای او نمی‌بینم! با دنیایی از اندوه و غصه، به متزلگانم برگشتم و**

خوایدم. ناگهان رسول خدا صلی الله علیه وآلہ را دیدم. فرمود: ای احمد آیا کسی را که به دنبالش بودی، دیدی؟ عرض کردم: او که بود سرورم؟ فرمود: کسی که دیدی امام زمان بود. راوی می‌گوید: وقتی که این حرف را شنیدیم. او را سرزنش کردیم که چرا قبلًا به ما نگفتی. گفت که این اتفاق را از یاد برده بود. همین الان به یادش آمده است.

زيارت امير المؤمنين در روز يكشنه (۸۶)

این زیارت به نقل از کسی است که آن شخص حضرت حجت علیه السلام را در بیداری دیده است. آن حضرت در روز یکشنه که روز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌باشد ایشان را چنین زیارت می‌کردند. اللَّام عَلَى الشَّجَرَةِ التَّبَوَّةِ وَالدُّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيَّةِ سلام بر درخت نبوت و عظمت، هاشمی تابان، که ثمره اش المُمْرَأَةِ بِالْتَّبَوَّةِ الْمُونَعَةِ بِالْإِمَامَةِ السَّلَام عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ از نبوت و رسیدگی آن از امامت است.^(۸۷) سلام بر تو و بر دو پیامبری آدم و نوح السَّلَام عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ که در کنارت خوایده‌اند. یعنی آدم و نوح علیهم السلام سلام بر تو السَّلَام عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِنِ بِقَبْرِكَ وَاهل بیت پاکت. سلام بر تو و بر ملائکه گردآگرد و زائر تو. یا مولای یا امیرالمؤمنین هذا یوم الاحد و هو یوم مک و باشمک ای مولای من، ای امیرمؤمنان، این روز، روز یکشنه است و آن روز تو و به نام تو است. من نیز در این روز مهمان وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَحِارُكَ فَأَضِّهِ فُنْيَ یا مولای وَأَجْرِنِی فَإِنَّكَ كَرِيمٌ وَپناه آورده به شما هستم. بنابراین از من مهمان نوازی کنید. ای مولای من، اجر و پاداش بده. شما بزرگوار و بخشندۀ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَافْعُلْ مَا رَغِبَتِ إِلَيْكَ فِيهِ هستی و مهمان دوست هستی. از سویی هم مأمور به پناه دادن ما شده‌ای. بنابراین کاری را که به شوق آن خدمت و رجوتُه مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَآلِ بَيْتِكَ عَنْدَ اللَّهِ وَبِمَنْزِلَتِهِ عَنْدَكُمْ وَبِحَقِّ رسیده‌ام انجام بده. کاری که امید آن را از تو داشته‌ام. به حرمت ارزش و جایگاهی که نزد خدا دارید و به حرمت ابن عَمَّکَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسِلَّمَ وَعَلَیْکُمْ أَجْمَعِینَ. جایگاهی که خدا پیش شما دارد. همین طور به حرمت پسرعمویت، فرستاده خدا، که سلام و درود خدا براو و خاندانش باد. دعا برای شیعیان

دعای بیست

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان در سامرا^(۸۸) سید بن طاوس رحمه الله^(۸۹) نقل می‌کند که در سامرا بودم. به هنگام سحر دعای امام علیه السلام را شنیدم. بخشی از دعا که برای زنده‌ها و مرده‌هایشان می‌کرد، این جملات بودند: «وَأَبْقِهِمْ أَوْ قَالَ وَأَحْيِهِمْ فِي عَرَّنَا وَمُلْكِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَدُوْتِنَا» «خدایا، آنها را در دوران عزّت و حکومت ما، نگهدار یا فرمودند: زنده کن.» این اتفاق در تاریخ شب چهارشنبه، سیزدهم ذی القعده سال ششصد و سی و هشت رخ داد.

دعای بیست و یکم

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان آلوده^(۹۰) از سید بن طاوس نقل شده است که در سحرگاه و در سردار سامرا مناجات حضرت را شنیده است که ایشان چنین دعا می‌کردند: اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خَلَقْتَ مِنْ شَعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتَنَا وَقَدْ فَعَلْتُمْ ذُنُوبَنَا خدایا، شیعیان از شعاع نور ما و باقی مانده طینت ما آفریده شده‌اند. از طرفی با تکیه کثیره اتکالاً عَلَى حُبْنَا وَوَلَائِتَنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَاصْرِفْ بَرْ مَحْبَّتْ وَوَلَائِتْ مَا، مرتکب گناهان زیادی شده‌اند.^(۹۱) اگر این گناهان میان آنها عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِيتَنَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصْرِفْ لِعْ بَيْنَهُمْ وَقَاصِرْ بِهِمَا وَخُودَ شَمَاسَتْ، آنها را به خاطر رضایت ما، بیخش. اگر میان خودشان است، بیخش و از عَنْ خُمُسِنَا وَأَدْخِلْهُمُ الْجَنَّةَ وَزَخِّرْهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَمَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خَمْسَ ما حَسَابَ كَنْ وَدر بھشت وارد کن و از آتش دوزخ نجات بده و آنها را با أَعْدَائِنَا فِي سَيْخَطِكَ. دشمنان ما در آتش غضب نسوزان. این دعا در بسیاری از کتاب‌های متاخرین و علمایی که به

زمان ما نزدیک هستند و یا معاصر ما می‌باشند، به صورت دیگری نقل شده است که عبارت است از: اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا مِنَ الْخُلُقِ وَنَحْنُ فَاضِلٌ طِيبَتَنَا وَعَجِنُوا بِمَاءِ وَلَائِتَنَا خَدَايَا، شِيعَانَ ما از ما خلق شده‌اند، از باقی مانده طینت و گل ما با آب ولایت ما عجین و مخلوط شده‌اند. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ مَا فَعَلُوهُ إِنَّكَ لَا تُؤَاخِذُنَّ مَنْ يَوْمَ خَدَايَا، آن عده از گناهانی را که به خاطر تکیه بر محبت و ولایت ما انجام داده‌اند، در روز قیامت الْقِيَامَةِ وَلَا تُؤَاخِذُنَّهُمْ بِمَا افْتَرُوهُ مِنَ السَّيِّئَاتِ إِنَّكَ أَمَّا لَنَا وَلَا تُنَاقِصُهُمْ بِبَخْشٍ وَبِاحْتِرامٍ مَا، آنها را برای گناهانی که انجام داده‌اند، نگیر و عذاب نکن و در مقابل يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُقَابِلٌ أَعْيَادَنَا فَإِنْ حَفِظْتَ مَوَازِينَهُمْ فَثَقْلَهُمْ بِفَاضِلٍ حَسَنَاتِنَا. دشمنانمان، آنها را قصاص نکن. اگر هم ترازوی اعمالشان سبک شد، از حسنات ما جبران کن.

دعاهای امام زمان علیه السلام در ماه مبارک ربیع

دعای بیست و دوم

دعای امام زمان علیه السلام در هر روز از ماه ربیع (۹۲) خیر بن عبدالله نقل می‌کند که از جمله نامه‌های امام زمان علیه السلام که به دست محمد بن عثمان عمری رحمه الله رسید دعایی است که در هر روز از ماه ربیع خوانده می‌شود. من آن توقيع را نوشته‌ام. متن توقيع: در هر روز از ربیع این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَلَأَهْمَّ أَمْرِكَ الْمَأْمُونُونَ خَدَايَا، به جَدَّ از تو درخواست می‌کنم با تمام نامها و معناهایی که والیان امورت که مورد اعتماد عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَسِرُونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقَدْرِ تَكَبُّرِ الْمُعْلِمُونَ لِعَظَمَتِكَ تو در حفظ اسرارست می‌باشند، تو را می‌خوانند، آنان که قدرت تو را توصیف و آشکار می‌کنند. أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَسِيَّبَكَ فَجَعَلْتُهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَأَرْكَانًا خَدَايَا، درخواست می‌کنم با آن اراده‌ای که در میان ایشان جاری شد و تو آنها را معادن علم و پایه‌های لِتَوْحِيدِكَ وَآیَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرُفُكَ توحید و نشانه‌ها و مقامات خود قرار دادی، مقاماتی که در هیچ جایی، اگر کسی بخواهد تو را با آن بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَرَقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتَقْهَمُهَا مقامات بشناسد، معطل نخواهد ماند. میان تو و آنها هیچ فرقی نیست. مگر اینکه آنها بندۀ وَرَتْقَهَا بِيَدِكَ بَدُؤُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ اَعْضَادُ وَأَشْهَادُ وَمُنَاهَةُ وَأَزْوَادُ وَمَخْلوقُ تو هستند. امور زندگی و آغاز و بازگشت آنها به سوی توست. آنها یاوران و شاهدان و حفظه وَرُؤَادُ فِيهِمْ مَلَائِكَةَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا وَهَادِيَان وَذَخَارِيَّ وَحَافِظَان وَرَهْبَانَ هَسْتَنَدَ. تو زمین و آسمانت را از آنها پر کردی تا روشن شود أَنْتَ فَبِذِلِّكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوْاقِعِ الْعَرَزِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ. که خدایی جز تو نیست. (۹۳) درخواست می‌کنم به موقعیت غیر قابل شکست تو و به مقامات و نشانه‌هایت، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَشْيَتاً یا باطنًا فِی که بر محمد و خاندانش درود فرستی و ایمان و ثبات قدم مرا افزایش دهی. ظُهُورِهِ وَيَا ظَاهِرًا فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ یا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَاللَّيْلِجُورِ ای باطن در ظهورش و ای ظاهر در باطنش، ای جدا کننده نور از تاریکی، یا مُؤْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ وَمَغْرُوفًا بِغَيْرِ شَيْهِ حَادَّ کُلُّ مُحِيدُودٍ وَشَاهِدٍ کُلُّ ای توصیف شده به غیر باطن و شناخته شده بدون شبیه، ای محدود کننده مَشْهُودٍ وَمُوجَدٍ کُلُّ مُؤْجُودٍ وَمُحْصَى کُلُّ مَعْدُودٍ وَفَاقِدٍ کُلُّ مَفْقُودٍ هر محدود و شاهد هر دیدنی و ایجاد کننده هر شمردنی و معدوم کننده لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ یا مِنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ هر معدوم، معبدی غیر از تو که شایسته برتری و جود باشد، وجود ندارد. وَلَا يُؤْيِنُ بِأَيِّنِ یا مُحْتَاجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ یا دَيْمُومٍ یا قَيْوُمٍ وَعَالِمٍ کُلُّ ای کسی که با چگونگی و کجا بی سوال نمی‌شود. ای پنهان از چشمان، ای دائمی و پایدار مَعْلُومٍ صَلَّ عَلَى عَبِادِكَ الْمُتَكَبِّرِینَ وَبَشَرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ وَمَلَائِكَتِكَ وَعَالَمٍ از هر چیزی، بر بندگان برگزیده و انسان‌های پنهان و ملائکه مقرب و حیوانات الْمُقْرَبَینَ وَبُهْم (بُهْم) الصَّافِينَ الْحَافِينَ وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنا هَذَا بالدار و پیاده و در این ماه گرامی داشته شده و ماه‌های حرام بعد از آن، برکت را الرَّجَبُ الْمُكَرَّمُ وَمَا بَعْدُهُ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرُمُ وَأَسْبَعْ عَلَيْنَا فِيهِ النُّعَمْ نازل کن و نعمت را بر ما کامل نما و قسمت ما را از آن زیاد و قسم ما را خوب گردان. وَأَجْزِلْ لَنَا فِي الْقِسْمِ وَأَبْرِزْ لَنَا فِي

الْقَسْمِ يَا شِمَّكَ الْمَأْعُظَمِ الْأَجِيلَ قسم به اسم اعظم جلیل و اکرمی که بر روز قرار دادی، روشن شد، بر شب قرار دادی، الْمَأْكُرْمُ الَّذِی وَضَعَتْهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَأَغْفَرَ لَنَا تاریک شد. هر گناهی را که از ما می‌دانی و خود ما از آن خبر نداریم، بیخش و ما مَا تَعْلَمْ مِنَّا وَلَا تَعْلَمْ وَاعْصَمْ حَمَنَا مِنَ الدُّنْوَبِ خَيْرُ الْعَصَمِ وَأَكْفَنَا كَوَافِی را از گناهان و معاصی حفظ کن. ما را با قدرت خود کفایت کن و به خاطر حسن توجهات، قَدَرِكَ وَامْنُ عَلَيْنَا بِخُسْنِ نَظَرِكَ وَلَا تَكْلُنَا إِلَى غَيْرِكَ وَلَا تَمْعَنْنَا مِنْ ما را مورد عنایت قرار بده و ما را به دیگری و انگذار و از خیراتت، محروم نگردان خَيْرُكَ وَيَارِكَ لَنَا فِيمَا كَبِيَتُهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا وَأَصْبَلْنَاهُ لَنَا حَبِيَّةً أَشِرَّارِنَا و در بقیه عمری که برای ما در نظر گرفته‌ای، زندگی ما را پر برکت و اسرار پنهانی ما را وَأَغْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ وَاسْتَغْمَلْنَا بِخُسْنِ الإِيمَانِ وَبَلَّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ وَمَا حفظ و امنیت عطا کن و ما را در راستای بهترین ایمان‌ها به کار بگیر و به ما روزه‌داری بعده منَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و ماه‌های بعد از آن، برسان. ای صاحب جلالت و اکرام.

دعای بیست و سوم

دعای دیگری از حضرت در ایام ماه ربیع‌الثانی (۹۴) از جمله دعاها‌یی که بنایه نقل عیاشی از حضرت بقیه الله صادر شده است و به دست حسین بن روح‌رحمه الله رسیده است، دعا‌یی است که در روزهای ماه ربیع‌الثانی خوانده می‌شود. متن دعا: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمُولُودِينَ فِي رَجَبِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَى الثَّانِي وَإِيَّنِي خَدَايَا از تو می خواهم به احترام دو مولود این ماه؛ مُحَمَّدٌ تَقِيُّ اللَّهِ السَّلَامُ وَفَرِنْدَشْ عَلَى النَّقِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ، عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرُ الْقُرْبَ يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ برگزیده‌ترین و بهترین قرب‌ها را بواسطه آنها بر من عطا کنی. ای کسی که خوبی‌ها به خاطر او درخواست طلب و فیما لَدَنِهِ رُغْبَ الْمُسْتَجِبِ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُدَبِّنٍ قَدْ وَبَهْ پاداشی که در نزد اوست، رغبت می‌شود. درخواست می‌کنم، مانند درخواست کسی که آلوده به أَوْبَعْتُهُ ذُنُوبُهُ وَأَوْنَقْتُهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْحَطَّائِيَا ذُنُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَائِيَا گناهان است و گناهانش او را هلاک و عیوبش او را به زنجیر بسته است. در خطاهای ماندگار و در خُطُوبُهُ يَسَأُلُكَ التَّوْيِيَةَ وَحُسْنَ الْأَوْيِيَةَ وَالْتُّرْزُوعَ عَنِ الْحَوْيَيَةِ وَمِنَ النَّارِ آلُودَگَی‌ها زمین گیر شده است. او از تو درخواست بازگشت و رجوع و فاصله گرفن از معصیت و آزادی فَكَاكَ رَقِيَّهِ وَالْعَفْوُ عَمَّا فِي رِبْقِيَّهِ فَأَنَّتِ يَا مَوْلَائِيَ أَعْظَمُ أَمْلِهِ وَثَقِيَّهِ از آتش و گذشت از همه گناهانش را دارد. از طرفی هم تو ای مولایم، بزرگ‌ترین آرزو و تکیه‌گاهش هستی. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَ(وَسَائِلِكَ) رَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ خَدَايَا همین طور درخواست می‌کنم به درخواست‌های شریف و دستاویزهای محکمت تَسْعَمَدَنی فی هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةِ مِنْكَ وَاسِتَعِهِ وَنَعْمَهِ وَازْعَهِ وَنَفْسِ بِمَا که در این ماه مرا با رحمت وسیع و نعمت بی‌پایان و نفسی که تا زمان ورود رَزَقْتُهَا قَانِعَيْهِ إِلَى نُزُولِ الْحِجَافِرَةِ وَمَحِيلِ الْآخِرَةِ وَمَمِّا هِيَ إِلَيْهَا صَائِرَةُ. به قبر و سرای آخرت، به هر چه روزی‌اش کنی، قانع باشد، فرا بگیری.

دعای بیست و چهارم

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه ربیع‌الثانی (۹۵) از مُحَمَّدِ بْنِ ابِی رَوَادِ رَوَاسِی نقل شده است که مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ دَهَانَ به من گفت: بیا به مسجد صعصعه برویم؛ زیرا حضرت امیر علیه السلام در آن نماز خوانده و ائمه هدایت به آنجا تشریف آورده‌اند. به همین جهت مکان مبارکی است. راه افتادیم و به مسجد رفتیم. در همان موقعی که ما نماز می‌خواندیم، مردی از شترش پیاده شد، آن را در سایه بست، و وارد مسجد شد. دو رکعت نماز خواند و با حوصله تمام، آن را طول داد. بعد دست‌هایش را بلند کرد و دعا‌یی را که در ادامه خواهد آمد، خواند. بعد از دعا، بلند شد و سوار مرکب شد تا برود. ابو جعفر دهان به من گفت: نمی‌خواهی برویم و بپرسیم که او کیست؟ بلند شدیم و پیش او رفتیم. گفتیم. تو را به خدا قسم می‌دهیم تو کیستی؟ گفت: به نظر شما ممکن است که من کی باشم؟ دهان گفت: من فکر می‌کنم شما حضرت خضر هستید. به من نگاه کرد و گفت: نظر تو چیست؟ گفتم: نظر

من هم، همان است که دهان گفت! فرمود: به خدا قسم، من کسی هستم که خضر مشتاق دیدار اوست. برگردید من امام زمان‌تان هستم. اما متن دعا: اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنْ السَّابِعَةِ وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ خَدِيَا، ای صاحب عنایت‌های فراوان و گسترده و قدرت جامع و نعمت‌های بزرگ الجمیعه واللّعْم الجبیعه والموابه العظیمه والآیادی الجمیله و عطایای عظیم و هدایای زیبا و با ارزش، ای کسی که با تشییه به دیگران ستوده نمی‌شود والعطایا الجزیله یا من لَمَّا يُعْتَدْ بِتَمْثِيلٍ وَلَمَّا يُمَثَّلْ بِنَظَيرٍ وَلَمَّا يُعْلَبْ و با یاری دشمنان به هم‌دیگر، شکست نمی‌خورد. ای کسی که خلق کرد و روزی داد، بظهیر یا من خَلَقَ فَرَزَقَ وَاللَّهُمَّ فَانْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلَا فَإِذْتَفَعَ مَعْنَى رَا الْهَامَ كَرَدَ وَسَخَنَ گفتن را آموخت، خلقت را آغاز کرد و علویافت و به وَقَدَرَ فَأَخْسَنَ وَصَوَرَ فَأَقْنَ وَاحْتَيَجَ فَأَلْبَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَأَعْطَى نیکویی، تقدیرات عالم را تنظیم نمود و کودکان را در شکم مادران به زیبایی ترسیم فَأَجْزَلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ یا من سَمِّيَا فِي الْعِزَّ فَقَاتَ حَوَاطِرَ الْأَبْصَرِ وَدَنَّا كَرَدَ حَجَّتَشَ رَا ابلاـغ و نعمتش را کامل و عطایش را فراوان نمود. ای کسی که در عزت خود فِي الْلُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ یا منْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا تَنَّدَّلَهُ فِي عَلَوْيَافَتْ وَإِنْقَاصَ دَرَجَّلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ یا من اندازه‌ای رسید که افکار به آن راه مَلْكُوتِ سُلْطَانِه وَنَفَرَدَ بِالْكِبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ فَلَا ضَدَّ لَهُ فِي جَبْرِوَتِ نیافتد. ای کسی که در ملک خود یگانه است و در اوج سلطنتش شریکی برای خود ندارد. در کبریایی شَأْنِه یا منْ حِيَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيَّهِتِه دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَأَنْحِسَرَتْ وَبَرَگَی و نعمت، یکتا شد در نتیجه ضدی برایش متصور نیست. ای کسی که در عظمت وجودش، دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِه حَطَّائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ یا منْ عَنَتِ الْوُجُوهُ دَقِيقَتِرِينَ عَقْلَهَا وَفَكْرَهَا، سُرَگَرْدَانَ وَمَتْحَرِنَدَ وَدَقِيقَتِرِينَ چَشْمَهَا در رؤیت عظمتش، خسته لَهَيَّهِتِه وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِه وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِه مِي شوند و می‌افتد. ای آنکه چهره‌ها در برابر هیبتش، خاضع و گردن‌ها خاشع و دل‌ها هراسانند. أَسَأْلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى در خواست می‌کنم به خاطر این مدح و شایی که شایسته کسی جز تو نیست نَفْسِكَ لِتَدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا صَدِمْتَ الْإِجَابَيَهُ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ و به خاطر عهدی که بر خود بستی تا دعای مؤمنین را اجابت کنی و به خاطر لِلَّدَاعِينَ یا أَسْيَمَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ الْمُبَصِّرِينَ وَيَا أَنْظَرَ النَّاظِرِينَ ضمانتی که درباره اجابت دعای کنندگان نموده‌ای، ای شنوواترین و بیناترین وَيَا أَشَرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و مراقب‌ترین و سریع الحساب‌ترین و حاکم‌ترین و مهربان‌ترین مهربانان. صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمَ النَّبِيِّنَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِه الطَّاهِرِينَ الْأُخْيَارِ بر محمدی د که خاتم پیامبران است و خاندانش دورد فرست و در این ماه، از وَأَنْ تَقْسِمَ لَيْ فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرٌ مَا قَسَّمْتَ وَأَنْ تَحْتَمَ لَيْ فِي بهترین چیزی که تقسیم کردی، به من نیز عنایت کن و بهترین قضای حتمی خود فَصَائِكَ خَيْرٌ مَا حَتَّمَ وَتَحْتَمَ لَيْ بِالسَّعْيَادَه فِيمَنْ خَتَّمَ وَأَخْيَنَی را در مورد عاقبت من قرار بده و عاقبت به خیرم کن. زندگیم را پر برکت و مرگم مَا أَحْيَيْنَی مَوْفُورًا وَأَمْتَنِي مَسِّرُورًا وَمَغْفُورًا وَتَوَلَّ أَنَّ نَجَاتِي را با شادی و بخشش همراه ساز. خود متولی نجات من از سؤالات قبر و بروزخ باش من مُسَاءَلَه الْبَرَزَخَ وَأَدْرَأَ عَنِي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا وَأَرْعَنِي مُبَشِّرًا و نکیر و منکر را از من برگردان و بشیر و مبشر را به من نشان بده. بازگشت مرا وَبَشِيرًا وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا وَعِيشًا قَرِيرًا وَمُلْكًا به بهشت رضوان قرار ده و عیش و ملک بزرگی را عنایت فرما و صبحگاهان کِبِيرًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بُكْرَهُ وَأَصِيَّلًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و شبانگاهان، بر محمدی د و خاندانش سلام و درود فرست. ای مهربان‌ترین مهربانان. سپس می‌گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَأْلُكَ بِعَقْدِ عِزَّكَ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُسْتَهَى رَحْمَتِكَ مِنْ خَدِيَا، تو را به گره‌های عزت که بر پایه‌های عرش خورده اند و نهایت رحمتی که در قرآن کتابیک وَأَسِمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَذِكْرَكَ الْأَعْلَى الْمَأْعَلِيَ وَكَلِمَاتِكَ و عده داده‌ای و اسم اعظم عظیم و ذکر بلند و اعلی و همه مخلوقات کاملت، قسم می‌دهم که بر التَّائَاتِ کُلُّهَا أَنْ تُصَيِّلَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسَأْلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى مَحَمَّدٍ وَخَاندانش درود فرستی. همین طور هر چیزی را که به عهد تو وفا کننده‌تر و حقّت را بِعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْرًا لَيِّ فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ ادا کننده‌تر و راضی کننده خودت و خیر من برای حضور و بازگشت به سوی تو باشد، درخواست والمعادِ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِينِي بِجَمِيعِ مَا أُحِبُّ وَتَصْرِيفَ عَنِي جَمِيعَ مَا می‌کنم. خدایا هر چیزی را که دوست دارم به من عطا کن و هر چه را که از آن بدم می‌آید، أَكْرَهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَئِ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ یَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ. از من دور ساز؛ چرا که تو بر هر چیزی توانایی داری. با رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای بیست و پنجم

زیارت قبور ائمه علیهم السلام در ماه ربیع‌الثانی (۹۶) خیر بن عبد‌الله از ابوالقاسم بن روح‌رحمه‌الله نقل می‌کند که فرمود: اگر در ماه ربیع‌الثانی زیارت حضرات معصومین علیهم السلام رفتی، این طور زیارت کن: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَسْهَدَ أُولَئِكَ إِنَّهُ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ خَدَا رَاثَا مِنْ گوییم که توفیق زیارت اولیای خودش را در ماه ربیع‌الثانی نصیب کرد و آنچه را که از حقّ حکم‌ها ماقضی و حَبَّ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدِ الْمُسْتَبِّبِ وَعَلَى أُوصَيَائِهِ الْحُجُّبِ ایشان بر من واجب بود، واجب ساخت و صلوات خدا بر محمد برگزیده و جانشینان و حافظان دینش. اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْنَا مَسْهَدَنَا فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ خدایا، همان طور که توفیق زیارت‌شان را روزیم کردی، وعده‌شان غیر مخلّین عن ورد فی دار المقامه والخلد. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ را محقق کن و ما را در محل آنان در بهشت وارد کن. و سلام بر شما، **إِنِّي قَدْ فَصَّلْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسِيَّاتِنِي وَحِاجَتِي وَهِيَ فَكَاكُ** که شما را قصد کردم و در درخواست‌ها و نیاز‌هایم به شما تکیه کردم. رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقْرَرُ مَعْكُومُ فی دَارِ الْفَرَارِ مَعَ شَيْعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ. نیاز‌هایم عبارتند از: آزادیم از آتش و همراهی شما و شیعیانتان در بهشت. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنَعْمَ عَقْبَيِ الدَّارِ أَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ سلام بر شما به خاطر صبرت‌ان، که عاقبت نیکو برای صابران است. از شما در آنچه که به شما فیما إِلَيْكُمْ فِيهِ التَّقْوِيْضُ وَعَلَيْكُمُ التَّغْوِيْضُ فِيْكُمْ يُخْبِرُ الْمَهِيْضُ سپرده شده و یا قدرت تعویض دارید، آروزمندم. شکسته با شما بهبود می‌یابد و مریض ویشفی المیریض وعند کم مَا تَزَادُ الْأَرْجَاءُ وَمَا تَغْيِضُ إِنِّي بِسَرَّكُمْ از شما شفا می‌گیرد. شما می‌توانید محبت میان ارحام را افزایش و یا کاهش دهید. من به مُؤْمن وَلَقُولِكُمْ مُسْلِمٌ وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فی رَجْعَتِي بِحَوَائِجِي سَرِّ شما ایمان دارم و سختنان را می‌پذیرم و با شما خدا را قسم می‌دهم که در بازگشت از خانه شما، وَقَصَائِهَا وَإِمْضَائِهَا وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا وَبِسُسُونِي لَدَيْكُمْ وَصَلَّى اللَّهُ إِلَيْكُمْ از مشکلات نجات یابم و در تمام شئون زندگیم به صلاح برسم. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامًا مُوَدَّعٍ وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُوَدَّعٍ يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ سلام بر شما، سلام کسی که وداع می‌کند و حوائجش را نزد شما به امانت می‌سپارد. الْمَرْجَعَ وَسَعْيَهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَأَنْ يُرْجَعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرٌ از خدا توفیق مراجعت به نزدتان را می‌خواهم. همین طور مرا از خدمتتان به مرجع إِلَى جِنَابِ مُمْرَعٍ وَخَفْضٍ مُوَسَّعٍ وَدَعَيْهُ وَمَهَلَ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ بهترین محلی که سرشار از نعمت و وسیع است تا روز مرگم، ببرد وَخَيْرِ مَصَبِّرٍ وَمَحَلٍ فِي النَّعِيمِ الْأَزِلِ وَالْعَيْشِ الْمُفْتَلِ وَدَوَامِ الْأُكْلِ وَبَهْرَيْنِ بازگشتگاه و محل نعمت و ابدیت و زندگی مورد قبول و خوردن و شریب الرّحیق و الشَّلَسِلِ وَعَلَّ وَنَهَلَ لَا سَأَمِ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ دائمی و نوشیدن از رحیق و سلسیل و علّ و نهل را عنایت فرماید، که وَبَرَكَاتُهُ وَتَحْيَاتُهُ حَتَّى الْعَوْدِ إِلَى حَضَرَتِكُمْ وَالْفُؤْزِ فِي كَرَتِكُمْ. هیچ ناراحتی در آنها نیست. تا اینکه به خدمت شما برسم و در زمرة شما و الحشر فی زُمْرَتِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ محشور شوم. سلام و رحمت خدا و برکاتش و صلوات و تحياتش بر شما باد. وَتَحْيَاتُهُ. وَهُوَ حَسْبُنَا وَنَعْمَ الْوَكِيلُ. او ما را کفایت می‌کند و بهترین وکیل است. دعاهای امام زمان علیه السلام در ماه مبارک رمضان**

دعای بیست و ششم

دعای افتتاح در شب‌های ماه مبارک رمضان (۹۷) محمد بن محمد بن نصر سکونی رحمه‌الله نقل می‌کند که از ابوبکر احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم تا دعاهایی را که عمویش محمد بن عثمان عمری رحمه‌الله در ماه رمضان با آنها دعا می‌کرد، به من بدهد. او نیز دفتری با جلد سرخ را به من داد. من از روی آن دعاها زیادی را نوشت. از جمله آن دعاها که در همه شب‌های ماه رمضان خوانده می‌شود، دعا افتتاح است. آن را ملاٹکه می‌شنوند و برای خواننده‌اش، استغفار می‌کنند. متن دعا: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَسِحُ الشَّرَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَيَّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَأَقْنَتُ خَدَايَا، ثَنَاتِ رَا با سَتَایِشَتْ آغَازَ مِنْ كَنْمَ**. تو با عنایت خود، خوبی‌ها را

تشییت می‌کنی. آنکَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ يقین دارم که در موقع عفو، مهربان‌ترین مهربانانی. همان طور که در موقع عذاب النّکالِ وَالنَّقْمَه وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فی مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَه. شدیدترین عقاب کندگانی و در موقع عظمت و بزرگی، عظیم‌ترین متکبران هستی. اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِتَكَ وَمَسَأَلَتِكَ فَاسْتَجِعْ يَا سَيِّمِيعَ مِتْدَحْتَيِ وَأَجِبْ خَدایا خود، اجازه دعا و درخواست دادهای، پس ای شنو به مدح و ثایم گوش بد، ای مهربان، یا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَأَقْلِي یا غَفُورُ عَثْرَتِي فَكِمْ یا إِلَهِی مِنْ كُرْبَیَه قَدْ دَعَا يَمِ را مُسْتَجَابَ کن. ای بخشنده، جلوی لغزش‌هایم را بگیر. ای خدای من، تا کنون چقدر گرفتاری‌ها فَرَجْتَهَا وَهُمُومَ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَهَا قَدْ أَفْلَتَهَا وَرَحْمَهَا قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلْقَهَا که برایم گشودی و چقدر نراحتی‌ها که بطرف کردی و لغزش‌ها که حفظ کردی و رحمت‌ها که منتشر بلاءً قَدْ فَكَكْتَهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَخَذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ کردی و حلقه‌های بلا که دفع کردی. حمد و ثنا خدایی را سزاست که همراه و فرزندی ندارد لَهُ شَرِيكُ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَىٰ مِنَ الدُّلُّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا. و شریکی در ملک و سرپرستی در ذلت‌ها ندارد. او را بزرگ‌تر از آنکه ستایش شود، می‌دانم. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِتِهِ كُلُّهَا عَلَىٰ جَمِيعِ نَعِيمِ كُلُّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حمد و سپاس خدا را، با همه اوصافش و بر همه نعمتهاش. حمد خدایی را که در لآ مُصَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَمَّا مُنَازَعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ ملک خود ضدی ندارد و در اراده‌اش، مخالفی نیست. حمد خدایی را که شریکی در خلقت لَهُ فِي تَحْلِقِهِ وَلَا شَيْءَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاتِحِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ و شیوهی در عظمت ندارد. حمد خدایی را که اراده‌اش را در خلقت فاش کرده و حَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذِي لَا تَنْفَصُ حَرَائِهُ و شکوهش در کرامتش ظاهر شده و دستش در جود باز گشته است. کسی که خزانش کم وَلَمَّا يَسِدُ مُلْكُهِ وَلَمَّا تَزِيدُهُ كَثْرَهُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَابُ. و ملکش از بین نمی‌رود و کثرت عطا‌یا، سخاوت‌ش را بیشتر می‌کند. آری او عزیز و بخشنده است. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَيْهِ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَهِ وَغَنِيَّاكَ عَنْهُ خدایی، من از جود فراوان تو، تنها کمی را درخواست می‌کنم. آنهم با همه نیاز من و بی نیازی تو قَدِيمَهِ وَهُوَ عَنِيدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَيِّهُلْ يَسِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي از آن. آن حاجت برای من بسیار و برای تو آسان است و کوچک است. خدایا، عفوتو و تَحْيِي اُورَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَيْفَحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلَىٰ قِيَحِ عَمَلي از گناهانم و گذشت از خطاهما و ظلم‌هایم و پوشانیدن اعمال بدم و برباریت وَحْلَمَكَ عَنْ كَثِيرٍ جُرمِي عِنْدَ ما کانَ مِنْ خَطَئِي وَعَمَدِي أَطْعَمَنِی فی در برابر جرم‌های فراوانم، مرا به طمع انداخته تا از تو چیزهایی را بخواهم آنْ أَسْأَلُكَ مِمَّا لَمَّا أَشَأْتُهُ جُبْهَهُ مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِی مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرْيَتَنِی مِنْ که شایسته آنها نیستم. تویی که از رحمت خود روزی‌ام دادی و قدرت را نشانم دادی قُدْرَتِكَ وَعَرْفَتِنِی مِنْ إِجَابَتِكَ فَصَرَّتْ أَذْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا و اجابت را برایم روش ساختی. با امنیت خاطر و انس دعا می‌کنم. نه با ترس و وحشت. لَا حَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدِلاً عَلَيْكَ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبَطَأْتِنِیتْ خود را به آسانی بیان می‌کنم. اگر دیر اجابت کنی، از سر نادانی، سرزنش می‌کنم. عَنِّي عَتَّبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الدَّنِي أَبَطَأْتَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ در حالی که شاید دیر شدن اجابت به صلاح من باشد؛ زیرا تو از عاقبت امور آگاهی. بِعَاقِبَهِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلَى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَىٰ عَبْدِ لَئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ. مولایی به بزرگواری تو که بر بنده پستی مانند من تا این حد صبر کند، نمی‌شناسم. یَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِی فَمَأْوَلِي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَبَعَضُ إِلَيْكَ پروردگارا، تو مرا می‌خوانی و من از تو روی می‌گردانم. تو اظهار محبت می‌کنی و من رفتار وَتَوَدَّدَ إِلَيَّ فَلَمَا أَقْبَلَ مِنْكَ كَأَنَّ لَيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ دشمنانه پیش می‌گیرم. تو با من دوستی می‌کنی و من قبول نمی‌کنم. گویا این منم که در حقِ مِنَ الرَّحْمَهِ بِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالْتَّقْصِلِ عَلَىٰ بِجُودِكَ وَكَرْمِكَ تو لطف می‌کنم. اما تو را بنگر، که همه این بی‌ادبی‌ها مانع از احسان و آقایی تو فَارَحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجَدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ. نمی‌شود. خدایا، بر بنده جاهلت رحم کن و با احسان‌ت با او رفتار کن. تو جواد و بزرگواری. الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُبْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ حمد برای خدایی است که مالک مُلک، حرکت دهنده کشته‌ها، تسخیر کننده بادها، دَيَانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ حَلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ طلوع دهنده فجر، قانونگذار دین و پروردگار عالمیان. حمد خدا را، به خاطر حلم بعد از علی عفو بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ طُولِ آنَّا تِه

فی غَضَبِهِ وَهُوَ آگاهی، عفو بعد از قدرت، مهلت دادن بعد از غصب، او که بر هر کاری که بخواهد توانست. **الْقَادِرُ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالقِ الْخَلْقِ وَبَاسِطِ الرِّزْقِ ذِي الْجَلَالِ** حمد خدایی را که خالق مخلوقات و گسترنده سفره، روزی و صاحب جلالت و کرامت است. **وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ** الَّذِي بَعْدَهُ فَلَمَا يُرِي وَقْرَبَ فَشَهَدَ النَّبِيُّوْنَ کسی که دور می‌شود و دیده نمی‌شود. نزدیک می‌شود و زمزمه‌ها را می‌شنود. او که تبارک و تعالی الحمد لله الَّذِی لَیَسْ لَهُ مُنَازَعٌ يُعادِلُهُ وَلَا شَیْءٌ يُشَاكِلُهُ واسع و متعالی است. حمد خدایی را که منازعی ندارد تا همترازی کند. شبیهی ندارد ولما ظهیر یعاضد مده قهر بعزتِ الماعزاء و تواضع لعظمته العظیمه بلغ تا همشکلی کند. یاوری ندارد تا کمک کند. با عزت خود، بر عزیزان عالم غالب شده بقدرتِه ما یشاء الحمد لله الَّذِی یُحیینی حین آنادیه و یسُرُّ عَلَیٰ کُلَّ و در برابر عظمتش، بزرگان عالم تواضع کرده‌اند. او که با قدرتش به خواسته‌هایش عوره و آنا اعضاً یه و یعاظم النعمه عَلَیٰ فَلَا أُجَازِيَهُ فَکُمْ مِنْ مُؤْهِلِهِ رسیده است. حمد خدایی را که هر وقت بخوانم، اجابت می‌کند و با اینکه معصیت کارم، هنیئه قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَهِ مَخْوَفَهِ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَهِ مُونَفَهِ قَدْ أَرَانِي بدیهایم را می‌پوشاند. نعمت‌های فراوانی می‌دهد، در حالی که من چیزی در مقابلشان فُلْثَنِی عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ به او نمی‌دهم. چقدر موهاب گوارایی که عطا کرده و ترس‌های بزرگی که ولما یغلق بِآبَهُ وَلَا يُرُدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيِّبُ آمِلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی يُؤْمِنُ بِرَطْفِ کرده و شادی و سروری که نشانم داده، پس او را ستایش و تسبیح **الْخَائِفِينَ وَيَنْجِي الصَّادِقِينَ وَيَرْفَعَ الْمُسْتَضْعِفِينَ وَيَنْصُرُ الْمُسْتَكْبِرِينَ** می‌گوییم. حمد خدایی را که کوبنده متکبرین و ظالمان، گیرنده فرار کنندگان، ویهلهک ملوکاً و یستاخلف آخرین و الحمد لله قاصِم الْجَبَارِینَ مُبِير عذاب دهنده ظالمان و فریادرس مظلومان، برآورنده حاجات طالبان، مورد الظلمه مُیدرِک الْهَارِيْنَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ صَرِيخُ الْمُسْتَصْرِيْرِ رَخِينَ مَوْضِعَ اعتماد مؤمنان است. حمد خدایی را که از ترسش، آسمان و سکان آن دچار رعد حاجات الطالبین مُعْتَمِدُ الْمُؤْمِنِينَ الحمد لله الَّذِی مِنْ خَشْيَتِهِ و برق می‌شود و زمین و عمارت‌های آن، می‌لرزد و دریاها و تمام آنچه که تَرْعِيْدُ السَّمَاء وَسُكَّانُهَا وَتَرْجِفُ الْمَأْرُضُ وَعُمَّارُهَا وَتَمُوجُ الْبَحَارُ در اعماق آن خدا را تسبیح می‌گویند، دچار موج می‌شوند. حمد خدایی را که وَمَنْ يَسْبُحُ فِي غَمَرَاتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی يَحْلُقُ وَلَمْ يُحْلَقُ وَيَرْزُقُ خلق می‌کند ولی خلق نمی‌شود. روزی می‌دهد و داده نمی‌شود. می‌خوراند ولی ولما یُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعِمُ وَيُمْسِيْتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى خورانده نمی‌شود. زنده‌ها را می‌میراند و مرده‌ها را زنده می‌کند. در حالی که خود، وَهُوَ حَتَّى لَمَا يَمُوتُ يَبْلِدِهِ الْخَيْرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. زنده‌ای است که نمی‌میرد و همه خیرات عالم به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيفِكَ وَحَبِيبِكَ خدایا، بر محمد، بنده و فرستاده و امین و برگزیده و دوست و منتخب و خیرتک مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظْ سِرِّكَ وَمُبْلَغُ رسالاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ و حافظ اسرار و رسانده پیغامها، بهترین و کامل‌ترین و زیباترین وَأَكْمَلَ وَأَجْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْتَى وَأَطْبَى وَأَطْهَرَ وَأَشْنَى وَأَكْثَرَ مَا و پاکترین و رشد کننده‌ترین و بیشتر از آنچه که صلوات و برکات صَلَيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّتَ وَسَلَّتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ و ترحمات و مهربانی‌ها و سلام‌ها را بر احادی از بندگان و انبیاء وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ و پیامبران و منتخبان و محترمین خلقت، فرستاده‌ای بر او فرست. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خدایا، بر علی امیر مؤمنان و جانشین رسول خدا و بر صدیقه طاهره وَعَلَى الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ فاطمه سرور زنان عالم، درود فرست. خدایا، بر دو نوه پیامبر عَلَى سَبَطِ الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَنَيْنِ سَيِّدَيْنَ و دو امام هدایت، حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشت درود شباب اهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَصَلِّ عَلَى أَثْمَمِ الْمُسْلِمِينَ و سلام فرست. خدایا، بر امامان مسلمانان، حجت‌های تو در میان بندگان حُجَّجِکَ عَلَى عِبَادِکَ وَأَمِنَائِکَ فِي بِلَادِکَ صَلَّاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً و امینان تو در شهرهایت، سلام و درود فراوان و دائمی بفرست. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلَى اَمْرَكَ الْقُوَّاتِ الْمُؤْمِنِ وَالْعَدْلِ الْمُسْتَظْرِ خدایا، همین طور بر ولی امرت، قائم آرزو شده و عدل مورد انتظار درود فرست و او را احْفَفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. با ملائکه مقرب خود احاطه کن و با روح القدس تقویتش کن. ای پروردگار عالمیان. اللَّهُمَّ اجْعِلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمِ بِمَدِينَكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ خدایا، او را خوانده به

سوی کتابت و برپا کننده دینت، قرار بده و او را در زمین جانشین خودت بکن. **كَمِّا اسْتَخَلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَنْ لَهُ دِينُهُ الَّذِي ارْتَصَدَ يَتَهُ لَهُ أَبْدِلُهُ همان طور که ائمه قبل از او را جانشین کردی. خداها در اجرای دینش قدرت بده و خوفش را با امنیت مین بعید خویفه آهناً یعبد که لا یُشَرِّکُ بِكَ شیئاً. اللَّهُمَّ أَعْزَهُ وَأَغْزِرُ بِهِ جایگزین کن تا تو را با اخلاص بندگی کند. خداها، او را عزیز گردان و با او دینت را عزیز کن. وَانْصِرْهُ وَاتْتُصْرُهُ وَانْصُرْهُ وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا عَظِيمًا. او را یاری کن و با او دینت را یاری گردان. او را عزیزانه یاری کن و فتح عظیمی را برایش رقم بزن. اللَّهُمَّ أَظْهِرْهُ بِدِينِكَ وَمِلَّهُ بِنِيَّكَ حَتَّى لَمَا يَسْتَخْفِي بِشَئٍ مِنَ الْحَقِّ خداها، دین خود و مكتب نیت را با او ظاهر کن، تا از اظهار هیچ حقی تقيه نکند. مَخَافَةً أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرَغِبُ إِلَيْكَ فِي دُولَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا خداها، دولت کریمه‌ای را می خواهیم که اسلام و مسلمین را با آن عزت بخشی و نفاق الإِسْلَامِ وَأَهْلَهُ وَتَذَلُّلُ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ وَالْهُلْكَةِ را ذلیل کنی و ما را در آن دولت، از داعیان به اطاعت و سرسپردگی **إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سِيَّلَتِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**. در راهت قرار دهی و با آن دولت، بزرگواری دنیا و آخرت را روزیمان کنی. اللَّهُمَّ مَا عَرَقْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا وَمَا قُصِّرْنَا عَنْهُ فَبَلَغْنَا. خداها، آنچه که از حق به ما نشان دادی، عامل به آن کن و اگر قصور کردیم، توفیق بدی. اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعْنَا وَاسْحَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتَقَنَا وَكَثُرْ بِهِ قَلَنَّا خداها، با ظهور او پراکندگیمان را وحدت و شکافهایمان را پر و بردگی هایمان را پیوند و کمی ما را زیاد وَأَعِزَّ بِهِ دَلَّتَنَا وَأَغْنَ بِهِ عَائِلَنَا وَاقْضَ بِهِ عَنْ مَغْرِبِنَا وَاجْبَرْ بِهِ فَقَرَنَا وَذَلِكَنَا را عزت و نیازمندانمان را بی نیاز و بدھکارانمان را بی قرض و فرمان را جبران و شکافهایمان را وَسَدَ بِهِ حَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُشَرَنَا وَبَيَضُ بِهِ وُجُوهَنَا وَفُكَّ بِهِ أَشِيرَنَا محکم و سختی هایمان را آسان و رو سیاهیمان را رو سفیدی و اسیرانمان را آزاد و آرزو هایمان را وَأَنْجِحْ بِهِ طَلَبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعَوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ بَرَآورَدَه و وعده هایمان را محقق و دعا هایمان را مستجاب و بیش از خواسته هایمان عطا کن. ای بهترین فوّق رَعْبِتَنَا یا خَيْرَ الْمَشْتُوْلِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صِدْرُورَنَا درخواست شده و وسیع ترین عطا کنندگان، با ظهورش سینه های ما را شفا و عصبانیت جان هایمان را وَأَذْهَبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبَنَا وَاهْبِدَنَا بِهِ لِمَا اخْتِلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ **إِنَّكَ تَهْدِي** آرام کن و ما را در مواردی از حق که مورد اختلاف است، هدایت کن؛ زیرا تو هر کسی را که بخواهی به راه من تشاء **إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ وَانْصُرْنَا عَلَى عَدُوْكَ وَعَدُوْنَا إِلَهَ الْحَقِّ** آمین. راست هدایت می کنی. ما را در برابر دشمن خودت و ما، یاری کن. معبد حق، دعا هایمان را مستجاب کن. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَيَّنَا وَعَيْنَ إِمَامَنَا وَكَثْرَةُ عَدُوْنَا وَشِدَّةُ الْفِتْنَ خداها، ما از نبودن پیامبر و غیبت امام و زیادی دشمنان و شدّت گرفتاری ها و فتنه های بِنَا وَتَظَاهَرُ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَا عَلَى ذَلِكَ دشمنان و غلبه زمان، شکایت می کنیم. بر محمد و خاندانش درود فرست و بر این گرفتاری ها بفتح مِنْكَ تَعَجَّلُهُ وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٌ تُعْزِهُ وَسُلطَانٌ حق تُظہرہ فائق آور با یک پیروزی از جانب تو که سریع باشد و سلطنت حقی که آشکارش کنی و رحمتی وَرَحْمَةٌ مِنْكَ تَجْلَلُنَاها وَعَافِيَةٌ مِنْكَ تُبَلِّسُنَاها بِرَحْمَةِكَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. که به ما نشان دهی و عافیتی که بر تنمان پوشانی. با رحمت ای مهریان ترین مهر بانان.**

دعای بیست و هفت

دعای دیگری در هر شب از ماه مبارک رمضان(۹۸) **اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَادْخُلْنَا وَفِي عَيْنِ فَارِقَنَا وَبِكَأسِ خداها، بواسطه رحمت ما را در زمرمه صالحان وارد کن و به مقام علیین بالا ببر من مَعِینِ مِنْ عَيْنِ سَلْسِيلِ فَاسِقَنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوْجَنَا و با کاسه‌ای، از آب زلال چشم سلسلی سیراب کن و از حورالعین تزویج نما وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمَخْلُدِينَ كَانُهُمْ لُؤْلُؤَ مَكْنُونٌ فَأَخْدِثُنَا وَمِنْ شِمَارِ الْجَنَّةِ و از پسران ماندگار بهشتی که مانند لولو می درخشنده، برایمان خادم و از میوه های بهشت و لحوم الطیور فَأَطْعَمُنَا وَمِنْ شِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْبَرِقِ وَ گوشت های پرندگان آن، غدا و از لباس های زخیم و نازک حریر برایمان لباس قرار بده. فَأَلْبِسْنَا. وَلَيْلَةُ الْقُدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ معَ وَلِيِّكَ توفیق درک شب قدر و حج بیت الله الحرام و شهادت در راه خودت را به**

همراه و لیت عنایت فرما. **فَوْقُ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةَ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْتَمْعْ دعاهاي صالح و درخواست‌های خوبمان را اجابت کن. ای خالق ما، دعاهايمان را بشنو و استججب لنا و إذا جمعت الألوين والآخرين يوم القيمة فارحمنا و مستجاب کن. زمانی که اولین و آخرين را در روز رستاخیز جمع کردي، به ما رحم کن. وَبِرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَامانًا مِنَ الْعِذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمْ فَلَا تَجْعَلْنَا نجات از آتش و امان از آن را برایمان ثبت کن. در جهنم وارد منما و مع الشیاطین فلما تُغْرِنَا وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تَقْلِبْنَا وَبَا شیاطین همنشین ننما. در خواری و عذابت، ما را نگردان. وَمِنَ الزَّقُومِ وَالصَّرِيعِ فَلَا تُطْعِنَنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبِيَنَا. از زقوم و چرک‌های دوزخ نخوران. با صورت ما را در دوزخ ننداز. وَمِنْ ثَيَابِ النَّارِ وَسِيرَابِ الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْسِيَنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءِ يَا لَإِلَهَ از لباس‌های آتشین و مس‌های گداخته نپوشان. ای کسی که جز تو خدایی نیست، إِلَّا أَنْتَ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَجَّنَا. به حق خودت ما را نجات بد.**

دعای بیست و هشتم

دعای امام زمان علیه السلام بعد از نماز صبح روز عید فطر (۹۹) سکری رحمه الله نقل می‌کند که از احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم تا از دعاها ماه رمضان در اختیارم قرار دهد. از آن دعاهايی که عمويش محمد بن عثمان عمری می‌خواند. او نيز دفتری که جلد سرخی داشت، بیرون آورد. در آن دعاها ماه مبارک رمضان وجود داشت که از جمله آنها دعاي بعد از نماز صبح روز عید فطر بود. متن دعا: **اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَّا مِنِّي وَعَلَيْهِ وَجَعْفَرٌ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ خَدَايَا، مَتَوَجِّهٌ تَوْسِيْدًا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَإِلَهَ از الله عليه وآل‌ه از جلو و علی و جعفرعليهم السلام از پشت سر و از راستم و سایر امامانم عليهم السلام یسمی و آئمیتی عزیزیاری آسییر بهم می‌عذابک و آنقرب إلیکَ زُلْفَی از سمت چشم. به وسیله آنها خودم را از عذابت استار می‌کنم و تقربی را می‌خواهم که احدی لَمَّا أَجِدْ أَحِدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَنْتَنِي فَأَمِنْ بِهِمْ حَوْفَيْ مِنْ نزدیک‌تر از آن نیست. آنها امامان من هستند، به آنها مرآ از خوف عذابت ایمن کن و با عقایک و سیخاطک و اذخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین أصیبیحْت رحمت خود در میان بندگان صالحت داخل گردان. در حالی صبح کردم که به خدا مؤمن و مخلص بالله مُؤْمِنًا مُحْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُتْهِ هستم و بر دین محمد و سنت او و بر دین علی و سنت او و بر دین جانشینان او و سنت‌های وعلی دین الاؤصیاء و سُتْهِ هستم و علمائیت‌هیم و آراغب إلی ایشان می‌باشم. من به نهان و آشکار ایشان ایمان دارم و به همان چیزی که محمد و علی الله یفیما رغب فیه مُحَمَّدٌ وَعَلَى وَالْأُوْصِيَاءِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ وَجَانشینانشان در آنها رغبت نشان دادند، رغبت نشان می‌دهم. مانع و قدرتی غیر از خدا نیست. وَلَا عَزَّةَ وَلَا مَنْعَةَ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ هیچ عزت و ممانعت و سلطنتی برای غیر خدای یکتای قهار عزیز و متکبر نیست. بر او توکلت علی الله و ممن یتوکل علی الله فَوَّحْ حَسِبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرِهِ توکل می‌کنم؛ زیرا هر کسی که بر او توکل کند، خدا کفایتش می‌کند و به خواسته‌اش می‌رساند. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأَرِذْنِي وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي وَاقْضِ لی خدایا، من تو را می‌خواهم، تو هم را بخواه. ثوابت را می‌خواهم، آن را برایم آسان حوائجی فَهِنَّكَ قُلْتَ فی كِتَابِكَ وَقُولُكَ الْحَقُّ شَهْرُ رمضان الَّذِي أُنْزِلَ گردان و نیازهایم را برآورده ساز. تو خود در قرآن فرمودی: «ماه رمضان ماهی فیه الْقُرْآنُ هُدیٌ لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَیٍ وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ» است که قرآن در آن برای هدایت انسان‌ها و روشنگری نازل شده است. (۱۰۰) آری شَهْرِ رمضان بِمَا أُنْزِلَتِ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَضْسِيرِكَ حرمت ماه مبارک رمضان را به خاطر نزول قرآن و اختصاص آن به شب قدر فیه لیله القدر فقلت لیله القدر حیثی منْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَهُ بزرگ داشتی و فرمودی: «شب قدر بهتر از هزار ماه است و ملائکه و روح با والروح فیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَيِّلَامْ هِيَ حَتَّى مَطْلَعَ الْفَجْرِ». اجازه خدا در آن شب تا طلوع فجر برای تقدیر همه کارها نازل می‌شوند. (۱۰۱) اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمْتُ وَقَدْ خَدَايَا، این ماه رمضان هم تمام شد و از آن خارج شدم به آنچه که صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَيْ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مَنِي وَأَحْصَيْتَ لِعِذَابِهِ مِنْ تو بهتر می‌دانی پس درخواست می‌کنم**

خدایا، با آن نام‌هایی درخواست می‌کنم عَدِدِی فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّی که بندگان صالحت با آنها تو را صدا زندن تا بر محمد خاندان علی مُحَمَّد وَآل مُحَمَّد وَأَهْل بَيْتِ مُحَمَّد وَأَنْ تَقْبَلَ مِنِّي مَا تَقْرَبَتْ وَاهل بیت او صلوات بفرستی و همه اعمالی که قصد تقریب داشتم، پذیری بِإِلَيْكَ وَتَنَفَّضَلَ عَلَى بِتَضْعِيفِ عَمَلِي وَقَبُولِ تَقْرِبِی وَقُرْبَیَاتِی و با مضاعف کردن اعمال و قبول تقریب و اعمال و استجابت دعاهايم، وَاسْتِجَابَةً دُعَائِی وَهَبْ لِی مِنْکَ عَنْقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَمُنَّ عَلَیَ بر من تفضل و عنایت کنى و آزادی از آتش را بر من بخشی و رسیدن بِالْفُوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخُوفِ مِنْ كُلِّ فَرَعٍ وَمِنْ كُلِّ هُوْلٍ أَعْيَدْتُهُ به بهشت را روزی گردانی و در روز رستاخیز از هر ترس و صحنه لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ هولناکی که برای قیامت در نظر گرفته‌ای، امان دهی. خدایا، به جمال الصالحین آن یَنْصِرَمْ هَذِهِ الْيَوْمُ وَلَكَ قِيلَى تَبِعَهُ تُرِيدُ آنْ تُواخِذَنِی بِهَا کرامت پناه می‌برم. از اینکه این روز هم بگذرد اما لغش و گناهی اوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ آنْ تُقَائِسِنِی بِهِ وَتُشْتَقِنِی وَتَنَضَّحَنِی بِهِ اوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ نبخشیده بماند و فردای قیامت مرا با آن مؤاخذه و عذاب کنى و آبرویم آنْ تُقَائِسِنِی بِهَا وَتَقْتَصَهَا مِنِّی لَمْ تَغْفِرُهَا لِی وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ را ببری. از تو به حرمت جمال کریمانهات که هر چه را اراده کند، الکریم الفعال لِمَا يُرِيدُ الَّذِی یَقُولُ لِلشَّئِءِ كُنْ فَيَكُونُ لَمَّا إِلَّا هُوَ. انجام می‌دهد و کن فیکون می‌کند، درخواست بخشش دارم. اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ کُنْتَ رَضِیَتْ عَنِی فِی هَذِهِ الشَّهْرِ خدایا، به حرمت لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ درخواست می‌کنم که اگر در این ماه آنْ تَرِیدَنِی فِیمَا بَقَیَ مِنْ عُمُرِی رِضاً وَإِنْ کُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِی فِی هَذَا از من راضی بودی، رضایت را در مابقی عمرم، بیشتر کن. اما اگر الشَّهْرِ فَمِنَ الْآنَ فَارِضَ عَنِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ وَاجْعَلْنِی فِی راضی نبودی، همین الان همین الان، همین الان، راضی شو. و همین الان هَذِهِ السَّاعَةُ وَفِی هَذَا المجلسِ مِنْ عَتْقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَطَلَقَائِكَ مِنْ و همین جایی که نشسته‌ام مرا از آزاد شدگان دوزخ قرار بده. از آنان جَهَنَّمْ وَسِعَدَاءِ خَلْقَكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. که به سعادت مغفرت و بخشایش نایل شدند. ای مهربان ترین مهربانان. اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ آنْ تَجْعَلَ شَهْرِی هَذِهِ خدایا، به حرمت جمال کریمانهات، درخواست می‌کنم که این ماه را از آغاز آفرینشم، خَيْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَبْدُتُكَ فِیهِ وَصُمْتُهُ لَكَ وَتَقَرَّبْتُ بِإِلَيْكَ مُنْذُ بِهِتَرِینِ رَمَضَانِی قرار بده که تو را پرستیده‌ام و روزه گرفته و تقریب جسته‌ام. آن را أَسْكَنْتُنِی الْمَأْرُضَ أَعْظَمَهُ أَجْرًا وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعْمَمَ عَافِيَةً مَأْجُورِتِرِینِ و سرشارترین از نعمت و شامل ترین از عافیت و واسع ترین از روزی وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَفْضَلَهُ عِنْقًا مِنَ النَّارِ وَأَوْجَبَهُ رَحْمَةً وَأَعْظَمَهُ و بافضیلت ترین از جهت رهایی از آتش و لازم ترین از نظر رحمت و بزرگ‌ترین از نظر مغفره وَأَكْمَلَهُ رِضْوَانًا وَأَقْرَبَهُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. مغفرت و کامل ترین از نظر بهشت و نزدیک ترین از نظر آنچه که دوست داری، قرار بده. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ أَخْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَأَرْزُقْنِی الْكَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ خدایا، آن را آخرین رمضانی قرار نده که روزه گرفتم و مکرر توفیق رمضان را نصیبم کن حتی ترضی و بعده الرضا و حتی تخرجنی مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَأَنَّتَ عَنِی تا پیوسته از من راضی شوی و مرا با سلامت کامل از دنیا خارج کنى درحالی که تو راض وَأَنَا لَكَ مَرْضِی. اللَّهُمَّ اجعلْ فِیمَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ از من راضی هستی و مرا راضی کرده‌ای. خدایا، در قضا و قدر حتمی و غير قابل تغیر المحتوم الذی لَمَّا يُرِدُ وَلَمَّا يُبَدِّلَ أَنْ تَكْتُبَنِی وَمِنْ حُجَّاجَ بَيْتِكَ الْحَرَامَ فِی خود، مرا در این سال و هر سال دیگری از حجاج بیت الله الحرام بنویس. حاجیانی هَذِهِ الْعَامِ وَفِی كُلِّ عَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَسْكُورِ سَعِيْهِمُ الْمَغْفُورُ ذُنُوبِهِمُ که حجشان خوب و پسندیده و سعیشان مأجور و گناهانشان بخشیده و اعمال حجشان الْمُتَقَبِّلِ عَنْهُمْ مَنَاسِكُهُمُ الْمَعَافَیَنَ عَلَیَ أَشْفَارِهِمُ الْمُقْبَلَیَنَ عَلَیْ نُسُكِهِمُ قبول و سفرشان در عافیت باشد و با اقبال قلبی مناسکشان را انجام داده اند و جان و مال المحفوظین فی آنفَسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذَرَارِهِمْ وَكُلُّ مَا آنْعَنْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ و نسلشان حفظ شده است. مرا در هر آنچه که به آنها روزی کردی سهیم گردان. اللَّهُمَّ أَقْبِلْنِی مِنْ مَجْلِسِی هَذَا فِی شَهْرِی هَذَا فِی يَوْمِی هَذَا فِی خدایا، مرا در همین مجلس و همین ماه و همین روز و همین ساعتی هَذِهِ مُفْلِحًا مُبْجِحًا مُسْتَجَابًا لِی مَغْفُورًا ذَنْبِی مُعَافَی مِنَ النَّارِ لحظه رستگار و نجات یافته و مستجاب و بخشیده شده و مُعْنَقًا مِنْهَا عِنْقًا لَارِقَ بَعْدَهُ أَبَدًا وَلَا رَهْبَةً يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ. و رها شده از آتش قرار بده. ای پروردگار مریان. اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ آنْ تَجْعَلَ فِیمَا شِئْتَ وَأَرَدْتَ وَقَصَّیَتْ وَقَدَرْتَ خدایا، از تو می خواهم

که در آنچه که خواستی و اراده کردی و حکمت و اندفعت آن تُطیل عُمری و تُسیع فی أَجْلِی وَأَنْ تُقَوَّی و تقدیر نمودی و حتمیت دادی و حکم نمودی، عمرم را دراز کنی و اجلم را از ضَعْفی وَأَنْ تُغْيِی فَقْری وَأَنْ تَجْبَرْ فَسَاقَتِی وَأَنْ تَرَحَّمْ مَشِیکَتِی وَأَنْ یاد ببری و ضعفم را تقویت و فقرم را جبران و نیازها یام را برطرف سازی و بر تُعَزَّ ذُلَّی وَأَنْ تَرَوَعَ ضَعَتِی وَأَنْ تُغْنِی عِمَائِلَتِی وَأَنْ تُونَسَ وَحْشَتِی بیچارگی ام رحم نمایی و ذلتمن راعزت و زمینگیری ام را رفت بخشی و مخارجم را وَأَنْ تُكْثِرْ قَلَّتِی وَأَنْ تُدْرِ رِزْقِی فی عَافِیَةٍ وَیُسِرِ وَخَفْضٍ وَأَنْ تَكْفِینِی تأمین و تنهایی ام را انس و کمیم را زیاد کنی و روزی ام را در عافیت و آسانی ما اهمنی مِنْ اَمْرِ دُنْیَا وَ آخِرَتِی وَلَا تَكِلِّنِی إِلَى نَفْسِي فَأَعْلَجِرْ قَرَادِهِ وَأَمْوَاتِ مشکل دنیا و آخرتم را کفايت کنی و مرا به خودم و انگذاری؛ عنها وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِی وَأَنْ تَعْاِفِنِی فِی دِینِی وَبِلَدِنِی زیرا در این صورت از آنها عاجز خواهم ماند. همین طور مرا به مردم و انگذار که وَجْهِی دِی و رُوحِی وَوُلْمِدِی وَأَهْلِ مَوَدَّتِی وَإِخْوَانِی وَجِيرَانِی مرا خواهند راند. مرا در دین و بدن و جسم و روح و فرزندان و خانواده و دوستان مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ و برادران و همسایگان اعم از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات، زنده و مرده وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ تَمَنَّ عَلَیِ الْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ مَا أَنْتَيَنِی فَإِنَّكَ وَلَیْسَ ایشان، عافیت بخش و امتیت و ایمان تا روزی که زنده‌ام، عنایت کن؛ زیرا تو ولی وَمَوْلَایَ وَثَقَنِی وَرَجَائِی وَمَعْدِنُ مَسْأَلَتِی وَمَوْضِعُ شَكْوَایَ وَمُسْتَهَی و سرور و مورد اعتماد و امید و معدن نیازها و محل گلایها و نهایت علاقه‌های من هستی. رغبته فَلَا تُخَيِّبِنِی فِی الرَّجَائِی یا سَيِّدِی وَمَوْلَایَ وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِی وَرَجَائِی. بنابراین ای سرور و مولایم مرا در امیدم، دست خالی نکن و طمع و امیدم را باطل نگردان. فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَدْمَتُهُمْ إِلَيْكَ أَمَامِی وَأَمَامَ خدایا با محمد و خاندانش به تو متوجه شده‌ام. آنها را در مقابل خود و نیازها و درخواست‌ها حِاجَتِی وَ طَلَبِتِی وَتَضَرَّعِی وَمَسْأَلَتِی فَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِيَهًا فِی الدُّنْيَا وَتَضَرُّعِم قرار داده‌ام. بنابراین مرا به واسطه آنها از آبرومندان و مقربان در دنیا و آخرت وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقْرَرِينَ فَإِنَّكَ مَنَّتَ عَلَیَ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتَمَ لِی بِهِمْ قرار بده. تو با شناساندن آنها بر من لطف کردی، بنابراین به واسطه آنها نیز مرا سعادتمند السَّعَادَةَ إِنَّكَ عَلَیٰ كُلَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ زَيَادَهُ فِیهِ مَنَّتَ عَلَیَ بِهِمْ فَاخْتَمَ لِی گردان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی. در نقلی دیگر فقراتی اضافه می‌باشد: تو با آنها بر من بالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرَّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ لطف کردی، بنابراین به واسطه خودشان نیز مرا سعادتمند و سالم و ایمن و با ایمان و بخشیده و الحفظ یا اللَّهُ أَنْتَ لِكُلِّ حاجَتِهِ لَنِی. فَصَلِّ عَلَیَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنِیَا وَاهلِ بهشت و سعادت و حفظ گردان. ای خدا، من برای همه نیازها یم، تنها تو را دارم. بنابراین وَلَا تُسْلِطْ عَلَیَنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَأَكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ بر محمد و خاندانش درود فرست و به ما عافیت بده و احدي از خلقت را که ما تحمل او را نداشته الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ یا ذَا الْجَلَالِ وَالْكُرَامَ صَلَّ عَلَیَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ باشیم، بر ما مسلط نکن و تمام امورات دنیا و آخرت مان را کفايت کن. ای صاحب جلالت و بزرگواری. کافضل مَا صَلَّیتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمَتَ وَتَحَنَّتَ عَلَیَ إِبْرَاهِیمَ بر محمد و خاندانش درود فرست مانند آنچه از درود و برکات و ترحمات و مهربانی‌ها بر ابراهیم وآل ابراهیم إِنَّكَ حَمِيدٌ مَحِيدٌ و خاندان او فرستادی. همانا تو ستوده و جواد هستی.

متفرقات

دعای بیست و نهم

دعای طلب روزی حلال و دفع حوادث ناگوار بعد از نماز صبح (۱۰۲) این دعا از حضرت بقیه الله به دست محمد بن صلت قمی رسیده است. متن دعا: اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَيْرِ الْمَسْجُورِ خدایا، ای پروردگار نور عظیم و عرش بلند و دریای متلاطم و ای نازل کننده و مُنْزَلُ التَّوْرَاءِ وَالْإِنْجِيلِ وَالرَّبِيعِ وَرَبَّ الظَّلَّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزَلُ الرَّبِيعِ تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و حرارت و نازل کننده زبور و فرقان و الفرقان العظیم وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَرِبِینَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيَنَ آنَّ و پروردگار

ملائکه مقریین و انبیاء و مرسلين. تو خدای همه موجودات آسمانی إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ إِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ و زمینی هستی. غیر از تو معبدی در آنها نیست. تو الزام کننده تمام جبار مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ جَبَارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ لَا جَبَارٌ فِيهِمَا غَيْرُك موجودات آسمانی و زمینی هستی و غیر از تو الزام آوری نیست. تو خالق وَ أَنْتَ خَالِقٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ خَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا خَالِقٌ فِيهِمَا غَيْرُك تمام آسمانها و زمینها هستی و آن دو غیر از تو خالقی ندارند. تو وَ أَنْتَ حَكَمٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا حَكَمٌ فِيهَا غَيْرُك. حکمران در آسمان و زمین هستی و غیر از تو کسی حکمران آن دو نیست. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوْجَهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ الْمُنْبِرِ خَدَايَا، از تو می خواهم به جمال بزرگوارانه و به نور سیمایت که روشنی بخش است و مُلِكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَسْنِي يَا قَيْوُمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقْتَ بِهِ وَ مُلِكَ الْإِلَيْتِ، ای زنده و برپا کننده از تو می خواهم با آن نامی که آسمان و زمین السَّمَاءُوَاتُ وَ الْأَرْضُوَنَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلِحُ عَلَيْهِ الْمَأْوَلُونَ با آن روشن است و با آن نامی که اویین و آخرین با آن اصلاح می شوند. ای زنده قبل از وَ الْآخِرُوَنَ يَا حَيَا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيَا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيَا حِينَ هر زندهای. ای زنده بعد از هر زندهای و ای زنده در زمانی که زندهای نبود لَمَا حَيَ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَ يَا حَيَ يَا إِلَهٌ إِلَّا أَنْتَ يَا حَيَ يَا قَيْوُمُ. و ای زنده کننده مردگان و ای زنده، ای لا اله الا الله، ای زنده و پابرجا. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ درخواست می کنم که بر محیم و خاندانش درود فرستی و از آنجا که گمان می کنم و نمی کنم، أَحْسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَمَآ حَسِبُ رِزْقًا وَ اسْتِعْدَادًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي بِهِ مِنْ روزی دھی، روزی وسیع و حلال و گوارا. همین طور در همه گرفتاری هایم گشايشی کُلَّ غَمٍ وَ كُلَّ هَمٍ وَ أَنْ تُعْطِينِي مِيَا أَرْجُوهُ وَ آمُلُهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ایجاد کنی و آنچه را که امید و آروزیش را دارم، عنایت کنی. همانا تو بر هر چیزی توانا هستی.

دعای سی ام

تسوییح صاحب الزمان علیه السلام (۱۰۳) تسوییح صاحب الزمان علیه السلام از روز هجدهم تا آخر ماه: سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ . خداوند به تعداد مخلوقاتش پاک و منزه است. سُبْحَانَ اللَّهِ رِضاَنَفْسِهِ . خداوند به اندازه دلخواه خودش پاک و منزه است. سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ . خداوند به تعداد کشش مخلوقاتش پاک و منزه است. سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ . خداوند به اندازه وزن عرشش پاک و منزه است. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ . خدا را به اندازه های قبلی حمد و ثنا می گوییم.

پی نوشته ها

۵۲۱

- ۱) مجادله / ۲) مائدہ / ۵۶. ۵. ۳) بقره / ۴۰. ۲۴۹) بقره / ۵. ۲۵۱) بقره / ۶. ۲۵۱) بقره / ۷. ۲۵۱) بقره / ۸. ۲۵۱) حقیقت استخاره:
- استخاره در لغت به معنای درخواست خیر و برکت است. و در اصطلاح به دعا و یا هر عملی گفته می شود که شخص متغیر می کوشد تا به واسطه آنها از خداوند متعال راه صحیح را درخواست نماید و از انحراف مصون بماند. به همین جهت استخاره محدود به قرآن و تسوییح نخواهد شد. بلکه بهترین استخارات شامل دعا هایی خواهند بود که شخص با آنها از خداوند خیر و صلاح را درخواست می کند. به عنوان نمونه می توان به نماز استخاره و دعای استخاره که در مجموعه های مربوطه ذکر شده اند اشاره نمود. استخاره در منابع دینی: اصل استخاره کردن، جزء متواترات و یقینیات دین ما است و کسی که اندک تأملی در منابع روایی داشته باشد، تواتر معنوی استخاره را درخواهد یافت. اقسام استخاره: در منابع روایی پنج نوع استخاره معرفی شده است که عبارتند از: ۱- استخاره با دعا ۲- استخاره با نماز ۳- استخاره با قرآن ۴- استخاره با تکه های کاغذ و از آنجا که دو نوع استخاره با

اولی در مجموعه‌های مربوطه آورده شده است، در مجموعه حاضر تنها به معرفی سه نوع باقی مانده خواهیم پرداخت و از هر کدام به دو روش اشاره خواهیم کرد. جهت دسترسی به انواع استخارات به کتاب نور الجنان از همین مؤلف و یا حواشی مفاتیح الجنان مراجعه نمایید.^۹ فتح الابواب، ص ۲۰۵، دعاء مولانا الامام المهدی. ۱۰) اعراف ۱۱. ۱۲) مانند حقوقی که خداوند متعال طبق حکمت خود در قبال بندگان خویش بر عهده گرفته است؛ مانند هدایت و روزی دادن و امثال آنها ۱۲) مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۳، باب ۶ - استحباب الاستخاره بالدعاه.^{۱۳} روش استخاره با تکه‌های کاغذ: هر گاه قصد استخاره داشتی شش تکه کاغذ بردار و بر روی سه تای آنها بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِ الْغَرِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ أَفْعُلُ» و بر روی سه تای دیگر بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِ الْغَرِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعُلُ» سپس آنها را با هم مخلوط کن و در زیر چیزی که بر روی آن نماز می‌خوانی قرار بده و دو رکعت در همانجا نماز استخاره بخوان. بعد از نماز به سجده برو و صد بار بگو: «أَسْأَلُ تَبَرِّعَ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ خَيْرٌ فِي عَافِيَةٍ» و سپس از سجده بلند شو و بنشین و بگو «اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَاخْتَرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ» در نهایت دستت را به زیر لحاف و یا هر چیزی که بر روی آن نماز می‌خواندی ببر و تکه‌های کاغذ را به هم بزن و یکی یکی خارج کن. اگر سه تا پشت سر هم افعُل ؛ یعنی کلمه آخر دعا: افعُلْ آمد خیر است و اگر سه تا پشت سر هم لا تفعل آمد شرّ است و اگر یکی افعُل و دیگری لا تفعل آمد، تا پنج تکه را یکی یکی خارج کن، هر کدام بیشتر بود به آن اقدام کن. - کافی / ج ۳ / ۴۷۰ / باب صلاة الاستخاره.^{۱۴} مهج الدعوات، ص ۲۸۰. ۱۵) اشاره به آیات ده تا سیزده سوره قمر دارد. ۱۶) مریم / ۵۲. ۱۷) ص / ۱۸. ۳۵ / ۱۹) انبیاء / ۸۳. ۸۷ / ۲۰) نمل / ۲۱. ۴۲ / ۲۲. ۶. ۵ - ۵) مریم / ۲۳. ۱۱ / ۲۴. ۱۲) رعد / ۳۹. ۱۷) یونس / ۲۶. ۸۸ / ۲۷. ۸۹) یونس / ۲۷. ۸۹ / صفات / ۲۸. ۷۵) تفسیرالقمی / ج ۲ / ص ۱۲۹ / إحضار عرش بلقيس ؛مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۷۵ / باب ۳۷- باب استحباب الصلاة المرغبة.^{۲۹} یعنی ما از لطف تو توفیق عبادت یافتیم. ۳۰) مقصود آن است که خداوند متعال انسان را از نعمت عبادت و صحبت و اطاعت خودش بهره‌مند می‌کند. اما به جای اینکه انسان از او به خاطر این نعمت شکر کند، خداوند دوباره از انسان تشکر می‌کند و برای عبادتی که نعمت خودش بوده است، دوباره تشکر کرده و پاداش می‌دهد. این مطلب با تفصیل بیشتر در دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام آمده است.^{۳۱} به این معنا که خداوند متعال خود حدودی را برای انسان تعیین می‌کند. اما زمانی که انسان این حدود را می‌شکند، می‌بخشد.^{۳۲} اجابت دعا غیر از آن است که در همان موقعی که ما می‌خواهیم کار مورد نظر صورت گیرد. به عبارتی ممکن است که کسی از خداوند شفای مريض و یا خانه دار شدن و امثال آن را بخواهد. اما بعد از چند سال محقق گردد. به عبارتی اجابت دعا به آن معناست که در تقدیرات انسان ثبت می‌شود که فلان کار در موقع مناسب انجام گیرد. زیرا کل عالم بر اساس نظامی حرکت می‌کند و در اغلب موارد، دعای ما با مصالح اجتماعی و یا شخصی افراد دیگر در تعارض است. از این رو خداوند به سبب دعا نظام عالم را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در موقعیت مناسب، شخص را به خواسته خودش برساند. به عنوان مثال اگر شما درخواست وام بکنید و با این درخواست موافقت شود، این موافقت بدان معنا نیست که الزاماً وام در همان زمان دلخواه شما، پرداخت شود؛ زیرا بانک باید توانایی خود و درخواست‌های دیگر را بررسی کند و طبق آن مهلتی را برای وصول وام شما تعیین کند. شاید یکی از موارد روشن این مطلب دعای حضرت موسی و هارون علیه السلام در نابودی حکومت فرعون باشد. که خداوند به آنها فرمود: «قَالَ قَدْ أَجِبْتَ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّعَلَّنَ سَيِّلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» یونس / ۸۹) دعایتان مستجاب شد، بنابراین استقامت کنید و به راه گمراهان نروید. شاید برای ما باور نکردنی باشد که؛ اگر چه اجابت دعا در همان لحظه صورت گرفته است. اما تحقق خارجی آن بعد از چهل سال رخ داده است؛ یعنی بعد از چهل سال که خداوند به آنها فرمود: دعایتان مستجاب شد، فرعون سرنگون گردید. این مطلب در روایاتی آمده است که از جمله می‌توان به روایت ذیل اشاره کرد. ابن ابی عمیر عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله علیه السلام قال «کان بین قول الله عزوجل قداجیت دعوتکما و بین اخذ فرعون اربعین عاماً»^{۳۳} الکافی ج ۲، ص ۴۸۹، باب من أبطات عليه الاجابة.^{۳۴} بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۱، الحکایة الرابعة.

از پادشاهان مغول بوده است که معاصر با خوارزم شاه بود و در قرن هفتم هجری می‌زیست. (۳۵) سخن درباره گناهان شیعیانی است که تشیع آنها از روی بصیرت است. کسانی که توان آن را شب و روز می‌پردازند، مورد ظلم قرار می‌گیرند. بدینختی‌ها از هر سو آنها را احاطه می‌کند. اما دست از اعتقاد و حمایت از اهل بیت‌علیهم السلام بر نمی‌دارند. نه کسانی که به تن پروری و ظلم به بندگان خدا عادت کرده‌اند و از تشیع تنها نام علی را یدک می‌کشند. راستی اگر علی زنده می‌شد با این همه آلدگی ما چه می‌کرد؟ آیا آنان را که شب و روز خون بندگان خدا را به شیشه می‌کشند و در مجالس او پول خرج می‌کنند، می‌پذیرفت و آنها را شیعه خود می‌دانست؟! (۳۶) بحارالأنوار، ج ۵۳ / ص ۲۲۵ - الحکایة الخامسة. (۳۷) البلد الامین، ص ۱۵۸. (۳۸) در این موارد، شخص خواسته‌های خود را به هر زبانی که باشد، به زبان می‌آورد و دعا را ادامه می‌دهد. (۳۹) بحارالأنوار / ج ۵۱ / ص ۳۰۴ / باب ۱۵ - ما ظهر من معجزاته؛ مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۳۰۸ - باب استجواب الصلاة؛ فرج المهموم / ص ۲۴۵. (۴۰) الاحتجاج، ج ۲ / ص ۴۹۲. ۵. (۴۱) قمر / ۴۲. در روایات متعددی تصریح شده است که یس نام پیامبر اسلام صلی الله علیه وآلہ وسلم و خاندانش نیز ائمه اطهار علیهم السلام هستند. مانند روایت ذیل: *بِإِسْنَادِهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ قَيْسِ الْعَامِرِيِّ قَالَ سَيِّدُ الْمُعْتَدِلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسُ وَنَحْنُ أَلَّهُ.* بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۸۶ - باب ۶، أسمائه‌صلی الله علیه وآلہ وسلم و معنی کونه صلی الله علیه و آلہ... . (۴۲) زیرا رجعت ائمه، بزرگترین عذاب الهی برای سرکشان است و سنت خدا بر آن است که تا حد امکان به بندگان سرکش خود مهلت می‌دهد. اما اگر باز نگشتند، آنها را به بدترین شکل ممکن عذاب می‌کند و بعد از نزول عذاب، توبه آنها را نمی‌پذیرد. همان طور که وقتی فرعون غرق شد، خداوند توبه او را نپذیرفت. البته نکته قابل تأمل آن است که این نوع توبه‌ها فقط برای فرار از عذاب دنیوی است. به همین جهت اگر این افراد دوباره فرصت پیدا کنند، عهد و پیمان خود را می‌شکنند. همان طور که خداوند در قرآن می‌فرماید که فرعون و خاندان او به نه بلا گرفتار شدند و هر بار با وعده توبه... بلا از آنها برداشته شد. اما دوباره توبه را شکستند. (۴۴) مدرک پیشین. (۴۵) مقصود از محمد در این بخش از دعا، خود حضرت صاحب الزمان می‌باشد. (۴۶) بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶ / باب ۲۸ - الاستشفاع بمحمد و آل محمد علیهم السلام. (۴۷) اگر چه این زیارت نیز مانند قبلی زیارت آل یاسین نام دارد و این زیارت تنها یکبار از آن حضرت صادر شده است اما به صورت متفاوت از حمیری‌رحمه الله نقل شده است. که ما به جهت ارائه زیارت، هر دو را می‌آوریم. (۴۸) مرصاد در لغت به معنای کمینگاه است. که در قرآن از آن یاد شده است. «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ»؛ همانا پروردگارت در کمینگاه، منتظر ظالمان است. (فجر / ۱۴). در روایتی از امام صادق علیه السلام ، مرصاد، به بخشی از پل صراط تفسیر شده است که خداوند در کمین ظالمان است و به آنها اجازه عبور نمی‌دهد و آنها از آن نقطه به جهنم پرت می‌شوند. *عَنْهُ عَيْنُ الْحَجَّاجِ عَنْ غَالِبِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامِ إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ قَالَ قَطْرَةً عَلَى الصَّرَاطِ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ... الْكَافِي، ج ۲ / ص ۳۳۱ - باب الظلم.* (۴۹) بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶ / باب ۲۸ - الاستشفاع بمحمد و آل محمد. (۵۰) المصباح للکفععی / ص ۲۱۹ / الفصل السادس و العشرون فی الحجب؛ بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۷۸ / باب ۵۲ - الاحتجابات المرویة؛ مهج الدعوات / ص ۳۰۲ / حجاب مولانا صاحب الزمان علیه السلام. (۵۱) در اصطلاح روایات، فرائض به احکام قرآنی و سنت به آنچه پیامبر اسلام و یا حضرات معصومین علیهم السلام فرموده‌اند، اطلاق می‌شود. (۵۲) مهج الدعوات / ص ۲۹۴؛ بحارالأنوار / ج ۹۲ / ص ۴۵۰ / باب ۱۳۰ - فی ذکر بعض الأدعیة.

۹۰۵۳

(۵۳) حرز در لغت به معنای قلعه‌ای است که جهت ایجاد فضای امن ساخته می‌شود. از این رو به ادعیه‌ای که جهت ایجاد مصوّتیت در برابر مسائلی چون، بلایا، بیماری‌ها، حیوانات درنده، ساحران و اجهه و امثال آنها، صادر شده است، حرز گفته می‌شود. (۵۴) بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶۵ / باب ۵۰ - بعض أدعیة القائم علیه السلام و أحرازه؛ مهج الدعوات / ص ۴۵ / حرز لمولانا القائم علیه

السلام. ۵۵) کمال الدین / ج ۲ / ص ۵۱۲ / الدعاء فی غیبۃ القائم (عج)؛ بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۷ / باب ۳۱ - ما خرج من توقعاته علیه السلام. ۵۶) روایات زیادی از رسول گرامی اسلام و سایر معصومین علیهم السلام صادر شده است که اگر کسی امام خود را نشناسد و بمیرد، با کفر دوران جاهلیت از دنیا رفته است. احمد بن ادریس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن الفضیل عن الحارث بن المغیرة قال قلت لابی عبد الله علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه وآلہ وسلم من مات لا یعرف امامه مات میتة جاهلیة قال نعم قلت جاهلیة جهله او جاهلیة لا یعرف امامه قال جاهلیة کفر و نفاق و ضلال الكافی ۱/ ۳۷۷ / باب من مات و لیس له امام من ائمۃ. ۵۷) من لا یحضره الفقیه / ج ۲ / ص ۵۲۰ / باب نوادر الحج / ج ۵۸) بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۴ / باب ۳۱ - ما خرج من توقعاته علیه السلام؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۰ / ص ۷۰ - ۳۶۵ / باب استحباب زیارت الہادی. ۵۹) زیرا در دوره غیبت صغیری آن حضرت تحت تعقیب دشمنان بود. به همین خاطر کسانی که به دنبال حضرت بودند، زمینه را برای شناسایی مکان زندگی آن حضرت که غالباً در حوالی سامرا بوده است، فراهم می‌کردند. این مطلب در نامه حضرت بقیة الله به خجندی که تلاش فراوانی برای دیدار با ایشان انجام داد، آمده است. در آن دوره، خفقان به اندازه‌های بود که حتی اسم بردن از حضرت تحریم شده بود. البته در شرایط کنونی هیچ کدام از اینها حرام نیست. نه نام بردن از ایشان و نه تلاش برای دیدار ایشان. ۶۰) بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۲۷۵ / الحکایة الأربعون. ۶۱) ولادت ابو علی، فضل بن حسن بن فضل طبرسی، معروف به امین الاسلام طبرسی در حدود سال‌های ۴۶۰ تا ۴۷۰ هجری در مشهد مقدس به دنیا آمد. نسب طبرسی را بسیاری از بزرگان، منسوب به طبرستان دانسته‌اند که در این صورت طبرسی خوانده می‌شود. مؤلفان بزرگی چون یبهقی وقتی سخن از تأییفات طبرسی به میان آورده‌اند تأییفات او را «کثیر» دانسته‌اند، که طبرسی دارای تأییفات زیادی است. اما آنچه به دست ما رسیده به ۲۰ عنوان نمی‌رسد و قطعاً تأییفات او بیشتر از این مقدار بوده است. وفات: مفسّر بزرگ قرآن و عالم ریانی، امین الاسلام طبرسی پس از حدود ۹۰ سال زندگی سراسر تلاش و مجاهده در سال ۵۴۸ هجری در بیهق از دنیا رفت. بنابر نقل بزرگانی چون علامه سید محسن امین، طبرسی به مرگ طبیعی از دنیا نرفت؛ بلکه به دست دشمنان به شهادت رسید. اما از جزئیات شهادت او اطلاعی در دست نیست. بدین مطهر او را از بیهق به مشهد مقدس انتقال داده و در جوار مرقد امام هشتم شیعیان علیه السلام به خاک سپرده‌اند. به نقل از نرم‌افزار جامع الاحادیث نور ۲ (۶۲) مقصود از مقابر قریش، کاظمین و حرم مطهر امام موسی کاظم علیه السلام و امام محمد تقی علیه السلام است. ۶۳) بحار الأنوار / ص ۳۶۵ / ج ۹۱ / باب ۵۰ - بعض أدعية القائم علیه السلام وأحرازه، العدد القویة / ص ۷۴ / نبذة من أحوال الإمام الحجة علیه السلام. ۶۴) الغیة للطوسی / ص ۲۷۳، بحار الأنوار / ج ۵۲ / ص ۱۷. ۶۵) تعبیر به خواهر از جهت محبت و نزدیکی است نه نسبت خونی و فامیلی. ۶۶) مقصود عالم قبل از تولد و ذریه است که در پشت حضرت آدم علیه السلام وجود داشته‌اند. ۶۷) بحار الأنوار / ج ۸۲ / ص ۲۱۱ / باب ۳۳ - فی القنوتات الطويلة المرويۃ؛ مهج الدعوات / ص ۴۵ / ذکر قنوتات الأئمۃ الطاهرين علیهم السلام. ۶۸) امام حسن علیه السلام از شجاعتی بی‌نظیر برخوردار بود. او کسی بود که در جنگ جمل، از میان باران تیرها عبور کرد و شتر عایشه را پی کرد و ضربه‌ای کاری بر آنها وارد ساخت. او کسی بود که در جنگ صفين بیشترین و خطرناکترین حمله‌ها... انجام داد. در برخی از تاریخ‌های معتبر آمده است که حضرت امیر علیه السلام می‌فرمود: جلوی حسن را بگیرید و نگذارید تا این حد بی‌پروا حمله کند. ممکن است که به او آسیبی برسد. در یک ارزیابی منصفانه از صلح امام علیه السلام باید گفت: صلح امام در شرایط خاص زمانی و مکانی خود، بهترین کاری بود که ممکن بود انجام بگیرد. جفا و خیانت دوستان و عموزادگان، بی‌وفایی مردم در جنگ‌ها، نفوذ فراوان امویان، عدم حمایت بزرگان، خطر حمله روم در اثر تضعیف حکومت مرکزی همه و همه از دلایلی بودند که در تصمیم امام علیه السلام موثر بودند. گذشته از این که صلح گزینه‌ای نبود که امام انتخاب کند. بلکه مردم از جنگ خسته شده بودند و خود خواستار صلح شدند. برای مطالعه بیشتر به کتب مربوطه مراجعه شود. ۶۹) یونس / ۲۴. ۷۰) زخرف / ۵۵. ۷۱) وعده زمانی به کار برده می‌شود که چیز خوبی در انتظار باشد. اما اگر اتفاق بدی در انتظار باشد، به آن وعید گفته می‌شود. ۷۲) بحار الأنوار / ج ۸۲

ص ۲۳۳ / باب ۳۳ - فی القنوتات الطويلة المروية؛ مهج الدعوات / ص ۶۸ / و دعا في قنوه بهذا الدعاء. ۷۳) بحار الأنوار / ج ۹۸

ص ۳۱۷ / باب ۲۴ - كيفية زيارته صلوات الله عليه. ۷۴) مقصود از سرور اوصیای الهی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. ۷۵) سدره المنتهی نام محلی است که در آسمان چهارم قرار دارد. آنجا همان محلی است که جبرئیل از همراهی پیامبر در شب معراج عاجز ماند و نتوانست داخل آن شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام دلیل این نام گذاری چنین بیان شده است که نامه‌های اعمال بندگان در منطقه‌ای پایین‌تر از آن توسط ملائکه الهی ثبت و ضبط می‌شود. از این رو به آن سدره المنتهی گفته می‌شود؛ زیرا اعمال انسان به آن منتہی می‌گردد. ۷۶) پنج تن آل کسae يا آل عبا رسول گرامی اسلام، امیر المؤمنین علیه السلام، حضرت صدیقه کبری و حسین می‌باشند. ۷۷) مقصود از آن لشکریان دشمن است، نه گرگ‌های واقعی؛ زیرا اجسام انبیاء و اولیا بر آنان حرام است. ۷۸) بحار الأنوار / ج ۱۰۱ / ص ۲۷۰ / باب ۲ - كراهة تولي الخصومة؛ إقبال الأعمال / ص ۵۷۳ / فصل فيما نذكره من زيارة الشهداء. ۷۹) از آنجا که تاریخ تولد حضرت بقیه الله دویست و پنجاه و پنج می‌باشد. این توقع یا از آن حضرت نیست و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است و یا اینکه در تاریخ توقع اشتباهی پیش آمده است. ۸۰) مقصود از پسر خوانده زیاد است. زیرا مادر زیاد مرجانه، زنی فاحشه بود و طبق نقل تواریخ از زنای با ابوسفیان زاده شد. به همین جهت معاویه او را برادر خود می‌خواند. از این جهت آن حضرت زیاد را فرزند خوانده می‌نامند که کنایه از ولد الزنا بودن آن است. به یقین فرزند این فرزند خوانده کسی غیر از ابن زیاد نخواهد بود که کاروان کربلا را به خاک و خون کشید. ۸۱) بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۲۲۶ - الحکایة السادسة. ۸۲) الغيبة للطوسی / ص ۲۶۰؛ دلائل الإمامة / ص ۲۹۸ / معرفة من شاهد صاحب الزمان علیه السلام؛ بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۱۸۷ / باب ۳۵ - الأدعية المختصرة المختصة؛ کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۷۰ / ۴۳ - باب ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه.

۸۳) غافر / ۸۴. ۶۰. ۸۵) زمر / ۸۶. ۵۳) بحار الأنوار / ج ۹۹ / ص ۲۱۲ / زیارت امیر المؤمنین علیه السلام؛ جمال الأسبوع / ص ۳۱ / زیارت امیر المؤمنین علیه السلام ۸۷) به این معنا که میوه درخت ریشه می‌گیرد و کمال و رسیدگی آن میوه از امامت است و بدون امامت نارس خواهد بود. ۸۸) بحار الأنوار / ج ۵۲ / ص ۶۱ / باب ۱۸ - ذکر من رآه صلوات الله علیه؛ مهج الدعوات / ص ۲۹۶. ۸۹)

سید ابن طاووس ولادت: سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجاد علیهم السلام در روز ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در شهر حله به دنیا آمد. تحصیلات: ابتدای تحصیلات سید ابن طاووس در شهر حله بود که از محضر پدر و جد خود، ورام بن ابی فراس علوم مقدماتی را آموخت. سید با درکی قوى و هوشی سرشار قدم در راه علم نهاد و در اندک زمانی از تمام هم‌شاگردی‌های خود سبقت گرفت. وی در کشف المحجة می‌گوید: «وقتی من وارد کلاس شدم آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم». او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی‌نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تنها‌یی مطالعه نمود. شخصیت اجتماعی: سید بن طاووس در بین علما و مردم زمان خویش از احترام خاصی برخوردار بود. او علاوه بر این که فقیهی نام آور بود ادبی گرانقدر و شاعری توانا شمرده می‌شد، گرچه شهرت اصلی او در زهد و تقوی و عرفان است و اکثر تأییفات او در موضوع ادعیه و زیارات می‌باشد. سید کتابخانه بزرگ و بی‌نظیری داشت که از جدش به ارت برده بود و به گفته خودش تمام آن کتاب‌ها را مطالعه کرده یا درس گرفته بود. نقابت سادات: در دوران اقامت ابن طاووس در بغداد از سوی خلیفه عباسی، المستنصر، پیشنهادهایی مانند وزارت، سفارت و... به او شد؛ اما سید هیچیک را نپذیرفت و استدلالش برای خلیفه چنین بود که: «اگر من طبق مصلحت شما عمل کنم، رابطه خویش را با خداوند قطع می‌نمایم و اگر طبق اوامر الهی و عدل و انصاف حرکت کنم، خاندان تو و بقیه وزرا و سفرا و فرماندهان تو آن را تحمل نخواهند کرد و چنین خواهند گفت که علی بن طاووس با این رویه می‌خواهد بگوید، اگر حکومت به ما بر سر اینچنین عمل می‌کنیم و این روشی است برخلاف سیره حکمرانان قبل از تو و مردود دانستن حکومت‌های آنهاست». سید در سال ۶۶۱ هجری نقابت علیوان را پذیرفت. نقیب بزرگترین شخصیت علمی و دینی سادات بود که کلیه امور مربوط به سادات را

عهده دار می‌شد. این وظایف شامل قضاؤت مشاجرات، رسیدگی به مساکین و مستمندان، سرپرستی ایتم و... می‌شد. البته ایشان تأکید دارد که تنها به خاطر حفظ جان دوستان و شیعیانی که در معرض قتل و غارت مغول قرار داشتند این منصب را پذیرفته است. وفات: سید علی بن طاووس در سال ۶۶۴ هجری در سن ۷۵ سالگی و در شهر بغداد وفات نمود. بدن شریفش را به نجف اشرف منتقل نموده و در حرم امیر المؤمنین علیه السلام به خاک سپردند. ^(۹۰) بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۳۰۲ / الحکایة الخامسة و الخمسون.

۱۰۳ ق ۹۰

(۹۱) البته مقصود برداشته شدن تکلیف از شیعیان نیست؛ زیرا در روایات متعددی آمده است که ما خدا را با ورع عبادت می‌کنیم. شما نیز با ورع عبادت کنید و به امید شفاعت به دنبال ما نیفتید. به قطع اعتقاد به اینکه ولايت اهل بیت انسان را از عمل بی‌نیاز می‌کند، مطابق با عقاید غلات است. ایشان در موارد بی‌شماری تأکید کرده‌اند، کسی که عمل صالح انجام ندهد، به عذاب الهی مبتلا خواهد شد. نکته عقلی که دلیل قطعی بر این مطلب می‌باشد، آن است که اگر ولايت اهل بیت علیهم السلام انسان را از عمل بی‌نیاز می‌کند، در این صورت خود ائمه برای چه از سوی خدا انتخاب شده‌اند؟! آیا غیر از این است که آنها برای هدایت سایر انسان‌ها قرار داده شده‌اند؟ آیا غیر از این است که امام حسین علیه السلام برای برپایی دین به شهادت رسید؟ راستی اگر حبّ صوری ایشان کافی بود، نیازی به دین باقی می‌ماند؟ آیا کسی با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می‌کرد؟ بنابراین مقصود از این ادعیه کسانی هستند که اهل عبادت و تلاش در دین هستند، اما با این حال گاه و بی‌گاه لغزش‌هایی نیز برایشان رخ می‌دهد، که در این صورت با شفاعت و دعای اهل بیت علیهم السلام وارد بهشت خواهد شد. مؤید مطلب آن است که امام از این گناهکاران با عنوان شیعه یاد می‌کند. در حالی که در روایتی امام باقر به جابر جعفری می‌فرمایند: کسانی که اهل معاصی هستند و مدّعیند که ما را دوست دارند، دروغگویانی بیش نیستند. نکته پایانی آن است که این مسئله غیر از مقامات والای است که انسان تنها باید با تلاش خود به آن دست برسد؛ زیرا این نوع از دعاها که از اهل بیت علیهم السلام صادر شده است، برای نجات دادن از آتش است، نه برای مقام قرب؛ زیرا مقامات مقرّبین و ابرار بر اهل معصیت حرام است. ^(۹۲) إقبال الأعمال / ص ۶۴۶ / فصل فيما نذكره من الدعوات؛ البلد الأمين / ص ۱۷۹ / شهر رجب؛ المصباح للكفعمي / ص ۵۲۹ / الفصل الثالث والأربعون؛ بحار الأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۲ / باب ۲۳ - أعمال مطلق أيام شهر رجب. ^(۹۳) مقصود آن است که اهل بیت علیهم السلام در اثر عبادت و استعدادهای ذاتی، تجسم صفات خدا شده‌اند. از این رو توحید خدا با وجود آنها آشکار شده است. معنای این سخن که میان شما و خدا تفاوتی غیر از این نیست که شما بندگان او و مخلوق او هستید؛ آن است که شما هیچ چیزتان از خودتان نیست. همه چیزتان از خداست. اما به جهت عبادت و بندگی، تبلور صفات او شده‌اید. خدا با چشمان شما می‌بیند و با پاهایتان قدم بر می‌دارد. همان جمله معروف که عمر درباره علی علیه السلام به آن جوان گناهکار گفته بود: چشم خدا تو را دید و دست خدا تو را زد! ^(۹۴) إقبال الأعمال / ص ۶۴۷ / فصل فيما نذكره من الدعوات؛ البلد الأمين / ص ۱۸۰ / شهر رجب؛ بحار الأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۳ / باب ۲۳ - أعمال مطلق أيام شهر رجب. ^(۹۵) بحار الأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۱ / باب ۲۳ - أعمال مطلق أيام شهر رجب. ^(۹۶) إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فيما نذكره من زيارة مختصة بشهر رجب؛ مصباح المتّهجد / ص ۸۲۱ / زيارة رواها ابن عیاش؛ بحار الأنوار / ج ۹۹ / ص ۱۹۵ / باب ۸ - الزيارة الجامعه. ^(۹۷) إقبال الأعمال / ص ۵۸ / فصل فيما نذكره من دعاء الافتتاح؛ تهذیب الأحكام / ج ۳ / ص ۱۰۸ / دعاء أول يوم من شهر رمضان. ^(۹۸) الاقبال / ص ۶۱ - دعاء آخر في كل ليلة منه. ^(۹۹) إقبال الأعمال / ص ۲۷۵ / فصل فيما نذكره من صلاة الفجر يوم الفطر؛ بحار الأنوار / ج ۸۸ / ص ۱ / باب ۲؛ أدعية عید الفطر؛ مصباح المتّهجد / ص ۶۵۵ / الدعاء بعد صلاة العید. ^(۱۰۰) بقره / ۱۸۵ . ۱۰۱) سوره قدر. ^(۱۰۱) إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فيما نذكره من زيارة مختصة؛ مصباح المتّهجد / ص ۸۲۱ / زيارة رواها ابن عیاش؛ بحار الأنوار / ج ۸۳ / ص ۱۷۱ / باب ۴۳ - التعقیب المختص بصلاه

الفجر. ۱۰۳) الدعوات / ص ۹۴ / تسبیح الحسن بن علی الزکی علیه السلام؛ بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۲۰۷ / باب ۳۷ - عوذات الأيام.